

درسنامه مهدویت ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

درسنامه مهدویت

نویسنده:

خدامراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درسنامه مهدویت جلد ۱

مشخصات کتاب

سرشناسه : سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۶-

مشخصات ظاهری : ۴ج.

شابک : دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵ : ؛ ۲۵۰۰۰ ریال : ج.۱ : ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴ ؛ ۲۵۵۰۰ ریال : ج.۱، چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲-۸۳۲-۳ : ؛ ۳۵۰۰۰ ریال : ج.۲ ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲ : ؛ ۲۵۰۰۰ریال (ج.۲، چاپ اول) ؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ پنجم) ؛ ۳۵۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ ششم) ؛ ۷۰۰۰۰ ریال: ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸ :

یادداشت : ج.۱ (چاپ پنجم : ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۱(چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۲ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت : ج.۲ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۷).

یادداشت : ج.۲ (چاپ ششم: ۱۳۸۸).

یادداشت : ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) .

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱. حضرت مهدی (عج) از ولادت تا امامت.- ج۲. حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت.- ج.۴. حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/س۸۷۳د۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۴۶۲۴۹

ص: ۱

اشاره

درسنامه مهدویّت (۱)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از ولادت تا امامت

خدامراد سلیمیان

ص: ۴

درسنامه مهدویّت (۱)

مؤلف/ خدامراد سلیمیان

صفحه آراء/ رضا فریدی

قطع/ وزیری

چاپ/ پارسانگار

نوبت چاپ/ سوم، زمستان۸۶

قیمت/ ۲۵۵۰ تومان

تیراژ/ ۳۰۰۰ جلد

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویّت/ خیابان شهداء (صفائیه)/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان

ص.پ۱۱۹-۳۷۱۳۵ m تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ m فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف/

mص.پ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک دوره: ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵

شابک ج۱: ISBN: ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴

مقدمه ناشر

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری حضرت امام خمینی قدس سرّه طوفانی را در اندیشه ها و نگرش های عصر حاضر بوجودآورد. این انقلاب که ریشه هایی در گذشته و انقلاب عاشورا و نگاهی به آینده و انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف داشت، مکتب های بشری را با نیرومندی تمام به چالش کشید و آرمانهای تازه ای را در برابر دیدگان قرار داد.

از پیآمدهای این چالش، توجه جدی در سطح بین المللی به موضوع مهدویّت و آموزه های دینی اسلام و دیگر ادیان توحیدی در این زمینه بود. این توجه، بیش از پیش، ضرورت تبیین و بازشناسی این اندیشه را پدیدار ساخته است.

اگرچه دانشوران سترگ مکتب اهل بیت علیهم السلام در این عرصه از نهایت ظرفیت خود بهره برده و آثار فاخر و قابل تقدیری را تقدیم شیفتگان نموده اند، ولی هم چنان این عرصه نیازمند بازشناسی های روزآمد و نوین است.

البته بحث به اقتضای ماهیت خود دارای افق های مبهمی است که برخی تا هنگامه آن قیام جهانی باقی خواهد ماند. و این بدان معنا است که آنچه امروز در دست است، تمام بحث های مورد نیاز نیست.

اندیشه مهدویّت باورسترگی است که ریشه در اعماق تاریخ دارد، جریان خروشان این تفکر در بستر ادیان و مذاهب و فرهنگ بشری، انبوهی از آگاهی ها، آرمان ها، افسانه ها و تخیلات را فراهم آورده است. در این معرکه تشخیص حق از باطل، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در راستای برنامه های خود در عرصه ترویج مهدویت و پیرایش آن از خرافه ها و پیرایه ها، و تحکیم بنیان های رفیع آن اصل اساسی اسلام، در کنار برنامه های دیگر، به انتشار کتاب های ارزنده و مورد نیاز در این زمینه دست یازیده است.

با توجه به گسترش مباحث مربوط به مهدویت در سطح جهان و فقدان متن مناسب آموزشی برای این مهم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف گام نخست را در این زمینه به پژوهشگر ارجمند، جناب حجت الاسلام والمسلمین سلیمیان واگذار کرد، ایشان با توجه به سوابق پژوهشی و نیز مشاوره با اساتید مرکز تخصصی مهدویّت به انجام این مهم همت گماشت و بخش نخست «درسنامه مهدویت» را آماده کرد.

امید است در آینده نزدیک بخش های بعدی نیز آماده و به علاقه مندان تقدیم گردد.

بدون تردید این مجموعه به عنوان نخستین متن آموزشی مهدویت کاستی هایی دارد، امید است اندیشوران دلسوز علاوه بر آن که به دیده اغماض می نگرند، تذکرات لازم را جهت اصلاح به این مرکز منعکس نمایند.

در پایان ضمن تقدیر و سپاس از نویسنده و همه اساتیدی که ما را در انجام این مهم، مساعدت کردند برای آنان از درگاه خداوند توفیق بیشتر خواستاریم.

امید است تلاش همه آن عزیزان مورد قبول و نظر حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه قرار گیرد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مرکز تخصصی مهدویت

فهرست مطالب

پیشگفتار

کشتی ای را در دریـایی طوفـانی در نظر بگیریـد. در یک فرض ممکن است افراد این کشتی باور کننـد که اطرافشان تا هزاران فرسنگ، هیچ ساحل نجاتی وجود ندارد و توشه اندکی همراه دارند؛ به راستی آنان چه خواهند کرد؟ آیا هیچ تصوّر می شود که حرکتی کنند؟ نه؛ چون پذیرفته اند که مرگشان حتمی است!!

فرض دیگر این است که افرادِ آن کشتی، به یقین بداننـد که در نزدیکی‌شان، ساحل امن و نجاتی وجود دارد. این افراد چه می کنند؟ قطعاً اینها تلاش می کنند تا خود را به ساحل برسانند.

همین قدر که امید در دل انسان به وجود آمد، مرگ سایه خود را جمع می‌کند و کنار می‌رود. امید موجب می شود، انسان تلاش و حرکت کند، پیش برود، مبارزه کند و زنده بماند.

مَثَلِ بشـریّت، در طول تاریخ و در حیات اجتماعی، مَثَلِ همان سرنشـینان کشتی طوفان زده است که همیشه گرفتار مشکلاتی از سوی قدرتمندان، ستمگران و حکمرانان بوده است. دسته‌ای نجات را آرزویی دست نیافتنی تلقی کرده و گروهی با استفاده از آموزه های دینی، آن را وعـده ای الهی و تخلّف ناپذیر انگاشـته اند. گروهی در راه برون رفت از آن مجاهدت کرده و عدّه ای سر تسلیم فرود آورده اند

باورداشت موعود و منجی که در آموزه های اسـلام با عنوان «مهـدویّت» مطرح شـده همان اعتقاد به وجود ساحل نجاتی اسـت که انسان های گرفتار را به آینده ای روشن و سرشار از

آرامش و آسایش نوید می دهد.

ایمان به مهدویّت، باورداشت و ایمان به ذخیره آخرینِ هستی، ثمره تمامی رسالت ها، منبع همه کمالات، سرچشمه همه خیرات و جلوه‌گاه تمامی نیکی ها و زیبایی ها است.

پذیرش مهدویّت، گشودن چشم اندازی زیبا، به جهان آینده ، امیدی لذّت بخش، به آینده روزگار و رویکردی جدّی و نوید بخش به انسان و آینده انسان است.

اعتقاد به مهدویّت، امید را در دل ها زنده کرده، مانع تسلیم شدن در برابر ستم می‌شود.

ملّت‌های با ایمانی که حضور قطب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند، از حضور او امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند.

با تکیه بر همین امید درخشان بود که ملّت بزرگ ایران، به رهبری بنیان گذار جمهوری اسلامی امام خمینی قدس سرّه، پرچم اسلام را به اهتزاز در آورد و افتخار طول تاریخ بشر و تاریخ اسلام شد.

آرزوی همگان آمدن چنین شخصیت گران قدری است تا عُقده های فرو خورده انسان ها در طول تاریخ با تجلیّات ظهورش گشوده شود و چشم های منتظر، با روشنای طلوعش، روشنایی گیرند و تار و پود ظلم و ستم نابود گردد.

به باور پیروان بیشتر ادیان و مذاهب، روزی فرا خواهد رسید که دست توانمند پروردگار، در بُرهه ای از تاریخ، از آستین انسانی برتر، معجزه‌گری خواهد کرد و برگ های فرجامین کتاب زندگی بشری را با نجات از ستم و بیداد به سر انجام خواهد رساند.

همه فرقه های اسلامی، معتقدند: آن دست معجزه گر، کسی نیست، مگر رادمردی از سلاله پاکِ آخرین فرستاده خداوند، پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، که روزی آشکار خواهد شد و جهان را به نور عدل و داد آکنده خواهد ساخت.

البته شیعه بر خلاف گروه های دیگر این شخص بزرگ و دست قدرت خداوندی را به خوبی می شناسد و با تاریخ ولادت و نام مقدس او و پدر و مادر عزیزش آشنا است؛ در حالی که دیگران اینها را نمی دانند.

این شناخت و اعتقاد علاوه بر ابعاد منطقی، فکری و استدلالی دارای جنبه های عاطفی، معنوی و ایمانی عمیق و بسیار مهمّی است که همواره سرمایه عظیم حرکت های بزرگ در جوامع اسلامی و به ویژه شیعی شده است.

توجه به این نکته بایسته است که عصر انتظار، عصر آزمایش های بزرگ است. در این دوران انسان ها به شکل های مختلف امتحان می شوند و تنها کسانی از این میدان سربلند بیرون می آیند که ایمان خود را حفظ کرده، در مقام عمل، گوی سبقت از دیگران بربایند.

به لطف الهی اعتقاد به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیعه را تا امروز از تمامی موانعی که بر سر راهش قرار داشته، به خوبی عبور داده است و امروزه عزّت و سربلندی اسلام و قرآن، میراث گران بهایی است که در پرتو این باور سترگ به دست آمده است.

البته دشمنانِ تفکر و اعتقاد به مهدویّت، همواره تلاش کرده اند تا با القای یأس و ناامیدی در دل مردم و یا پراکندن شبهات، آن را از ذهن ها پاک سازند و یا مفاهیم اعتقاد به مهدویّت را تحریف کنند!! از این رو لازم است در برابر این تلاشِ دشمنان، با استواری در جهت اعتقاد و تبیین حقیقت «مهدویّت» حرکت کنیم ... به یقین جامعه ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه ای است که همه پیامبران بزرگ الهی علیهم السلام، برای تهیه مقدمات آن مبعوث شده‌اند؛ یعنی، ایجاد جامعه ای که بشریّت در آن، بتواند به رشد وکمال متناسب خود برسد و از تمامی قید و بندها رهایی یابد و امام گام نهایی را در ایجاد جامعه موعود بر می‌دارد.

نگارنـده با توجه به این مسائل، بر آن شـد تا به حول و قوه الهی، به آرزوی دیرینه خود تـدوین درس‌نامه مهـدویّت جامه عمل بپوشاند. به ویژه آنکه با توفیق الهی و عنایات حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مساعدت دوستان، مجموعه ای را با نام فرهنگ نامه مهدویّت آماده نموده و به وسـیله بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ و منتشر ساخت.

اما آنچه پیش روی شـما خواننـده محترم قرار دارد، اوّلین بخش از مجموعه ای چهار جلـدی با عنوان حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا امامت است. در این جلد به بحث و بررسی درباره موضوع مهدویّت از ابتدای شکل گیری، تا آغاز امامت حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف پرداخته شـده است. در جلد دوم با عنوان حضـرت مهدی عجل الله تعـالی فرجه الشـریف و دوران غیبت مباحث مربوط به پنهان زیستی آن امام بیان خواهـد شـد. در جلـد سوم با عنوان حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از ظهور تا قیام به بررسی موضوعات مربوط به ظهور و مسائلی که تا قبل از قیام حضرت رخ می نمایـد، اشاره خواهـد شد. بالاخره در جلد چهارم حکومت جهانی ایشان با عنوان حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی بررسی خواهد شد.

نگارنده افتخار دارد مدتی از عمر خود را به مطالعه و پژوهش در باره مهـدویّت سپری نموده و بیش از ۲۵۰۰ روایت نورانی را از حدود یکصد منبع اوّلیه شـیعه و سـنّی مورد بررسی و کنکاش قرار داده و صدها کتاب مربوط به این موضوع مهمّ را مطالعه کرده است.

بر این اسـاس این مجموعه را به عنوان قـدمی کوچک در راه ترویـج فرهنگ متعالی مهـدویّت تقـدیم می دارد و با اعتراف به نقص ها، امیدوار است با تلاش دیگر ارادتمندان به ساحت مقدس مهدوی، هر روز شاهد کارهای بهتری در این زمینه باشیم.

در پایان بر خود لازم می دانم از تمامی دست اندر کاران بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز تخصصـی مهدویّت به ویژه از حجت الاسـلام و المسـلمین مجتبی کلباسی به جهت تلاش های خالصانه شان جهت چاپ و نشـر این مجموعه و نیز اساتیـد محترمی که با راهنمایی و نظرهای خود این حقیر را یاری فرمودنـد، کمال سـپاس و امتنان را داشته باشم.

و توفیق از خداوند است

خدامراد سلیمیان

درس اول: اندیشه موعود در ادیان ابراهیمی

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی اجمالی اندیشه موعود در:

آیین یهودیّت

آیین مسیحیت

پیش درآمد

امید به آمدن «مصلح بزرگ آسمانی»، در آینده‌ای روشن و استقرار عدالت و صلح فراگیر و همگانی، امری فطری است. این انگاره با وجود آدمی، آمیخته شده است و محصور در زمان و مکان و ویژه قوم و ملتی خاص نیست.

همه افراد، طبق فطرت ذاتی خود، منتظرند جهان در پرتو ظهور رهبری الهی و آسمانی و با تأیید و عنایت پروردگار، از ظلم و ستم نجات یافته، از نا بسامانی‌ها، نا امنی ها و تیره روزی‌ها خلاص شوند و سرانجام به کمال مطلوب و زندگی شرافتمندانه، نایل آیند.

در بیشتر ادیان و مذاهب جهان، از مصلحی سخن به میان آمده که در آخرالزّمان ظهور کرده و به جنایت ها و خیانت ها خاتمه خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی، بنیان خواهد نهاد. تمامی پیامبران و سفیران الهی نیز در این زمینه به مردمِ با ایمان جهان، نویدهایی داده اند.

پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، درباره نام آن بزرگوار با هم اختلاف نظر دارند. مسلمانان با ارائه کامل ترین تصویر، او را با نام «مهدی موعود» می شناسند.

عقیده به ظهور « نجات دهنده» و امید به یک « آینده ای روشن» که در آن، نگرانی ها و هراس ها مرتفع گردد و تاریکی ها از پهنه گیتی برچیده و ریشه ظلم و جهل و تباهی برکنده شود یک اعتقاد عمومی است که همواره بین بیشتر ملت ها وجود داشته است.

یکی از نویسندگان از این باور با عنوان « فوتوریسم» یاد کرده، می نویسد:

«فوتوریسم(۱)؛ یعنی، اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی و

۱- Futurism.

بزرگ، از جمله مسائلی است که در اصول عقاید ما، جای مهمّی را اشغال کرده است. فوتوریسم عقیده ای است که در کیش های آسمانی زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و جودائیسم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک، پروتستان و ارتودکس) و به طور کلّی در میان مدعیان نبوّت، به مثابه یک اصل مسلم قبول شده و همگی به اتفاق، بشارت ظهور همچو مصلحی را داده اند...». (۱)

«فوتوریسم» یکی از مسائلی است که در بحث های تئولوژیک تمام مذاهب آسمانی، از آن بحث شده است.

دار مستتر در یکی از کنفرانس هایی که به مناسبت ظهور «مهدی متمهدی» در سودان در فوریه سال ۱۸۸۵ میلادی برگزار گردید، می گوید:

«می دانید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم چگونه شریعت خود را بنیان نهاد؟ وقتی که او ظهور کرد، در عربستان علاوه بر شرک ملی باستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود: آیین یهود، دیانت عیسوی، کیش زردشت ... نکته مشترکی که در این سه دیانت یافت می شد، عبارت از اعتقاد به یک وجود فوق الطبیعه بود که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت رفته را به جهان باز آرد و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد». (۲)

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسائل اسلامی، این عقیده پیوسته در میان بیشتر ملت ها و پیروان ادیان بزرگ وجود داشته وحتی اقوام مختلف جهان چون اسلاوها، ژرمن ها، اسن‌ها و سلت‌ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخرالزمان ظهور کند و بی‌عدالتی‌ها را از بین ببرد و حکومت واحد جهانی تشکیل داده، در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

در این درس با توجه به اهمیّت موضوع، تنها به دو دیدگاه (یهود و مسیحیت) خواهیم پرداخت و دیدگاه های دیگر ادیان و مذاهب را مطرح نخواهیم کرد؛ به دلیل اینکه: بیشتر متونِ در دست، غیر قابل استناد قطعی به پیامبران این ادیان است و در نسبت دادن آنها به صاحبان این شریعت ها، تردیدهای جدّی وجود دارد.

بیشترِ این نوشته ها به صورت کنایه، استعاره و همراه با ابهام های فراوانی است که برداشت

۱- سیّد هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنّت، ص۵۵.

۲- همان، به نقل از: دار مستتر، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سیزده قرن، ترجمه محسن جهان سوز.

قطعی از این سخنان را غیر ممکن می سازد. اگر چه عده ای بر این مطلب پای می فشرند که قسمت‌های فراوانی از این نوشته ها، مربوط به «مهدویّت» است!

پاره‌ای از متون این ادیان نگرش های پیروان آن ادیان است و استفاده صریح از آن متون را در باره «مهدویّت» دور از دسترس می‌نماید.

در برخی از موارد، اصل کتاب هایی که در بحث «مهدویّت در ادیان» بدان اشاره می شود، در دست نیست و تنها به نقل هایی از این کتاب ها بسنده شده، که این نیز مشکلی بر مشکلات یاد شده افزوده است.

اگر چه موارد یاد شده تا حدودی در باره متون کتاب مقدس نیز وجود دارد؛ اما نزدیکی صدور آنها به زمان ما و تا حدودی صراحت آنها در مباحث موعود و منجی، مقداری از دشواری کار می کاهد.

بنابراین در این موضوع تنها به دو کتاب تورات و انجیل بسنده می‌کنیم. علاقه‌مندان را به کتاب‌های مفصل توصیه می‌نماییم.

۱. اندیشه موعود در آیین یهود

اشاره

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می‌دانند منتظر موعودند. در آثار دینی یهود و سِفرهای تورات و دیگر کتاب های انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است.

از آنجایی که یهودیان، به حضرت مسیح علیه السلام ایمان نیاوردند، بالطبع موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در آثار مقدس یهودی تأمل شود، چهره سه موعود، در آنها ترسیم می گردد:

۱. حضرت مسیح علیه السلام ،

۲. حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم ،

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

با این حساب، انتظار، در یهودیّت کیفیتی ویژه می یابد و چون این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السلام و نه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نگرویدند، باید در برابر مسأله موعود و انتظار، بسیار حساس و نگران باشند و از این همه اشاره‌ها و بشارت‌های موجود در کتاب‌هایشان، به سادگی و غفلت نگذرند. آنان باید از دیگران منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند.

البته تکاپوی آشکار یهودیان، در دوران حاضر و فعالیت‌های آنها در بازسازی هیکل سلیمان و

آماده ساختن بیت المقدس برای آمدن منجی، می تواند دلیلی بر این مدعا باشد؛ هر چند این دیدگاه دارای انحرافی آشکار است!!

اینک نام چند کتاب از کتاب‌های یهودیت و عهد عتیق که در آنها سخنانی درباره موعود آمده است همراه با بخش‌های مورد نظر ذکر می شود:(۱)

۱. کتاب دانیال پیامبر

«در آن وقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و زمان تنگنایی که از بودن طوایف تا به این زمان نبوده است، واقع خواهد شد و در آن زمان قوم تو هر کسی که در کتاب مکتوب شده است نجات خواهد یافت و از خوابندگان در خاک، زمین بسیاری بیدار خواهند شد. بعضی جهت حیات ابدی و بعضی از برای شرمساری و حقارت ابدی ...».(۲)

۲. کتاب حگی

«خداوند لشکرها چنین می فرماید: هنوز وقت قلیلی است که من آسمان ها و زمین و بحر و خشکی را به هیجان می آورم؛ بلکه تمامی طوایف را به هیجان می آورم و مرغوب تمامی طوایف خواهد آمد و خداوند لشکرها می فرماید: این خانه را مملو از جلال خواهم کرد...».(۳)

۳. کتاب صفنیاه پیامبر

«خداوند در اندرون آن عادل است، بی انصافی نمی کند. هر صبح بی نقصان حکم خود را به روشنایی بر می آورد؛ اما عاصی انفعال را نمی داند. طوایف را منقطع نمودم، برج های ایشان ویرانند. کوچه‌های ایشان را خراب کردم، به حدی که عبور کننده نیست و شهر های ایشان بدون آدمی و ساکنی ویرانند و گفتم که شاید از من ترسیده، تأدیب را قبول کنی تا آنکه مسکن ایشان منقطع نشود. اما هر قدر که ایشان را عقوبت کردم، ایشان سحر خیزی نموده، تمامی اعمال خویشتن را فاسد گردانیدند...».(۴)

۱- نقل های کتاب مقدس، مستقیم از کتاب مزبور و بدون هیچ کم و کاستی نقل شده است.

۲- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب دانیال، ص ۱۵۶۷، فصل دوازدهم، بندهای ۱۳.

۳- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب حگی، ص۱۶۳۲، فصل دوم ، بند های ۶ ۸ .

۴- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب صفنیای نبی، ص۱۶۲۹، فصل سوم، بندهای ۵ ۸.

۴. کتاب اِشَعْیای پیامبر

«و نهالی از تنه یشی بر آمده، شاخه از ریشه هایش قد خواهد کشید و روح خدا که روح حکمت و فطانت و روح مشورت و جبروت و روح علم و خشیت از خداوند است بر آن خواهد آرمید و او را در خشیت خداوند تیز هوش گردانیده، موافق منظور نظرش حکم و مطابق مسموع گوش هایش تنبیه نخواهد فرمود؛ بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی تنبیه خواهد نمود و زمین را به عصای دهانش زده به روح لب هایش شریر را خواهد کشت...».(۱)

۵. کتاب زبور داود علیه السلام

در این کتاب نیز مطالبی ذکر شده است؛ چنان که قرآن کریم، به نقل از زبور از غلبه صالحان سخن گفته است:

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أنّ الارضَ یرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛(۲)

«و در حقیقت، در زبور پس از ذکر [تورات] نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

با مراجعه به زبور، می‌توان به رغم تحریف های صورت گرفته، این بشارت را چنین یافت:

«زیرا که شریران منقطع می شوند؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد؛ اما متواضعان وارث زمین شده از کثرت سلامتی متلذذ خواهند شد...».(۳)

پس از حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام آمد و دین موسی علیه السلام را نسخ کرد. اکنون دین یهود، دین منسوخ و شریعت باطله است. پس از حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، مبعوث شده و دین مسیح را نسخ کرد. اکنون دین مسیح، دین منسوخ و شریعت باطل است.(۴) از زمان طلوع اسلام تا کنون و تا قیامت، تنها دین به حق در روی زمین که مبتنی بر وحی و پیامبری است دین مقدس اسلام است و کتاب خدا، در میان خلق همواره، قرآن است. بر این اساس

۱- کتاب مقدس، ترجمه فاضل خان همدانی، کتاب اشعیاء نبی، ص ۱۲۲۰، فصل یازده، بند ۱۱۰ .

۲- انبیاء(۲۱)، آیه۱۰۶.

۳- کتاب مقدس، مزامیر داود، مزمور سی و هفتم، بندهای ۹ ۳۷.

۴- این تعبیر چنان که پیداست به این معنا نیست که شریعت موسای کلیم علیه السلام، یا شریعت عیسای مسیح علیه السلام، در زمان خود نیز باطل بوده است. این دو دین، هر یک در عهد خود و در دور زمانی خاص خود و نیز به دور از تحریف ها و تصرف‌ها، دین آسمانی و بر حق بوده است.

«موعود» همـان مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف است و بشارت ها و اشارت هایی که از پیامبران و دیگر بزرگان رسـیده است، در حق او صادق است و به ظهور او اشاره دارد.

۲. اندیشه موعود در آیین مسیحیت

اشاره

دین مسیحیت به ویژه از دیـدگاه مسائـل معرفـتی و شـناختی ادامه دین یهود است. منبع اصلـی دینی و فرهنگی آن، عهـد عتیق است که همـان کتـاب مقـدس یهودیـان است. بنـا براین هر چه دربـاره دین یهود گفته شود، تقریبـاً در باره دین مسـیحیت نیز صدق می کند.

افزون بر آنچه در متون یهودی مورد اشـاره قرار گرفت، در کتاب های ویژه مسـیحیت نیز، بشارت های بیشتر و روشن تری، در باره موعود آخرالزمان، نقل شده است؛ زیرا:

یکم. بـا ظهـور حضرت مسیح علیه السـلام، زمـان در مقیـاس کلی، به ظهور حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نزدیک‌تر شده است.

دوم. تحریف کمتری در این آثار پدیـد آمـده است؛ زیرا از دوره نزول آثار مقـدس یهود، زمان بسـیار بیشتری می گـذرد، تا دوره نزول کتـاب مقـدس مسـیحیت. این امر بـاعث شـده، تا دست تحریف و پوشـیده داری، در این آثار، به انـدازه آثار یهود فرصت کار نیابد؛ اگر چه دانشـمندان مسیحی نیز در این باره کوشش بسیار کردند و در تأیید یا ردِّ انجیل ها، به این مسائل نیز توجه داشتند و انجیل بَرنابا را کمتر تأیید می کردند.(۱)

در اینجا، به چند کتاب که در آنها بشارت هایی در باره ظهور منجی آمده است اشاراتی می شود:

۱. انجیل متی

« و چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد؛ با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسـی بزرگی خود قرار خواهد گرفت. همه قبایل نزد وی جمع خواهند شد و آنها را از همدیگر جدا خواهد کرد؛ چنان که شبانی میش ها را از بزها جدا کند...».(۲)

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص۵۲ ۵۸. (با تصرف)

۲- کتاب مقدس، انجیل متی، باب بیست و پنجم، ص ۶۰، بند های ۳۱۳۳.

۲. انجیل لوقا

«پس بایست که بسته باشد کمرهای شما و افروخته باشد چراغ های شما و خود باشید مانند آن کسانی که انتظار می‌کشند آقای خود را که کی از عروسی باز آید که چون آید و در زند، دفعتاً در را گشایند. خوشا به حال آن نوکران که چون آقا آید، بیدار یابد آنها را و من به شما می‌گویم که به درستی کمر خود را بسته آنها را نشانید و نزدشان آمده آنان را خدمت خواهد نمود».(۱)

۳. انجیل مَرقس

«و بر حقیقت آن روز و آن ساعت سوای پدر نه ملائکه آسمان و نه فرزند، هیچ کس مطلع نیست. احتیاط نمایید که با حذر باشید و دعا نمایید؛ زیرا از هنگام رسیدن آن زمان مطلع نیستید؛ چنانچه شخصی به سفر بعیدی رفته و خانه خود را گذاشته و ملازمان خود را قدرت داده و هر کس را به شغل خاص مقرر فرموده و دربان را به بیدار بودن امر فرموده است. پس بیدار باشید از آنجا که نمی‌دانید بزرگ خانه چه وقت خواهد آمد. در شام یا نصف شب یا وقت بانگ خروس یا صبح؛ مبادا که ناگاه آمده، شما را در خواب یابد و آنچه من به شما می‌گویم، به همه می گویم بیدار باشید».(۲)

۴. مکاشفات یوحنّا

« چنانچه پدر در ذات خود زندگانی دارد، به پسر نیز داده است که او در ذات خود زندگانی داشته باشد و قدرت به او داده است که هم حکم رانی بکند، به علت آنکه فرزند انسان است».(۳)

۱- کتاب مقدس، انجیل لوقا، ص۱۵۴، باب دوازدهم، بند های ۳۵۳۷.

۲- کتاب مقدس، انجیل مرقس، باب سیزدهم، بندهای ۳۲ ۳۷.

۳- کتاب مقدس، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶ ۲۸.

ص: ۲۸

خودآزمایی

۱. مهم‌ترین ویژگی مشترک میان همه انسان ها در باره اعتقاد به منجی چیست؟

۲. فوتوریسم به چه معنا است و چه ارتباطی به بحث مهدویّت دارد؟

۳. به چه دلایلی نمی توان به طور کامل، به منابع در دست ادیان پیش از اسلام اعتماد کرد؟

۴. در آیین یهود سه موعود مورد اشاره قرار گرفته است؛ آنها چه‌کسانی‌اند؟ کتاب‌های این آیین را که سخن در باره موعود آورده، نام ببرید.

۵. به دو نمونه از نقل های انجیل درباره منجی اشاره فرمایید.

۶. علاوه بر مواردی که در درس مورد اشاره قرار گرفته، به دو مورد از بشارت‌های کتاب مقدس درباره منجی اشاره کنید.

===

منابع برای پژوهش

۱. سیّد اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ه .ش).

۲. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، (مؤسسه انتشارات رسالت، چاپ نهم، قم، ۱۴۱۸ ه .ق).

۳. محمد بهشتی، ادیان و مهدویّت، (انتشارات مرآتی، بی تا).

۴. حسین توفیقی، هزاره گرایی درفلسفه تاریخ مسیحیت، (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه .ش).

۵. محمد صادقی تهرانی، بشارات عهدین، (انتشارات امید فردا، چاپ اوّل، تهران، ۱۳۸۲ ه .ش).

۶. محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی در ادیان، (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ دوم، تهران، ۱۳۸۱ ه .ش).

درس دوم: مهدویّت در قرآن

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی برخی از آیات مهدویت:

آیه اول:

« وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزّبُور...»

آیه دوم:

« وَنُرِیدُ أنْ نَمُنَّ عَلَی الّذینَ اسْتُضْعِفُوا...»

آیه سوم:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ...»

آیه چهارم:

«وَ لِکُلٍّ وِجْهَهٌ هُوَ مُوَلّیها فَاسْتَبِقُوا الْخَیراتِ...»

آیه پنجم:

«بَقِیتُ اللّهِ خَیرٌ لَکُمْ إنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ...»

آیه ششم:

« هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقّ ...»

پیش درآمد

اندیشه «مهدویّت»، در اسلام ریشه قرآنی دارد و این کتاب آسمانی، با قاطعیت تمام، پیروزی نهایی «حق» بر «باطل» را به تمامی انسان ها نوید داده است. قرآن در باره ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت کلی بحث کرده و بشارت به تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی صالحان داده است. مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنّت، این گونه آیات را به استناد روایات اهل بیت علیهم السلام و نظرات دانشمندان اسلامی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته اند.

در این درس از مجموع آیات قرآنی که ناظر به این موضوع است و صراحت بیشتری دارد تنها چند آیه نقل و بررسی می‌شود.

این درس در باره آیاتی از قرآن مجید است که با استفاده از سخنان گهربار معصومین علیهم السلام ، در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تفسیر، تأویل و یا تطبیق شده است.

ابتدا تعریف و مفهوم این سه واژه به صورت مختصر بیان می گردد:

۱. تفسیر

«تفسیر» از واژه «فَسَرَ»، به معنای روشن کردن و آشکار ساختن است و در «اصطلاح» عبارت است از: «زدودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار که در انتقال معنای مورد نظر، نارسا و دچار اشکال است». ماده «فَسَرَ»، در باب «تفعیل» بیانگر مبالغه در دستیابی به معنا است. از این رو تفسیر، تنها کنار زدن نقاب از چهره لفظ مشکل و نارسا نیست؛ بلکه شامل زدودن ابهام موجود در دلالت کلام، نیز می شود.

تفسیر، در جایی است که گونه ای ابهام، در لفظ وجود دارد و این موجب ابهام در معنا و

دلالت کلام می شود و برای زدودن آن، کوشش فراوانی لازم است.(۱)

از آنجایی که فهم پاره ای از آیات قرآن، بر عموم مردم پوشیده است، ناگزیر نیازمند بیان و پرده برداری است و این مهمّ بر عهده کسانی است که صلاحیت و توانایی چنین امری را دارند و مورد تأیید خداوند متعال‌اند.

۲. تأویل

تفسیر و تأویل، در گذشته دو لفظ مترادف بود؛ لذا طبری در تفسیر جامع البیان آن دو را به یک معنا گرفته و در موقع تفسیر آیات گفته است: «القول فی تأویل الایه». در اصطلاح متأخران، «تأویل» به معنای مغایر با تفسیر و شاید اخص از آن به کار رفته است.

تأویل از «اَول»، به معنای باز گشت به اصل است. تأویل یک چیز؛ یعنی، برگرداندن آن به مکان و مصدر اصلی خودش و تأویل لفظ متشابه؛ یعنی، توجیه ظاهر آن، به طوری که به معنای واقعی و اصیل خودش باز گردد.(۲)

این واژه در قرآن به سه معنا آمده است:

۲۱. توجیه ظاهر لفظ یا عمل متشابه؛ به گونه ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد.(۳)

۲۲. تعبیر خواب؛ تأویل به این معنا، هشت بار در سوره یوسف آمده است.

۲۳. فرجام و حاصل کار؛ بر این اساس تأویل یک موضوع؛ یعنی، آنچه که آن موضوع، بدان منتهی می شود.(۴)

معنای چهارم که در قرآن نیامده، ولی در کلام پیشینیان هست عبارت است از: انتزاع مفهوم عام و گسترده، از آیه‌ای که در مورد خاصی نازل شده است... از تأویل به این معنا، گاهی به «بطن»؛ یعنی، معنای ثانوی و پوشیده ای که از ظاهر آیه به دست نمی آید، هم تعبیر شده است. در مقابل «ظَهر»؛ یعنی، معنای اولیه ای که ظاهر آیه بر حسب وضع و کاربرد، آن

۱- رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج۱، ص۱۸.

۲- رک: محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج۱، ص ۲۲ و ۲۳.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۷.

۴- کهف (۱۸)، آیه ۷۸.

معنا را می فهماند.

این معنـا دارای دامنه ای گسترده و ضـامن عمومیت قرآن است و موجب می شود قرآن شامـل تمام زمان ها و دوران ها باشـد؛ زیرا اگر مفـاهیم فراگیر، برگرفته شـده از مـوارد خـاص، نباشـد؛ بسـیاری از آیـات قرآن بی‌ثمر می‌شـود و فایـده ای جز ثـواب تلاوت و ترتیل آن نخواهد داشت.(۱)

بی گمـان در قرآن، آیـات متشابهی وجود دارد که بایـد تأویل گردد؛ ولی جز خداونـد و راسـخان در علم، کسـی آن را نمی‌داند.(۲) تأویل دارای شرایط و ملاک هایی است که در کتاب های مربوط بیان شده است.

۳. تطبیق

اشاره

در آیـات قرآن، مطالب فراوانی به لفـظ عـام بیـان شـده که در هر زمـان، بر عـده‌ای قابـل انطبـاق است. گـاهی نیز لفظ آیه‌ای «خاص» است؛ ولی معنای آن «عمومیت» دارد و شامل کسانی نیز می‌شود که شبیه آن عمل از آنان صادر شده است.

با توجه به نکات یاد شده، برخی از آیات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب جهانی آن حضرت بدین شرح است:

آیه اوّل

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذّکْرِ أنّ الارضَ یرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛(۳)

«وهمانا، در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من، به ارث خواهند برد».

در این آیه به یکی از روشن ترین پـاداش های دنیوی صالحان (حکومت روی زمین)، اشاره شـده است. در روایاتی چنـد، این رویداد مهم، در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته شده است.

واژگان آیه

«زبور» داود (یا به تعبیرکتاب های عهد قدیم مزامیر داود) عبارت است از: «مجموعه ای

۱- محمدهادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۵ و ۲۶.

۲- آل عمران (۳)، آیه۷.

۳- انبیا (۲۱)، آیه ۱۰۵.

از مناجات ها و نیایش ها و اندرزهای داود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ».

«ذکر»، در اصل به معنای چیزی است که مایه تذکر و یاد آوری باشد؛ ولی در این آیه به قرینه معرفی آن قبل از زبور به کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام، (تورات) تفسیر شده است.

«ارض»، به مجموع کره زمین گفته می شود؛ مگر اینکه قرینه خاصّی در کار باشد.

«ارث»؛ یعنی، چیزی که بدون معامله و داد و ستد، به کسی انتقال می یابد. در قرآن کریم گاهی به معنای تسلط و پیروزی یک قوم صالح، بر قوم ناشایست و در اختیار گرفتن موهبت‌ها و امکانات آنها گفته شده است.(۱)

با توجه به اضافه شدن «بندگان» به «خدا»، ایمان و توحید آنان روشن می شود و با توجه به کلمه «صالحون»، همه شایستگی ها به ذهن می آید: عمل و تقوا، علم و آگاهی، قدرت و قوت، و تدبیر و نظم و درک اجتماعی.

هنگامی که بندگان با ایمان، این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز یاری می‌کند تا آنان بر مستکبران غلبه یابند، دست‌های آلودهشان را از حکومت بر روی زمین کوتاه کنند و دارنده میراث‌های آنها گردند.

بنا براین، تنها «استضعاف» دلیل بر پیروزی بر دشمنان و حکومت بر روی زمین نیست؛ بلکه وجود ایمان و کسب شایستگی ها بایسته است و مستضعفان جهان تا زمانی که این دو اصل را زنده نکنند، به حکومت روی زمین نخواهند رسید.

نکته ها

۱.آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در تفسیر آیه شریفه از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ یَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِیهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَیعِزُّهُمْ وَ یذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛(۲) «این بندگان صالح، همانا آل محمد هستند که خداوند، مهدی

۱- ر. ک: اعراف (۷)، آیه۱۳۷.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص۱۸۴.

آنان را پس از کوشش ایشان مبعوث می کند. پس ایشان را عزّت داده، دشمنانشان را ذلیل خواهد کرد».

روشن است مفهوم این روایت، انحصار نیست؛ بلکه بیان یک مصداق عالی و آشکار است و این تفسیرها، هرگز عمومیت مفهوم آیه را محدود نمی‌کند. بنا براین در هر زمان و در هر جا بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق خواهند بود و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند شد.

۲. بشارت حکومت صالحان در مزامیر داود

در مزامیر داود تعبیر یاد شده و یا مشابه آن، در چند مورد دیده می شود و نشان می‌دهد با تمام تحریفات موجود در این کتاب ها، این قسمت همچنان از دستبرد مصون مانده است.

۲۱. «... شریران منقطع می شوند و اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد و حال اندک است که شریر نیست می شود؛ هر چند مکانش را استفسار نمایی، ناپیدا خواهد شد»(۱).

۲۲. «اما متواضعانه وارث زمین شده، از کثرت سلامتی شادکام خواهند شد»(۲).

۲۳. « متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع خواهند شد...»(۳).

۲۴. «صدیقان وارث زمین شده، همیشه در آن ساکن خواهند بود»(۴).

۲۵. «خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد»(۵).

در این عبارت ها، عنوان «صالحان» که در قرآن آمده، با همان تعبیر در مزامیر داود به چشم می خورد. علاوه بر این تعبیرات دیگری نیز مانند صدیقان، متوکلان، متبرکان و متواضعان، در جمله های دیگر ذکر شده است. این تعبیرها، دلیل بر عمومیت حکومت «صالحان» است و با احادیث قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق می کند .

۳. حکومت صالحان یکی از قوانین آفرینش

باید دانست تمام این حکومت ها، بر خلاف جهت آفرینش و قوانین جهان خلقت است و آنچه با آن هماهنگ است، همان حکومت صالحان با ایمان است. نظام آفرینش، دلیل روشنی

۱- مزامیر داود، ۳۷، بند ۹.

۲- مزامیر داود، ۳۷، بند ۱۱.

۳- مزامیر داود، ۳۷، بند ۲۷.

۴- مزامیر داود، ۳۷، بند ۲۹.

۵- مزامیر داود، ۳۷، بند ۱۸.

بر پـذیرش یـک نظام صـحیح اجتمـاعی در آینـده است و این همـان چیزی است که از آیه یاد شـده و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی استفاده می شود(۱).

آیه دوم

«وَنُرِیدُ أنْ نَمُنّ عَلَی الّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الارْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئمّه وَنَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ»؛(۲)

«و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم».

این آیه طبـق فرمـایش امـام علی علیه السـلام، در نهـج البلاـغه و روایـاتی چنـد از دیگر امامـان علیهم السـلام، نـاظر به پیروزی مستضعفان بر مستکبران است و اینکه سرانجام، جهان از آنِ شایستگان خواهد شد.

آیه یاد شده، هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی‌اسرائیل سخن نمی گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی برای همه عصـرها و قرن‌ها است. این بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود.

گسـترده ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و عـدالت در تمـام کره زمین به دست حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشریف خواهد بود.

این آیه از جمله آیاتی است که به روشـنی، بشارت به «ظهور» چنین حکومتی می دهـد؛ از این رو اهل بیت علیهم السـلام، در تفسیر آن به این ظهور بزرگ اشاره کرده اند. از امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه آمده است:

«لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْیا عَلَینَا بَعْدَ شِمَاسِـهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَی وَلَدِهَا وَ تَلَا عَقِیبَ ذَلِکَ «وَ نُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَ

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، صص ۵۱۵ ۵۲۴.

۲- قصص (۲۸)، آیه ۵.

نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِینَ»»(۱)؛

«دنیا پس از چموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد به ما روی می آورد ... سپس آیه و «نرید ان نمن...» را تلاوت فرمود» .

در حدیث دیگری می‌فرماید:

«هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ یبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِیهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَیعِزُّهُمْ وَ یذِلُّ عَدُوَّهُمْ»(۲)؛ «این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به ایشان عزّت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند».

آیه سوم

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْض کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیمَکِّنَنَّ لَهُمْ دینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یعْبُدُونَنی لا یشْرِکُونَ بی شَیئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ»؛(۳)

«خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند».

در آیات پیش از این آیه، سخن از اطاعت و تسلیم در برابر فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و

۱- سیّد رضی۵، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص۱۸۴.

۳- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

در این آیه، بحث ادامه یافته و نتیجه این اطاعت که همان حکومت جهانی است بیان شده است. بر اساس آن، خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند، وعده می دهد که آنان را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، به طور ریشه دار و پا بر جا در صفحه زمین مستقر خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را، به امنیت و آرامش مبدّل خواهد کرد. مردم تنها خدا را پرستیده و چیزی را شریک او قرار نخواهند داد.

بعد از این برتری و فراگیری حکومت توحید و استقرار آیین الهی و از میان رفتن هر گونه اضطراب،ناامنی و شرک، کسانی که بعد از آن کفر بورزند، به یقین فاسق واقعی خواهند بود!

به هر حال مجموع آیه نشانگر این است که خداوند به گروهی از مسلمانان صالح و مؤمن، سه نوید داده است:

۱. جانشینی و حکومت روی زمین؛

۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه ای در جهان؛

۳. از میان رفتن اسباب ترس و ناامنی .

نتیجه آنکه مردم در این دوران با نهایت آزادی، خدا را می‌پرستند، فرمان‌های او را گردن می‌نهند، هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نمی‌شوند و توحید خالص را در همه جا می گسترانند.

نکته ها

۱. بر اساس این آیه، افرادی قبل از مسلمانان دارای خلافت روی زمین بودند؛ حال اینان چه کسانی‌اند؟ برخی از مفسران آن را اشاره به آدم و داود و سلیمان دانسته اند؛ چرا که قرآن درباره آدم می فرماید: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَه»؛(۱) «من در زمین خلیفه ای قرار می‌دهم». درباره داود فرموده است: «یا داوُدُ إِنَّا جَعَلْناکَ خَلِیفَةً فِی الْأَرْض»؛(۲) «ای داود ما تو را خلیفه در روی زمین قرار دادیم». سلیمان نیز به مقتضای آیه

۱- بقره (۲)، آیه ۳۰.

۲- ص (۳۷)، آیه ۲۶.

شانزده سوره «نمل» وارث حکومت داود بود و خلیفه در روی زمین شد .

اما برخی دیگر مانند علامه طباطبائی رحمه الله این معنا را بعید شمرده‌اند؛ زیرا تعبیر «الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ» را متناسب انبیا ندانسته‌اند. به نظر ایشان در قرآن، این تعبیر در مورد پیامبران به کار نرفته است؛ از این رو اشاره به امت‌های پیشین است که دارای ایمان و عمل صالح بوده، در روی زمین حکومت یافتند.

جمعی دیگر معتقدند: این آیه اشاره به «بنی اسرائیل» است؛ زیرا آنها با ظهور موسی علیه السلام و در هم شکسته شدن قدرت فرعون، مالک حکومت روی زمین شدند؛ چنان که در آیه‌ای آمده است:

«وَ أَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذینَ کانُوا یسْتَضْعَفُونَ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغارِبَهَا الَّتی بارَکْنا فیها»؛(۱) «ما آن جمعیت مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را وارث مشارق و مغارب زمینی را که پر برکت کردیم قرار دادیم».

و نیز درباره همان‌ها می فرماید:

«وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الْأَرْض»؛ «ما اراده کرده ایم که قوم مستضعف (مؤمنان بنی اسرائیل) را در روی زمین تمکین دهیم (و صاحب نفوذ و مسلّط سازیم)».

۲. این وعده الهی از آن کیست ؟

در این آیه خداوند وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت کامل را به گروهی از مؤمنان و صالحان داده است. اما در اینکه منظور از این گروه چه کسانی‌اند؛ میان مفسران گفت و گو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می دانند که شرق و غرب جهان، در زیر لوای حکومت آن حضرت قرار می گیرد، آیین حق در همه جا نفوذ می کند، ناامنی و خوف و جنگ از صفحه زمین بر چیده می شود و عبادت خالی از شرک، برای جهانیان تحقق می یابد.(۲)

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۳۷.

۲- ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج۱۵، ص۲۱۸.

بدون شک آیه، هم شامل مسلمانان نخستین و هم حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود. طبق عقیده عموم مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و داد می کند و او مصداق کامل این آیه است؛ ولی با این حال منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

اینکه برخی می گویند: کلمه «ارض» مطلق است و تمام روی زمین را شامل می شود و این منحصراً مربوط به حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، با جمله «کما استخلف...» سازگار نیست؛ زیرا خلافت و حکومت پیشینیان به یقین در تمام پهنه زمین نبود.

به علاوه شأن نزول آیه نیز نشان می دهد که حداقل نمونه ای از این حکومت در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای مسلمانان (هر چند در اواخر عمر آن حضرت)، حاصل شده است.

گفتنی است ثمره تمامی کوشش های پیامبران و تبلیغات مستمر و پی گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت توحید و امنیت کامل و عبادت، در زمانی تحقق می یابد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند(۱).

همان‌گونه که گفته شد این تفسیرها، به معنای انحصار مصداق آیه نیست؛ بلکه بیان مصداق کامل است. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: آن حضرت ذیل آیه شریفه چنین فرمود: «نزلت فی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابه»؛(۲) «[این آیه] در باره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب ایشان نازل شده است».

علامه طباطبایی رحمه الله در این باره می‌نویسد: «... این مجتمع طیّب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تاکنون در دنیا منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث به رسالت گشته، تاکنون، چنین جامعه ای به خود ندیده است. ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ چون اخبار متواتری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اهل بیت علیهم السلام در خصوصیات آن حضرت وارد شده، از تشکیل چنین جامعه ای خبر می‌دهد. البته این در صورتی است که روی سخن در آیه را متوجه مجتمع صالح بدانیم، نه تنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف».

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۴، صص ۵۳۰ ۵۳۲.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، ص ۱۷۳؛ نعمانی رحمه الله، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

آن گاه ایشان ادامه می‌دهد: «خواهید گفت: طبق این نظریه چه معنا دارد که روی سخن را در زمان نزول آیه به «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» کند، در حالی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن روز نبود (نه خودش بود و نه یکی از اهل زمانش)؟

در پاسخ می گوییم: این سؤال ناشی از این است که پرسش کننده، میان خطاب‌های فردی با خطاب‌های اجتماعی خلط کرده است؛ چون خطاب ممکن است دو جور متوجه اشخاص شود: یکی اینکه اشخاصی را مورد خطابی قرار دهند؛ بدین جهت که خصوصیات خودِ آنان مورد نظر است. به طور دیگر اینکه همان اشخاص را مورد خطاب قرار دهند نه از این جهت که شخصِ خود آنان مورد نظر باشد، بلکه از این جهت که جمعیتی هستند دارای صفاتی معین. در صورت اول، خطاب از مخاطبان به غیر مخاطبان متوجه نمی شود و شامل آنها نمی گردد نه وعده‌اش، نه وعیدش ونه هیچ چیز دیگرش و در قسم دوم اصلاً اشخاص دخالتی ندارند و خطاب متوجه دارندگان صفات کذایی است که در این صورت به دیگران نیز متوجه می شود.

در آیه شریفه، خطاب از قبیل خطاب‌های دوم است که بیانش گذشت و اغلب خطاب‌های قرآنی که یا مؤمنان را مخاطب کرده و یا کفار را از این قبیل است».(۱)

در مجمع البیان در ذیل آیه «وَعَدَ اللهُ الذینَ آمنوا مِنکُم ... »آمده است: مفسران در اینکه «الذینَ آمَنوا مِنکُم» چه کسانی‌اند، اختلاف دارند و از اهل بیت عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت شده که منظور، مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

عیاشی به سند خود از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است: وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: به خدا سوگند! ایشان شیعیان ما اهل بیت‌اند که خدا این وعده خود را در حق ایشان، به وسیله مردی از ما تحقّق می‌بخشد و او مهدی این امت است. او کسی است که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره اش فرمود: اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از عترتم قیام کند که هم نام من است. او زمین را پر از عدل و داد می کند، آن چنان که از ظلم و جور آکنده شده باشد. نظیر این روایت از ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام

۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۲۲۰.

نقل شده است.

علامه طباطبایی در جمع بندی مباحث می نویسد: «از ائمه اهل بیت علیهم السلام در این باره اخباری روایت شده است. در گذشته هم بیان انطباق آیه بر مضمون این روایات گذشت و نیز در مجمع البیان بعد از نقل روایت بالا آمده است: بنابر این مراد از «الذینَ آمَنوا وَ عَمِلُوا الصالحات» رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام است».(۱)

آیه چهارم

«وَ لِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيها فَاسْتَبِقُوا الْخَيراتِ أَينَ ما تَكُونُوا يأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَميعًا إِنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ»؛(۲)

«و برای هر کسی قبله ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می گرداند؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی خود باز] می آورد؛ در حقیقت، خدا بر همه چیز توانا است».

نکته ها

۱. روز جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات متعددی از اهل بیت علیهم السلام، عبارت «أَينَ ما تَكُونُوا يأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَميعًا»، به جمع شدن یاران و اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، هنگام ظهور تفسیر شده است. امام باقر علیه السلام در باره این آیه فرمود:

«يعْنِى أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثَ مِائَةِ وَ الْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَ هُمْ وَ اللَّهِ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يجْتَمِعُونَ وَ اللَّهِ فِى سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ»؛(۳)

«منظور اصحاب امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سیصد و چند نفرند. به خدا سوگند! منظور از «امت

۱- محمد حسین طباطبایی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص۲۲۵.

۲- بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج۸، ص۳۱۳.

معدوده» آنان هستند. به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می شوند؛ همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر تند باد، جمع و متراکم می گردد».

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَ ذَلِکَ وَ اللَّهِ أَنْ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا یجْمَعُ اللَّهُ إِلَیهِ شِیعَتَنَا مِنْ جَمِیعِ الْبُلْدَانِ»؛(۱) «به خدا سوگند! هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، خداوند پیروان ما را از تمام شهرها گرد او جمع می کند».

این تفسیر از مفاهیم بطون آیه است؛ چرا که طبق روایات، آیات قرآن گاهی معانی متعددی دارد که یک معنا ظاهری و عمومی است و دیگری مفهوم درونی و به اصطلاح بطن آیه است که جز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و کسانی که خدا بخواهد، از آن آگاه نیستند.

از منظر این روایات، خدایی که قدرت دارد ذرات پراکنده خاک انسان‌ها را در قیامت، از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند؛ به آسانی می تواند یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در یک روز و یک ساعت، برای افروختن نخستین جرقه های انقلاب و تأسیس حکومت عدل جهانی و پایان دادن به ظلم و ستم، گرد آورد.

علامه طباطبایی قدس سرّه در ذیل آیه می‌نویسد: «در اخبار فراوانی از طریق شیعه، نقل شده است: این آیه درباره اصحاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف است و از بعضی استفاده می‌شود: این از باب تطبیق و جری است».(۲)

آیه پنجم

«بَقِیتُ اللّهِ خَیرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ وَ ما أَنَا عَلَیکُمْ بِحَفیظ»؛(۳)

«اگر مؤمن باشید، باقی مانده خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم».

در روایات گوناگونی آمده است: «بقیه الله» تفسیر به وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا برخی دیگر از امامان علیهم السلام شده است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَ أَوَّلُ مَا ینْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآیهُ «بَقِیتُ اللَّهِ خَیرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ» ثُمَّ

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۹۱، ح۳۷.

۲- تفسیر المیزان، ج۱، ص۴۶۷.

۳- هود (۱۱)، آیه ۸۶.

یقُولُ: أَنَا بَقِیهُ اللَّهِ فِی أَرْضِه»؛(۱) «نخستین سخنی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از قیام خود می گوید، این آیه است: « بَقِیتُ اللّهِ خَیرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ»؛ سپس می‌فرماید: «منم بقیهالله بر روی زمین».

درست است که در آیه مورد بحث، مخاطب قوم شعیب بوده و منظور از« بقیه الله»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجودی نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه خیر و سعادت او گردد «بقیهالله» محسوب می شود. بر این اساس تمام پیامبران الهی و پیشوایان بزرگ بقیهاللهاند. تمام رهبران راستین نیز که پس از مبارزه با یک دشمن سر سخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، از این نظر بقیهاللهاند. سربازانی که پس از پیروزی از میدان جنگ باز می گردند، آنان نیز بقیهاللهاند.

از آنجایی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین پیشوا و بزرگ‌ترین رهبر انقلابی پس از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، یکی از روشن‌ترین مصادیق «بقیهالله» و شایسته ترین فرد به این لقب است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبران و امامان است.

آیه ششم

«هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدینِ الْحَقّ ِلِیظْهِرَهُ عَلَی‌الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْکَرِهَ الْمُشْرِکُونَ»؛(۲)

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند».

آیه شریفه، با همین الفاظ در سوره «صف»، آمده و با تفاوت مختصری در «سوره فتح»، تکرار شده است و خبر از رویدادی مهم می دهد. این اهمیّت موجب تکرار آن شده است و از

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۳۰، باب ۳۳، ح۱۶.

۲- توبه (۹)، آیه ۳۳.

جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین خبر می دهد.

برخی از مفسران پیروزی مورد بحث آیه را به معنای پیروزی منطقه ای و محدود گرفته اند که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا زمان‌های بعد از آن برای اسلام و مسلمین صورت پذیرفت ولی با توجه به اینکه در آیه هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنای آن را محدود کنیم. مفهوم آن پیروزی همه جانبه اسلام بر همه ادیان جهان است؛ یعنی، سرانجام اسلام همه کره زمین را فرا گرفته، بر همه جهان چیره خواهد گشت.

شکی نیست در حال حاضر، این موضوع تحقق نیافته؛ ولی این وعده حتمی خدا به تدریج در حال تحقق است. طبق روایات تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد.

شیخ صدوق رحمه الله، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل می‌کند:

«وَ اللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّى لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يا مُؤْمِنُ فی بَطْنِی كَافِرٌ فَاكْسِرْنِی وَ اقْتُلْهُ»؛(۱) «به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آنکه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج کند. وقتی او ظهور کرد، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر اینکه از خروج آن حضرت ناراحت می شود! حتی اگر کافری در دل سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید:ای مؤمن! در دل من کافری پنهان شده، مرا بشکن و او را بیرون بیاور و به قتل برسان».

علامه طباطبایی رحمه الله پس از ذکر این حدیث در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: نظیر این روایت را عیاشی از ابی مقدام، از ابی جعفر علیه السلام و نیز از سماعه از امام صادق علیه السلام نقل و طبرسی مثل آن را از ابی‌جعفر علیه السلام روایت کرده است.

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده و اینکه درباره آن

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج، ۲، ص ۶۷۰.

حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می شد.

در الدُّرالمنثور نقل شده است: سعید بن منصور، ابن منذر و بیهقی در سنن خود از جابر روایت کرده اند که او در تفسیر آیه «لِيُظهِرَهُ عَلى الدينِ كُلِهِ» گفته است: معنای این آیه، صورت وقوع به خود نمی گیرد؛ مگر وقتی که هیچ یهودی و مسیحی و صاحب ملتی نماند جز اسلام. و نیز صورت نمی گیرد، مگر وقتی که گرگ و گوسفند، شیر و گاو و انسان و مار با هم زندگی کنند و از یکدیگر ایمن شوند. همچنین واقع نمی شود، مگر وقتی که هیچ موشی انبانی را سوراخ نکند و واقع نمی شود، مگر وقتی که جزیه به کلی لغو شود و صلیب ها شکسته و خوک‌ها کشته شوند و این وقتی است که عیسی بن مریم از آسمان فرود آید.

علامه طباطبایی پس از نقل این مطلب، در توضیح آن می‌نویسد: «منظور از لغو جزیه به قرینه صدر روایت این است که موضوعی برای جزیه باقی نمی ماند. و دلالت این روایت بر اینکه در آن روز کفر و شرکی در روی زمین باقی نمی ماند؛ معنایی است که روایت‌های دیگر نیز بر آن دلالت دارند».(۱)

پیش از این نیز اشاره شد که برخی از دانشمندان شیعه، شمار آیات مربوط به «مهدویّت» را افزون بر ۱۲۰ ذکر کرده‌اند که می‌توان به کتاب‌های مفصل در این زمینه مراجعه کرد.(۲)

۱- تفسیر المیزان، ج۹، ص ۳۹۲.

۲- ر. ک: سیّد هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفدر قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی.

خودآزمایی

۱. واژه های تفسیر، تأویل، تطبیق را به صورت مختصر توضیح دهید.

۲. چگونه از آیه ۱۰۵ سوره «انبیاء» بحث مهدویّت استفاده می شود؟

۳. در آیه ۵۵ سوره «نور» سه نوید داده شده است؛ آنها کدامند؟

۴. با استفاده از روایات، کدام آیه منطبق بر جمع شدن یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور می‌شود؟

۵. اوّلین آیه‌ای که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور تلاوت می کند، کدام است؟ توضیح دهید.

۶. علاوه برآیه‌های یادشده دوآیه را بررسی کرده، دلالت‌آن رابرمهدویّت توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القران، بیست جلد، چ یازدهم، (دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۱ه .ش).

۲. سید هاشم بحرانی، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، (نشر آفاق، تهران، ۱۳۷۶ ه .ش).

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، ، تفسیرنمونه، چ چهلم، (دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ه .ش، ذیل آیات فوق).

۴. علی صفایی کاشانی، اثبات مهدویّت از دیدگاه قرآن، (مفید، تهران، ۱۳۷۶ه .ش).

۵. محمود شریعت‌زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و عترت، (دارالصادقین، چ سوم، ۱۳۷۹ ه . ش).

۶. محمدجواد مولوی‌نیا، سیمای مهدویّت درقرآن، (امام‌عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم،۱۳۸۱ ه . ش).

درس سوم: مهدویّت در منابع روایی شیعه

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب‌های:

۱. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمه الله .

۲. المحاسن، اثر احمد بن محمد بن خالد برقی .

۳. بصائر الدرجات، اثر محمد بن حسن بن صفار رحمه الله .

۴. کتاب التفسیر،اثر محمد بن مسعود عیاشی رحمه الله .

۵. تفسیر القمی، اثر علی بن ابراهیم بن هاشم قمی.

۶. الکافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی رحمه الله .

۷. الغیبه، تألیف محمد بن ابراهیم بن جعفرنعمانی رحمه الله.

۸. کمال الدین و تمام النعمه، اثر شیخ صدوق رحمه الله .

۹. الارشاد، اثر شیخ مفید رحمه الله .

۱۰. کتاب الغیبه للحجه، اثر شیخ طوسی رحمه الله

پیش درآمد

در میـان آموزه‌های اسـلام، کمتر موضوعی به انـدازه «مهـدویّت» مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که در هیچ یک از موضوعات بنیادین، به این اندازه سـخن از معصومین علیهم السلام و بزرگان دین نرسیده است و کمتر کتابی هست که در آن، به این مهمّ نپرداخته باشد.

شناخت این منابع ارزشمند و سیر تدوین آنها، می‌تواند ما را به آگاهی بیشتر نسبت به این مسأله مهمّ و اساسی رهنمون شود.

به علت اختصار، در این درس، تنها به بررسی بعضی از کتاب‌های مهمّ درباره «مهدویّت» اشاره می‌شود.

شیعه و احادیث مهدویّت

اشاره

«مهدویّت» در فرهنگ شـیعه، از جمله آموزه‌های اعتقادی و بلکه از ضـروریات مذهب به شـمار می‌آید. احادیث مربوط به این موضوع، چنـان فراوان و گسترده است که جـای هیـچ شـك و تردیـدی را بـاقی نمی‌گـذارد. با مروری کوتاه در منابع حـدیثی شیعه، به خوبی در می‌یابیم که موضوع ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و بر پایی حکومت عدل جهانی به دست ایشان، جزو موضوعات کاملاً متواتر و مورد قبول تمام مسلمانان به خصوص شیعه دوازده امامی است.

دهها تن از اصـحاب ائمه علیهم السـلام، پیش از تولّـد امـام زمـان عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف، با اسـتفاده از بیانات نورانی معصومین علیهم السلام، کتاب‌های مستقلی در رابطه با ولادت، غیبت، ظهور و نشانه‌های ظهور آن حضرت تألیف کرده‌اند که اسامی تعدادی از آنها بدین قرار است:(۱)

۱- به نقل از: علی اکبر مهدی پور، برگزیده آثار در قرون و اعصار، (مشعل جاوید)، ص ۱۷۱.

۱. ابواسحاق ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام، صاحب کتاب الغیبه.(۱)

۲. ابوالفضل عبّاس بن هشام ناشری، مشهور به «عبیس» از اصحاب امام رضا علیه السلام (م۲۲۰ق)، مؤلف کتاب الغیبه.(۲)

۳. علی بن حسن بن علی بن فضّال، از اصحاب امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام، صاحب کتاب های الغیبه و الملاحم.(۳)

۴. ابوالحسن علی بن حسن بن محمد طائی جرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و صاحب کتاب الغیبه.(۴)

۵. ابوالحسن علی بن محمد بن علی سوّاق از سران واقفیه و صاحب کتاب الغیبه.(۵)

۶. ابوالحسن علی بن عمر اعرج، از اصحاب امام کاظم علیه السلام و صاحب کتاب الغیبه.(۶)

۷. ابو علی حسن بن محمد بن سماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام، (م ۲۶۳ ق) و صاحب کتاب الغیبه.(۷)

۸. حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصحاب امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و صاحب کتاب‌های: الغیبه، الرجعه، القائم و الملاحم.(۸)

با مطالعه این تألیف‌ها و سایر کتاب‌های اختصاصی و عمومی حدیثی، روشن می‌شود که کمتر کتاب روایی شیعه است که به موضوع حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نپرداخته باشد. در اینجا بعضی از این منابع روایی، به اجمال معرفی می‌شود.

یک. کتاب سلیم بن قیس هلالی

این کتاب از «ابو صادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی رحمه الله» (م ۸۰ ق) است و از لحاظ تاریخی اولین کتاب حدیثی موجود می‌باشد. مؤلف آن از شخصیت‌های برجسته و از خواص

۱- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص۱۰۴؛ فهرست، ص ۳۰؛ نجاشی، رجال، ص ۳۲.

۲- نجاشی، رجال ، ص ۲۸۰؛ محمد بن حسن طوسی، رجال ، ص ۳۸۴.

۳- محمدبن حسن طوسی، فهرست، ص۱۲۲؛ نجاشی، رجال ، ص۲۵۷؛ محمدبن حسن طوسی، رجال، ص۴۱۹ و ۴۳۳

۴- محمد بن حسن طوسی، رجال، ص۳۵۷؛ نجاشی، رجال ، ص۲۵۵.

۵- نجاشی، رجال، ص ۲۵۹.

۶- نجاشی، رجال، ص۲۵۶.

۷- محمد بن حسن طوسی، فهرست ، ص ۸۱؛ نجاشی، رجال ، ص ۴۱.

۸- نجاشی، رجال، ص۳۷.

اصحاب امیرمؤمنان علیه السلام، امام حسن، حسین و سجاد علیهم السلام است و امام باقر علیه السلام را نیز درک کرده است.

سلیم در نزد معصومین علیهم السلام، مورد وثوق بوده و از علوم سرشار آنان بهره مند شده است. وی همواره مورد تأیید ائمه علیهم السلام قرار گرفته، نزد آنان از محبوبیت خاصّی برخوردار بوده است.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده پس از آنکه کتاب سلیم برای آن حضرت خوانده شد فرمود: «صَدَقَ سُلَیمٌ رَحِمَهُ اللَّهُ»؛(۱) «راست گفت سلیم. خدایش بیامرزد».

در این کتاب احادیثی چند درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که به لحاظ اهمیت کتاب، قابل توجّه است.(۲)

گفتنی است درباره کتاب سلیم بن قیس و صحّت روایات آن، تردید هایی وجود دارد که در محل خود به آنها پاسخ‌های مناسب داده شده است.(۳)

علامه شوشتری درباره کتاب سلیم می‌گوید: «]قول[صواب]ودرست[در باره کتاب سلیم بن قیس این است که اصل کتاب صحیح بوده و سه استاد بزرگ ما، نعمانی، صفّار و دیگران، از آن روایت کرده اند؛ ولی اصل کتاب] در مواردی بسیار اندک[از جانب دشمنان دچار تحریف گشته است (همان گونه که شیخ مفید بر این باور است)، و این گونه نیست که ابن غضائری پنداشته و تمام کتاب را به جهت روایت «نصیحت» محمد بن ابوبکر به پدرش در هنگام مرگ، جعلی دانسته است... ما جز روایت «نصیحت»، به روایت دروغی که محققاً ثابت شده باشد، برخورد نکردیم.(۴)

دو. المحاسن

این کتاب نوشته ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) است. وی از

۱- ر. ک: کشی، رجال ، ۱۰۴ ؛ محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص۱۹۴.

۲- ر. ک: سلیم بن قیس هلالی، کتاب سلیم بن قیس، ص۵۶۵، ح۱؛ ص۶۲۴، ح۱۰؛ ص ۸۵۶، ح۴۵؛ ص۷۷۵، ح ۲۵؛ ص۹۰۹، ح۶۲ ؛ ص۹۴۰، ح۷۷ ؛ ص۹۵۷، ح۹۱.

۳- در این باره خوشبختانه شیخ محمد باقر انصاری ما را از پاسخ بی نیاز کرده است؛ چرا که ایشان دوازده سال از عمر خویش را صرف تحقیق در باره کتاب سلیم نموده و آن را در سه جلد، به تفصیل به چاپ رسانده و همه جوانب تحقیق را انجام داده است .

۴- سیّد سامی البدری، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، ص۷۵.

بزرگـان شـیعه به حسـاب می آیـد و بخشـی از دوره امـامت حضـرت رضا علیه السـلام و نیز دوران امامت امام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام را درک کرده ومدتی نیز دردوره غیبت‌صغرا حیات داشته است.

این کتـاب یکی از بهـترین کتـاب هـای روایی شـیعه به شـمار می آیـد و برخی اهمیت و اعتبـار آن را ردیـف «کتب اربعه»(۱) دانسته اند. کتاب محاسن یکی از منابع مهمّ کتاب کافی، نوشـته کلینی قدس سرّه است و وی فراوان به این کتاب استناد و از آن روایت نقـل کرده است. شـیخ صـدوق رحمه الله نیز به آن اعتمـاد کرده و آن را از جمله کتـاب هـای مرجع من لایحضـره الفقیه قرار داده است.(۲)

علامـه مجلسـی رحمه الله گفته است: محـاسن برقی از اصول معتـبر است که کلینی و متـأخّران وی، از این کتـاب حـدیث نقل کرده‌اند.(۳)

در کتاب محاسن فصل و باب خاصّی به عنوان حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف گشوده نشـده؛ ولی در باب ۳۸ بیشتر این روایـات ذکر شـده است. نکته قابل توجه اینکه در هیـچ روایتی در این کتاب، اشاره به کلمه «مهـدی» نشـده و از آن حضرت با عنوان قائم و یا مشتقات آن یاد شده است.

سه. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام

مؤلف این کتاب ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صـفّار قمی (م۲۹۰ ق) یکی از یاران امام حسن عسـکری علیه السلام و از چهره‌هـای سرشـناس یـاران ائمه علیهم السـلام و راویـان حـدیث است. بصائرالـدرجات، دربـاره فضایل و مقامات امامان علیهم السلام به رشته تحریر درآمده و جزو قدیمی‌ترین کتاب‌های حدیثی و معتبرترین اصول قدمای شیعه محسوب می‌شود. از زمان نگارش آن تاکنون، پیوسـته مورد توجه دانشمندان، فقیهان و بزرگان شیعه بوده و در کتاب‌های ایشان فراوان به آن استناد شده است.

۱- این کتاب ها عبارتنـد از: کافی اثر مرحوم کلینی؛ تهـذیب الاحکام و اسـتبصار اثر ابوجعفر محمـد بن حسن طوسـی و من... لایحضره الفقیه, تألیف شیخ صدوق.

۲- ر. ک: صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵.

۳- ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۶.

شیخ حر عاملی رحمه الله در مقدمه وسائل الشیعه می نویسد: «کتاب بصائر الدرجات نوشته شیخ ثقه و مورد اطمینان محمد بن حسن صفار می باشد که دارای دو نسخه کوچک و بزرگ است».

علامه مجلسی رحمه الله در مقدمه بحارالانوار می‌نویسد: «کتاب بصائر الدرجات از اصول معتبره‌ای است که شخصیت‌هایی مانند کلینی و دیگر علما از آن روایت کرده‌اند».(۱)

البته با وجود این اعتماد، برخی نیز بر آن خرده گرفته‌اند.(۲)

این کتاب دارای ده بخش است که هر بخش شامل حدود بیست باب است.

در این کتاب موضوعات گوناگونی، بیان شده و بیشتر در باره ائمه معصومین علیهم السلام است؛ از این رو روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اغلب این روایت‌ها، به ویژگی‌های آن حضرت و یا مسائل مربوط به قیام و حکومت جهانی آن حضرت اشاره شده است.

چهار. کتاب التفسیر معروف به (تفسیر العیاشی)

این کتاب اثر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی رحمه الله، معروف به «عیاشی» فقیه بزرگوار و عالم وارسته‌ای است که در رشته‌های فقه، ادب، حدیث و تفسیر تبحر فراوان داشته است. او از برجسته‌ترین دانشمندان و از بزرگان فقهای شیعه، در دوران غیبت صغرا و استاد کلینی بوده است.

وی در آغاز با توجه به محیط زندگی خود که حدود سمرقند و بخارا بوده و بیشتر ساکنان آن از اهل سنّت بودند پیرو مکتب فقهی آنان بود؛ اما در اثر مطالعه و بررسی در کتاب‌های شیعه، مکتب پر فیض جعفری را پذیرفت و تمامی میراث پدر را (بالغ بر سیصد هزار دینار) در راه علم و نشر حدیث، انفاق و خرج کرد. گفته شده: خانه او بسان مسجد، پر از قاری، محدث، عالم، دانشجو و مفسر بود.(۳)

۱- ر. ک: مجلسی، بحار الانوار، ج۱، ص۲۶.

۲- ر. ک: مامقانی، تنقیح المقال، ج۳، ص۱۰۳.

۳- ر. ک: مقدمه تفسیر، محمد حسین طباطبایی رحمه الله .

آقا بزرگ تهرانی رحمه الله درباره او می‌نویسد: «صاحب تفسیر عیاشی بالغ بر دویست جلد کتاب در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته است. او از مشایخ و اساتید روایت کشی، صاحب رجال معروف و از هم دوره‌های ثقه الاسلام کلینی می‌باشد و فرزندش جعفر، از کتاب‌های او روایت می‌کند که یکی از آنها همین تفسیر موجود است».(۱)

تفسیر عیاشی از برجسته‌ترین و معتبرترین تفاسیر کهن روایی شیعه بوده و در میان دانشمندان، از جایگاه خاصّی برخوردار است. از نویسنده آن در بیشتر کتاب‌های رجال و تراجم، به عظمت، جلالت، فضل و دانش یاد شده است.

این تفسیر در اصل در دو جلد بوده که دانشمندان و علمای تفسیر از آن روایت می‌کرده‌اند؛ اما متأسفانه در قرن‌های بعدی، قسمت دوم این کتاب مفقود می شود و لذا کتاب موجود (در دو مجلد) فقط تا آخر سوره کهف است. نسخه موجود نیز، بدون اسناد راویان آن است؛ ظاهراً یکی از نسخه برداران کتاب، برای سهولت و آسانی مطالعه و استنساخ، اسنادش را حذف کرده(۲) و زیانی جبران ناپذیر بر آن وارد ساخته است.

علامه طباطبایی رحمه الله، مقدمه‌ای بر این تفسیر نگاشته و اهمیت و جایگاه این تفسیر را بیان کرده است. ایشان می‌نویسد: «قسم به جانم! می‌توانم بگویم این کتاب بهترین اثری است که در زمان خود تألیف یافته است و اطمینان آمیزترین مجموعه‌ای است که از پیشینیان ما در زمینه کتب تفسیری مأثور به ارث رسیده است».

این تفسیر روایی در ذیل ده‌ها آیه از قرآن، به موضوع «مهدویّت» و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته و روایاتی را در این زمینه نقل کرده است. نوع این احادیث، تطبیق و تأویل آیات بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی آن حضرت است.

پنج. تفسیر القمی

این تفسیر اثر ابو الحسن، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م قرن ۴ ق) از راویان بزرگ

۱- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج۱، ص۱۲۱؛ ج۲، ص۴۷۸؛ ج۳، ص۱۱۲.

۲- سیّد محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، ص۹۹.

شیعه و از یاران امام حسن عسکری علیه السلام است. وی از مشایخ معتبر شیخ کلینی است و وی بسیاری از روایات کافی را از او نقل کرده است.

این تفسیر از قدیمی ترین تفاسیری است که پرده از روی آیاتی که در شأن ائمه علیهم السلام نازل شده است، بر می‌دارد. از این رو در میان مفسران شیعه، از ارزش و اعتبار خاصّی برخوردار است؛ به گونه‌ای که آنان، اعتبار دیگر کتب «تفسیر روایی» را با این کتاب می‌سنجند.

نجاشی رحمه الله درباره او می گوید: «علی بن ابراهیم از بزرگ ترین راویان شیعه است که در عصر امام حسن عسکری علیه السلام زندگی می کرده و محمد بن یعقوب کلینی، در کتاب کافی بسیار از او روایت نقل می کند».

از ویژگی‌های این تفسیر، آن است که مؤلف همه روایات را، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل کرده است. درباره مؤلف و شیوه تألیف و پاره‌ای مباحث مربوط به شناسنامه کتاب، بحث‌های مفصل و گسترده‌ای شده و برخی انتساب آن را به او مورد تردید قرار داده‌اند؛(۱) اما اصل کتاب به عنوان یکی از کتاب های حدیثی مرجع، مورد توجه بوده و هست . البته دقت در روایات آن خالی از فایده نیست.

دلایل و شواهد بر اینکه حداقل بخش‌هایی از این کتاب، از علی بن ابراهیم نیست، فراوان است؛ به عنوان نمونه مقدمه این کتاب، به گونه‌ای مباحث را طرح می کند که گویی شخص دیگری، سخن می گوید و گاه، حتی از علی بن ابراهیم نقل قول می کند. افزون بر آنکه این مقدمه، مشتمل بر انحرافات و عقاید نادرستی (مانند تحریف قرآن) است. در حقیقت این کتاب، مجموعه‌ای است از چند تفسیر: تفسیر علی بن ابراهیم، تفسیر ابوالجارود و نقلیات ابوالفضل عباس بن محمدبن قاسم.(۲)

کتاب یاد شده مشتمل بر سی روایت در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مضامین مختلفی در آن وجود دارد که عمدتاً به صورت تطبیق آیات بر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- ر. ک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج۴، ص۳۰۲.

۲- سیّد محمد علی ایازی، شناخت نامه تفاسیر، ص۹۸.

شش. الکافی

این کتاب ارزشـمند، اثری گران‌سنگ ازشیخ ابوجعفر، محمدبن یعقوب کلینی‌رازی رحمه الله (م۳۲۹ ق)، از برجسته‌ترین علمای شیعه در نیمه دوم قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری است.

کلینی با سـفر به شـهرها و سرزمین‌های اسلامی و ارتباط با راویان احادیث و دستیابی به اصول چهارصدگانه شیعه(۱) و ارتباط با نواب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مجموعه‌ای ارزشمند و کتابی معتبر و جامع به نگارش در آورده است.

محمد بن یعقوب کلینی نام آورترین و بلند آوازه‌ترین اندیشـمند عصـر خود بود؛ دورانی که اوج تلاش محدثان و دانشـمندان بزرگ و حتی نواب خاص حضـرت بود. با اینکه این چهار تن از فقها و محدثان بزرگ شیعه بودند و شیعیان آنها را به جلالت قدر می شناختند؛ اما کلینی مشهورترین شخصیتی بود که در آن زمان، میان شیعه و سنّی با احترام می زیست و به طور آشکار، به ترویج مذهب حق و نشر فضایل اهل بیت علیهم السلام همت می گماشت.

کتاب کافی از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های روایی شـیعه و نگاشـته شده در عصـر غیبت صـغرا است. این کتاب در طول بیش از هزار سال، پیوسـته مورد توجه و عنایت خاص دانشـمندان و فقهای شـیعه قرار داشته است و آنان در منابع مهم روایی و تألیفات ارزشمند خود، به آن استناد کرده اند.

شیـخ مفیـد رحمه الله کافی را چنین معرفی کرده است: «الکافی هو من اجلّ کتب الشیعه و اکثرها فائده»؛(۲) «کافی از برجسته ترین کتاب های شیعه و پر فایده ترین آنها است«.

شهیـد اول، محمـد مکی دربـاره این کتـاب نوشـته است: «کتاب کافی، کتابی روایی است که تاکنون اصـحاب و علمای شـیعه مانند آن را ننگاشته‌اند».(۳)

۱- این مجموعه به اصـول اربعمـائه شـهرت دارد، یعنی, چهارصـد اصـل. اصول نوعی کتـاب است جـامع مقـداری حـدیث از معصومین علیهم السـلام و علمای حدیث که نوعا می گویند«له اصل»، یعنی احادیث کتاب را مؤلف از امام علیه السـلام شنیده است یـا اینکه از راوی امـام اسـتماع کرده است و از آن جهت چنین کتـابی را اصل می گوینـد که از کتاب دیگر گرفته نشـده است. ظاهراً اصول تا زمان امام عسکری علیه السلام نوشته شده و گر چه تاریخ تصنیف این کتب به طور قطع مسلم نیست ولی تالیف بیشتر آنها در زمان امام صادق علیه السلام بوده است.

۲- شیخ مفید رحمه الله، تصحیح الاعتقاد، ص۶۸.

۳- علامه مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج۱۰۴، ص۱۸۸.

از ویژگی‌های مهمّ این کتاب، هم عصر بودن مؤلف آن، با نائبان چهارگانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و دسترسی وی به آنان است. به خصوص که آنان در بغداد بودند و کلینی قدس سرّه نیز مدتی در آن شهر زندگی می‌کرده و سال وفات وی، مصادف با سال وفات آخرین سفیر امام عصر علیه السلام علی بن محمد سمری بوده است.

مؤلف در کتاب کافی، مقید به ذکر سند روایات تا معصوم علیه السلام است و این خود ارزش و اعتبار خاصّی به آن بخشیده است. این کتاب شامل بیش از شانزده هزار روایت است. اگر چه روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مجموعه این کتاب، به نوعی پراکنده است؛ اما در باب‌هایی ویژه، روایات بیشتری نقل شده است.

به عنوان نمونه در قسمت اصول و در «کتاب الحجه»، مؤلف احادیثی را در بخش »فی الاشاره و النص الی صاحب الدار«، ذکر کرده و در ادامه همین باب، عناوین دیگری همانند »فی التسمیه من رآه، باب فی النهی عن الاسم، باب نادر فی الغیبه و باب فی کراهیه التوقیت« ذکر و در هر عنوان، چند حدیث را نقل کرده است. مجموع این احادیث در این قسمت، نزدیک به شصت حدیث می‌رسد. همچنین در باب »مولد الصاحب« بیش از سی روایت در باره ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به آن است.

هفت. الغیبه

این کتاب اثر ارزشمند ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی رحمه الله، مشهور به ابن زینب (ابن ابی‌زینب)، از راویان بزرگ شیعه دراوایل قرن چهارم هجری است. وی نزد محمدبن یعقوب‌کلینی رحمه الله دانش حدیث را فرا گرفت وکاتب استادش شد وبه همین‌جهت نیزعنوان «کاتب» پیدا کرد. او از شهرت، احترام و اعتبار خاصّی در نزد دانشمندان و فقهای شیعه بهره‌مند است.

نعمانی علاوه بر اینکه نویسنده ای خوش نظر و دارای قدرت استنباط بود، از اطلاعات وسیعی در باره رجال و احادیث برخوردار بود.

کتاب الغیبه به یقین جزو یکی از بهترین کتاب ها در زمینه احادیث مربوط به خصوصیات

حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ، غیبت و عصر ظهور و ویژگی‌های آن دوران است. تمام احادیث، برخوردار از سند بوده و نوع اسناد هم، کوتاه و در بسیاری از موارد، اسناد خوب و مورد پسند اهل فن است.

مؤلف در آغاز کتاب، درباره انگیزه تألیف آن نگاشـته است: «من در جامعه می‌دیدم شـیعیان و علاقه‌مندان به پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، به گروه‌های مختلفی تقسیم شده و نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و ولیّ امر و حجّت پروردگار خود سـرگردان گشـته‌انـد. پس از بررسـی، دلیل آن را غیبت آن حضـرت یافتم؛ چنان که رسول خـدا و حضـرت علی و ائمه معصومین علیهم السـلام نیز به آن اشاره کرده‌اند؛ لذا به یاری خداوند بر آن شدم تا روایاتی را که مشایـخ روایی بزرگ از امیرمؤمنـان و ائمه معصومین علیهم السـلام در بـاره غیبت امـام عصـر علیه السـلام نقـل کرده‌انـد، جمع آوری کنم.

بسـیاری از روایاتی که هم اکنون در اختیار من است، علمای اهل سـنّت نیز روایت کرده‌اند. البته روایات آنان دراین‌باره، بسیار گسترده‌تر از روایاتی است که هم‌اکنون در اختیار من است»(۱).

کتاب الغیبه شامل ۴۷۸ روایت در ۲۶ باب است. از موضوعات کتاب می توان به موارد ذیل اشاره کرد: وجوب حفظ اسرار آل محمد علیهم السلام ، الهی بودن مسأله امامت، تعداد امامان علیهم السلام، کسی که به دروغ ادعای امامت کند، روایات درباره غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، صبر و انتظار فرج، امتحان، صفات امام منتظر، صفات لشکر آن حضرت و... .

هشت. کمال الدین و تمام النعمه

نویسـنده ایـن کتـاب ابـوجعفر محمـد بن علی بن حسـین بن بـابویه قمی (م ۳۸۱ ق)، مشـهور بـه «شـیخ صـدوق» رحمه الله ، از بزرگ‌ترین شخصـیت‌های جهان اسلام و از برجسته‌ترین چهره‌های درخشان علم و فضیلت است. در این کتاب به صورت ویژه احادیث مربوط به غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده و در واقع یکی از کتاب‌های مرجع و عمده در حوزه مباحث مهدویّت است. کمتر نوشته و اثری در دوره‌های بعد، یافت می‌شود که به نوعی از این مجموعه، بهره نبرده باشد .

۱- نعمانی رحمه الله، الغیبه، صص ۳۰- ۳۵.

شیخ صدوق قدس سرّه نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام می زیست و با جمع آوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تألیف کتاب‌های نفیس و با ارزش، خدمت ارزنده و کم نظیری به اسلام و تشیع کرد. تألیفات فراوان وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون نیز با گذشت بیش از یک هزار سال از تاریخ تألیف آنها ، روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افزوده شده و جایگاهی بس بلند و والاـ یافته است و در صدر قفسه کتابخانه‌ها و در سینه دانشمندان جای دارد.

شیخ صدوق رحمه الله در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را چنین ذکر کرده است: «... چون آرزوی زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام برآورده شد، به نیشابور برگشتم و در آنجا اقامت گزیدم. دیدم بیشتر شیعیانی که به نزد من آمد و شد می کردند، در امر غیبت حیران اند و درباره امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شبهه دارند و از راه درست منحرف گشته و به رأی و قیاس روی آورده اند ... تا اینکه شیخی از اهل فضل و علم و شرف که از دانشمندان قم بود از بخارا بر ما وارد شد ... و از من درخواست کرد که در این موضوع (غیبت) کتابی برایش تألیف کنم. من نیز درخواست او را پذیرفتم و به او وعده دادم هرگاه خداوند وسایل مراجعتم را به وطنم فراهم کند، آنچه را خواسته است، گرد آورم.

در این میان، شبی در باره آنچه جا گذاشته‌ام از خانواده و فرزندان و برادران و دیگر نعمت‌ها اندیشه می‌کردم که ناگاه خواب بر من غلبه کرد و در خواب دیدم گویی در مکه هستم و به گرد بیت الله الحرام طواف می‌کنم. در شوط هفتم، به حجر الاسود رسیدم. آن را استلام کرده، این دعا را خواندم ... آن گاه مولایمان صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده و من با دلی مشغول و حالی پریشان، به ایشان نزدیک شدم ... بر او سلام کردم و او پاسخم داد و سپس فرمود: چرا در باب غیبت، کتابی تألیف نمی کنی تا اندوهت زایل شود؟ عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! درباره غیبت پیش تر رساله هایی را تألیف کرده‌ام. فرمود: نه به آن طریق، اکنون تو را امر می کنم که درباره غیبت، کتابی تألیف کنی و غیبت انبیا را در آن بازگو کنی....»(۱)

این کتاب به دو بخش اصلی تقسیم شده است:

بخش اول، شامل مباحث کلّی و احادیث جامعی در باره غیبت در امت های پیشین و اثبات این موضوع است که غیبت حضرت مهدی علیه السلام امری تازه نیست؛ بلکه غیبت دارای سابقه

۱- شیخ صدوق رحمه الله ، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه، صص ۴-۶.

طولانی بوده است.

در بخش دوم موضوعاتی مانند: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت او، غیبت، دلایل آن، افرادی که وی را دیده‌اند، توقیعات صادر شده ازسوی آن حضرت، مسأله انتظار فرج، نشانه‌های ظهور و ... بیان شده است.

این کتاب به جهت اهمیتی که دارد، بارها تجدید چاپ و نیز به دست افراد مختلفی، به فارسی برگردان شده است.

نه. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد

این کتاب، اثر گران سنگ شیخ ابوعبد الله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، معروف به شیخ مفید رحمه الله (م ۴۱۳ ق) است. او این کتاب را در سال ۴۱۱ هجری؛ یعنی، دو سال قبل از وفات و در اوج شهرت علمی، تدوین کرده که این خود بر ارزش کتاب می افزاید.

آوازه و شهرت علمی شیخ مفید رحمه الله، جهان اسلام را فرا گرفته است و از او چهره های بسیار درخشان شیعه به شمار می‌آید. وی در این کتاب سعی وافری به کار برده تا روایاتی را در جهت معرفی معصومین علیهم السلام ارائه کند و در آخرین بخش آن اخبار مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (حدود نود روایت) را ذکر کرده است.(۱)

الارشاد از معتبرترین منابع روایی شیعه، در باره زندگانی ائمه علیهم السلام به شمار می آید و بسیاری از منابع مهم شیعه این کتاب را مستند خود قرار داده اند.

ایشان در پایان کتاب شش باب را به شرح زیر به حضرت مهدی علیه السلام و موضوعات مربوط به آن حضرت اختصاص داده است:

۱. باب ذکر الامام القائم بعد أبی محمد علیه السلام و تاریخ مولده و دلائل إمامته و ذکر طرف من أخباره و غیبته و سیرته عند قیامه و مده دولته

۲. باب ذکر طرف من الدلائل علی إمامه القائم بالحق محمد بن الحسن علیهما السلام

۱- شیخ مفید رحمه الله، الارشاد، ج۲، ص ۴۷۴، فصل ۳۵.

۳. باب ما جاء من النص علی إمامه صاحب الزمان الثانی عشر من الائمه علیهم السلام فی مجمل ومفصل علی البیان

۴. باب ذکر من رأی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف و طرف من دلائله و بیناته

۵. باب طرف من دلائل صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیناته وآیاته

۶. باب ذکرعلامات قیام القائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و مده أیام ظهوره و شرح سیرته و...

باب پایانی کتاب در ضمن پنج فصل ارائه شده که موضوعات این پنج فصل عبارت است از: ویژگی های جسمانی، وقت ظهور، چگونگی آغاز ظهور، روش حکومت و مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام.

شیخ مفید قدس سرّه در سال ۴۱۳ در بغداد و پس از ۷۵ سال تلاش و خدمت ارزنده دار فانی را وداع گفت و مورد تجلیل فراوان مردم و اهل علم قرار گرفت.

شیخ طوسی رحمه الله که خود در تشییع پیکر مطهر او حضور داشت می گوید: روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او، همانند و نظیر نداشته است. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشییع کردند و سید مرتضی علم الهدی قدس سرّه بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد علیه السلام ، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن قولویه، مدفون گردید.

ده. کتاب الغیبه للحجه

این کتاب ارزشمند تألیف شیخ الطائفه، ابوجعفر محمد بن حسن طوسی رحمه الله (م۴۶۰ق)، از برجسته ترین چهره‌های علمی جهان تشیع و شخصیت مورد اعتماد شیعه در قرن پنجم هجری است.

او در فقه و اصول ، حدیث، تفسیر، کلام و رجال، تألیفات فراوانی از خود به یادگار گذاشته است. مدت پنج سال نزد شیخ مفید رحمه الله درس خوانده و سالیانی دراز از محضر سید مرتضی قدس سرّه، بهره‌مند شده است.

بعد از رحلت سید مرتضی علم الهدی رحمه الله، رهبری و پرچم داری شیعه به شیخ طوسی رسید. در این هنگام منزل شیخ در محله کرخ بغداد، پناهگاه مسلمانان بود. جهت درک محضر او، دانشمندان فراوانی از سراسر سرزمین اسلامی، قصد بغداد می کردند تا از خرمن دانش و فضیلت آن عالم بزرگوار توشه برگیرند.

شیخ طوسی رحمه الله مؤلف دو کتاب از کتاب‌های چهارگانه شیعه تهذیب الاحکام و الاستبصار است که هر دو در زمینه روایات و احادیثی است که جنبه فقهی و حکمی دارند. از دیگر تألیفات ارزنده این دانشمند بزرگ کتاب الغیبه است.

بی‌گمان کتاب الغیبه از بهترین، مهمّ ترین و کامل ترین منابع شیعه در مورد «غیبت» حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این کتاب به علت و انگیزه غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکمت الهی که موجب آن گردیده، اشاره شده است.

شیخ طوسی رحمه الله در نگارش این اثر ارزشمند و گران بها، شیوه‌ای نو و ابتکاری به کار گرفته و به جوانب مختلف غیبت حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده است. همچنین با استدلال به قرآن و روایات معصومین علیهم السلام و حکم عقل، به پاسخ‌گویی به شبهات و اشکالات مخالفان پرداخته است.

این کتاب شامل فضایل امام عصر علیه السلام و سیره و روش آن حضرت در زمان غیبت و هنگام ظهور است و بسیاری از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده است. از زمان نگارش آن تا کنون پیوسته مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده و آنان در تألیفات خود، بسیار به آن استناد کرده اند.

آقا بزرگ طهرانی رحمه الله در مقدمه‌ای بر کتاب الغیبه نوشته است: «کتاب الغیبه نوشته شیخ طوسی از کتاب‌های قدیمی است که بر بسیاری از کتاب‌های دیگر برتری دارد. این کتاب دربردارنده بهترین حجّت ها و محکم ترین برهان های عقلی و نقلی بر وجود امام دوازدهم، محمد بن الحسن، صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت آن حضرت در این زمان و ظهور شان در آخر الزمان است»(۱).

شیخ طوسی قدس سرّه در مقدمه کتاب در باره انگیزه خود از نگارش این کتاب نوشته است: »من این کتاب را به در خواست شیخ بزرگوار که خداوند عمر ایشان را طولانی گرداند نگاشتم. ایشان در خواست فرمود تا کتابی در باره غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اِملا نمایم و در آن سبب غیبت آن حضرت و علت طول کشیدن آن و ... را بیان کنم و اینکه چرا آن حضرت ظهور نمی‌کند؟ آیا مانعی در کار هست؟ آن مانع چیست و چرا ما نیازمند به آن حضرت هستیم؟ من هم در خواست او را اجابت و امر ایشان را اطاعت کردم...

۱- آقا بزرگ تهرانی، مقدمه کتاب الغیبه، ص۲۴.

کتاب الغیبه (با حدود پانصد روایت) مشتمل بر هشت فصل است:

۱. الکلام فی الغیبه

در این فصل مؤلف به مباحث ذیل پرداخته است: دلیل بر وجوب عصمت امام، و دلیل بر فساد قول کیسانیه، ناووسیه، واقفه و سایر فرقه های منحرف در باب مهدویّت.

۲ . ولادت حضرت حجّت علیه السلام

۳ . مشاهده کنندگان حضرت مهدی علیه السلام در غیبت صغرا

۴ . بیان پاره ای از کرامات آن حضرت

۵ . برخی از موانع ظهور حضرت مهدی علیه السلام

۶ . روایات مربوط به بحث نیابت و وکالت

در این بخش هم ، درباره نواب و وکلای ممدوح و هم درباره نواب و وکلای مذموم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان آمده است. همچنین به برخی از توقیعات آن حضرت اشاره شده است.

۷ . عمر طولانی حضرت مهدی علیه السلام

در ضمن آن اشاره ای به وقت ظهور و پاره ای از نشانه های ظهور شده است.

۸ . برخی فضایل و صفات و سیره آن حضرت

شیخ طوسی رحمه الله در شب دوشنبه ۲۲ محرم سال ۴۶۰ ه به رحمت ایزدی پیوست و در نجف اشرف در خانه خویش به خاک سپرده شد.

ص: ۶۶

خودآزمایی

۱. اولین منبع روایی شیعه که می توان در آن احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دست آورد، چه نام دارد و به وسیله چه کسی تألیف شده است؟

۲. دو تفسیر روایی شیعی را که روایات مربوط به به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نیز ذیل آیات ذکر کرده اند، نام برده، توضیح دهید.

۳. مهمّ ترین کتاب روایی موجود شیعه چه نام دارد؟ در باره آن توضیح دهید.

۴. برای دو کتاب الغیبه اثر نعمانی و شیخ طوسی توضیح مختصری ارائه فرمایید.

۵. یکی از مهمّ ترین کتاب های روایی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را که به دستور آن حضرت تدوین شده نام برده، در باره آن توضیح دهید.

۶. علاوه بر منابع یاد شده، درباره دو منبع روایی شیعه را ــ که در باره مهدویّت روایاتی نقل کرده اند ــ توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. حاجی خلیفه، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، دو جلد، (دار احیاء التراث العربی، بیروت).

۲. علی بن موسی التبریزی، مرآه الکتب، (مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۱۴ ه .ق).

۳. مجمع الفکر الاسلامی، موسوعه مؤلفی الامامیه، (مجمع الفکر الاسلامی، دو جلد، قم، ۱۴۲۰ه .ق).

۴. سید اعجاز حسین النیسابوری، کشف الحجب الاستار عن اسماء الکتب و المنقار، (مکتبه آیت الله المرعشی، قم، ۱۴۰۹ ه .ق).

۵. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، چ دوم، (دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ه .ق).

ص: ۶۷

درس چهارم: مهدویّت از نگاه اهل سنّت (۱)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با:

۱. جایگاه مهدویّت در نگاه اهل سنّت

۲. احادیث مهدویّت در متون اهل سنّت

الف. کتاب های عمومی

ب . کتاب های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. صحت احادیث مهدوی علیه السلام

۴. تواتر احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش درآمد

باورداشت «مهدویّت» و اندیشه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر خلاف تصوّر عده ای نه تنها اختصاص به شیعه ندارد؛ بلکه بخش مهمّی از عقاید اسلامی به حساب می آید که بر اساس بشارت های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، میان تمامی فرقه ها و مذاهب اسلامی شکل گرفته است.

در حوزه اعتقادات اسلامی، کمتر موضوعی را می‌توان یافت که تا این حد به آن اهمیت داده شده و در اصل اعتقاد به ظهور منجی، نوعی اتفاق نظر و وحدت فکر، شکل گرفته باشد.

احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، در بسیاری از کتاب‌های معروف اهل سنّت نیز آمده است. در بیشتر این کتاب ها، از اوصاف و زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، نشانه‌های ظهور، محل ظهور و بیعت، تعداد یاران و دیگر موضوعات سخن به میان آمده است.

مشهور میان مسلمانان در طول تاریخ، این است که در آخرالزمان، مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور کرده، عدالت را آشکار می‌کند. مسلمانان از او پیروی می کنند و او بر کشورهای اسلامی چیره می‌شود. نام او «مهدی» است.(۱)

البته عده کم شماری، از پذیرفتن اصل »مهدویّت« سر باز زده، با دلایلی سست و واهی، به انکار آن پرداخته و آن را فکری شیعی معرفی کرده اند!!

با مروری بر کتاب های روایی اهل سنّت روشن می شود که موضوع مهدویّت در این منابع

۱- عبد الرحمن ابن خلدون، مقدمه العبر، ص ۲۴۵.

نیز به فراوانی مورد اشاره قرار گرفته است.(۱) علاوه بر روایات فراوانی که در منابع اهل سنّت به صورت پراکنده به چشم می خورد، تدوین و تألیف کتاب های حدیثی مختص به حضرت مهدی علیه السلام، به وسیله دانشمندان اهل سنّت، گویای جایگاه والای «مهدویّت» نزد آنان است.

متون روایی اهل سنّت را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

یک. کتاب های عمومی:

بی گمان روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در اغلب منابع روایی اهل سنّت ذکر شده است. البته در پاره ای از این منابع، به روشنی به حضرت مهدی علیه السلام اشاره نشده؛ ولی در همان منابع نیز روایاتی وجود دارد که بر او قابل انطباق است.

دو. کتاب های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف :

در بین منابع روایی اهل سنّت کتاب هایی چند ویژه موضوعات مربوط به آن حضرت نگارش یافته است.

یک. کتاب های عمومی

اشاره

در این کتاب ها به موضوع «مهدویّت» مانند بسیاری از مسائل دیگر به تناسب اشاره شده است. از جمله موضوعاتی که در این روایات آمده، می توان به این موارد اشاره کرد: بودن حضرت مهدی علیه السلام از خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، خصایص حضرت مهدی علیه السلام، زندگی و سیرت آن حضرت، چگونگی ظهور و حکومت ایشان و ... .

اما بعضی از کتاب هایی که بیشتر روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در آنها نقل شده، عبارت است از:

۱.۱. المصنف عبد الرزاق

این کتاب اثر ابوبکر عبد الرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ق) است. وی در این کتاب

۱- لازم به یادآوری است که در تدوین بخش هایی از این درس و درس آینده از تحقیقات و مطالب ارزشمند استاد مهدی اکبر نژاد بهره فراوانی برده ام. با تشکر از ایشان.

فصلی را با عنوان »باب المهدی« گشوده و در آن بیش از ده حدیث نقل کرده است. این احادیث از شماره ۲۰۷۶۹ آغاز و تا شماره ۲۰۷۷۹ ادامه دارد. وی پس از این باب، با عنوان باب «اشراط الساعه» به برخی موضوعات دیگر اشاره کرده است. این اولین کتابی از اهل سنّت است که احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شکلی منظم، گرد آورده است.

۱۲. کتاب الفتن

حافظ ابوعبد الله نعیم بن حماد المروزی (م ۲۲۹ ق) در کتاب الفتن احادیث فراوانی درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صفات، ویژگی‌ها و حوادث عصر او، روایت کرده است. مصنف در مجموع ده بخش را با عناوین مختلف به موضوعات مربوط به فتنه های آخرالزمان اختصاص داده است. چهار بخش نخست آن، درباره حوادث و فتنه هایی است که در روایات بدان‌ها اشاره شده است. عمده روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در بخش پنج و بعد از آن ذکر شده است.

۱۳ . المصنف فی الاحادیث و الآثار

حافظ عبد الله بن محمّد بن ابی شیبه الکوفی (م ۲۳۵ ق)، مؤلف کتاب یاد شده، در فصل ۳۷ آن ، بخشی را با عنوان »الفتن« قرار داده است. او در این بخش احادیثی را در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به او ذکر کرده است (حدیث ۳۷۶۳۷ تا حدیث ۳۷۶۵۳). در بعضی از این احادیث به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است. از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته، می توان به ویژگی های نسبی و اخلاقی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مدت حکومت و عمر آن حضرت، شرایط پیش از ظهور، نشانه‌های ظهور و ویژگی‌... های دوران ظهور ایشان اشاره کرد.

۱۴. مسند احمد

احمد بن حنبل ابوعبدالله الشیبانی (م ۲۴۱ ق)، از پیشوایان چهار گانه اهل سنّت است. وی در کتاب مسند احادیث مختلف و متعددی را درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده است.(۱) این

۱- این کتاب که از گسترده ترین جوامع حدیثی کهن اهل سنّت است، در چاپ جدید با فهارس در پنجاه مجلد به چاپ رسیده است.

احادیث به ضـمیمه کتاب البیان فی الاخبار صاحب الزمان و در مجموعه‌ای با نام احادیث المهدی من مسـند احمد بن حنبل به چاپ رسیده است.(۱)

در این مجموعه، ۱۳۶ حدیث از مسند احمد استخراج و در موضوعات زیر تنظیم شده است: ۳۵ حدیث با عنوان «الخلفاء الاثنا عشر» ؛ ۳۵ حـدیث در بیان «علامات الظهور» ؛ ۲۶ حـدیث با عنوان «ظهور المهدی»؛ شـش حدیث با عنوان «المهدی من عتره رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم»، چهار حدیث با عنوان «یواطیء اسمه اسم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ چهارده حدیث با عنوان «نزول عیسـی و الامام هو المهدی» و چهل حدیث هم با عنوان «لاتزال طائفه یقاتلون علی الحق الی ان یاتی امر الله».

در میان کتاب های نخستین حدیثی، مسند احمد بیشترین حدیث را در این موضوع ذکر کرده است.

۱۵. سنن ابن ماجه

محمّـد بن یزید ابوعبدالله القزوینی (م ۲۷۵ ق) از حدیث شـناسان و محدثان معروف و زبردست اهل سنّت بوده و سنن وی در زمره صـحاح ششگانه قرار گرفته است. وی در کتاب الفتن این مجموعه، بخشی را به بیان احادیث مهدی با عنوان »باب خروج المهـدی« اختصاص داده است. نسب حضـرت مهدی علیه السـلام ، شـرایط قبل از ظهور ، زمینه سازان ظهور، یاران وی، مدت حکومت او و بالاـخره ویژ گی هـای اقتصـادی و اجتماعی حکومت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، از جمله موضوعات این روایات است. نکته قابل توجه اینکه در شـش حدیث از مجموع هفت حدیث، به نام امام مهدی علیه السـلام تصـریح شده است.

۱۶. سنن ابو داود

این کتـاب نیز یکی از صـحاح شـش گانه اهل سنّت بوده و به وسـیله سـلیمان بن الاشـعث   ابو داود السجسـتانی (م ۲۷۵ ق) نگارش یافته است. وی در این مجموعه بخشی را با عنوان

۱- ر. ک: سیّد محمّـد جواد حسـینی جلالی، احادیث المهدی من مسـند احمد بن حنبل، (انتشارات اسـلامی وابسته به جامعه مدرسین قم).

«کتاب المهدی»(۱) به صورت مستقل ذکر کرده که با حدیث ۴۲۷۹ آغاز می‌شود.

بعضی از موضوعاتی که در این روایات مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، ویژگی‌های نسبی وی، ویژگی های جسمی ایشان، شرایط قبل از ظهور، حتمی بودن ظهور ، اوضاع اجتماعی اقتصادی عصر ظهور و بالاخره جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام.

احادیث سنن ابو داود یکی از منابع قابل ملاحظه، در باره «مهدویّت» نزد اهل سنّت است.

۱۷. الجامع الصحیح

این کتاب از جمله صحاح شش گانه اهل سنّت است که به وسیله محمّد بن عیسی ابو عیسی تَرمَذی سلمی(م ۲۷۹ ق) به رشته تحریر در آمده است. وی در فصل « ما جاء فی المهدی»، سه حدیث به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده است. در دو حدیث اول این باب، به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریحی نشده و صرفاً مسأله منجی و حتمی بودن حاکمیت شخصی از اهل بیت علیهم السلام و هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است. ترمذی در مورد حدیث اول گفته است: »هذا حدیث حسن صحیح» و درباره حدیث سوم گفته است: »هذا حدیث حسن«.

هرچند در این مجموعه حدیثی، تعداد احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیار اندک است؛ ولی با توجه به اسناد خوب آنها, این احادیث مهم و قابل توجه دارای اطلاعات جامعی در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند.

۱۸. المستدرک علی الصحیحین

محمد بن عبدالله ابوعبد الله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) ، احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در فصلی خاص، در کتاب الفتن و الملاحم و در برخی قسمت‌های دیگر به صورت پراکنده ذکر کرده است. وی در این احادیث به برخی موضوعات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اعم از نسب، ویژگی‌های جسمانی، شرایط قبل از ظهور، اصل ظهور و مسائل

۱- سلیمان ابن الاشعث، سنن ابی داود، ص ۷۱۲ .

مختلف دیگر پرداخته است.

۱۹. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال

علاء الـدین علی المتقی بن حسام الـدین الهندی (م ۹۷۵ ق) با تالیف کتابی چون کنزالعمال شـهرت به سـزایی دارد. این جامع حدیثی از جمله معروف ترین مجموعه های حدیثی موجود اهل سـنّت است. مؤلف که جداگانه تألیفی درباره حضـرت مهدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف با عنوان البرهان فی علامات مهـدی الآخر الزمان دارد در مجموعه حـدیثی کنزالعمال علاوه بر روایات پراکنده(۱)، فصـلی را با عنوان «خروج المهدی» گشوده و در آن ده‌ها حدیث را از منابع مختلف نقل کرده است. این احادیث از شماره ۳۸۶۵۱ آغاز شده و تا روایت ۳۸۷۰۸ ادامه یافته است.

در این مجموعه، ابعاد مختلف مهـدویّت از جمله شـرایط قبل از ظهور، یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در دوران حکومت وی، حوادث و جریانات عصـر ظهور، شـرایط حاکم اقتصادی در آن زمان و ویژگی های جسـمی آن حضـرت بیان شده است.

دو. کتاب های حدیثی ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

دانشمندان اهل سنّت همانند عالمان شیعه تنها به وجود روایات مهدویّت در کتاب های مختلف بسنده نکرده، کتاب‌هایی چند، ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تألیف کرده اند. بعضی از این آثار ارزشمند بدین قرار است:

۲۱. اربعون حدیث

ابونعیم اصـفهانی (م ۴۲۰ ق)، از دانشـمندان بنـام اهـل سـنّت، آثـار و تألیفـات فراوانی دارد. کتـاب اربعون حـدیث اکنون در دسترس نیست و اربلی در کتـاب کشف الغمه فی المعرفه الائمه آن را آورده است. وی قبل از ذکر احادیث چنین گفته است : «من چهل حدیثی را که ابو نعیم اصـفهانی آنها را درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف جمع آوری کرده، به طور کامل همان گونه که وی ذکر

۱- ایشان در بخشـی با عنوان «جامع الاشـراط الکبری» ده ها روایت دیگر را در باره موضوعات مهـدویّت ذکر کرده است. این روایات از شماره ۳۹۶۵۶ به بعد می باشد.

کرده آوردم و به راوی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اکتفا کردم(۱)».(۲)

۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام

ابوعبـد الله محمّـد گنجی شافعی (م ۶۵۸) ، احـادیث مربوط به مهـدی و خصـایص و ویژگی هـای او را بـا ترتیب خـاص و در ابواب منسجم، در این کتاب ذکر کرده است. وی در مقـدمه کتابش برای ردّ اتهام شـیعی بودن عقیده مهدویّت و اثبات آن به عنوان یک موضوع اسـلامی اذعان می کنـد که در این کتاب، تنها احادیثی را آورده که از طریق اهل سنّت، روایت شده و از ذکر روایات شیعی پرهیز کرده است.(۳)

او مجموع این احـادیث را (هفتاد حـدیث) در ۲۵ باب منظم کرده و حتی به بعضـی از جزئیات مربوط به حضـرت مهـدی علیه السلام نیز اشاره نموده است.

عناوین باب های این کتاب عبارت است:

۱. فی ذکر خروجه فی آخر الزمان

۲. فی قوله صلی الله علیه و آله و سلم: المهدی من عترتی من ولد فاطمه

۳. فی ذکر المهدی من سادات اهل الجنه

۴. فی امر النبی صلی الله علیه و آله و سلم بمبایعه المهدی

۵. فی ذکر نصره اهل المشرق للمهدی

۶. فی مقدار ملکه بعد ظهوره

۷. فی بیان انّه یصلی بعیسی علیه السلام

۸. فی تحلیه النبی صلی الله علیه و آله و سلم المهدی علیه السلام

۹. فی تصریح النبی بانّ المهدی من ولد الحسین علیه السلام

۱۰. فی ذکر کرم المهدی علیه السلام

نکته قابل توجه اینکه وی به رغم انکار ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف بیشتر علمای

۱- سند را تا راویِ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حذف کرده است.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج۳، ص ۲۵۵.

۳- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، ۱۹.

اهل سنّت آخرین باب را چنین نامیده است: «فی الدلاله علی جواز بقاء المهدی حیاً». بر این اساس وی نه تنها ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته؛ بلکه هرگونه استبعاد در مورد طول عمر آن حضرت را منتفی دانسته است.

گنجی شافعی در آغاز این باب می نویسد: «هیچ امتناعی در بقای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود ندارد؛ به دلیل اینکه عیسی، الیاس و خضر که از اولیای خداوند می باشند زنده هستند و دجال و ابلیس که از دشمنان خداوند می باشند نیز زنده هستند و زنده بودن اینها، به وسیله قرآن و سنّت اثبات شده است. آن گاه که بر این موضوع اتفاق کرده اند، زنده بودن مهدی را انکار نموده اند... پس به سخن هیچ عاقلی بعد از این توجه نمی شود، در اینکه باقی بودن مهدی را انکار کند».(۱)

به باور تاریخ نگاران, نویسنده کتاب، در سال ۶۵۸ ه در جامع اموی دمشق، به دست گروهی از عوام و به جهت تمایل وی به شیعه، مظلومانه کشته شد.(۲)

آیت الله حسن زاده آملی در وصف این کتاب می نویسد: «کتاب بیان در عین حال که صغیر الحجم است، بسیار عظیم النفع است. این کتاب موجز حائز فوایدی گران قدر و ارزشمند است و هر چند هر یک از ابواب آن را در امر صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف اهمیتی به سزا است؛ لکن بعضی از ابواب به خصوص باب های دوم و هفتم و نهم و سیزدهم و بیست و چهارم و بیست و پنجم را شأنی دیگر و در خور دقت بیشتر و بهتر است».(۳)

۲۳. عِقد الدرر فی اخبار المنتظر

این کتاب تألیف یوسف بن یحیی بن علی بن عبد العزیز مقدسی شافعی (م بعد ۶۵۸) است. عقدالدرر به لحاظ جامع بودن و گستردگی، در نوع خود کم نظیر و منبع مهمّی برای کتاب‌های بعدی بوده است. مؤلف در مقدمه کتاب، انگیزه تألیف را چنین بیان می کند: » فساد زمان و مشکلات و گرفتاری مردم و مأیوس شدن آنها از اصلاح اوضاع و وجود کینه ها بین

۱- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، ص ۹۷.

۲- ابو عبد الله محمد کنجی شافعی، مقدمه التحقیق، ص۱۲.

۳- حسن حسن زاده آملی، نهج الولایه، ص۹۳.

آنـان تا قیامت استمرار نـدارد و از بین رفتن این مشکلات، با ظهور و خروج مهـدی حاصل می‌گردد... برخی این مسأله را به طور کلی رد می‌کنند و برخی دیگر نیز گمان می‌کنند جز عیسی، مهدی‌ای وجود ندارد«.(۱) مؤلف به تفصیل این دو دیدگاه را مردود دانسته، با شواهـد کافی این را غیر قابل پـذیرش می‌شـمارد و برای تـدوین کتاب، احادیث مربوط به حضـرت مهدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را بـدون ذکر اسـناد آن نقل و منابع اصـلی آن را بیان می کنـد. در بیشتر احادیث از اظهار نظر درباره ضعیف یا صحیح بودن حدیث خودداری و فقط به ذکر آن بسنده کرده است.

مؤلف پس ازمقدمه‌ای قابل توجه، مباحث مهدویّت را در ابواب دوازده‌گانه تنظیم کرده است:

۱. فی بیان انّه من ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و عترته

در این باب به روایاتی در باره نسب آن حضرت اشاره شده است.

۲. فی اسمه و خلقه و کنیته

مطالبی درباره نام آن حضرت، خصلت‌ها و کنیه آن حضرت در این باب گردآوری شده است.

۳. فی عدله و حلیته

در این باب به ویژگی‌های جسمانی آن حضرت و نیز عدالت گستری ایشان اشاره شده است.

۴. فی ما یظهر من الفتن الداله علی ولایته

این باب دارای چهار فصل در باره رخدادها و حوادث مربوط به ظهور ایشان است.

۵. فی أنّ الله تعالی یبعث من یوطیء له قبل امارته

در این باب به زمینه سازان و زمینه سازی حکومت مهدی علیه السلام اشاره شده است.

۶. فی ما یظهر له من الکرامات فی مده خلافته

این باب در باره آثار و کرامت های آن حضرت در دوران دولت ایشان است.

۷. فی شرفه و عظیم منزلته

۸. فی کرمه و فتوته

۱- حسن حسن زاده آملی، نهج الولایه، ص ۹۷.

۹. فی فتوحاته و سیرته

۱۰. فی انّ عیسی بن مریم علیه السلام یصلی خلفه و یبایعه و ینزل فی نصرته

۱۱. فی اختلاف الروایات فی مده اقامته

۱۲. فی ما یجری من الفتن فی ایامه و بعد انقضاء مدته

در این باب پس از ذکر یک مقدمه، مطالب را در ضمن هشت فصل و یک خاتمه تنظیم شده است.

۲۴. العرف الوردی فی الاخبار المهدی علیه السلام

جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ ق) احادیث امام مهدی علیه السلام را در این کتاب به شکلی مبسوط و گسترده جمع‌آوری کرده است. این کتاب در ضمن مجموعه رساله هایی به نام الرسائل العشر در مجموعه‌ای بزرگ‌تر با عنوان الحاوی للفتاوی به چاپ رسیده است.

وی در ابتدای این رساله می نویسد : «این بخشی است که احادیث و آثار وارد شده راجع به مهدی را در آن جمع کردم و چهل حدیثی که حافظ ابو نعیم آنها را ذکر کرده، به صورت خلاصه آوردم و آنچه او نیاورده بر آن افزودم و به صورت (ک) آن را رمزگذاری کردم»(۱)

مجموع احادیثی که در این کتاب جمع آوری شده چه آنچه را از ابونعیم آورده و چه آنچه خودش بر آن افزوده بالغ بر دویست حدیث است. وی در پایان احادیث با عنوان تنبیهات، چهار نکته مهمّ را یاد آور شده است:

۱ . مهدی علیه السلام یکی از خلفای دوازده گانه است که در حدیث جابر بن سمره ذکر شده است.

۲ . مهدی علیه السلام نمی تواند از فرزندان عباس بن مطلب باشد.

۳ . سند حدیث «لا مهدی الا عیسی بن مریم» ضعیف است؛ چون با نقل متواتر که گویای ظهور مهدی علیه السلام و اینکه او از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و عیسی پشت سر او نماز

۱- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص۶۹.

می‌خواند- متعارض است.

۴ . آنچه نقل شده که مهدی از مغرب ظهور خواهد کرد، هیچ گونه دلیل و پایه‌ای ندارد.(۱)

۲۵. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان

این کتاب از جمله کتاب‌های حدیثی مفصل در باب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که بیش از ۲۷۰ حدیث را در بر گرفته و به وسیله علاء الدین علی بن حسام الدین مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵ ق) نوشته شده است.

ابواب کتاب در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به ایشان، به شرح زیر است:

۱. فی الکرامات

۲. فی نسب المهدی علیه السلام

۳. فی حلیه المهدی علیه السلام

۴. فی احوال تقع قبل خروج المهدی علیه السلام

۵. فی جامع العلامات و ...

در باب‌های بعد به چگونگی بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، یاران ، فتوحات، مدت حکومت و نازل شدن عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت اشاره شده است. مؤلف درباره کتاب خود می گوید: چون کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی تألیف جلال الدین سیوطی را مشاهده کردم، از آنجایی که آن کتاب دارای باب بندی و نظم لازم نبود، آن را باب بندی نمودم و برخی احادیث دیگر بر آن افزودم.(۲)

سه. صحّت احادیث مهدوی علیه السلام

نکته قابل توجه در باره روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام در منابع اهل سنّت، این است که بزرگان فراوانی از ایشان، تصریح به صحت آنها کرده اند؛ از جمله:

۱. ترمذی (م۲۹۷) درباره سه حدیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: «این حدیث نیکو وصحیح

۱- سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص۱۰۲.

۲- البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، ص ۱۰.

است».(۱) در باره چهارمین حدیث نیز می گوید: «این حدیثی نیکو است».(۲)

۲. حاکم نیشابوری (م۴۰۵) در باره هر یک از چهار حدیث چنین می گوید: «اسناد این حدیث صحیح است؛ ولی بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند».(۳) در مورد سه حدیث دیگر می گوید: «اسناد این حدیث صحیح است با شرط مسلم؛ ولی بخاری و مسلم نقل نکرده اند».(۴) نظرش در باره هشت حدیث دیگر این چنین است: «این حدیث صحیحی است با شرط شیخین(مسلم و بخاری)، ولی آن را نقل نکرده اند».(۵)

۳. بیهقی(م۴۵۸) گوید: «حدیث های مربوط به خروج مهدی، صحیح ترین اسناد را دارد».(۶)

۴. بغوی (م۵۱۰ یا ۵۱۶) در کتابش مصابیح السنه در فصل «الصحاح» یک حدیث و در فصل «الحسان» پنج حدیث نقل کرده است.

۵. قرطبی مالکی (م۶۷۱) از معتقدان به متواتر بودن حدیث های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام است. نکته مهم، اینکه وی ذیل حدیث ابن ماجه در مورد مهدی گوید: «اسنادش صحیح است» و تصریح می کند: حدیث «مهدی از عترت من، از فرزندان فاطمه است»، از حدیث محمّد بن خالد الجندی صحیح تر است.(۷)

علاوه بر موارد یاد شده، دانشمندان فراوانی از اهل سنّت به صحیح بودن روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند.(۸)

۱- سنن ترمذی، ج۴، ص۵۰۵، ح ۲۲۳۰و ۲۲۳۱و۲۲۳۳.
۲- سنن ترمذی، ج۴، ص۵۰۵، ح۲۲۳۲.
۳- مستدرک حاکم، ج۴، ص۴۲۹ و ۴۶۵و ۵۵۳ و ۵۵۸.
۴- مستدرک حاکم، ج۴، ص ۴۵۰و ۵۵۷ و ۵۵۸.
۵- مستدرک حاکم، ج۴، ص۴۲۹ و ۴۴۲ و ۴۵۷ و ۴۶۴ و ۵۰۲ و ۵۲۰ و ۵۵۴ و ۵۵۷.
۶- الاعتقاد و الهدایه الی سبیل الرشاد، ص۱۲۷.
۷- کتاب التذکره، ص۷۰۴.
۸- ر.ک: مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص ۵۴ ۶۰.

چهار. تواتر احادیث مهدی

چهار. تواتر(۱) احادیث مهدی

احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، در باره حضرت مهدی علیه السلام، در کتاب های مذاهب اسلامی، به اندازه ای فراوان است که کمتر در باره موضوعی به این میزان، حدیث رسیده است. همین واقعیت باعث شده، تا دانشمندان علم حدیث، در موارد فراوانی، به «متواتر» بودن احادیث مهدی، تصریح کنند.

احمد بن محمّد بن صدیق، ابو الفیض غماری حسنی شافعی مغربی، در کتاب ارزشمند ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون متواتر بودن حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به شیوه‌ای بی‌نظیر و بی‌سابقه ثابت می‌کند و بی‌اساس بودن تضعیف های ابن خلدون را در باره این حدیث‌ها به خوبی نشان می‌دهد. در برابر، افرادی چون احمد امین مصری، محمّد فرید وجدی و امثال آنها، اظهار نظرهای ابن خلدون را مستندی برای گفته های ناصحیح خود برگزیده‌اند!!

غماری مغربی، به تفصیل حدیث های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با تحقیق گسترده از کتاب‌های اهل سنّت، استخراج و روایت کرده، راویان آنها را به ترتیب برشمرده است: نخست اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، سپس تابعین و تابعین تابعین و بالاخره محدثان.

ابوالفیض در بخشی از کتابش گوید: «بر کسی پوشیده نیست که به طور طبیعی و معمولی، غیرممکن است گروهی بیش از سی نفر از طبقات مختلف اجتماعی و بدون آشنایی با یکدیگر بر یک سخن متفق شوند. البته این تعدادی است که تا امروز توانسته‌ایم از آن آگاه شویم. ما روایات مربوط به حضرت مهدی را از برخی صحابه روایت می‌کنیم؛ مانند: ابو سعید خدری، عبدالله بن مسعود، علی بن ابیطالب علیه السلام، ام سلمه، ثوبان عبد الله بن جزء بن حارث زبیدی، ابوهریره، انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، قره بن ایاس مزنی، ابن عباس، ام حبیبه، ابوامامه، عبد الله بن عمرو بن عاص، عمار بن یاسر، عباس بن عبد المطلب، حسین بن علی علیهما السلام، تمیم‌داری، عبد الرحمن بن عوف، عبد الله بن عمر بن الخطاب، طلحه، علی

۱- «حدیث یا متواتر است یا آحاد. متواتر، در لغت، آمدن یکی پس از دیگری بلا فاصله است و در اصطلاح علم الحدیث، منظور خبر جماعتی است که فی حد نفسه، نه به ضمیمه قرائن، اتفاق آنان بر دروغ محال، و در نتیجه، موجب علم به مضمون خبر باشد»: کاظم مدیر شانه چی، علم الحدیث، ص۱۴۴.

هلالی، عمران بن حصین، عمرو بن مرّه جهنی، معاذ بن جبل و مرسله شهر بن حوشب. البته خبرش مرفوعه است، نه موقوفه و مقطوعه؛ هر چند که احادیث موقوفه و مقطوعه در این مبحث بسان احادیث مرفوع به شمار می‌آیند و با پی گیری می‌توانیم تعداد بسیاری از آنها را ذکر کنیم؛ ولی معتقدیم که حدیث‌های مرفوع، ما و شما را بسنده باشد».(۱)

ابوالفیض غماری شافعی، حدیث های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را از بیش از سی صحابی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت و سلسله راویان و محدثان آنها را با دقت و تفصیل بیان کرده است.(۲)

برخی دیگر از کسانی که به تواتر احادیث مربوط به حضرت مهدی تصریح کرده اند، بدین قرارند:

۱. حافظ ابوعبدالله گنجی شافعی(م ۶۵۸ ق)، در کتاب البیان، می نویسد: «تَواتَرَت الاخبارُ وَ اسْتَفاضَتْ بِکَثْرَهِ رُواتِها عَن المُصطفی فی اَمْرِ المَهْدِی»؛ «احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد، به حد تواتر رسیده است».

۲. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) که او را «حافظِ عصر» خوانده اند، در کتاب فتح الباری در شرح صحیح بخاری می گوید : «تَواتَرَتْ الَاخبارُ بِاَنَّ المَهدِی مِنْ هذِهِ الاُمَه وَ اَنَّ عیسی علیه السلام سَینْزِلُ وَ یصَلی خَلْفَهُ»؛(۳) «اخبار متواتر رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی فرود خواهد آمد و پشت سر او نماز خواهد خواند».

۳. ابن حجر هیتمی (م ۹۷۴ ق) درباره این احادیث گفته است: »احادیثی که در آنها مهدی ذکر شده است، فراوان و متواتر می باشند.»(۴) به جز موارد یاد شده، دانشمندان دیگری نیز به متواتر بودن روایات حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده... اند.(۵)

۱- ابراز الوهم المکنون، ص۴۳۷.

۲- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص ۵۰.

۳- فتح الباری، ۵، ص ۳۶۲ .

۴- الاشاعه فی اشراط الساعه، ص۸۷.

۵- ر. ک: لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص۵، پانوشت؛ و نیز ر. ک: مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، صص ۶۰ ۶۷ .

در پایان ذکر نکاتی درباره کتاب‌های یاد شده، خالی از فایده نیست:

یکم. کتـاب هـایی که که ویژه امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نگارش یافته و یا فصل‌هایی که در دیگر کتاب‌ها، درباره آن حضرت آمده ، بر اساس احادیث نبوی است.

دوم. در این کتاب‌ها، احادیث بسیار جالب، در باره مسائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، روایت شده است.

سوم. در برخی از اینها، آیاتی از «قرآن کریم»، در باره آن حضرت مطرح گشته است.

چهارم. در میان این کتاب ها، بعضـی پیش از میلاد حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و برخی نیز در عصـر غیبت صغرا و بعد از آن تألیف یافته است.

پنجم. در میان آنها از معتبر ترین کتاب های اهل سنّت نیز وجود دارد؛ مانند: صحاح شش گانه، مسند احمد بن حنبل و ...

ششم . بسیاری از این کتاب ها و چه بسا نوع آنها در محیط هایی فارغ از هر گونه وابستگی به شیعه، تألیف یافته است.

هفتم . در این کتاب ها، مسائل گوناگون و حقایق بسیاری در باره حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آمده است. همچنین تأییدات و سخنانی مفید از خود عالمان، محدثان و مفسران اهل سنّت در این باره ذکر شده است.(۱)

۱- ر.ك: خورشید مغرب، ص۶۸ .

ص: ۸۴

خودآزمایی

۱. جایگاه مهدویّت نزد اهل سنّت را به استناد دو سخن از بزرگان ایشان بیان کنید.

۲. در میان کتاب‌های اولیه اهل سنّت، کدام کتاب است که بیشترین احادیث مهدویّت در آن ذکر شده است؟ در باره آن توضیح دهید.

۳. دو کتاب از کتاب های روایی اهل سنّت که ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نگاشته شده، نام برده، در باره هر کدام توضیح مختصری ارائه فرمایید.

۴. دو نفر از دانشمندان اهل سنّت که روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را صحیح دانسته اند، نام برده سخن ایشان را نقل فرمایید.

۵. تواتر به چه معنا است؟ برخی از کسانی که روایات مهدویّت را متواتر دانسته‌اند، نام ببرید.

۶. دیدگاه دو تن از دانشمندان معاصر اهل سنت را (پس از تحقیق) توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰، ه . ش).

۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمّد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰، ه . ش).

۳. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنّت، چاپ دوم، (انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ ه .ش).

۴. علی دوانی، دانشمندان عامّه و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ سوم، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۱ه .ش).

۵. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ه).

درس پنجم: مهدویّت از نگاه اهل سنت (۲)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مشترکات اهل سنّت و شیعه در مهدویّت:

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۱. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۲۲. مهدی علیه السلام از فرزندان علی علیه السلام

۲۳. مهدی علیه السلام از نسل فاطمه علیها السلام

۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۴. همنام بودن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۵. زمینه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۶. نشانه های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش درآمد

همان گونه که در درس گذشته گفته شد، اهل سنّت در روایات فراوانی به حقیقت «اندیشه مهدویّت» اشاره کرده اند. اگر چه در پاره ای موارد تفاوت هایی با اعتقاد شیعه به چشم می خورد؛ اما موارد مشترك فراوانی نیز وجود دارد.

مشترکات اهل سنّت و شیعه در «مهدویّت»

اشاره

مشترکات اهل سنّت و شیعه در «مهدویّت»(۱)

۱. حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اولین مسأله ای که بین شیعه و اهل سنّت مورد اتفاق است، حتمی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این موضوع یکی از مسلمات اعتقادی این دو گروه است؛ به گونه ای که دهها و بلکه صدها روایت در این زمینه، در منابع روایی آنها وجود دارد.

۲. نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

یکی از مواردی که بین شیعه و سنّی تا حدودی اتفاق نظر وجود دارد، تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. شیعه این نسب را تا پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به روشنی تمام، مشخص

۱- از آنجایی که دسترسی به روایات شیعه برای مهدی پژوهان آسان تر است، تلاش شده تا در این درس به روایات اهل سنّت بیشتر اشاره شود.

و معرفی کرده است، امّا اهل سنّت در موارد معیّنی، بدان اشاره کرده(۱) که از این قرار است:

۲۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از اهل بیت و فرزندان رسول خدا

ابن ماجه در سنن خود نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِی مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ یصْلِحُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِی لَیلَهٍ »؛(۲) «مهدی از ما اهل بیت است وخداوند یک شبه امر او را به‌سامان می‌آورد».

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یخرج رجل من أهل بیتی عِنْدَ انْقِطَاعٍ مِنَ الزَّمَانِ وَ ظُهُورٍ مِنَ الْفِتَن یکُونُ عَطَاؤُهُ حثیاً»؛(۳) « هنگام پایان زمان وآشکار شدن فتنه ها، مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد که بخشش او بسیاراست».

صنعانی در المصنف از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «... فَیبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِتْرَتِی من أَهْلِ بَیتِی ...»؛(۴) «...پس خداوند مردی از عترت و اهل بیت مرا بر انگیزد ...».(۵)

۲۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل حضرت علی علیه السلام

از دیگر موارد اتفاق روایات بین شیعه و سنّی، این است که آن حضرت از نسل امام علی علیه السلام است. سیوطی در عَرف الوردی نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود: «سیخرج من صلب هذا فتی یمْلأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً»؛(۶) «از نسل این شخص، به زودی جوانی خروج خواهد کرد که زمین را پر از عدل و داد می کند...».

جوینی شافعی در فرائد السمطین از ابن عباس نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ عَلِی بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام إِمَامُ أُمَّتِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیهَا بَعْدِی وَ مِنْ وُلْدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِی یملا الله به

۱- اگر چه در درس «نسب حضرت مهدی علیه السلام» ، به موارد فراوانی اشاره خواهد شد، اما به تناسب در این درس نیز به پاره‌ای از موارد اشاره می شود.

۲- ابن ماجه، سنن، ج۲، ح۴۰۸۵؛ کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۷؛ دلائل الامامه، ص۲۴۷.

۳- ابن ابی شیبه، الکتاب المصنف، ح ۳۷۶۳۹؛ کشف الغمه، ج۲، ص۴۸۳.

۴- صنعانی، المصنف، ج۱۱، ح ۲۰۷۷۰؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج۱۰، ح۱۰۲۱۳.

۵- و نیز: ر. ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۳۶.

۶- جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، کتاب: العَرف الوردی، ص ۷۴ و ص۸۸ .

الارض عـدلا و قسـطا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً...»؛(۱) «همانـا علی بن ابی طـالب امام امت من و جانشـین من بر آنان بعـد از من است. از فرزندان او، قائم منتظر است که خداوند به وسـیله او زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گونه که پر از ستم و بیداد شده باشد...».

شیـخ صدوق رحمه الله از حضـرت باقر علیه السـلام چنین آورده است: «امیرمؤمنان علی علیه السـلام هنگام بازگشت از نهروان در کوفه خطبه می خوانـد، در این میان خبر رسـید که معاویه از او بـدگویی می کند و بر او نفرین می فرسـتد و یارانش را می کشد، حضرت بلند شد و خطبه ای خواند تا بدان جا که فرمود: از فرزندان من است مهدی این امت».(۲)

۲۳. حضرت مهدی از نسل فاطمه علیها السلام

در روایات فراوانی از اهل سـنّت، به این مطلب تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان فاطمه علیها السـلام است: ابن ماجه از ام سـلمه نقل کرده که وی از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم چنین شنید: «الْمَهْدِی مِنْ وُلْدِ فَاطِمَهَ»؛(۳) «مهدی از فرزندان فاطمه است».(۴)

شیخ طوسی قدس سرّه نیز از امام باقر علیه السلام نقل کرده است: «مهدی مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».(۵)

۳. ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

در باره ویژگی های جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، روایات فراوانی در کتاب‌های شیعه و اهل سنّت آمده است. بعضی از این ویژگی‌ها بدین قرار است:

۳۱. قدرتمند بودن آن حضرت هنگام ظهور

در روایاتی تأکید شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور دارای بدنی بسیار قدرتمند است.(۶)

۱- جوینی شافعی، فرائد السمطین، ج ۲، ۳۲۷، ح ۵۸۹؛ شیخ صدوق رحمه الله ، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۷، باب ۲۵، ح۷.

۲- شیخ صدوق رحمه الله، معانی الاخبار، ص ۶۱.

۳- سـنن ابن ماجه، ح ۴۰۸۶ ؛ ابی داود، سـنن ابی داود، ج۴، ح۴۲۸۴؛ نعیم بن حمـاد، الفتن، ص۳۷۵؛ حاکم، المستدرک، ج۴، ص۵۵۷.

۴- و نیز: ر. ک: کنجی شـافعی، البیـان فی اخبـار صـاحب الزمـان، ص ۳۰؛ مقدسـی شافعی، عقـد الدرر، ص۳۵؛ جلال الـدین

سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص۶۹.

۵- محمد بن حسن طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، ص ۱۸۷.

۶- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۷۸؛ الحاوی للفتاوی، ص۷۹.

۳۲. چهره نورانی

جوینی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «الْمَهْدِی مِنْ وُلْدِی ... کَأَنَّ وَجْهَهُ کَوْکَبٌ دُرِّی...»؛(۱) «مهدی از فرزندان من است ... چهره اش همانند ستاره ای درخشان است».

۳۳. پیشانی بلند و بینی کشیده

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیشانی بلند و بینی کشیده، توصیف شده و این تعبیر فراوان در احادیث اسلامی آمده است. صنعانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «ان المهدی اقنی اجلی»؛(۲) «مهدی بینی کشیده (با انحنای وسط) و بلند پیشانی است».

این مضمون در کتاب های اهل سنّت، مورد اشاره قرار گرفته است. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود: «خداوند از نسل این، کسی را به وجود خواهد آورد که هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد... او مردی است پیشانی بلند و کشیده بینی...».(۳)

۳۴. خال بر گونه

شیخ صدوق رحمه الله نقل کرده است: «بر گونه راست آن حضرت خالی است...».(۴) در منابع اهل سنّت نیز بدان اشاره شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... بر گونه راست مهدی، خالی مشکی وجود دارد...».(۵)

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی

۳۵. ظهور در سن چهل سالگی(۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... مهدی از فرزندان من است، در سن چهل سالگی بر انگیخته خواهد شد...».(۷)

۱- جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ح ۵۶۵؛ کشف الغمه، ج۲، ص ۴۷۰.

۲- صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابی داود، ج۴، ح۲۴۸۵.

۳- نعمانی، الغیبه، ۲۱۴، ح ۲؛ کشف الغمه، ج ۳، ۲۵۹ و محمدبن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ج ۲، ۴۴۵، ح ۱۹.

۵- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، باب ۸، ح ۵۱.

۶- البته تفاوت شیعه با اهل سنّت در این است که شیعه ظهور حضرت مهدی را در سنّ پیری و هیئت چهل سالگی می داند،

ولی اهل سنّت در سنّ چهل سالگی.

۷- جوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ح ۵۶۵، ح۵۶۵؛ نیز ر. ک: الحاوی للفتاوی، ص۷۸، عقد الدرر، ص ۶۱.

قطب راوندی نیز نقل کرده است: «نشانه قائم ما هنگام خروج این است که از لحاظ سن، کهنسال؛ ولی از نظر چهره، جوان است. تماشاگر وی گمان می برد که او چهل ساله یا نزدیک به آن است... ».(۱) در برخی از روایات نیز بدون اشاره به سن حضرت هنگام ظهور، تنها به جوان بودن ایشان اشاره شده است.(۲)

۴. هم نام بودن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اهل سنّت و شیعه اتفاق نظر دارند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.(۳) حتی در روایاتی تصریح به نام آن حضرت شده؛ چنان که ابن مسعود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «اسم المهدی محمد».(۴)

۵. زمینه های ظهور

اشاره

بعضی از تحولات اجتماعی پیش از ظهور، هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنّت مورد اشاره قرار گرفته است:

۵۱. نا امیدی کامل مردم

داود ابن‌کثیر الرقی می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: این موضوع (ظهور) برای ما طولانی شد تا بدان جا که سینه های ما تنگ شده است... حضرت علیه السلام فرمود: «هنگامی که ناامیدی از فرج ما بیش از همه چیز شد... منادی از آسمان به اسم قائم ندا خواهد داد...»(۵)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «ای علی! ظهور مهدی هنگامی خواهد بود که شهرها دگرگون شده، بندگان خدا ضعیف و از فرج و ظهور مهدی مأیوس گردند؛ در این هنگام مهدی قائم از فرزندان من ظاهر گردد».(۶)

۱- راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ۱۱۷۰؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱، ۳۱۵، ح ۲.

۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۸۴، ح۵۳؛ الحاوی للفتاوی، ص۸۸؛ عقد الدرر، ص۶۵.

۳- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۴۵، ص۵۵.

۴- جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص۸۸.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۶، ح ۲۹.

۶- قندوزی، ینابیع الموده، ص ۵۲۸؛ و نیز ر. ک: البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۴۲، ح ۲۱؛ الحاوی للفتاوی، ص۹۲.

۵۲. فراگیر شدن ستم

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده است: «لَوْ لَمْ يبْقَ مِنَ الدُّنْيا إِلَّا يوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيوْمَ حَتَّى يبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيتِي يمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً...»؛(۱) «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیتم بر انگیخته شود و زمین را آکنده از عدل و قسط کند؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

۶. نشانه های ظهور

اشاره

در منابع روایی شیعه از پاره ای از حوادث آینده با عنوان نشانه های ظهور یاد شده است. این نشانه‌ها به دو دسته حتمی و غیرحتمی تقسیم شده و بعضی از آنها در منابع اهل سنّت مورد اشاره قرار گرفته است:

۶۱. ندای آسمانی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «در ماه محرم بانگی از آسمان برآید، بدین مضمون که: برگزیده خداوند فلان (مهدی) است؛ پس سخنش را بشنوید و از او پیروی کنید».(۲)

امام علی بن ابی طالب علیه السلام نیز فرمود: «هنگامی که بانگ برآورنده از آسمان، بانگی برآورد که حق در آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است؛ در این هنگام مهدی ظهور خواهد کرد... ».(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: « النِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُوم...»؛(۴) «ندا]ی آسمانی[از نشانه های حتمی است».

۶۲. سفیانی

یکی دیگر از نشانه های ظهور مهدی موعود، قیام شخصی با عنوان سفیانی است. در احادیث شیعه

۱- ابی داود، سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲.

۲- نعیم بن حماد، الفتن، ص ۹۳؛ مقدسی شافعی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص۷۹، ص۸۳، ص۹۹؛ ر. ك: فرائد السمطین، ج۲، ص۳۱۶؛ الحاوی للفتاوی، ص۷۳.

۳- جعفربن محمد ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۹۶، ح ۱۴۳.

۴- نعمانی، الغیبه، ح ۱۱.

در روایات فراوانی بر حتمی بودن آن تاکید شده است.(۱) در برخی از احادیث اهل سنّت نیز با صراحت از آن به عنوان یکی از نشانه های خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است.(۲)

گفتنی است روایات شیعه دراین‌باره، به حدی است که برخی برای آن ادعای تواتر کرده اند.(۳)

۶۳. خسف در بیداء

واژه «خَسف»، به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.

منظور از این نشانه این است که سفیانی با لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عازم مکه می شود. آنان در بین مکه و مدینه و در محلی معروف به «بیداء»، به گونه ای معجزه آسا در زمین فرو می روند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود: «... فَیبْعَثُ إِلَیهِ جَیشٌ من الشام حَتَّی إِذَا کانُوا بِالْبَیدَاءِ خُسِفَ بِهِمْ...»؛(۴) «گروهی از شام به سوی او برانگیخته می شوند؛ چون به منطقه بیداء می رسند، به زمین فرو برده می‌شوند».(۵)

۶۴. قتل نفس زکیه

یکی از نشانه‌هایی که از آن به عنوان نشانه حتمی یاد شده و در برخی از منابع اهل سنّت نیز بدان اشاره گشته است؛ کشته شدن انسانی پاک و بی گناه در آستانه قیام حضرت مهدی علیه السلام بین رکن و مقام است.(۶)

۱- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۷، ح ۱۵ و ص ۲۶۴، ح ۲۶؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۶۵۰، ح ۵؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۵.

۲- الحاوی للفتاوی، ص ۸۰؛ عقد الدرر، ص۷۶؛ و نیز ر. ک: متقی هندی، کنز العمال، ج۱۱، ص۲۷۳.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، فصل ۶، باب ۶، ص ۵۶۸.

۴- صنعانی، المصنف، ج۱۱، ص۳۷۱.

۵- و نیز ر. ک: طبرانی، المعجم الاوسط، ج۲، ص۳۵؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۱۱، ص۲۷۷، ح ۳۱۵۱۳؛ البیان، ص۴۴، ح۲۳؛ عقد الدرر، ص ۸۰؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱.

۶- ابن ابی شیبه، المصنف ج۸، ص۶۷۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۲۷۷؛ جلال الدین سیوطی، الحاوی للفتاوی، ص۷۸.

۷. امور مربوط به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۷۱. اصلاح امر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک شب

از روایاتی استفاده می‌شود که امر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در یک شب اصلاح و مهیّا می گردد. این مطلب نیز از اموری است که هم شیعه و هم اهل سنّت بدان اشاره کرده‌اند.(۱)

۷۲. محل ظهور

درباره نقطه آغاز ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و پیوستن یاران خاص به او، احادیث فراوانی ذکر شده است. وجه اشتراک این روایات، این است که ظهور آن حضرت از مکه(۲) و بر اساس روایات فراوانی از کنار کعبه آغاز خواهد شد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «دسته هایی از عراق و بزرگانی از شام، به سوی مهدی می آیند و با او میان رکن و مقام بیعت می کنند...»(۳) و نیز فرمود: «... با مهدی بین رکن و مقام بیعت می شود».(۴)

البته روایات فراوانی به بیعت آن حضرت با یارانش در میان رکن و مقام اشاره کرده است.(۵)

۷۳. بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از موضوعاتی که در منابع شیعی و سنّی مورد توجه قرار گرفته، بیعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان در طلیعه ظهور است.(۶) همچنین در باره محل بیعت با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روایات مشترکی نقل شده است.(۷)

۷۴. نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از جمله موضوعات مشترک، بین شیعه و سنی، نزول فرشتگان برای یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۳۱، ح۱۱؛ الحاوی للفتاوی، ص۶۹؛ عقد الدرر، ص۲۱۰.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۳، ح ۴ و ۳۱۵، ح ۹؛ مقدسی شافعی، عقدالدرر، باب ۲، ص ۵۶.

۳- نعیم بن حماد، الفتن، بخش چهارم، ص ۲۴۲، ح ۹۵۰.

۴- مقدسی شافعی، عقدالدرر، باب ۲، ص ۵۶.

۵- ر. ک: صنعانی، المصنف، ج۱۱، ص۳۷۱؛ ابن حبان، صحیح ابن حبان، ج۱۵، ص۱۵۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج۲۳، ص۲۹۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۱۴، ص۲۶۵.

۶- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص۳۵، ح۱۵؛ الحاوی للفتاوی، ص۸۳؛ عقد الدرر، ص ۸۸ ؛ فرائد السمطین، ج۲، ص۳۱۵، ح۵۶۹.

۷- البیان، ص۴۴، ح۲۳، عقد الدرر، ص۵۶.

هنگام ظهور است.(۱)

۷۵. نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از حوادث بسیار مهم در عصر ظهور بازگشت حضرت عیسی علیه السلام است. این رخداد در روایات بسیاری مورد اشاره قرار گرفته است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یلتفت المهدی و قد نزل عیسی بن مریم کانما یقطر من شعره الماء، فیقول المهدی: تقدم، وَصلِّ بالناس فیقول عیسی بن مریم: انما اقیمت الصَّلاه لک فیصلی عیسی خلف رجل من ولدی...»؛(۲) «مهدی می بیند که عیسی فرود آمده و گویا آب از موهایش می چکد. پس به او می گوید: جلو برو و به نماز بایست؛ عیسی پاسخ می دهد: نماز برای تو، به پا شده و آن گاه پشت سر مهدی به نماز می ایستد...».

همچنین فرموده است: «... جبرئیل نزد من آمد و گفت:ای محمد! خداوند متعال از بنی هاشم هفت چیز را برگزید... و از شما است قائمی که عیسی بن مریم پشت سر وی به نماز می ایستد...».(۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «... وَ ینْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیمَ فَیصَلِّی خَلْفَهُ ...»؛(۴) «... و روح الله عیسی بن مریم فرود آمده، پشت سر او به نماز خواهد ایستاد...».

۸. ویژگی های حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۸۱. عدالت گستری

بر اساس روایات فراوانی عدل و قسط از مهم ترین اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این مهم علاوه بر روایات شیعه، در انبوه روایات اهل سنّت نیز مورد اشاره قرار گرفته است.(۵)

۱- عقد الدرر، ص۴۶، صص۱۱۷، ص۱۸۵؛ الحاوی للفتاوی، ص۸۸؛ البیان، ص۸۴، ح۵۳.

۲- مقدسی شافعی، عقدالدرر، ص ۲۹۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۷۸.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۰.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۵- مصنف ابن ابی شیبه، ح۱۹۴۸۴؛سنن ابی داود، ح۴۲۸۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ح ۱۰۲۱۹ و ح ۱۰۲۲۰.

۸۲. رفاه و آسایش عمومی

از دیگر ویژگی هـای حکومت حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف رفـاه عمومی است. این ویژگی نیز در روایات شیعه و سنّی ذکر شده است(۱). رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یکون فی امتی المهدی... تعیش امتی فی زمانه عیشاً لم تعشه قبل ذلک»(۲)؛ «مهـدی در امت من خواهـد بود... مردم در زمان او چنان زنـدگی خواهند کرد که هرگز قبل از آن نکرده بودند».

و نیز فرمود: «یکُونُ فِی أُمَّتِی الْمَهْدِی ... یتَنَعَّمُ فِیهِ أُمَّتِی نِعْمَهً لَمْ یتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ»؛(۳) «مهـدی در امت من خواهد بود ... مردم در آن دوره به چنان نعمتی دست یابند که در هیچ دوره ای چنین متنعم نشده باشند».

۸۳. رضایت همگانی از حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تمـامی مردم پس از ظهور و در دوران حکومت امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف از حاکمیت آن حضـرت رضایت کامل خواهند داشت. این مهم هم در روایات شیعه و هم در روایات اهل سنّت ذکر شده است.(۴)

۸۴. امنیت همه جانبه و عمومی

از ویژگی هـای مهم جامعه عصـر ظهور، امنیت فرا گیر و همگانی در کل کره زمین است.(۵) امام باقر علیه السـلام در این باره می‌فرماید: «به خدا سوگند!]یاران مهدی[آن اندازه می جنگند، تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شـرک نورزند تا آنجا که پیرزنی سالخورده و ناتوان، از این سوی جهان به آن سوی جهان رهسپار می شود و کسی متعرض او نمی گردد».(۶)

۸۵. احساس بی نیازی در مردم

یکی از خصلت‌های مردم در عصر ظهور احساس بی نیازی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

۱- البیان، ص۴۳، ح۲۲؛ الحاوی للفتاوی، ص ۷۱، عقد الدرر، ص۱۹۵.

۲- ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۷، ح ۱۹۴۸۴.

۳- ابن ماجه قزوینی، سنن، ح ۴۰۸۳؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج ۳، ص ۲۵۷.

۴- صـنعانی، المصنف، ح۲۰۷۷۰، البیـان، ص۴۲، ح۲۱؛ الحـاوی للفتاوی، ص۶۹؛ عقـد الدرر، ص۷۳؛ فرائد السـمطین، ج۲، ص۳۱۰، ح۵۶۱.

۵- مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص۲۰۷.

۶- طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۹.

«أُبَشِّرُکُمْ بِالْمَهْدِی ... وَ یمْلأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ غِنًی ...»(۱)؛ «شما را به مهدی بشارت می دهم...] به هنگام ظهور او[خداوند دل های امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را سرشار از بی نیازی می کند...».(۲)

۸۶. غلبه اسلام بر سایر ادیان

از دیگر موضوعات مشترک بین شیعه و اهل سنّت، غلبه اسلام بر دیگر ادیان، در عصر ظهور است.(۳)

۸۷. جهانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمار زیادی از احادیث اسلامی بر فراگیری حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «... یبایع له الناس بین الرکن و المقام، یرده‌الله به الدین و یفتح له فتوحاً، فلایبقی علی وجه الارض الا من یقول: لااله الا الله»؛(۴) «...مردم در میانه رکن و مقام [با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] بیعت می کنند؛ خداوند به واسطه او، دین را برمی گرداند و پیروزی هایی برای او به وجود می آورد تا بدان جا که هیچ کس بر زمین باقی نمی ماند، مگر آنکه «لا اله الا الله» را می گوید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لا تَبْقَی أَرْضٌ إِلا نُودِی فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ»؛(۵) «هنگامی قائم قیام نماید هیچ زمینی نخواهد ماند، مگر آنکه در آن ندای شهادتین (اشهد أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه) سر داده خواهد شد».

۱- احمدبن حنبل، مسند، ج ۳، ص ۳۷؛ مقدسی شافعی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر، باب ۸، ص ۲۱۹.

۲- و نیز: ر. ک: البیان، ص۶۱، ح۳۸؛ الحاوی للفتاوی، ۷۶.

۳- عقد الدرر، ص۹۵.

۴- مقدسی شافعی، عقدالدرر، باب دوم، یک حدیث به آخر.

۵- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۸۱.

خود آزمایی

۱. برخی از موارد مشترک بین شیعه و سنّی در باره نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نام برده به سه روایت اشاره فرمایید.

۲. حتمی بودن ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به چه معنا است؟ روایت مشترک بین شیعه و سنّی را شرح دهید.

۳. در روایات شیعه و اهل سنّت کدام یک از نشانه های ظهور به صورت مشترک ذکر شده است؟ به سه مورد اشاره فرمایید.

۴. ویژگی های حکومت مهدی علیه السلام در روایات شیعه و سنّی کدام است ؟

۵. از جمله مشترکات شیعه و سنّی نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدای ایشان به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در این باره توضیح دهید.

۶. پس از تحقیق به دو مورد دیگر از مشترکات بین شیعه و اهل سنت در موضوع مهدویّت اشاره نمایید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. هاشم العمیدی، سید ثامر، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ ه . ش).

۲. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه).

۳. مهدی فقیه ایمانی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، (مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ ه).

۴. سید هادی خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنّت، چاپ دوم، (انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴ ه .ش).

۵. مهدی فقیه ایمانی، اصالت مهدویّت در اسلام از دیدگاه اهل سنّت (نویسنده، قم، ۱۴۱۸ه)

درس ششم: انحراف در مهدویت، پیش از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

برخی از فرقه ها و افراد مدعی مهدویت:

۱. کیسانیّه

۲. زیدیّه

۳. باقریّه

۴. نفس زکیّه

۵. ناووسیّه

۶. اسماعیلیّه

۷. موسویّه

۸. محمدیّه

۹. عسکریّه

پیش درآمد

«مهدویّت» و آموزه‌های آن، سابقه‌ای بس طولانی در اسلام دارد و نقش تأثیرگذار آن بر کسی پوشیده نیست و از طرفی مسلمانان به خصوص شیعیان به این امر بنیادین، اعتقاد راسخ دارند و آن را یکی از باورهای اصولی و اصیل خویش بر می شمرند. روشن است، هر چه باوری، واقعی و اصیل بوده و در قلوب توده های مردم رسوخ کرده و برای آنان با اهمیت باشد؛ چشم طمع افراد سود انگار و منحرف، بیشتر متوجه آن شده، در صدد سوء استفاده بر خواهند آمد. مهدویّت به جهت ویژگی های اصیل و پرجاذبه آن برای مسلمانان، بیشتر در معرض بهره جویی و استفاده افراد منحرف قرار گرفته است. پیشینه طولانی فرقه های منحرف که به قرن نخست باز می گردد دلیلی بر این مدعا است؛ زیرا تا باوری اصیل و واقعی وجود نداشته باشد، باورهای دروغین و غیر واقعی بی معنا و لغو خواهد بود.

پس گروه های منحرف وکثرت آنها دو چیز را در مورد مهدویّت آشکار می کنند:

۱. وجود اصل مهدویّت به عنوان یکی از باورهای اصیل مسلمانان؛

۲. مهمّ بودن اعتقاد به مهدویّت در اذهان و قلوب آنان.

مدعیان مهدویّت

اشاره

«مهدویّت» برای جامعه اسلامی، یک مسأله قرآنی و روایی شناخته شده و قطعی است. به جهت استواری این واقعیت عقیدتی دینی، در تاریخ اسلام با شخصیت هایی روبه رو می شویم که بر اثر انگیزه های جاه طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی و ... به دروغ ادعای مهدویّت نموده و

خویش را همـان مهـدی نجـات بخش که قرآن و روایات نویـد آمـدن او را داده است معرفی کرده انـد و یا طرفـداران افراطی آنان، برای پیشرفت دنیوی و سیاست خویش، آنان را به عنوان مهدی نجات بخش مطرح ساخته‌اند!!

این افراد به چهار دسته قابل تقسیم اند:

۱. گروهی که از نظر نسب، هویت، هدف و مذهب ناشناخته اند.

۲. جمعی که با کارهای جنون آمیز خویش، خود را از نظرها ساقط کردند.

۳. برخی نام و نشان و دعوت و پیروانشان از صفحه روزگار، به گونه ای محو شده که نشانی از آنها نیست.

۴. عده ای نیز اگر چه مرده اند؛ امّا نام و یادی از آنان هست.

در اینجا تنها به برخی از مهمّ ترین فرقه های و افراد منحرف در موضوع مهدویّت قبل از ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره خواهد شد:

۱. کیسانیه

۱. کیسانیه(۱)

یکی از فرقه ها و شایـد اوّلین فرقه ای که در مهـدویّت دچار انحراف شـد «کیسانیه» است. درباره علت نام گـذاری این فرقه به کیسـانیه، اختلاف نظر هست؛ برخی نوشـته انـد: اینـان پیروان کیسان آزاد شـده امیرمؤمنان علیه السلام بودنـد. کیسان شاگرد محمـدبن حنفیه بود؛ ولی از امـام حسن و امام حسـین علیهما السـلام نیز علوم مختلف از جمله علم تأویل و باطن و علم آفاق و انفس آموخت. سپس به امامت محمد قائل شد و برای او مراتب و درجاتی دانست که خارج از حدّ وی بود.(۲)

برخی نوشته اند: کیسانیه پیروان مختار بن ابی عبیده ثقفی بودند؛ زیرا او ملقب به کیسان بود، از این رو کیسانیه خوانده شدند.

شماری هم نوشته اند: فرمانده پلیس (شرطه) مختار، کیسان نام داشت و کنیه اش ابوعمران بود. او

۱- لازم به یادآوری است که برخی از محققان معاصر، اساساً کیسانیه را انگاره ای عاری از حقیقت دانسته و آن را بسان قصه های هزار و یک شب بافته خیالات و اوهام و ساخته جاعلان سیاست بازی، ذکر کرده انـد، که بـدون سـند و مـدرک معتبر از کتـابی به کتـاب دیگر راه یـافته است؟! ایشان بر این باورنـد که بیشترین مسؤولیت متوجه تاریـخ نگارانی است که بی تعهـدی نشـان داده و در مسـیر اغراض سیاسـی و حکومـتی، جـاده صـاف کن جـاه طلبـان و تشـنگان ریـاست گشـته انـد. ر. ک: مجله تخصصی کلام، شماره ۱۹-۲۴، مقاله کیسانیه افسانه یا حقیقت؟ اثر سید ابراهیم سید علوی.

۲- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷.

در اعمـال خـود بسـیار افراط می کرد و محمـد را وصـی حضـرت علی علیه السـلام می دانست و مختـار را نـایب او معرفی می کرد!(۱)

در هر حال این گروه قائل به امامت محمـد بن حنفیه بودنـد. مختار، نخست برای پیشـرفت کار خود دعوت به علی بن الحسـین علیه السـلام و سـپس دعوت به محمـد حنفیه می‌کرد. البته کـار او مبتنی بر اعتقاد وی به اهل بیت علیهم السـلام نبود؛ بلکه می خواست از آن بهره برداری سیاسـی کند و چون کارش بالا گرفت، خود دعوی دریافت وحی از خداوند کرد و عباراتی مسجّع و بـا قـافیه، بـه تقلیـد از قرآن به زبـان رانـد. محمـد حنفیه از وی بیزاری جست و وقـتی مختـار وی را به کـوفه دعـوت کرد، او نپذیرفت.

کیسانیه پنداشته‌اند: محمد حنفیه پس از کشته شدن برادرش حسین بن علی علیهما السلام، مختار را بر عراقین فرمانروایی داد و از او خواست از قاتلان آن حضـرت، خونخواهی کند. کیسانیه شـش سال بعد از شـهادت امام حسـین علیه السـلام ، قیام کرده، قائل به امامت محمد حنفیه شدند. آنان معتقد بودند: وی اسرار دین و علم تأویل و علوم باطنی را از دو برادرش حسن و حسین علیهمـا السـلام فراگرفته است. برخی از کیسـانیه ارکـان شـریعت (ماننـد نماز و روزه) را تأویل کرده و قائل به تناسـخ و حلول بودند.(۲)

عقاید مشترک کیسانیه:

تمام فرق کیسانیه، دارای بعضی عقاید مشترک هستند؛ از جمله:

الف. اعتقاد به امامت محمّد بن حنفیه فرزند علی بن ابی طالب علیه السلام ؛

ب . عقیده به مسأله بدا؛

ج . اعتقاد به تناسخ و حلول؛

د . اعتقاد به رجعت (با بیان خاص به خود)؛

ه . اعتقاد به نوعی غلوّ درحق ائمه و پیشوایان خویش.

غیر از اینهـا هر یـک از این فرقه هـا، دارای اعتقادی خاص نیز هسـتند که در کتاب‌های مربوط، ذیل هر فرقه به آن اشاره شـده است. کیسانیه پس از درگـذشت محمّدبن حنفیه، به دو شـعبه تقسـیم شدند: دسـته ای مرگ محمّد را انکار کرده، گفتند: وی نمرده و نمی میرد و زنـده است؛ امّـا غـایب شـده و در «کوه رضوی» پنهـان است تـا روزی که به او امر شود و ظهور کنـد. این دسته وی را همان امام منتظر

۱- نوبختی، فرق الشیعه،ص ۲۳ و ۲۴.
۲- محمد جواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص۳۷۳.

می دانند؛ از این رو هیچ کس را پس از وی امام نمی دانند!

گروه دیگر مرگ محمّـد را باور کرده، پس از وی ابوهاشم عبداللّه بن محمّد را به امامت برگزیدند و به حلول روح محمّد در ابوهاشم اعتقاد یافتند. شماری از کیسانیه نیز پس از مرگ محمّد بن حنفیه، به امامت راستین اعتقاد یافته، مستبصر شدند.(۱)

از جمله اینان می توان سید اسماعیل حِمْیری را نام برد که نخست کیسانی مذهب بود، تا آنکه به دیدار امام صادق علیه السلام نایل آمـد و نشانه های امامت و وصایت را در او دیـد و از ایشان از امر غیبت پرسـش کرد. امام صادق علیه السـلام فرمود: آن حق است ولیکن غیبت در دوازدهمین امام واقع می‌شود. آن گاه سـید را از مرگ محمـد بن حنفیه آگاه فرمود و اینکه پدرش امام باقر علیه السلام شاهد به خاک سپردن او بوده است. حق بر سید روشن شد و از آن عقیده برگشت و استغفار کرد. پس به حق گرایید و به مذهب امامی در آمد.(۲)

در مجموع درباره فرقه کیسانیه گفته شده است:

یکم. محمّدبن حنفیه اصلاً ادعای مهدویّت نداشته است.

دوم. مختـار ثقفی هم مـدعی مهـدویّت محمّـدبن حنفیه نبود. این اتهـامی است که عباسـیان و برخی از دشـمنان، با انگیزه های مختلف، به آن دامن زده اند.

سوم. این فرقه منقرض شده است و کسی در عصر حاضر، اعتقاد به امامت محمّد بن حنفیه ندارد.(۳)

«کیسانیه» بعد از محمد حنفیه دوازده فرقه شدند که نام ایشان، در کتاب های ملل و نحل ذکر شده است.

۲. زیدیه

از فرقه های معروف شیعه و پیرو زید بن علی بن حسـین بن علی علیهما السـلام هسـتند. این گروه به روایتی از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم تمسّک کرده اند که فرمود: «مهدی از فرزندان حسین علیه السلام است و او با شمشیر به پا می خیزد و

۱- ر. ک: مقالات الاسلامیین، ص ۲۳.

۲- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه،ج۱، مقدمه.

۳- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، فصل ۱، الدلیل علی فساد قول الکیسانیه.

مادرش بهترین کنیزان خواهد بود». پس زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب قیام خود را علیه امویان آغاز کرد؛ گفتند: چون او از نسل حسین علیه السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود می باشد!(۱)

زید بن علی خود از بزرگان بود و خلفای اموی را بر حق نمی دانست. او علیه آنان قیام کرد و به طرف کوفه رفت و به همراهی چهار هزار نفر، با حاکم عراق (یوسف بن عمر)، به جنگ برخاست. کار زید در کوفه ده ماه طول کشید تا اینکه در سال ۱۲۲ه به دستور هشام بن عبدالملک اموی، به دار آویخته شد. سرش را به دمشق نزد هشام و از آنجا به مدینه بردند. امام باقر علیه السلام درباره زید می فرمود: «خدایا! پشت مرا به زید محکم فرما». آن حضرت با مشاهده زید، آیه (یا ایهاالذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء للّه...)(۲) را تلاوت می کرد و می فرمود: «ای زید! تو نمونه عمل به این آیه هستی».(۳)

پیروان زید اطراف یحیی و فرزندش را گرفتند. یحیی در خراسان قیام کرد (۱۲۵ ه) و در جوزجان کشته شد. پیروان او به فِرقه های مختلف (رافضیه، جارودیه، عِجلیه، بتریه، صالحیه و زیدیه)، تقسیم و قائل به مهدویّت زید و منتظر ظهور او شدند.(۴) زید از حیث علم، زهد، ورع، شجاعت و دیانت، از بزرگان اهل بیت علیهم السلام به شمار می رود. اینکه خود زید ادعای امامت یا مهدویّت داشته باشد، در منابع یافت نشده است؛ بلکه روایتی از خود او، مؤ ید عقیده صحیحش در امر مهدویّت است. ایشان می فرماید: پدرم علی بن حسین علیهما السلام از پدرش حسین بن علی علیهما السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است: «ای حسین! تو امامی و نُه تن از فرزندان تو امینان و امامان معصوماند و نهمین آنان، مهدی ایشان است».(۵)

۳. باقریه

«باقریه»، به گروهی از شیعیان گفته می شود که معتقد به رجعت امام محمد باقر علیه السلام بودند. آنان

۱- سید محمّد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۸.

۲- نساء(۴)، آیه ۱۳۵.

۳- علامه امینی، الغدیر، ج ۳، ص ۱۷۰.

۴- شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۴.

۵- علی بن محمّد خزاز رازی قمی، کفایه الاثر فی النصوص علی الائمه الاثنی عشر، ص ۳۲۷.

رشته «امامت» را از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام به نواده او امام باقر علیه السلام کشانیده و او را «مهدی منتظر» می دانستند.

به نظر آنان جابربن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به او فرموده است: «انک سَیُتُدرِکُ رَجُلًا مِنْ اَهْلِ بَیْتی اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِی یُکَنّی اَبا جَعْفَرٍ فَاقْرَئهُ مِنی السَّلام»؛(۱) «همانا تو مردی از اهل بیت مرا که نام او محمد بن علی و کنیه اش اباجعفر است خواهی دید و چون او را دیدی سلام مرا به وی برسان».

جابر آخرین کس، از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که در سن پیری و نابینایی در گذشت. وی به دنبال امام محمدباقر علیه السلام که در آن وقت کودک بود در کوچه های مدینه می گشت و می گفت: «یا باقر! متی القاک»؛ یعنی،ای باقر! من کی تو را دیدار خواهم کرد؟

روزی در یکی از کوچه های مدینه، به آن حضرت برخورد و او را به سینه خود چسبانید. سر و دستش را بوسید و گفت: «یابُنَّی! جَدُکَ رَسُولُ اللّهِ یَقْرَئُکَ السَّلام»؛(۲) یعنی، ای فرزند من! جدّت رسول خدا به تو سلام می رساند. گویند: جابر در همان شب پس از دیدار آن حضرت، درگذشت.

«باقریه» گویند: از آنجایی که جابر مأمور رسانیدن سلام از طرف جدّش به وی بود، پس آن حضرت «مهدی منتظر» است!(۳) البته این استدلالی بسیار سست و واهی است.

بر خلاف این توّهم، روایات فراوانی حتی از خود امام باقر علیه السلام این ادعا را باطل می‌داند. ابوبصیر نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: «بعد از حسین علیه السلام نُه امام می آیند، نُهمین از آنان قائم ایشان است».(۴)

در روایت دیگر، ابراهیم بن عمرکناسی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت خواهد بود؛ قائم، قیام می کند، در حالی که بیعت کسی

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰۴.

۲- ر.ک: بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۱۸۵.

۳- فرهنگ فرق اسلامی، ص ۹۶.

۴- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴۰.

بر گردنش نیست».(۱)

۴. نفس زکیه

او محمّـدبن عبـدالله، معروف به نفس زکیه، است. مادرش هنـد، دختر ابوعبیـده بن عبدالله(۲) بـود. برخی از خانـدان او و فرقه جارودیه، وی را مهدی موعود(۳) دانسته اند. او در سال ۱۴۵ه(۴) ادعای مهدویّت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد! جالب اینکه پدر او نیز با پسرش به عنوان مهدی بیعت کرده است.(۵)

نفس زکیه اوّلین کسـی از علویان است که در روزگار عباسیان، قیام کرد و معاصر امام صادق(۶) علیه السلام بود. وی از بیعت با منصور خودداری کرد.

نام گذاری به نفس زکیه

علمـا و دانشـمندان آل ابی طالب او را نفس زکیه و مقتول «اَحجار الزَّیت» می داننـد. محـدث قمی در تتمه المنتهی می گویـد: «محمّد را از جهت کثرت زهد و عبادت، نفس زکیه لقب دادند».

محمّـد در میـان خانـدان خویش، از همه برتر و نسبت به علم و دانش کتـاب خـدا، از همگـان دانـاتر بود. شـجاعت، بخشـش، صلابت و سایر مزایای او از همگان بیشتر بود؛ از این رو پیروانش شک نداشتند که او همان مهدی موعود است.

امام صادق علیه السـلام خطاب به عبـدالله بن حسن فرمود: «گمان می بری که پسـرت همان مهـدی است؟! چنین نیست و وقت آن نرسـیده است». عبـدالله به خشم آمـد و گفت: من خلاف آنچه تو می گویی، می دانم. والله! خداونـد تو را بر غیب خویش آگاه نکرده است. حسد بر پسـر من، تو را به این بیان واداشت. حضـرت فرمود: «به خدا سوگند! حسد مرا وادار نکرد؛ ولی این مرد و برادران و فرزنـدانشان، برابر شـما هسـتند (آنها به خلافت می رسـند، نه شـما)». پس دست بر شانهِ عبدالله بن حسن زد و فرمود:

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۳.

۲- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۱.

۳- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۲۲.

۴- ابوحنیفه احمدبن داود، اخبار الطوال، ص ۳۸۵.

۵- سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ص ۵۷۰.

۶- حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۱۲۶.

«این خلافت به شما نخواهد رسید و به زودی هر دو پسرت کشته می شوند».

۵. ناووسیه

«ناووسیه» برگرفته از اسم شخصی با نام «ناووس» از اهالی بصره است(۱). برخی گفتند: او عبداللّه ابن ناووس یا عجلان بن ناووس نام داشت. وی می گفت: حضرت علی علیه السلام برترین فرد امت اسلام بود و هر که او را تفضیل ندهد، کافر است. آنان امامت را در حضرت جعفر بن محمّد علیهما السلام متوقف می دانند و معروف به «صارمیه» هستند.

ناووسیه می‌گفتند: جعفر بن محمّد علیهما السلام زنده است و نمی‌میرد. او مهدی آخِرُالزّمان است. آشکار می‌شود و بر مردمان فرمانروایی می‌کند. آنان می پنداشتند: از وی روایت شده است: «اگر کسی بر شما فراز آید و بگوید که مرا بیمار یافته و مرده مرا شسته است؛ باور نکنید و بدانید که من سرور شما و دارنده شمشیر هستم». به جهت کلمه «شمشیر» این طایفه را «صارمیه» نیز خوانده اند.(۲)

این ادعا نسبت به امام صادق علیه السلام درست نیست؛ چرا که آن حضرت به شهادت رسیده و این امر در تاریخ ثبت شده است.(۳) اگر شک در شهادت حضرت بکنیم؛ باید شک در شهادت پدران و اجداد بزرگوارش هم بکنیم؛ و آن وقت است که باید مانند غالیان و مُفَوِّضه، منکر شهادت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام شویم!

امام صادق علیه السلام خود می فرماید: «هنگامی که سه اسم محمّد، علی و حسن علیهم السلام، به طور متوالی در امامان علیهم السلام جمع شد، چهارمین آنان قائم است».

مفضل بن عمر گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم:ای آقای من! کاش جانشین خودت را به ما معرفی می کردی. فرمود: «ای مفضّل! امام بعد از من فرزندم موسی است و امام خلف و موعود منتظر (محمد)، فرزند حسن بن علی بن محمّد بن علی بن موسی است».(۴)

این گروه پس از چندی از بین رفتند و الآن وجود خارجی ندارند.(۵)

۱- شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۸۴.

۲- ر. ک: الفرق بین الفرق، ص ۳۳؛ فرهنگ فِرق اسلامی، ص ۴۳۶.

۳- ر. ک: شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، مقدمه.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

۵- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، فصل۱، الدلیل علی فساد قول الناووسیه.

۶. اسماعیلیه

«اسماعیلیه» به امامت شش امام اول شیعیان اثنی عشری معتقد بودند؛ امّا پس از امام صادق علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند او اسماعیل، یا فرزند او محمد را به امامت پذیرفتند. اسماعیل بزرگ ترین فرزند امام صادق علیه السلام و مورد علاقه آن حضرت بود.

اگر چه از بعضی روایات، خلاف این به دست می آید؛ ولی دانشمندان شیعه او را بزرگ داشته و از وی به نیکی یاد کرده اند. به نظر شیخ طوسی رحمه الله او جزو رجال امام صادق علیه السلام و اصحاب ایشان است. با توجه به علاقه امام صادق علیه السلام به اسماعیل، او مردی جلیل القدر بوده است.

ریشه پیدایش اسماعیلیه، شاید در این نکته نهفته باشد که اسماعیل فرزند ارشد امام صادق علیه السلام ، مورد احترام آن حضرت بود؛ به همین دلیل برخی می پنداشتند پس از امام صادق علیه السلام او به امامت خواهد رسید. امّا اسماعیل در زمان حیات امام ششم، از دنیا رفت و آن حضرت شیعیان را بر مرگ پسر گواه گرفت و جنازه او را به صورت آشکار تشیع و دفن کرد.

پس از شهادت امام صادق علیه السلام گروهی از اسماعیلیه، مرگ اسماعیل را در زمان آن حضرت انکار کرده و او را امام قائم دانستند که روزی رجعت خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت. اینان مراسم تشییع جنازه اسماعیل از طرف پدر را برای حفظ جان او تفسیر کردند. نوبختی این گروه را «اسماعیلیه خالصه» می نامد.(۱)

شیخ مفید قدس سرّه دربارهِ او می گوید: اسماعیل بزرگ ترین پسر امام صادق علیه السلام بود و امام او را بسیار دوست داشت و نسبت به او بیش از دیگران نیکی و محبت می کرد؛ ولی اسماعیل در زمان حیات پدر در «عُریض» (دره ای در نزدیکی مدینه) از دنیا رفت. مردم جنازه اش را به مدینه نزد امام صادق علیه السلام آوردند و در قبرستان بقیع دفن کردند. روایت شده است: حضرت در مرگ او بسیار بی تابی می کرد؛ به گونه ای که با پای برهنه و بی ردا، به دنبال تابوت او می رفت. همچنین دستور فرمود: تابوت او را پیش از دفن، چندین بار به زمین نهادند و هر بار حضرت می آمد و پارچه از روی صورتش بر می داشت و در روی او نگاه می کرد. مقصود امام علیه السلام از این کار این بود که مرگ او را پیش چشم آنان که گمان امامت و جانشینی او را داشتند- قطعی کند و شبهه آنان را درباره زنده بودنش، برطرف سازد و به آنها

۱- ر. ک: نوبختی، فرق الشیعه، ص۶۸.

بفهماند که اسماعیل از دنیا رفته است.

افرادی از اصحاب که او را پس از حضرت صادق علیه السلام امام می پنداشتند، از این عقیده بازگشتند؛ گروهی اندک از مردمان بی خبر که نه در زمره نزدیکان امام بودند و نه از راویان حدیث آن بزرگوار گفتند: اسماعیل زنده و امام پس از پدرش است و بر این عقیده باقی ماندند!(۱) گروهی از شاخه اسماعیلیه (فرقه مبارکیه) هم محمّدبن اسماعیل را مهدی و امام زنده غایب می دانند.(۲)

قرامطه (از گروه اسماعیلیه) ، محمّدبن اسماعیل را مهدی موعود می دانستند و عقیده داشتند که وی زنده است و در بلاد روم زندگی می کند. آنان در طول تاریخ بدنامی های بسیاری را برای شیعه به ارمغان آورده اند و هنوز هم رسوبات آن، در ذهن بسیاری از مخالفان شیعه مانده است؛ به گونه ای که عقاید قرمطیان را به شیعه نسبت می دهند!!

آنان در بحرین قدرت یافته و تشکیل دولت دادند و به شدت با عباسیان مخالفت کردند. قرامطه، قائم را کسی می دانند که با رسالت و شریعت جدیدی مبعوث می شود و شریعت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را منسوخ می کند! البته این فرقه سیاسی بودند، نه مذهبی و به دنبال اهداف خاص و منافع خود بودند.

طرفداران ابوالخطاب (متوفی ۱۳۸ ه) قائل به الوهیت امام صادق علیه السلام بودند و ابوالخطاب را فرستاده امام صادق علیه السلام می دانستند! حتی برخی از آنان ابوالخطاب را قائم دانسته، گفتند: وی نمرده است! گروهی از پیروان وی، پس از مرگ اسماعیل، فرزندش محمّد را امام دانستند و در هواداری او و فرزندانش، استوار ماندند.

تمام این گروه‌ها از طرف امام صادق علیه السلام مورد طرد و انکار قرار گرفتند. حتی روشن نیست خود محمّدبن اسماعیل، ادعای امامت و مهدویّت داشته باشد.

از آنجایی که طرح مسأ له مهدویّت، نوید برپایی حکومت عدل و داد و جایگزینی آن با حاکمیت فاسد و ستمگر عباسیان و حکومت های خشن و بیدادگر تابع آنان بود؛ قشرهای محروم در شهرها و روستاها را متوجه داعیان اسماعیلی می ساخت. آنان مردم را به سوی امامان مستور، که در نهان می زیستند، فرا می خواندند.

۱- شیخ مفید، الارشاد، ص ۵۵۴-۵۵۳.

۲- محدث نوری، نجم الثاقب، ص ۲۱۵.

۷. موسویه یا موسائیه

یکی از فرقه های منحرف در باب مهدویّت، «موسویه» یا «موسائیه» هستند. آنان طرفدار امامت امام موسی بن جعفر علیهما السلام و منتظر رجعت او بودند. این گروه را واقفه نیز می گویند.(۱)

از دیدگاه این گروه: امام موسی بن جعفر علیهما السلام نمرده و زنده است تا اینکه شرق و غرب عالم از آن او گردد و جهان را پر از عدل و داد کند و او مهدی قائم است. آنان می گفتند: هارون الرشید و یاران او، به دروغ بر مردم وانمود کردند که آن حضرت مرده است! حال آنکه وی زنده و روی از مردم نهفته است. روایتی از پدرش حضرت جعفربن محمد علیهما السلام درباره «مهدویّت» او آورده اند که: «هُوَالقائِمُ المَهْدِی فَاِنْ یدَهْدِه رَأسَهُ عَلَیکُمْ مِنْ جَبَلٍ فَلا تُصَدِقُوا فَاِنَّهُ القائِمُ»؛(۲) «او مهدی قائم است و اگر ببینید سر او غلتان غلتان ازکوهی فرود می آید، باور نکنید وبدانید که او زنده و مهدی قائم آل محمد است».

گروهی گفتند: او امام قائم است و از دنیا رفته است. هیچ امامی جز وی نباشد؛ او پس از مرگ بازگشته و رجعت می کند و در جایی پنهان می شود. یاران او با وی دیدار می کنند و او به ایشان امر و نهی می کند و در این باره روایتی از پدرش آورده اند که گفت: «سُمِّی القائِمُ قائِماً لأَنَّهُ یقُومُ بَعْدَ ما یمُوتُ»؛(۳) «بدان جهت قائم را قائم خوانند که پس از مرگ بر می خیزد».

عده ای گفتند: او مرده است؛ ولی دیگر باره بر می خیزد و رجعت می کند. او همانند عیسی بن مریم است؛ جز اینکه عیسی باز نگشت. او به هنگام خود باز می گردد و با قیام خود، گیتی را پر از داد می کند؛ زیرا پدرش درباره وی فرمود: او مانند عیسی بن مریم است و به دست بنی عباس کشته می شود و چنان که گفته بود، به دست ایشان کشته شد!!

گروهی دیگر گفتند: وی کشته نشده و خداوند او را به نزد خود به آسمان برده است و در هنگام قیامش، دیگر بار او را باز می گرداند.

گروهی دیگر که «بشیریه» و پیروان محمدبن بشیر کوفی بودند گفتند: موسی بن جعفر نمرده و هرگز به زندان نرفته است و او مهدی قائم است.

۱- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، الکلام علی الواقفه.

۲- ر. ك: الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳- ر. ك: کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ص ۲۱۸ و ص ۴۷۱.

شیخ طوسی رحمه الله در کتاب الغیبه در ضمن بیان ده ها روایت از این دست، به همه آنها پاسخ داده است.(۱)

۸. محمدیه

آنان طرفداران امامت محمد بن علی بن محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام بودند. وی از سادات جلیل القدرعلوی بود که در زمان حیات پدرش، درگذشت و قبرش(امام زاده سید محمد) امروز در نزدیکی «بلد» در دو فرسنگی سامرا و زیارتگاه است. گویند: محمد را نُه پسر بود که چهار تن ایشان به خوی و سلماس در آذربایجان مسافرت کرده و کشته شدند و پنج تن دیگر به لار رفته و در آنجا به قتل رسیدند. طرفداران امامت او گفتند: وی نمرده و زنده است؛ زیرا پدرش او را به امامت نامزد کرد و یارانش را به امامت وی پس از خود آگاه ساخت. از آنجایی که نسبت دروغ بر امام جایز نیست و نیز نمی توان گفت که بدا رخ داده، پس او جانشین پدر است. البته در دیده و چشم مردمان نمودار گشت که او درگذشت؛ ولی او نمرده است و پدرش علی بن محمد از ترس مردم او را غایب ساخت و او مهدی قائم است.(۲)

۹. عسکریه

فرقه‌ای از شیعیان امامیه بودند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را مهدی موعود پنداشته، به غیبت او قائل شدند. شیخ صدوق رحمه الله از اینها با عنوان واقفیه یاد کرده، می نویسد: واقفیه ادعا کردند که امام حسن عسکری علیه السلام غیبت اختیار کرده است؛ ایشان نیز امر غیبت را صحیح می‌دانستند. اما در وقوع آن در حضرت عسکری علیه السلام اشتباه نموده، گمان کردند: قائم مهدی، امام یازدهم است! اما چون وفات آن حضرت ثابت شده، گفتار ایشان در این باب باطل است.(۳)

سه گروه مدعی مهدویّت

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت، کسانی که در تاریخ بدین عنوان شهرت یافته اند، به اعتباری بر سه گروه قابل تقسیم اند:

۱. کسانی که دیگران روی انگیزه های خاصی، آنان را «مهدی» نجات بخش خواندند.

۱- ر. ک: کتاب الغیبه، ص ۸۳ و ص ۲۱۸ و ص ۴۷۱.

۲- کتاب الغیبه، ص۳۹۴.

۳- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، مقدمه.

۲. کسانی که به انگیزه جاه طلبی و قدرت خواهی، چنین ادعای دروغینی داشتند.

۳. کسانی که طبق نقشه استعمار و به اشاره بیدادگران، به چنین فریبی دست یازیدند و خود را مهدی نجات بخش، معرفی کردند.

گروه اول: این واقعیت از تاریخ به دست می آید که برخی از کسانی که ادعای مهدویّت به آنها نسبت داده شده، نه از سوی خود آنان سرچشمه گرفته است و نه خود بدان راضی بوده اند؛ بلکه یاران و پیروانشان چنین ادعایی را به آنها نسبت داده و این اندیشه را گسترش دادند! البته می بایست خود آنان، چنین ادعاهای دروغین و نسبت های نادرست را به شدّت نفی می‌کردند؛ اما روشن نیست چرا خود آنان در برابر این عنوان ساختگی، فریاد اعتراض بلند نکردند و پیروانشان کوشیدند تا برخی علایم و نشانه های حضرت مهدی را به این چهره ها تطبیق و تفسیر نمایند!!

برای نمونه از این گروه می توان بدین چهره ها اشاره کرد: ۱. محمّد حنفیه، ۲. زید فرزند امام سجاد علیه السلام ،۳. محمّدبن عبداللّه محض.

گروه دوم: اینان کسانی بودند که به انگیزه های فریبکارانه و جاه طلبانه، ادعای مهدویّت نمودند و برای جلب عواطف و به دست آوردن قدرت، به دروغ، خود را مهدی نجات بخش معرفی کردند!

از جمله این گروه، «مهدی عباسی» است. پدرش منصور دوانیقی ادعا کرد: پسرش «مهدی عباسی»، همان مهدی موعود است! این در حالی است که خود او پیش از این ادعا، به محمّدبن عبداللّه محض به عنوان مهدی نجات بخش است دست بیعت داده بود و او را مهدی نجات بخش می دانست!

گروه سوم: اینان عناصری بودند که بر اساس نقشه و خواست استعمارگران، ادعای مهدویّت نمودند! استعمار پلید برای درهم کوبیدن اسلام و ایجاد اختلاف و کینه توزی در جامعه اسلامی، نقشه های خائنانه بسیاری کشید تا به هدف خویش برسد و جهان اسلام را ببلعد! از جمله نقشه های شیطانی آن در این میدان، ساختن مرام ها و مسلک های رنگارنگ در میان مسلمانان و بازی با مفاهیم و اعتقادات دینی آنان بود تا بدین وسیله، بی ایمانی و سست باوری و تزلزل دل ها را در جامعه اسلامی، پدید آورد! از چیزهایی که از آن در این میدان سوء استفاده کرد، اندیشه و عقیده به مهدی موعود بود. در این راه برخی عناصر را به دلخواه خویش تربیت کرد و به آنان دستور داد تا ادعای مهدویّت کنند و با همه امکانات آنان را در این راه یاری رساند!![(۱)]

۱- ر. ک: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ص ۵۶۵ تا ۵۷۲.

خود آزمایی

۱. به وجود آمدن گروه های منحرف دو اصل را ثابت می کند؛ آن دو را توضیح دهید.

۲. در باره انحراف کیسانیه در موضوع مهدویّت توضیح دهید.

۳. انحراف ناووسیه را در موضوع مهدویّت بیان نمایید.

۴. دیدگاه اسماعیلیه را در باره امامت شرح داده، انحراف آنان در موضوع مهدویّت را توضیح دهید.

۵. مدعیان مهدویّت به اعتباری به سه دسته تقسیم می شوند؛ در این رابطه توضیح دهید.

۶. به دو گروه دیگر غیر از آنچه در درس ذکر شد از مدعیان مهدویّت اشاره کرده، توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمـد جواد مشـکور، فرهنگ فرق اسـلامی، (بنیاد پژوهش های آسـتان قدس رضوی، مشـهد مقدس، چاپ سوم، ۱۳۷۵ه . ش).

۲. ، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، چ ششم، (انتشارات اشراقی).

۳. شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ۲ جلد، (دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ه.).

۴. شیخ طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ه).

۵. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام ، (مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم،۱۳۷۲ه .ش).

درس هفتم: شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

راه های شناخت امام علیه السلام

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

محبت به امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

نجات از مرگ جاهلیت

مهدی شخصی و مهدی نوعی

پیش درآمد

در درس پیش روشن شد: عده ای به دلایلی، در موضوع مهدویّت دچار انحرافات جدّی شدند. بر این اساس یکی از وظایف مهم در برابر این نوع کژروی ها، شناخت واقعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و موضوعات مربوط به ایشان است. از این رو این درس به موضوع شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد. در پایان نیز به مناسبت در باره «مهدی شخصی» و «مهدی نوعی» بحثی کوتاه ارائه خواهد شد.

از شناخت خداوند تا شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هدف از آفرینش، بندگی خداوند متعال است(۱) و اساس و پایه بندگی، شناخت او است.(۲) عالی‌ترین تبلور این معرفت، شناخت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای او است. بی گمان یکی از وظایف مهم بندگان در مقابل پروردگار، شناخت آن وجود مقدس است. این معرفت زمانی به کمال می رسد که پیامبران خداوند به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم را به خوبی شناخته باشند. این مهم نیز حاصل نمی گردد؛ مگر با شناخت اوصیای او به خصوص آخرین حجّت الهی.

امام حسین بن علی علیهما السلام به اصحاب خود فرمود: «أَیهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلا لِیعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَهِ مَا سِوَاهُ»؛ «ای مردم! همانا خداوند متعال بندگان را نیافرید، مگر برای آنکه او را بشناسند. پس در آن هنگام که او را شناختند، بندگی او را خواهند کرد. و آن هنگام که او را بندگی کردند، با عبادت او از عبادت غیر او بی‌نیاز می گردند». شخصی

۱- آیه:(و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون) ؛ ذاریات(۱۵)، آیه ۵۶.

۲- «اول عباده الله معرفته». شیخ صدوق، توحید ، ص۳۴؛ شیخ طوسی، امالی، ص۲۲.

پرسید: «ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم به فدایت، معنای شناخت خدا چیست؟» سالار شهیدان علیه السلام در پاسخ فرمود: «مَعْرِفَهُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامهم الَّذِی یجِبُ عَلَیهِمْ طَاعَتُهُ»؛(۱) «معرفت خدا عبارت است از اینکه اهل هر زمان امامی را که اطاعتش بر آنان واجب است، بشناسد».

بنابراین به روشنی معلوم می شود که شناخت امام، از معرفت خداوند جدا نیست؛ بلکه یکی از ابعاد آن است. در دعایی صادر شده از ناحیه مقدسه آمده است:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حجّتکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حجّتکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی»؛(۲) «خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا! رسول خود را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّت تو را نمی شناسم. خدایا! حجّتت را به من بشناسان که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می شوم».

امامت نقش اساسی در حفظ نظام و کمال بشر و حرکت او به سوی خدا و اجرای احکام الهی دارد و اطاعت امر امام، از نظر شرع و عقل واجب است. از این رو در وجوب شناخت امام بر حسب حکم عقل و شرع جای هیچ گونه تردید و شبهه ای نیست؛ زیرا هم مقدمه اطاعت است و بدون وجوب آن، اطاعت و نصب امام بیهوده خواهد بود، و هم بر حسب آنچه در روایات استفاده می شود، بالخصوص واجب است.(۳)

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود: «... وَ إِنَّمَا الائِمَّهُ قُوَّامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرَفَاؤُهُ عَلَى عِبَادِهِ و لایدْخُلُ الْجَنَّهَ إلا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لایدْخُلُ النَّارَ إلامَنْ أَنْکَرَهُم»؛(۴) «پیشوایان، مدیران الهی بر مردمند و رؤسای بندگان او هستند. هیچ کس مگر شخصی که آنها را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند وارد بهشت نخواهد شد. و کسی جز آنکه آنها را انکار کند و آنان نیز او را انکار کنند داخل دوزخ نگردد».

اگر برای کسی این معرفت به دست آمد، هرگز تقدیم یا تأخیر ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام گرد

۱- شیخ صدوق رحمه الله، علل الشرایع، ج۱، ص۹.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۲ .

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، ص۶۹.

۴- نهج البلاغه، ص ۲۱۲، خطبه ۱۵۲.

ملال بر خاطرش ننشاند.

وقتی ابو بصیر از حضرت‌صادق علیه السلام پرسید: آیا برای من افتخار حضور درمحضر قائم آل محمد علیهم السلام حاصل می‌شود؟ آن حضرت فرمود: «أَ لَسْتَ تَعْرِفُ إِمَامَکَ»؛ «آیا امام خود را نمی شناسی؟» عرض کرد: می شناسم؛ به خدا سوگند! شما هستید.

پس آن حضرت فرمود: «وَ اللَّهِ مَا تُبَالِی یا أَبَا بَصِیرٍ أَلاَّ تَکُونَ مُحْتَبِیاً بِسَیفِکَ فِی ظِلِّ رِوَاقِ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیهِ»؛(۱) «به خداوند سوگند! [در این صورت] هیچ جای نگرانی نیست! اگر این توفیق را نیابی که به همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ، شمشیر به دست گرفته باشی»؛ یعنی، با این شناخت به درجه کسی رسیده ای که در جوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در راه خدا به جهاد بر می خیزد.

امام همچنین می‌فرماید: «...اعْرِفْ إِمَامَکَ فَإِنَّکَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَکَ لَمْ یضُرَّکَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ یقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ کَانَ بِمَنْزِلَهِ مَنْ کَانَ قَاعِداً فِی عَسْکَرِهِ لا بَلْ بِمَنْزِلَهِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لِوَائِهِ...»؛(۲) «امام خود را بشناس! پس همانا هنگامی که امام خود را شناختی، هیچ آسیبی به تو نخواهد رسید؛ از اینکه امر ظهور جلو بیفتد و یا اینکه عقب بیفتد. هر کس که امام خویش را شناخت و آن گاه پیش از آنکه صاحب الامر قیام فرماید از دنیا رفت، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت حضور پیدا کرده است. نه، بلکه بسان کسی است که زیر پرچم ایشان حاضر شده باشد...».

راه‌های شناخت امام علیه السلام

اشاره

عمده راه‌هایی که در شناخت امام می‌توان از آن استفاده کرد، سه راه است:

۱. نص

نص؛ یعنی، تعیین و تصریح پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که مفادش خبر دادن از نصب الهی و یا نصب امام به امر الهی است. در نوع اوّل نصب بدون واسطه انجام شده و فعل الهی است و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ، مثل خبر دادن از آن است. در نوع دوم فعل الهی، با واسطه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است که به امر خدا انجام

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱ ، ص ۳۷۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۹، ح۲؛ کافی، ج۱، ص ۳۷۱.

می‌شود و استناد آن به او، مانند استناد افعال ملائکه به خداوند است.

۲. کرامت

ظهور کرامت به دست کسی که مدعی امامت باشد، دلیل بر صدق ادعای او است و به بیان برخی از بزرگان، دلیل بر نصّ و نصب او از جانب خداوند است. در این مسأله دو دیدگاه هست: یکی اینکه کرامت مستقلاً دلیل بر امامت است و دیگری اینکه دلیل اصلی، نصب و نص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم یا امام سابق است و کرامت، دلیل بر نصب است. اگر نص مفقود باشد و کرامت باشد، کرامت، دلالت می‌کند که نص بر صاحب کرامت بوده و به دست ما نرسیده است.

۳. سیره عملی

اخلاق و رفتار، وضع زندگی و علم و دانش یکی از راه های شناخت امام، برای کسانی است که اهلیّت تشخیص را داشته باشند و بتوانند از اخلاق، سلوک، گفتار و برخوردهای گوناگون، صاحب این مقام را بشناسند.(۱)

امروزه با توجه به انبوه روایات معتبر، راه برای شناخت امام زمان علیه السلام باز است. هشتمین پیشوای شیعیان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرماید: «...الإِمَامُ أَمِینُ اللَّهِ فی خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَی عِبَادِهِ وَ خَلِیفَتُهُ فِی بِلادِهِ وَ الدَّاعِی إِلَی اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرَمِ اللَّهِ الإمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبَرَّأُ عَنِ الْعُیُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّینِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِینَ وَ غَیْظُ الْمُنَافِقِینَ وَ بَوَارُ الْکَافِرِینَ الإِمَامُ وَاحِدُ دَهْرِهِ لایُدَانِیهِ أَحَدٌ وَ لایُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لا یُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لا لَهُ مِثْلٌ وَ لا نَظِیرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ کُلِّهِ مِنْ غَیْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لا اکْتِسَابٍ بَلِ اخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ...»؛(۲)

«امام امانت دار الهی در میان خلقش، حجّت او بر بندگانش، خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیب‌ها است. دانش ها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی

۱- ر.ک: لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام، صص۷۷-۷۸.

۲- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتنِ کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و جایگزینی برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلت ها مخصوص او است، بدون آنکه آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرفِ فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام است...».(۱)

به راستی با شناخت همین چند ویژگی ، قدم بلندی در راه شناخت امام برداشته می شود و آن گاه نوبت به اطاعت و فرمان برداری می‌رسد.(۲)

آثار شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. محبت و دوستی امام

یکی از وظایف مهم شیعیان، محبت و دوستی امام است و حتّی از برجسته‌ترین آثار معرفت او، محبت به آن وجود مقدّس است. این شناخت به هر میزان بیشتر باشد، محبت آنان فزون تر می شود و هر قدر محبت بیشتر شد، نشان از وجود سنخیت با آن انوار مقدس است. این هم سنخی نیز هر قدر افزایش یابد، نشان از تقرّب به ذات اقدس الهی است و این والاترین کمال است.

از آنجایی که خود پیشوایان معصوم علیهم السلام به مقام والای امام و امامت شناختی کامل دارند؛ وقتی سخن از یک امام پیش می آید، در نهایت بزرگداشت از او یاد می کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن گاه که سخن از آخرین وصی خود به میان می آورد، در نهایت احترام از زیباترین واژگان محبت بهره برده، می‌فرماید: « بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيِي وَ شَبِيهِي وَ شَبِيهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيهِ جُيوبُ النُّور...»؛(۳) «پدر و مادرم فدایش باد که او هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که بر او نور هایی احاطه دارد...».

امام علی بن ابیطالب علیه السلام نیز می‌فرماید: «فَانْظُرُوا أَهْلَ بَيتِ نَبِيكُمْ فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَ إِنِ

۱- این روایت مفصل است که علاقه مندان می توانند به متن کامل آن مراجعه می کنند.

۲- یکی از راه های شناخت امام مراجعه به متن ارزشمند «زیارت جامعه» است که به حق اوصاف بلندی از امام در آن ذکر شده است.

۳- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص۱۵۶.

اسْتَنْصَرُوکُمْ فَانْصُرُوهُمْ، فَلَیفَرِّجَنَّ اللَّهُ [الْفِتْنَهَ] بِرَجُلٍ مِنَّا أَهْلَ الْبیتِ. بِأَبِی ابْنُ خِیرَهِ الامَاءِ»؛(۱) «شما همواره به اهل بیت پیامبرتان نگاه کنید؛ اگر آنان ساکت شدند و در خانه نشستند، شما نیز سکوت کرده، به زمین بچسبید و اگر از شما یاری طلبیدند، به یاری آنان بشتابید. خدای متعال به دست مردی از ما اهل بیت، ناگهان فرج عنایت خواهد کرد. پدرم فدای او باد که فرزند بهترین کنیزان است».

حضرت حسین بن علی علیهما السلام نقل کرده است: مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاقِ به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود (وَ أَوْمَأَ بِیدِهِ إِلَی صَدْرِهِ شَوْقاً إِلَی رُؤْیتِهِ).(۲)

ابوحمزه ثمالی می گوید: «روزی نزد امام باقر علیه السلام بودم که فرمود: «ای اباحمزه! یکی از امور یقینی که خداوند آن را حتمی ساخته است قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی در آنچه که می گویم تردید کند، خداوند را در حالی ملاقات خواهد کرد که به او کافر شده و انکار کننده او است. سپس فرمود: پدر و مادرم فدای او که هم نام من و هم کنیه من است و هفتمین فرد پس از من می باشد».(۳)

خلاد بن صفار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم به دنیا آمده است؟ حضرت فرمود: «لا وَ لَوْ أَدْرَکْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَیامَ حَیاتِی»؛(۴) «خیر! اگر او را درک کردم، در ایام زندگانی ام خدمت گزار او خواهم بود».

آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «...أَمَا إِنِّی لَوْ أَدْرَکْتُ ذَلِکَ لابْقَیتُ نَفْسِی لِصَاحِبِ هَذَا الامْرِ»؛(۵) «به درستی اگر من آن روز را درک می کردم، جانم را برای صاحب این امر نگه می‌داشتم».

امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود: « بِأَبِی وَ أُمِّی! سَمِیّ جَدِّی وَ شَبِیهِی وَ شَبِیهُ مُوسَی

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج۳۴، ص۱۱۸و ج ۴۱، ص۳۵۳و ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۲- نعمانی، الغیبه، ص۲۱۲، ح ۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص۸۶.

۴- نعمانی، الغیبه، ص۲۴۵،ح۲۳.

۵- نعمانی، الغیبه، ص۲۷۳،ح ۵۰.

بْنِ عِمْرَانَ عَلَيهِ جُيوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِياءِ الْقُدْسِ...»؛(۱) «پدر و مادرم فدای تو که هم نام جدّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمرانی...».

۲. نجات از مرگ جاهلی

در روایات فراوانی وارد شده است: «هر کس از دنیا برود و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است». این روایت در مورد شناخت و معرفت تمامی ائمه علیهم السلام صادق است؛ ولی در خصوص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز روایاتی وارد شده است.

معاویه بن وهب گوید: «شنیدم از امام صادق علیه السلام می فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ ماتَ لایعرِفُ اِمامَهُ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیةً»؛(۲) «هر کس بمیرد در حالی که امام خودش را نمی شناسد، به مرگ جاهلی مرده است».

محمدبن عثمان عَمری گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: من در حضور ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام بودم. از آن حضرت درباره این خبر که زمین تا روز قیامت از حجّت خداوند بر خلقش خالی نیست و هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است پرسیده شد؛ فرمود: «إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ»؛ «به راستی این درست است؛ چنان که روز درست است». به او عرض شد:ای فرزند رسول خدا! حجّت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود: «ابْنِی مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِی مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یعْرِفْهُ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَیبَةً یحَارُ فِیهَا الْجَاهِلُونَ وَ یهْلِكُ فِیهَا الْمُبْطِلُونَ وَ یكْذِبُ فِیهَا الْوَقَّاتُونَ ثُمَّ یخْرُجُ فَكَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الاعْلَامِ الْبِیضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجَفِ الْكُوفَهِ»؛(۳) «پسرم محمد؛ او امام و حجّت بعد از من است. هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. آگاه باشید برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می‌شوند و اهل باطل در آن هلاک می‌گردند و کسانی که برای آن، وقت معیّن کنند، دروغ می‌گویند. سپس خروج می‌کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگرم که بر بالای سر او در نجف کوفه در اهتزاز است».

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷، باب۳۵، ح۳.

۲- الغیبه، ص ۱۲۹؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹، ح ۹.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۸۱، ح ۸.

مرگ جاهلی؛ یعنی، مردنِ بدون شناخت خدا و رسول او صلی الله علیه و آله و سلم . کسی که امام زمان خود را نشناسد، در واقع از گمراهی زمان جاهلیت که خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را نمی‌شناختند خارج نشده است. بنابراین، اگر معرفت خدا و رسول او، به معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی نشود، فایده‌ای برای انسان نخواهد داشت و او را دین دار نمی کند.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: منظور از جاهلیت، جهل مطلق و نسبت به همه چیز است یا فقط نشناختنِ امام است؟ آن حضرت فرمود: «جَاهِلِیَهَ کُفْرٍ وَ نِفَاقٍ وَ ضَلَالٍ»؛(۱) «منظور، جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است».

پس نتیجه عدم شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، کفر و نفاق و گمراهی است. البته ممکن است نشناختن، در اثر عدم معرفی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی خدا باشد (بدون کوتاهی خود شخص). این حالت «ضلال» نامیده می شود و مرادف با «استضعاف» است. در این حالت، شخص مقصر نیست؛ ولی به هر حال از هدایت الهی و دین داری محروم گشته است. حالت کفر و نفاق مربوط به شخصی است که برایش معرفی الهی صورت گرفته؛ ولی او در پذیرفتن آن کوتاهی کرده است. این دو حالت دارد: یا انکار و عدم تسلیم خود را به صراحت ابراز می دارد که کفر نامیده می شود و یا آن را مخفی می دارد که «نفاق» است. در هر سه صورت، شخص از مسیر عبودیت خداوند، دور افتاده و عاقبت به خیر نیست.

پس شناخت و پیروی از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، نه از باب تعبّد؛ بلکه به حکم عقل انسان است. چرا که انسان خداشناس راهی به سوی خدا ندارد؛ مگر از طریقی که خودِ خداوند قرار داده است. جز از این راه، نمی تواند از رضا و خشم الهی آگاه شود. مراجعه مردم به ائمه اطهار علیهم السلام، از باب مراجعه نادان به دانا است. این یک حکم عقلی است؛ همچنان که عاقل در امور مادّی و دنیوی خود، به دانا و متخصصِ آن مراجعه می کند، در امور معنوی و غیر مادی نیز عقل همین گونه حکم می کند.(۲)

۱- محمدبن یعقوب کلینی، کافی،۱ ، ص۳۷۷.

۲- سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام ، ص۱۱۱.

مهدی شخصی و مهدی نوعی

مهدی شخصی و مهدی نوعی(۱)

بحث درباره مهدی شخصی و نوعی، ارتباط مستقیمی با موضوع شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. لفظ «مهدی» مفهوم عامی دارد و به کار بردن آن به هر فردی که خدا او را هدایت کرده باشد، جایز است. با این مفهوم همه پیامبران و اوصیا علیهم السلام ، مهدی هستند و به کار بردن آن در حقّ شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام جایز است؛ زیرا همه مهدی و هدایت شده اند. حتی به کار بردن این واژه درباره افراد دیگری که در مکتب آن بزرگواران تربیت و هدایت یافته‌اند، جایز است. با این حال روشن است که مقصود از مهدی که بر زبان مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم جاری شده یک عنوان خاص و لقبِ شخصی معیّن و عزیز است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ظهور او بشارت داده و مسلمانان را فراخوانده است که در ردیف منتظران ظهور او باشند.

بر حسب اخبار معتبر، «مهدی» لقب موعود آخرالزمان است که حتی تبار و اوصاف او در احادیث معتبر مورد اشاره قرار گرفته است. این ویژگی‌ها بر هیچ کس، جز امام دوازدهم فرزند امام حسن عسکری علیه السلام قابل تطبیق نیست. لقب «مهدی» به این معنا (مورد هدایت خدا و احیا کننده اسلام و پر کننده جهان از عدل و داد و...) نخستین بار در مورد آن حضرت به کار رفت و این در عصر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام گرفت و مهدی به عنوان منجی و رهایی بخش معرفی شد.

مهدویّت به مفهوم نوعی از هیچ یک از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام قابل استفاده نیست. بر اساس این برداشت، او فردی نامعیّن است که در زمانی مناسب، زاده خواهد شد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

از نظر منطق و برهان، «نوعی بودن مهدی» باطل و نادرست است؛ چرا که نقض غرض می شود! مقصود از قیام او، پرکردن جهان از عدل و داد است؛ ولی نوعی بودن مهدی، جهان را از ظلم و ستم پر خواهد کرد. در این صورت هر قدرتمند دروغ گویی، می تواند ادعا کند که مهدی است و به نام عدالت گستری، به جهان گیری بپردازد!! پس مدعیان مهدویّت بسیار خواهند شد و در هر زمان و مکانی، ممکن است چند تن، ادعای مهدی بودن کنند و عده ای ساده دل و نادان، گردِ ایشان جمع شوند و به ظلم و ستم بپردازند!! جنگ، سراسر زمین را فراگیرد و از خونریزی و فتنه و آشوب، آکنده گردد و... بنابراین، وجود مهدی نوعی، از نظر اجتماعی محال است.

دراین صورت وعده های قرآن و پیامبران باطل و دروغ بوده و یا وجود مهدی پس از ظهور،

۱- اگر چه این اصطلاح در بعضی از کتاب های متأخرین به کار رفته؛ ولی در هیچ یک از آنها به روشنی تعریف نشده است؛ به گونه ای که به نظر می رسد هر یک، آن را در معنایی به کار برده اند.

قابل انکار و تردید خواهد بود؛ چون دلیلی برای آنکه او مهدی موعود است، وجود ندارد!

در تاریخ اسلام، دیده شده که مدعیان مهدویّت، بسیارآمدند ورفتند؛ اما چه خون ها که نریختند چه ظلم ها وستم ها که نکردند! پس بایستی، مهدی، شخص معیّنی باشد که شناختش، برای خلق آسان باشد و اشتباهی در تشخیص او رخ ندهد.

آموزه «مهدی نوعی»، با اسلام منافات دارد؛ چون روایات متواتری وارد شده که آن منجی موعود، شخصی معیّن و زنده است. از طرفی این امر مستلزم آن است که سال ها زمین، خالی از حجّت باشد و این هم بر خلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویّت، همگی از میان مسلمانان برخاسته اند؛ کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته اند و یا حقیقت را به مسلمانان نگفته بودند!(۱).

یکی از دانشمندان شیعه در این باره نوشته است: موضوع مهدی نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصداقش ماند؛ بلکه واقعیتی استوار و فردی مشخص است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می برد. در میان ما با گوشت و خون خویش زندگی می کند؛ ما را می بیند و ما نیز او را می بینیم. در فضای دردها، رنج ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است. شکنجه های آزردگان و تیره روزی ناکامان زمین و بیداد ستمگران را از دور یا نزدیک می بیند و به انتظار لحظه ای است که فرا رسد و دست پرتوان خویش را به سوی همه رنج کشیدگان، محرومان و سیه روزان دراز کند و تومار ستمگران را بریده و درهم پیچید.

البته سرنوشت این رهبر موعود، این است که خود را آشکار نسازد و همراه با دیگران، لحظه موعود را انتظار کشد. ... در احادیث نیز، پیوسته، به «انتظار فرج» و درخواست ظهور مهدی، سفارش شده است تا مؤمنان همواره چشم به راه او باشند. این تشویق، تحقّق همان همبستگی روحی و وابستگی وجدانیِ منتظران ظهور و رهبرشان است. این همبستگی و پیوند پدید نمی آید؛ مگر اینکه مهدی را هم اکنون انسانی تجسم یافته بشماریم. تجسّم یافتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحرک تازه ای به «فکر انتظار منجی» می بخشد و آن را از توانایی و آفرینندگی بیشتری برخوردار می کند. گذشته از آن، در انسانی که به طرد ستم ها پرداخته و رهبر منتظر خود را نیز هم درد، هم رنج، همسان و وابسته به خویش احساس می کند و نوعی مقاومت و شکیبایی در برابر دردهایی که در

۱- ر.ک: سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶۳ و ۶۴.

اثر محرومیت به او رسیده ایجاد می شود.(۱)

یکی از دانشمندان معاصر، بحث «مهدی نوعی» را بر اساس دیدگاه صوفیه چنین شرح کرده است: «صوفیه اعتقاد به ولایت عامّه و مهدویّت نوعیه دارند و اولیا را منحصر به دوازده امام نمی دانند. امروز هم اغلب عقیده دارند که پیر آنها در زمان خود ولیّ است و هر قطبی منصب ولایت دارد. کسانی امثال بایزید بسطامی، منصور حلاج، محی الدین عربی، احمد غزالی و جنید بغدادی را «ولیّ» می دانند».

آن گاه با اظهار شگفتی از این نگرش، می نویسد: «عجب است که صوفیان شیعه با این عقیده که مخالف اساس معتقدات شیعه است باز دم از تشیّع و لاف محبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌زنند و سایر شیعیان و علمای ربانی را اهل ظاهر و قشری و خود را با انکار ضمنی ولیّ الله المطلق و مهدی موعود جهان که بعد از امام عسکری علیه السلام جز او ولیّ و قطب و امامی نیست اهل معنی و اهل لُب و «اهل حق» می دانند!!

گویا مولوی نیز در مثنوی چنین دیدگاه ناروایی را مطرح می کند:

پس به هر دوری ولیّی قائم است پس امام حیّ قائم آن ولی است! مهدی و هادی وی است ای راه جو! او چه نور است و خرد جبریل اوست

تا قیامت آزمایش دائم است خواه از نسل عمر خواه ازعلی است! هم نهان و هم نشسته پیش رو! و آن ولی کم از او قندیل اوست(۲)

بنابراین شیعه با ردّ این انگاره، تنها به مهدی شخصی معتقد است. چنان که آیت الله حسن‌زاده آملی می نویسد: «امام زمان در عصر محمدی صلی الله علیه و آله و سلم، انسان کاملی است که جز در نبوّت تشریعی و دیگر مناصب مستأثره ختمی، حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او به طور اکمل است. او با بدن عنصری در عالم طبیعی و سلسله زمان موجود است؛ چنان که لقب شریف صاحب الزمان بدان مشعر است، هر چند احکام نفس کلیه الهیه وی بر احکام بدن طبیعی او، قاهر و نشأه عنصری او مقهور روحِ مجرّد کلّی وَلَوی

۱- سید محمد باقر صدر، جستجو و گفتگو پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۶ – ۸.

۲- علامه مجلسی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۰، پاورقی.

او است. و از وی به قائم، حجه الله، خلیفه الله، قطب عالم امکان، واسطه فیض و به عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می شود.

این چنین انسان که نامش می برم

من زوصفش تا قیامت قاصرم

چنین کسی در این زمان سرّ آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم امام مهدی هادی فاطمی هاشمی ابوالقاسم م ح م د نعم الخلف الصالح و دُرّ یک دانه امام حسن عسکری علیه السلام است. ان هذا لهو الحق الیقین. الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله»(۱).

۱- حسن حسن زاده آملی، نهج الولایه، ص۷.

خود آزمایی

۱.امام حسین علیه السلام شناخت راستین خداوند را در چه دانسته است؟ توضیح دهید.

۲. مهمّ ترین راه های شناخت امام علیه السلام کدام است؟ توضیح دهید.

۳. بخشی از اظهار محبت معصومین علیهم السلامرا درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کنید.

۴. دو اثر از آثار عدم شناخت و اعتقاد به امام زمان علیه السلام را توضیح دهید.

۵. مهدی شخصی و نوعی به چه معنا است؟ آن را توضیح دهید.

۶. دو راه دیگر از راه های شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمدبن یعقوب کلینی، کافی، (دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ه .ش).

۲. سید رضا صدر، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ه . ش).

۳. سید محمد بنی‌هاشمی، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ،(نیک‌معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ه .ش).

۴. لطف الله صافی گلپایگانی، پیرامون معرفت امام علیه السلام ، (موسسه انتشارات حضرت معصومه علیها السلام ، قم، ۱۳۷۵ ه .ش).

درس هشتم: نسب پدری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از فرزندان «عبد المطلب»

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با عنوان های

۲۱. «عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم»

۲ ۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

۲۳ . « ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام مجتبی علیه السلام»

۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام حسین علیه السلام»

۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام باقر علیه السلام»

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»

۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام کاظم علیه السلام»

۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»

۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»

۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

پیش درآمد

معصومین علیهم السلام پیش بینی می کردند که به لحاظ اهمیّت موضوع «مهدویّت»، افرادی شیاد پیدا شده و ادعاهای باطلی خواهند کرد. از طرفی موعود امت ها کسی نیست، جز آخرین جانشینِ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و مردی از اهل بیت و عترت او، (از نسل دختر بزرگوار ایشان و از فرزندان امام حسین بن علی علیهما السلام) ... از این رو اهتمام ویژه‌ای داشتند تا آن منجی عالم بشریت را به روشنی برای جهانیان معرفی کنند.

ره آورد این اهتمام، صدها روایت نورانی است که به عنوان میراثی گران بها، رهبر آینده جهان را، فرا روی حقیقت جویان عالم نمایان کرده است.

البته در این میان دست های ناپاکی، به عناوین مختلف کار را دشوار کرده اند؛ از جعل روایاتی برای انکار اصل مهدویّت گرفته تا روایاتی که او را از فرزندان عباس عموی پیامبر معرفی کرده است!! و نیز احادیثی که او را فرزند عبد الله نامی دانسته تا روایاتی که آن حضرت را از نسل امام مجتبی علیه السلام معرفی کرده است و...!

در یک نگاه کلی می‌توان روایاتی که در آنها به تبار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره شده، چنین دسته بندی کرد:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از« فرزندان عبد المطلب»

براساس روایات شیعه و سنّی, حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل عبد المطلب علیه السلام جدّ بزرگوار رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. ابن ماجه و دیگران با سندهایشان از أَنَسِ بْنِ مَالِك نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «نَحْنُ وُلد عَبْدِ الْمُطَّلِبِ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّهِ اَنا وَ حَمْزَةُ وَ عَلِی وَ

جَعْفَرٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَینُ وَ الْمَهْدِی»؛(۱) «ما فرزندان عبد المطلب، سروران اهل بهشتیم؛ من، حمزه، علی، جعفر، حسن، حسین و مهدی».(۲)

۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

این مضمون در گروه های متعددی از روایات به چشم می خورد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۲۱. «عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

«عترت» در لغت معانی متعددی دارد؛ از جمله نزدیکان شخص از طرف فرزندان و فرزندان آنها؛ اما در اینجا مقصود ، ائمه اطهار علیهم السلام است.(۳)

احادیث فراوانی با این مضمون که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، در منابع شیعی و سنّی وجود دارد. شیخ طوسی رحمه الله با ذکر سند از أَبوسَعِید خُدْرِی نقل کرده است : شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر فراز منبر می‌فرمود: «إِنَّ الْمَهْدِی مِنْ عِتْرَتِی مِنْ أَهْلِ بَیتِی یخْرُجُ فِی آخِرِالزَّمَانِ تُنْزِلُ لَهُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ تُخْرِجُ لَهُ الارْضُ بَذْرَهَا فَیمْلأُ الأَرْضَ عَدْلا وَ قِسْطاً کَمَا مَلأَهَا الْقَوْمُ ظُلْماً

۱- ابن ماجه، سنن، ج۲، ص۱۳۶۸، ح۴۰۸۷؛ حاکم نیشابوری، مستدرک، ج۳، ص۲۳۳،ح۴۹۴۰.

۲- ر. ک: محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۱۸۳؛ شیخ صدوق رحمه الله، الامالی، ص۴۷۵.

۳- ر. ک: لسان العرب، ج۴، ص۵۳۸؛ مجمع البحرین، ج۳، ص۳۹۶، ریشه عتر.

وَ جَوْراً»؛(۱) «همانا مهـدی از عترت و اهل بیت من است. در آخرالزمان خروج خواهد کرد. آسـمان همه برکت هایش را برای او نازل خواهـد کرد. و زمین آنچه در خود نهفته دارد، برای او بیرون خواهـد ریخت. پس زمین را آکنـده از عـدل و قسط می کند، آن سان که مردم آن را پر از ستم و بیداد کرده اند».

همچنین او از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم نقـل کرده است: «یقوم فی آخرالزمان رجل من عترتی شاب حسن الوجه أجلی الجبین أقنی الانف یملأ الارض قسطاً وعـدلاً کما ملئت ظلماً وجوراً ...»؛(۲) «در آخرالزمـان مردی جوان، نیکو صورت، بلند پیشانی، دارای بینی باریک، از عترت من قیام خواهد کرد و زمین را سرشار از قسط و عدل خواهد نمود، آن گونه که از ظلم و جور آکنده شده باشد ...».

همو از حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که فرمود: «لا تقومُ الساعهُ حَتی تمتلأ الارض ظلماً وعُدواناً قال ثُم یخرجُ رجل مِن عترتی و مِن أهلِ بیتی یملاها قِسطاً وعَدلاً کما مُلئت ظُلماً و عُدواناً»؛(۳) « قیامت بر پا نمی شود، مگر آنکه دنیا مملو از ستـم و دشـمنی شود. سپس مردی از عترتم و اهل بیتم، خروج می کنـد و آن را سـرشار از قسط و عدل می سازد، آن سان که از ظلم و دشمنی پر شده باشد».

در تفسـیر قرطبی، روایاتی که حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان کرده، متـواتر دانسـته است: «تـواترت علی أنّ المهـدی من عـتره رسـول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم...»؛ آن گـاه بـا بررسـی روایاتی که مهـدی را همان عیسـی علیه السـلام دانسـته است؛ بر احادیث مربوط به عترت بودن حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف صـحه می گـذارد: «والاَحـادیث التی قبله فی التنصـیص علی خروج المهـدی و فیهـا بیان کون المهـدی من عتره رسول الله صـلی الله علیه وسلم أصح إسنادا...»؛(۴) یعنی، و احادیثی که نص بر خروج مهـدی است و پیش از این مورد بررسـی قرار گرفت که در آن بیان شده بود مهدی، از عترت پیامبر است از نظر سند صحیح تر است ....

۲۲. «اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

عبـداللّه بن مسـعود می گوید: رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «لا تَذهَبُ الدُّنیا حَتّی یِلی اُمَّتِی رَجُلٌ مِنْ اَهلِ بَیتِی یقالُ لَهُ المَهْدِی»؛(۵) «دنیا به پایان نمی رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۰، ح۲۵.

۲- السنن الوارده فی الفتن، ج۵، ص۱۰۳۸.

۳- مسند احمد، ح۱۱۳۳۱، ح ۱۱۶۸۶، ح ۱۱۲۳۹.

۴- تفسیر قرطبی، ج۸ ،ص ۱۲۲.

۵- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲، ح ۱۴۱.

رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

و از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِی مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ، یصْلِحُهُ اللَّهُ فِی لَیلَهٍ»؛(۱) «مهدی از ما اهل بیت است و خداونددر یک شب به امر او را به سامان می آورد».

شیخ طوسی رحمه الله با ذکر سند از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُود نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا یذْهَبُ الدُّنْیا حَتَّی یلِی أُمَّتِی رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیتِی یقَالُ لَهُ الْمَهْدِی»؛(۲) «دنیا به پایان نمی‌رسد؛ مگر اینکه امت مرا مردی رهبری کند که از اهل بیت من است و به او مهدی گفته می شود».

أَبو سَعِید خُدْرِی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده است: «الْمَهْدِی مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ»؛(۳) «مهدی از ما اهل بیت است». امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه از آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «خوشا بر احوال کسی که قائم اهل بیت مرا ادراک کند و در غیبت و پیش از قیامش پیرو او باشد. دوستانش را دوست بدارد و با دشمنانش دشمن باشد؛ چنین کسی در روز قیامت از رفیقان و دوستان من و گرامی‌ترین امّت من خواهد بود».(۴)

ابوداود با ذکر سند از حضرت علی علیه السلام آورده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « لَو لم یبق من الدهر إلا یوم لبعث الله رَجُلاً مِن أهلِ بیتی یملاها عَدلاً ...»؛(۵) «اگر از عمر روزگار به جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا بر انگیزد که دنیا را پر از عدل کند...».

نعیم بن حماد از ابو سعید خدری نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هو رجل من أهل بیتی»؛(۶) «او مردی از اهل بیت من است».

۱- ابن ماجه، سنن، ج۲، ص ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۵.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله ، کتاب الغیبه، ص۱۸۲.

۳- ر. ک: مستدرک حاکم، ج۴، ص۵۵۷.

۴- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، باب ۲۵، ج۱، ص۲۸۶، ح۲.

۵- سنن ابو داود، ج۴، ص ۱۰۷، ح ۴۲۸۳.

۶- نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۷۴، ح۱۱۱۱.

۲۳. « ذرّیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

«ذرّیه»، در لغت عبارت است از نسلِ انسان که از طریق پسر و دختر، استمرار می یابد. ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، در اصطلاح به نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته می شود که از طریق بانوی بزرگ اسلام، زهرای مرضیه علیها السلام استمرار یافته است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:«مِنْ ذُرِّيتِي الْمَهْدِى إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى ابْنُ مَرْيمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ»؛(۱) «از ذرّیه من مهدی است. آن هنگام که خروج کند، عیسی بن مریم علیهما السلام، برای یاری‌اش نازل می‌شود. پس [عیسی علیه السلام] اورا جلو انداخته، وپشت سرش نمازمی گزارد».

۲۴. «فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»

عَبْدِ اللَّه بْن عُمَر نقل می کند: از حُسَين بْن عَلِى علیهما السلام شنیدم که چنین می‌فرمود: «لَوْ لَمْ يبْقَ مِنَ الدُّنْيا إِلا يوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْيوْمَ حَتَّى يخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِى يمْلأُهَا عَدْلا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً»؛ «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند عزَّ وجلَّ آن روز را چنان طولانی می کند تا اینکه مردی از خاندانم خروج نماید و [زمین را] پر از عدل و داد کند، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد». [آن گاه امام حسین علیه السلام فرمود] : «این گونه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم».(۲)

امام صادق علیه السلام نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِى فَقَدْ أَنْكَرَنِى»؛(۳) «کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند، مرا انکار کرده است».

و نیز فرمود: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِى فِى زَمَانِ غَيبَتِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيةً»؛(۴) «کسی که

۱- شیخ صدوق، الامالی، ص۲۱۸، ح۴.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص۴۲۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۹، ص۴۱۲، ح۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۹، ص۴۱۲، ح۱۲.

قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

و فرمود: «الْمَهْدِی رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی وَجْهُهُ کَالْکَوْکَبِ الدُّرِّی»؛(۱) «مهدی، مردی از فرزندان من است؛ سیمای او چون ستاره درخشان است».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوارش از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است: «قائم از فرزندان من است؛ نامش نام من و کنیه اش کنیه من است. شمایل او شمایل من و روش او روش من است. مردم را بر آیین و دینم دعوت کند و آنها را به کتاب پروردگارم فراخواند. کسی که او را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده است و کسی که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده است...».(۲)

۳. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان حضرت علی علیه السلام»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این رابطه فرمود: «... فَعِنْدَ ذَلِکَ خُرُوجُ الْمَهْدِی وَ هُوَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ هَذَا وَ أَشَارَ بِیدِهِ إِلَی عَلِی بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام بِهِ یمْحَقُ اللَّهُ الْکَذِبَ وَ یذْهِبُ الزَّمَانَ الْکَلِبَ بِهِ یخْرِجُ ذُلَّ الرِّقِّ مِنْ أَعْنَاقِکُمْ»؛(۳) «... مهدی، مردی از فرزندان این است و با دست مبارک خود به علی علیه السلام اشاره فرمود خداوند به وسیله او، دروغ را محو می کند و سختی روزگار را بر طرف می گرداند و طوق بندگی را از گردن های شما بیرون می آورد».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرموده است: « لَو لَمْ یبْقَ مِنَ الدُّنیا اِلَّا یوْمٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللّهُ ذلک الیومَ حَتی یبْعَثَ اللّهُ رَجُلاً مِنّی»؛(۴) «اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از خاندانم بر انگیخته شود».

۱- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۴۶۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۹، ص۴۱۱، ح ۶.

۳- کتاب الغیبه؛ ص۱۸۵.

۴- کتاب الغیبه، ص ۴۶. ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح۴.

و نیز آن حضرت فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الامْرِ مِنْ وُلْدِی»؛(۱) «صاحب این امر، از فرزندان من است».

۴. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از «فرزندان فاطمه زهرا علیها السلام»

در این دسته از روایات نیز موارد مشترک فراوانی بین شیعه و سنّی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

ام سَلَمَه گوید: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: «الْمَهْدِی مِنْ عِتْرَتِی مِنْ وُلْدِ فَاطِمَهَ»؛(۲) «مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد از کعب نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی من ولد فاطمه»؛(۳) «مهدی از فرزندان فاطمه است». همچنین او شبیه این روایت را از «زهری» و «زِر بن حبیش» نقل کرده است.(۴)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دختر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «الْمَهْدِی مِنْ وُلْدِکِ»؛(۵) «مهدی از فرزندان تو است». امام باقر علیه السلام نیز در این باره فرمود: «الْمَهْدِی رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَهَ»؛(۶) «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردی از فرزندان فاطمه علیها السلام است».

نعیم بن حماد در الفتن آورده است : قتاده به سعید بن مسیب گفت: «المهدی حق هو؟ قال: حق. قال قلت: ممن هو؟ قال: من قریش. قلت: من ای قریش؟ قال: من بنی هاشم. قلت: من ای بنی هاشم؟ قال: من بنی عبد المطلب. قلت: من ای عبد المطلب؟ قال: من

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۵۶، ح ۱۸.

۲- السنن الوارده فی الفتن، ج۶، ص۱۰۶۱، ح ۵۸۱.

۳- نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۷۴، ح۱۱۱۲.

۴- ر. ک: نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۷۴، ح۱۱۱۴و ح ۱۱۱۷.

۵- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۲، ص۴۶۸.

۶- کتاب الغیبه، ص۱۸۷.

ولد فاطمه»؛(۱) «آیا مهـدی حق است؟ گفت: آری حق است. گفتم: او از کدامین تیره است؟ گفت: از قریش. گفتم: از کدام شاخه قریش؟ گفت: از گروه بنی هاشم. گفتم: از کدام گروه بنی هاشم؟ گفت: از فرزندان عبد المطلب. گفتم: از کدام فرزند عبد المطلب؟ گفت: از فرزندان فاطمه علیها السلام .»

۵. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام»

بر اساس روایات، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور قطع از فرزندان حضرت زهرا و امام علی علیهما السلام است. اما از نسل کدامین فرزند؟ امام حسن علیه السلام یا امام حسین علیه السلام؟ در اینجا سه احتمال وجود دارد:

الف . از فرزندان امام حسن علیه السلام است.

ب . از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

ج . از تبار امام حسن و امام حسین علیه السلام هر دو می‌باشد.

با دقت در احادیث گذشـته، دو احتمال الف و ب، قابل بررسـی است و نیازی به قبول یا ردّ احتمال سوم نیست. همچنین فرض احتمـال چهـارم یعنی « مهـدی از فرزنـدان امـام حسن و امام حسـین علیهما السـلام نیست» باطل وغیر معقول است؛ چرا که بر اساس روایات صحیح و متواتر ، مهدی از اهل بیت علیهم السلام و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

حـال می توان گفت: هرگـاه نـادرستی یکی از دو احتمال الف یا ب ثابت شود، نیازی به اثبات دیگری نخوا هـد بود و خود به خود احتمال دیگر، یقینی شده و مطابق واقع خواهد بود.

در بررسی احتمال نخست(۲)، به این نتیجه می رسـیم که در کتـاب های اهل سـنّت و در تأییـد این دیـدگاه، مهم ترین روایت حدیثی است که در سنن ابوداود سجستانی است.

راوی می گوید: از هارون بن مغیره برایم حدیث کردند که او گفت: عمر بن ابی قیس از شـعیب بن خالد از ابو اسحاق روایت کرد و گفت: علی علیه السـلام درحالی که به فرزنـدش حسن نگاه می‌کرد گفت: به درستی که این فرزندم آقا و سـرور است، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را چنین نامید. و

۱- نعیم بن حماد، الفتن ، ج۱، ص۳۶۹ ، ح ۱۰۸۲.

۲- جای بسـی تأسف است که به عنوان مؤیـد این دیـدگاه نادرست برخی از اهل سـنّت گفته اند: «در اینکه مهدی از فرزندان حسن است, سرّی لطیف نهفته و آن اینکه چون او خلافت را به جهت رضای خداوند نادیده گرفت، پس خداوند نیز مهدی را از نسـل او قرار داد تـا به مقـام خلافـت برسـد. بر خلاف حسـین که به جهت کسب خلافت به جنگ و خونریزی دست زد...». (ر.ک: محمد بن ابی بکر الحنبلی، المنار المنیف، ص۱۵۱)]اعاذنا الله من شرور انفسنا[

ازصلب او مردی متولد می شود که به نام پیامبرتان نامیده می شود و در اخلاق شبیه او است، ولی در خلقت شباهتی به او ندارد. سپس نقل کرد که: زمین را پر از عدل و داد می کند».(۱)

در مورد این حدیث، از دو طریق می توان بحث کرد: ۱. بررسی سند آن؛ ۲. مقایسه آن با روایات دیگر.

یکم. در بررسی متن و سند حدیث، می توان با دلایل زیر احتمال ساختگی بودن آن را بیان کرد:

۱-۱. اختلاف در نقل حدیث از ابو داود؛ جزری شافعی (م۸۳۳ ه .ق) آن را از شخص ابو داود نقل کرده؛ ولی به جای «حسن»، «حسین» ثبت کرده است.(۲)

مقدسی شافعی در عِقد الدُرَر، آن را با نام «حسن» روایت کرده؛ ولی پژوهشگر کتاب در حاشیه آن، به نسخه ای اشاره می کند که نام «حسین» در آن ثبت شده است. همچنین نقل سید صدر الدین صدر از عقد الدرر با نام «حسین»، نشانگر وجود چنین نسخه ای است.(۳)

برای رفع اختلاف در این حدیث، نمی توان بدون پشتوانه دیگر، یکی از دو نام را بر دیگری ترجیح داد. در مورد نام «حسن» چنین قرینه ای وجود ندارد؛ در حالی که برای ترجیح نام «حسین» قرینه های بسیاری وجود دارد.

۱-۲. سند حدیث ناپیوسته است؛ چون شخصی که از حضرت علی علیه السلام نقل کرده، ابو اسحاق سبیعی است. درباره او ثابت نشده که حتی یک حدیث را خود از امام علی علیه السلام شنیده باشد و منذری در شرح حدیث به این مطلب تصریح کرده است.(۴) چون به گفته ابن حجر، او دو سال قبل از پایان خلافت عثمان متولد شده است.(۵) بنا بر این به هنگام شهادت علی علیه السلام هفت ساله بوده است.

۱-۳. سند حدیث مجهول است؛ چون ابوداود می گوید: «از هارون بن مغیره برایم حدیث شد» و معلوم نیست وی چه کسی بوده است؟ طبق مبانی محدثان اهل سنّت، حدیثی که راوی مجهول دارد، قابل اطمینان نیست.

۱- سنن ابو داود، ج۴، ص۱۰۸، ح۴۲۹۰ ؛ نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ج۱، ص۳۷۴، ح۱۱۱۳.

۲- ر.ک: جزری دمشقی شافعی ، اسمی المناقب فی تهذیب اسنّی المطالب، ص۱۶۵ ۱۶۸، ح۶۱.

۳- سید صدر الدین صدر، المهدی علیه السلام، ص۶۸.

۴- منذری، مختصر سنن ابو داود، ج۶، ص۱۶۲، ح۴۱۲۱.

۵- تهذیب التهذیب، ج۸، ص۵۶، ح۱۰۰.

۴-۱. ابو صالح سلیلی یکی از بزرگان اهل سنّت متن این حدیث را با اسناد خود، از امام موسی بن جعفر علیه السلام از امام صادق علیه السلام، از علی بن الحسین علیهما السلام ، از علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده و در آن نام «حسین» آمده است؛ نه «حسن».(۱)

۱-۵ . این حدیث با روایت های فراوان دیگر که اهل سنّت آنها را نقل کرده اند تعارض دارد؛ چون در آنها تصریح شده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان امام حسین علیه السلام است.

۱۶. با دلایل بیان شده، احتمال ساختگی بودن حدیث قوی می نماید و ادعای مهدویّت محمد بن عبدالله بن حسن مثنی (فرزند امام حسن علیه السلام) این احتمال را تقویت می کند؛ هر چند او در سال ۱۴۵ ه . ق در دوران خلافت منصور عباسی کشته شد.

دوم. این حدیث به فرض صحت با روایات فراوان دیگر که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسین علیه السلام می‌داند تعارض ندارد و قابل جمع است؛ یعنی اینکه بگوییم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است و این خود حقیقتی مسلّم است؛ زیرا همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام ، فاطمه دختر گرامی امام حسن مجتبی علیه السلام بود. از این رو امام باقر علیه السلام از طرف پدر حسینی و از طرف مادر، حسنی است. به دنبال آن دیگر امامان علیهم السلام واقعاً ذریه آن دو امام می‌باشند.

برخی روایات نیز این جمع را تأیید می کند؛ مانند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به دختر خود فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «...و الذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامه...»؛(۲) «سوگند به کسی که مرا به حق مبعوث فرمود! به درستی که مهدی این امت از آن دو (حسن و حسین) است».

در حدیثی دیگر آن حضرت فرمود: «...ان الله اختار...من علی الحسن و الحسین واختار منهما تسعه تاسعهم قائمهم...»؛(۳) «خداوند... حسن وحسین را از علی، برگزید و از آن دو، نُه حجّت را انتخاب کرد که نهمین ایشان قائم باشد...».

۱- سید بن طاووس، التشریف بالمنن، ص۲۸۵، ص۴۱۳، باب ۷۶.

۲- محب الدین طبری، ذخائر العقبی، ص۱۳۶؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه؛ ج۳، ص۴۶۸، به نقل از: ابو نعیم اصفهانی.

۳- مسعودی، اثبات الوصیه، ص۲۶۶.

بـدین ترتیب و با جمع اخبار، می توان روایت ابوداود سجستانی را پـذیرفت؛ هر چند شواهد مختلف، بر ضـعف آن اقامه شده است.(۱)

۶. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام حسین علیه السلام»

پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم به حضرت علی علیه السلام فرمود: «آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله، ای رسول خـدا! آن حضـرت فرمود: هم اینـک جبرئیل نزد من بود و مرا خبر داد قائمی که در آخِرالزّمان ظهور می کنـد و زمین را پر از عدل و داد می سازد همان گونه که از ظلم و جور آکنده شده از نسل تو و از فرزندان حسین است».(۲)

امـام حسـین علیه السـلام نیز فرمود: «دوازده مهـدی از مـا هسـتند؛ نخستین آنـان، امیرمؤمنان علی علیه السـلام و آخرین ایشان، نهمین فرزنـد من است. همو که به حق قیـام می کنـد و خداونـد به برکت وجود او، زمین مرده را زنـده و آباد می سازد و دین حق را بر تمام ادیان پیروز می گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند...».(۳)

امام سجّاد علیه السلام از پدر بزرگوار خود نقل کرده است: «فِی التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِی سُنَّهٌ مِنْ یوسُفَ وَ سُنَّهٌ مِنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیتِ یصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَمْرَهُ فِی لَیلَهٍ وَاحِدَهٍ»؛(۴) «در نهمین فرزنـد من سـنّتی از یوسف علیه السـلام و سنّتی از موسی بن عمران علیه السلام است. او قائم ما اهل بیت است که خدای تبارک و تعالی امر او را در یک شب اصلاح می فرماید».

سلمان فارسی رحمه الله می‌گوید: [روزی] بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شدم؛ در حالی که حسین علیه السلام بر زانوی ایشان نشسته بود و پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم چشـمان و لب های او را می بوسـید و می فرمود: «أَنْتَ سَـیدُ بْنُ سَیدٍ أَنْتَ إِمَامُ بْنُ إِمَامٍ أَبُوالائِمَّهِ أَنْتَ حُجَّهُ بْنُ حُجَّهٍ أَبُو حُجَجٍ تِسْعَهٍ مِنْ صُلْبِکَ تَاسِعُهُمْ

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، صص ۹۰ ۹۱، (با تغییر و تصرف).

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۷.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۳۰، ص۳۱۷، ح۳.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۳۰، ص۳۱۶، ح۱.

قَائِمهم»؛(۱) «تو، آقا و فرزند آقایی. تو، امام و فرزند امامانی. تو، حجّت و فرزند حجّت و پدر نُه حجّت از صلب خود هستی. نهمین آنان قائم ایشان است».

وابِل می گوید: اَمیر مؤمنان علیه السلام در حالی که به فرزند عزیز خود حسین علیه السلام نگاه می کرد، فرمود: «إِنَّ ابْنِی هَذَا سَیدٌ کَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم سَیداً وَ سَیخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ نَبِیکُمْ یشْبِهُهُ فِی الْخَلْقِ وَ الْخُلُقِ یخْرُجُ عَلَی حِینِ غَفْلَهٍ مِنَ النَّاسِ ...»؛(۲) «همانا این فرزندم آقا است؛ همان گونه که پیامبر او را آقا نامید. به زودی خداوند از نسل او مردی با نام پیامبرتان به وجود می آورد که هم در خَلق و هم در خُلق شبیه او است. ظهور خواهد کرد در حالی که مردم در غفلت به سر می برند...».

ابِی سَعِید عقیصاء می گوید: وقتی حسن بن علی علیهما السلام با معاویه مصالحه کرد، مردم به نزد او آمدند و برخی از آنها امام را به واسطه بیعتش، مورد سرزنش قرار دادند!

پس آن حضرت فرمود: «وای بر شما! می دانید چه کردم؟ به خدا سوگند! این عمل برای شیعیانم از آنچه که آفتاب بر آن بتابد و غروب کند، بهتر است. آیا نمی دانید که من امام مفترض الطاعه بر شما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یکی از دو سروران بهشتم؟ گفتند: آری،... فرمود: آیا می دانید که هیچ یک از ما ائمه نیست جز آنکه بیعت سرکش زمانش بر گردن او است؛ مگر قائمی که روح الله عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند؟ خداوند ولادت او را مخفی می سازد و شخص او نهان می شود تا آن گاه که خروج کند. پس بیعت احدی بر گردن او نباشد. او نهمین از فرزندان برادرم حسین است و فرزند سرور کنیزان، خداوند عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گرداند ...».(۳)

ابو سَعید خُدْری گوید:«...رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در بیماری ای که به واسطه آن رحلت فرمود، وقتی بی تابی دختر خود فاطمه علیها السلام را مشاهده کرد، چنین فرمود: «...ای فاطمه! شش خصلت به ما اهل بیت داده شده که نه به احدی از اولین داده شده و نه احدی از آخرین آن را درک خواهد کرد: پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر تو است. وصی ما بهترین اوصیا است و او همسر تو است.

۱- شیخ صدوق رحمه الله، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۵۲، ح۱۷.

۲- نعمانی، الغیبه، ص۲۱۴، ح۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۲۹، ص۳۱۵، ح۲.

شهیـد ما بهترین شـهیدان است و او حمزه عموی پـدر تو است. دو سـبط این امت از ما هسـتند و آ ن دو، پسـران تو، هسـتند. مهـدی این امت که پشت سـر او عیسـی نماز می خواند از ما است. آن گاه بر شانه حسـین علیه السـلام زد و فرمود: مهدی این امت از این است».(۱)

این حدیث را محمد بن حسن طوسی رحمه الله نیز در کتاب الغیبه بیان کرده است.(۲)

۷. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد باقر علیه السلام»

امـام بـاقر علیه السـلام در این بـاره فرمود: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مُحَـدَّثاً السَّابِعُ مِنْ وُلْـدِی الْقَائِمُ»؛(۳) «دوازده محـدَّث از مـا است؛ قائم هفتمین از فرزندان من است».

۸. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام صادق علیه السلام»

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ أَقَرَّ بِالائِمَّهِ مِنْ آبَائِی وَ وُلْدِی وَجَحَدَ الْمَهْدِی مِنْ وُلْدِی کَانَ کَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ الانْبِیاءِ علیهم السـلام وَجَحَـدَ مُحَمَّداً صـلی الله علیه و آله و سـلم نُبُوَّتَهُ»؛ «هر کس به امامان، از پـدرانم و فرزنـدانم اقرار کند و امامت فرزندم «مهدی» را منکر شود؛ مانند کسی است که به همه پیامبران صلی الله علیه و آله و سلم عقیده داشته باشد و نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند».

عرض کردم:ای آقای من! مهـدی کـدام یک از فرزنـدان شـما است؟ فرمود: «الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِع یغِیبُ عَنْکُمْ شَخْصُهُ وَ لا یحِلُّ لَکُمْ تَسْمِیتُهُ »؛(۴) «پنجمین از فرزنـدان امـام هفتم (موسـی بن جعفر) است که شـخص او، از شـما پنهـان می شـود و نـام بردنش برایتان جایز نیست».

۱- علی بـن عیسـی اربلی، کشـف الغمـه، ج۱، ص۱۵۳؛ و نیز: ر.ک: مهـدی منتظر علیـه السـلام در انـدیشه اسـلامی، ص۱۳۷، پاورقی.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۹۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص۹۶، ح۲۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۳، ص۳۳۸، ح۱۲.

۹. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام»

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِیاءِ علیهم السلام مَا وَقَعَ عَلَیهِمْ مِنَ الْغَیبَاتِ جَارِیهٌ فِی الْقَائِمِ مِنَّا أَهْلَ الْبَیتِ حَذْوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُذَّهِ بِالْقُذَّهِ»؛ «سنّت های پیامبران با غیبت هایی که بر آنان واقع شده است، در قائم ما اهل بیت، مو به مو و مورد به مورد پدیدار می شود».

ابوبصیر می گوید: عرض کردم: قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود: «ای ابو بصیر! او پنجمین از فرزندان پسرم موسی است. او فرزند بهترین کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن شک کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او، شرق و غرب عالم را بگشاید. روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن گردد و در آن بقعه‌ای نباشد که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید».(۱)

یونس بن عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام پرسید:ای فرزند رسول خدا ! آیا شما قائم به حق هستید؟ آن حضرت فرمود: «من قائم به حق هستم؛ لیکن قائمی که زمین را از وجود دشمنان خدا پاک کند و آن را از عدل و داد آکنده سازد چنان که پر از ظلم و جور شده باشد او پنجمین از فرزندان من است و او را غیبتی طولانی است؛ زیرا بر جان خود می‌هراسد...»(۲)

۱۰. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام رضا علیه السلام»

در روایتی آمده است: وقتی از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: قائم از شما کیست؟ آن حضرت فرمود: «الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیدَهِ الامَاءِ یطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الارْضَ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ وَ یقَدِّسُهَا مِنْ کُلِّ ظُلْمٍ...»؛(۳) «چهارمین از فرزندان من، پسر سرور کنیزان است؛ خداوند به واسطه او زمین را از هر ستمی پاک گرداند...».

رَّیانِ بْنِ صلْت می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا شما صاحب این امر هستید؟ فرمود:

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۳، ص۳۳۸، ح ۳۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۴، ح ۵.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲،باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح۵.

«من صاحب الامر هستم؛ اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده می سازد همچنان که پر از جور شده باشد نیستم. چگونه او باشم؛ در حالی که ضعف بدن مرا می بینی! قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند. او نیرومند است. به گونه‌ای که اگر دستش را به بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای بر می کند و اگر بین کوه‌ها فریاد بر آورد، صخره‌های آن فرو می‌پاشد. عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است. او چهارمین از فرزندان من است. خداوند او را در ستر خود نهان سازد؛ سپس او را ظاهر کند و به واسطه او، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد».(۱)

۱۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام محمد تقی علیه السلام»

عَبْدِ الْعَظِیم حَسنی می گوید: بر آقای خود امام جواد علیه السلام وارد شدم؛ می‌خواستم از قائم پرسش کنم که آیا مهدی او است یا غیر او؟ امام آغاز سخن کرد و فرمود: «یا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِی الَّذِی یجِبُ أَنْ ینْتَظَرَ فِی غَیبَتِهِ وَ یطَاعَ فِی ظُهُورِهِ وَ هُوَ الثَّالِثُ مِنْ وُلْدِی...»؛(۲) «ای ابو القاسم ! قائم ما اهل بیت، همان مهدی [موعودی] است که باید در غیبتش، او را انتظار کشند و در ظهورش، او را فرمان برند. او سومین از فرزندان من است ...».

۱۲. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از «فرزندان امام هادی علیه السلام»

صقر بن أبی دلف گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «امام پس از من، فرزندم علی است. دستور او دستور پدرش و سخن او سخن پدرش و اطاعت او اطاعت پدرش است». سپس سکوت کرد. گفتم:ای فرزند رسول خدا! امام پس از حسن کیست؟ او به شدت گریست و سپس فرمود: «پس از حسن فرزندش قائم به حق امام منتظر است». گفتم:ای فرزند رسول خدا ! چرا او را قائم می گویند؟ فرمود: «زیرا پس از آنکه یادش از بین برود و اکثر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قیام می‌کند...».(۳)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲،باب ۳۵، ص ۳۷۱، ح۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۶، ح ۱.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب ۳۷،ح۳.

امام هادی علیه السلام نیز فرمود: «اَلْخَلَفُ بَعْدِی ابْنِی الْحَسَنُ فَکَیفَ بِالْخَلَفِ بَعْدَ الْخَلَفِ فَقُلْتُ وَ لِمَ جَعَلَنِی اللَّهُ فِدَاکَ قَالَ لانَّکُمْ لا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَ لا یحِلُّ لَکُمْ ذِکْرُهُ بِاسْمِهِ قُلْتُ وَ کَیفَ نَذْکُرُهُ فَقَالَ قُولُوا الْحُجَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله و سلم»؛(۱) «جانشین پس از من پسرم حسن است و شما با جانشین پس از او چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه ؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او بر شما روا نباشد. عرض کردم: پس چگونه او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید: حجت از آل محمد علیهم السلام».

پس از این دسته روایات، روایت های فراوانی وجود دارد که پدر آن حضرت را به روشنی تمام معرفی کرده است و از آنجایی که بحث مفصلی را می طلبد، در درس بعد بیان خواهد شد.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۳۷، ص ۳۸۱، ح۵ و باب ۵۶.

ص: ۱۴۹

خودآزمایی

۱. چهار دسته از روایاتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مستقیماً به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داده است، ذکر کنید و یک مورد آن را توضیح دهید.

۲. روایتی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام دانسته است، چگونه پاسخ داده می‌شود؟

۳. به دو روایت که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از نسل امام حسین علیه السلام معرفی کرده، اشاره کنید.

۴. روایتی که در آن از حضرت مهدی علیه السلام به عنوان نسلی از امام رضا علیه السلام یاد شده، کدام است؟ توضیح دهید.

۵. امام هادی علیه السلام به عنوان پدر بزرگ حضرت مهدی علیه السلام، در باره نسب آن حضرت چه فرموده است؟

===

منابع برای پژوهش:

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ه . ش).

۲. العمیدی، سید ثامر هاشم، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه، محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۰ه . ش).

۳. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ه .ش).

۴. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ه . ش).

درس نهم: پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

جلوه هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام

۱ . کوشش های علمی

۲ . گسترش شبکه وکالت

۳ . فعالیت های سرّی

۴ . حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

۵ . تقویت و توجیه سیاسی رجال و عناصر مهم شیعه

۶ . استفاده گسترده از آگاهی غیبی

۷ . معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان جانشین

۸ . آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنّت

پیش درآمد

امام حسن عسکری علیه السلام فرزند امام علی النقی علیه السلام، پدر بزرگوارحضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یازدهمین پیشوای شیعیان است. آن حضرت در ماه ربیع الاول یا ربیع الثانی سال۲۳۱یا ۲۳۲ ه در مدینه، چشم به جهان گشود. مادرش بانویی پارسا و شایسته به نام «حُدَیثه» علیها السلام، بود که برخی، از او به نام «سوسن» یاد کرده اند.(۱)

از آنجا که پیشوای یازدهم به دستور خلیفه عباسی در «سامّرا»، در محله «عسکر» سکونت اجباری داشت، «عسکری» نامیده می شود(۲). از مشهورترین القاب آن حضرت، «نقی»، «زکی»، «فاضل»، «امین» وکنیه اش «ابو محمد» است. او ۲۲ ساله بود که پدر ارجمندش به شهادت رسید. مدّت امامتش شش سال و عمر شریفش ۲۸ سال بود. امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ه در حالی که تنها پسر او به عنوان آخرین حجّت الهی در سن پنج سالگی قرار داشت، به شهادت رسید و در خانه خود در سامرا در کنار مرقد پدرش به خاک سپرده شد.(۳)

درباره ویژگی‌های آن حضرت آورده اند: رنگش گندم گون، چشمانش درشت و سیاه، رویش زیبا، قامتش معتدل و اندامش متناسب بود و با آنکه جوان بود، بزرگان قریش و دانشمندان زمان خود را تحت تأثیر و نفوذ قرار می داد. دوست و دشمن به برتری او در علم، حلم، جود، زهد، تقوا و سایر مکارم اخلاقی اذعان داشتند.(۴)

مدت کوتاه عمر امام به سه دوره تقسیم می شود: تا چهار سال و چند ماهگی (و بنا به یک قول تا

۱- ر.ک: محمد بن یعقوب محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج۱، ص ۵۰۳.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۷۶، ص ۲۳۰ .

۳- ر. ک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام، ص ۶۱۵.

۴- ر. ک: شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، مقدمه.

سیزده سالگی)، در مدینه به سر برد. تا ۲۳ سالگی به اتفاق پدر بزرگوارش در سامرا می زیست و تا ۲۸ سالگی (شش سال و اندی پس از شهادت امام دهم)، در سامرا ولایت بر امور و پیشوایی شیعیان را بر عهده داشت.

امام عسکری علیه السلام در مدت کوتاه امامت خویش با سه تن از خلفای عباسی (المعتزّ بالله، المهتدی بالله، المعتمد بالله) که هر یک از دیگری ستمگر تر بودند؛ معاصر بود.

مشهور بین شیعه آن است که امام عسکری علیه السلام فرزندی جز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از خود به یادگار نگذاشت.(۱) شیخ مفید در این باره تصریح کرده است: «... ولم یخلف ابوه ولداً ظاهراً ولا باطناً غیره ...».(۲)

جلوه‌هایی از زندگی امام حسن عسکری علیه السلام

اشاره

روایات بسیاری از ناحیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او علیهم السلام مبنی بر امامت پیشوایان دوازده‌گانه وارد شده و در آنها، به طور روشن، به نام مقدس ایشان از جمله امام حسن بن علی عسکری علیهما السلام اشاره شده است. اضافه بر آنکه در روایاتِ نقل شده از پدر بزرگوارش، به امامت آن حضرت تصریح شده است.

جابربن عبداللّه انصاری، با اشاره به لوحی که در دستان مبارک حضرت زهرا علیها السلام مشاهده کرده بود؛ به امامت و نام امام عسکری علیه السلام تصریح کرده است.(۳)

آن حضرت، با همه فشارها و مراقبت‌های بی‌وقفه حکومت عباسی، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی، در جهت حفظ اسلام و مبارزه با افکار ضد اسلامی انجام می داد. گوشه‌ای از این فعالیت‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع مهدویّت دارد به شرح زیر است:

۱. کوشش علمی در دفاع از اسلام و ردّ شبهات

امام عسکری علیه السلام گرچه به جهت شرایط نامساعد و محدودیت های شدید حکومت عباسی ، موفق

۱- برخی مدعی شده اند امام عسکری علیه السلام بجز امام مهدی علیه السلام دارای فرزند یا فرزندان دیگری نیز بوده است. ر. ک: محمد جواد طبسی، حیاه الامام العسکری علیه السلام، ص۵۹ و ۶۰.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ص۳۴۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب۲۸، ح۱.

به گسترش دانش بی کران خود در تمام جامعه نشد؛ اما شاگردانی تربیت کرد که هر کدام در نشر معارف اسلام و رفع شبهات دشمنان، نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشتند.

شیخ طوسی رحمه الله تعداد شاگردان آن حضرت را افزون بر یک صد نفر ثبت کرده است.(۱) در میان آنان چهره ها و شخصیت های برجسته و وارسته ای به چشم می خورند؛ مانند: احمد بن اسحاق اشعری قمی، ابو هاشم داود بن قاسم جعفری، ابوعمرو عثمان بن سعید عَمْری، علی بن جعفر و محمد بن حسن صفّار.

۲. ایجاد حلقه ارتباطی با شیعیان از طریق نمایندگان

در پی تلاش‌های فراوان امامان پیشین علیهم السلام ، در زمان امام عسکری علیه السلام تشیّع در مناطق و شهرهای مختلف، گسترده شده و شیعیان در نقاط فراوانی زندگی می کردند.

گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می کرد تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت و نیز ارتباط آنان را با هم دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی، رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز، از زمان امام نهم علیه السلام احساس می شد و چنان که در سیره آن حضرت و امام دهم علیه السلام آمده، شبکه ارتباطی وکالت و نصب نمایندگان در مناطق گوناگون، از آن زمان وجود داشته است.

این برنامه در زمان امام عسکری علیه السلام نیز تعقیب گردید. بنا بر اسناد و شواهد تاریخی، آن حضرت نمایندگانی از میان شخصیت های برجسته شیعیان، در مناطق متعدد منصوب کرده و با آنان در ارتباط بود و از این طریق، پیروان تشیّع را در همه مناطق زیر نظر داشت.

یکی از نمایندگان امام «احمد بن اسحاق بن عبدالله قمی اشعری»، از یاران خاص امام و از شخصیت‌های بزرگ شیعی در قم بود. بعضی از دانشمندان علم رجال، از او به عنوان رابط بین قمی‌ها و امام و از جمله اصحاب خاص آن حضرت یاد کرده اند(۲). اما دانشمندان دیگر، او را وکیل و نماینده امام دانسته اند(۳). از روایتی در بحارالانوار استفاده می شود که او نماینده امام در موقوفات قم بوده است.

در رأس وکیلان امام، «محمد بن عثمان عَمْری قدس سرّه » قرار داشت و وکلای دیگر، به وسیله او با امام در ارتباط بودند. آنان نوعاً اموال و وجوهات جمع‌آوری شده را به وی تحویل می‌دادند و او آنها را

۱- محمد بن حسن طوسی، رجال ، ص ۴۲۷ به بعد.

۲- نجاشی، فهرست اسماء مصنفی الشیعه، ص ۶۶ - محمد بن حسن طوسی، الفهرست، ص ۲۳.

۳- طبسی، حیاه الامام العسکری علیه السلام، ص ۳۳۳.

به محضر امام علیه السلام می رساند.(۱)

علاوه بر شبکه ارتباطی وکالت، امام از طریق اعزام پیک‌ها، با شیعیان و پیروان خود ارتباط برقرار می ساخت و مشکلات آنان را برطرف می کرد.

گذشته از پیک‌ها، امام از طریق مکاتبه با شیعیان، ارتباط داشت و آنان را در موقعیت‌های حساس راهنمایی می‌کرد. نامه ای که امام به «ابن بابویه» نوشته، نمونه ای از این نامه ها است. امام دو نامه نیز به شیعیان قم و آبه (آوه) نوشته که متن آنها در کتاب ها مضبوط است.(۲) بر اساس روایتی، امام عسکری علیه السلام بامداد روز هشتم ربیع الأول سال ۲۶۰ه‍ اندکی پیش از رحلت، نامه های فراوانی به مردم مدینه نوشت.

۳. فعالیت‌های سیاسی سرّی

امام عسکری علیه السلام با وجود تمامی محدودیت‌ها و کنترل‌های دستگاه خلافت، یک سلسله فعالیت‌های سیاسی سرّی را رهبری می کرد که با گزینش شیوه های پنهان کاری، از چشم بیدار و مراقب جاسوسان دربار، به دور می ماند.

در این زمینه نمونه های فراوانی وجود دارد که به یک مورد آن اشاره می‌شود: عثمان بن سعید عَمْری از نزدیک ترین و صمیمی ترین یاران امام علیه السلام در پوشش روغن فروشی فعالیت می کرد. شیعیان و پیروان آن حضرت ، اموال و وجوه خود را به او می رساندند و او آنها را در ظرف های روغن قرار داده، به حضور امام علیه السلام می‌رساند(۳).

۴. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان

یکی دیگر از موضع گیری‌های امام عسکری علیه السلام ، حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان به ویژه از یاران خاص و نزدیک آن حضرت بود. این اقدام امام، مانع از آن می شد که آنان زیر فشار مالی، جذب دستگاه حکومت عباسی شوند.(۴)

۱- محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص ۵۳۲، ح ۱۰۱۵.

۲- حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ص ۴۸۶.

۳- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۱۴.

۴- شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۴۳ ؛ ابن شهر اشوب، مناقب آل أبی طالب، ج ۴، ص ۴۳۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۴۲ ؛ سید محسن امین، اعیان الشیعه، ص ۴۰ ؛ طبرسی،اعلام الوری، ط۳، ص ۳۷۲ ؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۰۸ .

۵. آگاهی بخشی سیاسی به چهره‌های برجسته شیعه

از دیگر فعالیت‌های سیاسـی امام عسـکری علیه السـلام ، تقویت و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه، در برابر فشارها و سختی‌های مبارزات سیاسـی، برای حمایت از آرمان‌های بلند تشیّع بود. از آنجا که شخصیت‌های بزرگ شیعه در فشار بیشتری بودند، امام به تنـاسب مورد، آنـان را راهنمـایی می کرد و روحیه آنـان را بالاـ می برد. همچنین می‌کوشـید صـبر و آگـاهی آنـان در برابر فشارها، تنگناها و تنگدستی ها فزونی یابد تا آنان بتوانند مسؤولیت بزرگ اجتماعی و سیاسـی و وظایف دینی خود را به خوبی انجام دهند.

۶. بهره گیری از دانش غیبی برای ارشاد دیگران

امامان علیهم السلام ، در پرتو ارتباط با پروردگار جهان، از دانش غیبی برخوردار بودند و در مواردی که اساس حقانیت اسلام یـا مصالـح عـالی امت اسـلامی، در معرض خطر قرار می گرفت، از این آگاهی به صورت «ابزار هـدایت» اسـتفاده می کردنـد. پیشـگویی ها و گزارش های غیبی آنانان، بخش مهمّی از زنـدگی ایشان را در بر می گیرد؛ با مطالعه در زندگی امام عسـکری علیه السلام، چنین به نظر می رسد که: آن حضرت بیش از امامان دیگر، دانش غیبی خود را آشکار می ساخته است.(۱)

شاید علت این امر، شـرایط نامساعد و جوّ پر اختناقی بود که امام یازدهم و پدرش امام هادی علیهما السلام، در آن زندگی می کردنـد؛ زیرا پس از انتقال امام هادی علیه السـلام به سامّرا، آن حضـرت به شدّت تحت مراقبت و کنترل بود. از این رو امکان معرفی فرزنـدش «امام حسن علیه السـلام» به عموم شـیعیان، به عنوان امام بعـدی وجود نداشت و اصولاً این کار، حیات او را از ناحیه حکومت وقت، در معرض خطر جدّی قرار می داد. به همین جهت کار معرفی امام عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنـان در این بـاب، در مـاه هـای پایانی عمر امام هادی علیه السـلام صورت گرفت؛(۲) به طـوری که هنگـام رحلت آن حضرت، عده ای از شیعیان ازامامت حضرت «حسن عسکری علیه السلام» آگاهی نداشتند(۳).

امـام عسـکری علیه السـلام برای زدودن زنگـار شک ها و تردیـدها و نیز برای حفظ یاران خود از خطر و یا هـدایت گمراهان، ناگزیر می شد پرده های حجاب را کنار زده، از آن سوی جهان ظاهر خبر دهد.

۱- محمد جواد طبسی، حیاه الامام العسکری علیه السلام، ص ۱۲۱.

۲- محمد جواد طبسی، حیاه الامام العسکری علیه السلام، ص ۲۱۷.

۳- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۳۴.

۷. معرفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین

یکی از مسؤولیت های خطیر امام عسکری علیه السلام، معرّفی حضرت مهدی علیه السلام به عنوان جانشین خود بود. این مهمّ زمانی سخت تر می‌شد که آن حضرت می‌بایست بنا به دلایلی، فرزند خود را در پرده «پنهان زیستی» نگه دارد تا از گزند بدخواهان در امان بماند.

با این حال در موارد فراوانی آن حضرت، به معرفی جانشین خود به افراد موثق پرداخته است. عمده تعابیری که امام یازدهم برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار برده، بدین قرار است:

«هذا صاحبکم بعدی ...»؛(۱) «این بعد از من صاحب شما است...».

«ان ابنی هو القائم من بعدی ...»؛(۲) «همانا فرزندم قائم بعد از من است...».

«هذا امامکم من بعدی و خلیفتی علیکم...»؛(۳) «این پیشوای شما پس از من و جانشین من بر شما است ...».

«ابنی محمد هو الامام الحجه بعدی ...»؛(۴) «فرزندم محمد همان امام و حجت پس از من است...».

و مواردی از این قبیل که در کتاب ها بدان اشاره شده است.

۸ . آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آنجا که غایب شدن امام و رهبر هر جمعیتی، یک حادثه غیر طبیعی و نامأنوس است و باور کردن آن و نیز تحمل مشکلات ناشی از آن، برای نوع مردم دشوار است؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان پیشین علیهم السلام، به تدریج مردم را با این موضوع آشنا ساخته، افکار را برای پذیرش آن آماده می کردند.

این تلاش در عصر امام هادی و عسکری علیهما السلام ، به صورت محسوس تری به چشم می خورد؛ چنان که امام هادی علیه السلام بعضی از اقدامات را به وسیله نمایندگان انجام می داد و خود کمتر با افراد تماس می گرفت. این امر در زمان امام عسکری علیه السلام، جلوه بیشتری یافت؛ زیرا با وجود تأکید بر تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، او را تنها به شیعیان خاص و بسیار نزدیک نشان می‌داد. از طرف دیگر تماس مستقیم شیعیان با خود آن حضرت نیز روز به روز محدودتر و کمتر می شد؛ به طوری که حتی در شهر

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج۲، ص۳۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۲۴، ح۴.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۳۵، ح۲.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۰۹، ح۹.

سامرا از طریق نامه یا به وسیله نمایندگان خویش، به مردم پاسخ می داد. بدین ترتیب آنان را برای تحمل اوضاع و شرایط عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آماده می ساخت. این همان روشی است که امام دوازدهم علیه السلام در زمان غیبت صغرا در پیش گرفت و شیعیان را به تدریج برای دوران غیبت کبرا آماده ساخت.(۱)

حوادث ناگوار پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

اشاره

متأسفانه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، اتفاقات ناگواری رخ داد که برخی از آنها بدین قرار است:

۱. بازجویی از خانه آن حضرت

لحظاتی از شهادت امام عسکری علیه السلام سپری نشده بود که دژخیمان، با سعایت افرادی، به خانه امام هجوم بردند تا شاید در این رهگذر به امام غایب دست یازند.

۲. برخورد جعفر کذّاب با مادر امام عسکری علیه السلام بر سر میراث

۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۳. بازجویی از خانه‌ها و منازل برای دستیابی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف؛(۲)

۴. ترور، حبس، تهدید و اذیت و آزار شیعیان

شیخ مفید از تهدیدات علیه شیعه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، به عنوان یکی از تلخ ترین فرازهای تاریخ تشیع یاد کرده است.(۳)

۵. اختلاف و چند دستگی بین شیعیان

یکی از حوادث کمر شکن پس از شهادت امام عسکری علیه السلام ، تفرقه ای بود که در میان برخی از شیعیان رسوخ کرد و آنها را از یکپارچگی خارج نمود. البته این تفرق پیش از آن، از سوی امام عسکری علیه السلام پیش بینی شده بود. ابوغانم می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می فرمود: در سال ۲۶۰ پیروانم فرقه فرقه می شوند.

آن گاه در ادامه ابوغانم می‌گوید: در آن سال امام عسکری علیه السلام رحلت فرمود و پیروان و یارانش

۱- با استفاده از: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان علیهم السلام ، ص ۶۱۵ - ۶۶۲ .

۲- ر. ک: کافی، ج۱، ص۵۰۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۴۳.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ص۳۲۵؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص۳۳۴.

متفرق شدند. دسته ای خود را منتسب به جعفر (پسر امام دهم) کردند، گروهی سرگردان شدند، عده‌ای به شک افتادند، دسته‌ای در حالت تحیر ایستادند و جمعی دیگر به توفیق خدای تعالی، بر دین خود ثابت ماندند.(۱)

پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نگاه اهل سنّت

یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنّی در موضوع مهدویّت، اختلاف در پدر حضرت مهدی علیه السلام است. شیعه با ارائه ادله فراوان ثابت کرده که پدر حضرت مهدی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام است، در حالی که اغلب اهل سنّت، با بیان برخی روایات در این زمینه، بر این باورند که نام پدر حضرت مهدی علیه السلام عبدالله، هم نام پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

دانشمندان شیعه، اگر چه با حفظ امانت کامل، برخی از این احادیث را هر چند که صحیح نمی‌دانسته اند بدون کم و کاست از کتاب‌های اهل سنّت نقل کرده‌اند؛ اما هرگز تردید در این موضوع به خود راه نداده‌اند.

بعضی از احادیثی که اهل سنّت با استناد به آنها، چنین دیدگاهی را انتخاب کرده اند؛ بدین قرار است:

الف. ابن ابی شیبه، طبرانی و حاکم، از عاصم بن ابی النجود، از زِرّ بن حُبَیش از عبدالله بن مسعود روایت کرده‌اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لا تذهب الدنیا حتی یبعث الله رجلا یواطئ اسمه اسمی، و اسم ابیه اسم ابی»؛(۲) «دنیا از میان نمی رود، مگر اینکه خداوند مردی را بر می انگیزاند که نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

ب. ابو عمرو دانی و خطیب بغدادی، از عاصم بن ابی النجود از زرّ بن حبیش، از عبدالله بن مسعود نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لاتقوم الساعه حتی یملک الناس رجل من اهل بیتی، یواطئ اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»(۳)؛ «قیامت بر پا نمی شود؛ مگر آنکه مردی از خاندان من بر همه مردم پادشاهی کند، نام او هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۰۸، ح۶.

۲- ابن ابی شیبه، المصنف، ج۱۵، ص۱۹۸، ح ۱۹۴۹۳؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج۱۰، ص۱۶۳، ح۱۰۲۱۳ و ص۱۶۶، ح۱۰۲۲۲؛ مستدرک حاکم، ج۴، ص۴۴۲؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج۳، ص ۲۶۱.

۳- سنن ابو عمرو دانی ، ص۹۴و۹۵؛ تاریخ بغداد، ج۱، ص ۳۷۰.

ج. نعیم بن حماد، خطیب و ابن حجر، همگی از عاصم، از زرّ بن حبیش از ابن مسعود روایت کرده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی یواطئ اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛(۱) «مهدی نامش هم نام من و نام پدرش نام پدر من است».

د. نعیم بن حماد به سند خودش از ابو الطفیل آورده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «المهدی اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی»؛(۲) «مهدی نامش نام من و نام پدرش، نام پدر من است».

هیچ یک از این احادیث، نمی تواند حجّت و دلیلی محکم، بر ادعای کسانی باشد که نام پدر مهدی علیه السلام را «عبدالله» دانسته اند. سند حدیث چهارم به اتفاق همه محدثان ضعیف است؛ زیرا یکی از راویان آن رشدین بن سعد است؛ یعنی همان «رِشدین بن ابی رِشدین» است که همه بزرگان اهل سنّت در علم رجال بر ضعف او اتفاق دارند.(۳) بدین ترتیب و بدون شک در چنین امر مهمّی، نمی توان سخن این گونه افراد را پذیرفت.

سه حدیث نخستین، نیز نمی توانند حجّت و دلیل باشند؛ چون عبارت «نام پدرش نام پدر من است» را بزرگان و حافظان حدیث نقل نکرده اند و تنها جمله «نام او، نام من است» را همگان، بدون اضافه‌ای دیگر آورده‌اند.

برخی از پژوهشگران اهل سنّت که روایت کنندگان از عاصم بن ابی النجود را مورد بررسی قرار داده اند به این مطلب تصریح کرده و گفته اند: این اضافه در اصل حدیث نیست.

از طرف دیگر، هر سه حدیث، فقط به ابن مسعود، ختم می شود و حال آنکه در مسند احمد در چند مورد، همین حدیث از ابن مسعود نقل شده که با جمله «نام او، نام من است»، پایان یافته است.(۴)

تِرمذی می گوید: حدیث از علی علیه السلام ، ابو سعید خدری، ام سلمه و ابوهریره، فقط با لفظ «نام او، نام من است» روایت شده است. آن گاه بعد از نقل حدیث ابن مسعود با این لفظ می‌افزاید: «در این باب، از علی، ابوسعید، ام سلمه و ابوهریره روایت شده و این حدیث نیکو و صحیح است».(۵)

طبرانی در المعجم الکبیر آن را از ابن مسعود، از چند طریق فقط با لفظ «نام او نام من است» در

۱- تاریخ بغداد، ص۳۹۱؛ نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۶۷، ح۱۰۷۶ و ۱۰۷۷؛ کنز العمال، ج۱۴، ص۲۶۸، ح۳۸۶۷۸ به نقل از ابن عساکر.

۲- نعیم بن حماد، الفتن، ج۱، ص۳۶۸، ح۱۰۸۰.

۳- ر. ک: تهذیب الکمال، ج۹، ص۱۹۱ ؛ تهذیب التهذیب، ج۳، ص۲۴۰.

۴- احمد بن حنبل، مسند، ج۱، ص۳۷۶ و ۳۷۷ و ۴۳۰ و ۴۴۸ .

۵- سنن ترمذی، ج۴، ص۵۰۵، ح۲۲۳۰.

حدیث های ۱۰۲۱۴ به بعد، نقل کرده است.

حاکم نیز در مستدرک، حدیث را از ابن مسعود فقط با جمله «نام او نام من است»، نقل کرده و گفته است: «این حدیث با شرط شیخین صحیح است و آنان آن را نقل نکرده اند».(۱)

بغوی در مصابیح السنه حدیث را بدون اضافه نقل کرده و گوید: حدیث نیکو است.(۲) مقدسی شافعی تصریح می کند: این افزوده را بزرگان حدیث روایت نکرده اند. پس از نقل حدیث بدون آن اضافه می نویسد: «گروهی از بزرگان حدیث، در کتاب های خود به همین گونه آورده اند؛ مانند: ابو عیسی ترمذی در جامع، ابی داود در سنن و حافظ ابو بکر بیهقی و شیخ ابوعمر دانی».(۳)

سپس حدیث های دیگری در تأیید درستی نقل خود از بزرگانی چند مانند طبری، احمد بن حنبل، ترمذی، ابو داود، حافظ ابو داود و بیهقی به نقل از عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر و حذیفه می‌آورد.(۴)

همان گونه که اشاره شد، تِرمذی این حدیث را از حضرت علی علیه السلام ، ابوسعید خدری، ام‌سلمه و ابوهریره فقط با جمله «نام او، نام من است»، روایت کرده است. بنابراین اگر جمله «و نام پدرش، نام پدر من است» در متن اصلی روایت ابن مسعود می بود، قابل تصور نیست که همه این شخصیت های یاد شده، به اتفاق آن را حذف کرده باشند؛ هر چند آنان از عاصم بن ابی النجود هم روایت کرده باشند!

اما اینکه چگونه این افزوده به روایت ها راه یافته، احتمالاتی قابل طرح است:

۱. از سوی پیروان و یاران حسنی ها به منظور اثبات مهدویّت محمد بن عبد الله بن حسن مثنی، اضافه شده است.

۲. از سوی طرفداران بنی عباس، جهت تأیید مهدویّت محمد بن عبدالله (ابو جعفر) منصور عباسی، به حدیث ابن مسعود افزوده شده است. این احتمال ، زمانی به واقعیت نزدیک می شود که بدانیم محمد بن عبد الله بن حسن مثنی، لکنت زبان داشته و لذا پیروانش دروغ دیگری به وایت ابوهریره افزوده و روایت را چنین نقل کرده اند: «به درستی که مهدی نامش محمد بن عبدالله است و در

۱- مستدرک حاکم، ج۴، ص۴۴۲.

۲- مصابیح السنه، ص۴۹۲، ح ۴۲۱۰.

۳- عقد الدرر، ص۵۱، باب ۲.

۴- عقد الدرر، ص ۵۱ ۵۶، باب ۲.

زبانش کُندی وجود دارد».(۱)

بر این اساس هر سه حدیث نخستین، با نقل حافظان حدیث از عاصم مخالفت دارد. از این رو حافظ ابو نعیم اصفهانی (م ۴۳۰ ه) در مناقب المهدی این حدیث را با ۳۳ سلسله راویان مختلف تا عاصم، نقل کرده است. در این نقل ها حتی یکی از آنها عبارت «ونام پدرش نام پدر من است» را ندارد و با عبارت «نام او نام من است» پایان یافته است.

گنجی شافعی (م ۶۳۸ ه) متن اصفهانی را نقل و اضافه می کند: «این حدیث را غیر از عاصم، دیگرانی هم مانند عمرو بن حره، از زرّ نقل کرده اند و همگی با «نام او نام من است»، آن را به پایان برده اند؛ جز روایتی که عبارت «و نام پدرش نام پدر من است» را دارد.

کوتاه سخن اینکه چنین اضافه ای پذیرفتنی نیست؛ به خصوص که: احمدبن حنبل «با دقتی که در ضبط حدیث دارد»، این حدیث را چند بار در مسندش با جمله «و نامش نام من است»، نقل کرده است».(۲)

از بحث‌های گذشته روشن می‌شود که تبار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به امام حسین علیه السلام می‌رسد و دیگر احادیثی که خلاف این را می رسانند، ضعیف و بی اعتبار بوده هیچ قرینه ای بر صحّت آنها در دست نیست. با توجه به نتیجه بحث های گذشته نیز به دست می آید: نقل متواتر نزد مسلمانان نیز، همین نتیجه را تأیید می کند.(۳)

۱- ر. ك: مقاتل الطالبین، ص۱۶۳ و ۱۶۴.

۲- گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۴۸۲.

۳- سید ثامر هاشم العمیدی ، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، صص۹۲ ۱۰۷ (با تصرف).

خود آزمایی

۱. به سه جلوه از جلوه های زندگی امام عسکری علیه السلام اشاره کرده، آنها را شرح دهید.

۲. امام عسکری علیه السلام برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، به عنوان جانشین خود از چه تعابیری استفاده فرمود؟

۳. امام عسکری علیه السلام چگونه مردم را برای تحمل دوران غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌کردند؟

۴. تفاوت دیدگاه شیعه و اهل سنّت را در باره پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شرح دهید.

۵. به روایاتی که پدر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانسته اند، چگونه می توان پاسخ داد؟

۶. علاوه بر آنچه در درس آمده، به دلیلی در ردّ روایات «نام پدر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است»، اشاره کنید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. محمد جواد طبسی، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹، ه . ش).

۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۸۰ ه . ش).

۳. مسجد جمکران، آخرین خورشید پیدا، نگرشی کوتاه بر زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، (مسجد جمکران، ۱۴۱۵ ه).

۴. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، (کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام ، مشهد، ۱۳۷۱ ه . ش).

۵. سید محمد تقی مدرسی، زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، ترجمه محمد صادق شریعت، (محبان الحسین

عليه السلام ، ۱۳۷۹ ه . ش).

ص: ۱۶۵

درس دهم: مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نام های مادرحضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سر گذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بررسی روایتی درباره مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش درآمد

از آنجایی که امامان معصوم علیهم السلام دارای عظمتی خاص هستند، می‌بایست پدر و مادرشان نیز دارای کمالات فراوانی باشند و از رَحِم های پاک، به دور از هر گونه آلودگی، پای به عرصه عالم دنیا بگذارند. مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان کسی که آخرین حجّت الهی را به دنیا می‌آورد، باید از کمالات معنوی، بهره فراوانی داشته باشد.

متأسفانه به دلایلی شناخت ما از آن بانوی بزرگوار بسیار محدود و ناچیز است و در منابع روایی، سخن چندانی در باره ایشان وجود ندارد. با توجه به این نکته تلاش شده در این درس در حد امکان در باره آن بانوی بزرگ مطالبی ارائه شود.

نام‌های مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در کانون خانواده امام عسکری علیه السلام، آن بانوی گرامی را به نام های مختلفی از قبیل: «نرجس»، «سوسن»، «صقیل» (یا «صیقل»)، «حدیثه»، «حکیمه»، «ملیکه»، «ریحانه» و «خمط» صدا می زدند.

از دیدگاه یکی از پژوهشگران علت تعدّد نام های آن بانو، می تواند چند چیز باشد:

۱. علاقه و محبت فراوان مالک او به وی، باعث شده بود با بهترین اسم ها و زیباترین نام ها، او را صدا بزنند. از این رو تمام نام های آن بانو، از اسامی گل ها و شکوفه ها است؛ چون مردم این صداها و نام های مختلف را شنیده بودند، می پنداشتند که تمام اینها اسامی آن بانوی بزرگوار است.

۲. این بانوی گرامی پس از اینکه وارد کانون خانواده امام علیه السلام شد، خط مشی و مسیر دیگری بر خلاف سایر کنیزان داشت؛ زیرا او مادرِ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. او فشار و ظلم

ستمگران و حکومت ها را می دید و می‌دانست مدتی باید در زندان به سر برد. او می‌دانست که باید برای حفظ خود و فرزند گرامی اش، نقشه هایی بیندیشد، تا حاکمان وقت، ندانند صاحب کدام نام را باید زندانی کنند و حامل نور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است. بر این اساس هر روز نامی تازه برای خود می نهاد و در خانواده امام علیه السلام او را به این نام‌ها می خواندند تا دشمنان خیال کنند که این نام های مختلف، مربوط به چند نفر است و نفهمند این اسامی، همه مربوط به یک نفر است.(۱)

سر گذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اگر چه از سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن صریح و روشنی در دست نیست؛ اما طبق قول مشهور که از برخی روایات به دست می آید ایشان کنیزی بود که در جنگ اسیر شد و پس از آن به خانواده گرامی امام عسکری علیه السلام پیوست.

در مجموع می توان روایات مربوط به مادر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که آن بانوی بزرگوار را شاهزاده‌ای رومی معرفی کرده است.

۲. روایاتی که آن بانوی بزرگ را تربیت شده خانه حکیمه خاتون دانسته است.

۳. روایتی که علاوه بر تربیت ایشان، ولادت آن بانوی بزرگ را نیز در خانه حکیمه ذکر کرده است.(۲)

۴. روایاتی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بانویی سیاه پوست دانسته است.

بررسی روایات دسته نخست:

یکی از روایت های مشهور، حکایت از آن دارد که مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، شاهزاده‌ای رومی است که اعجازگونه، به بیت شریف امام عسکری علیه السلام راه یافته است. شیخ صدوق در داستان مفصلی، حکایت مادر حضرت مهدی علیه السلام را این گونه نقل کرده است:

بشر بن سلیمان نخّاس گفت: من از فرزندان ابوایوب انصاری و یکی از موالیان امام هادی

۱- پژوهشی در زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نگرشی به غیبت صغرا، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.
۲- مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۷۲.

و امام عسکری علیهما السلام و همسایه آنان در «سرّ من رای» بودم. مولای ما امام هادی علیه السلام مسائل «برده فروشی» را به من آموخت و من جز بـا اذن او، خریـد و فروش نمی کردم. از این رو از موارد شـبهه نـاک پرهیز می کردم تـا آنکه معرفتم در این باب کامل شد و فرق میان حلال و حرام را نیکو دانستم.

یـک شب در «سرّ من رای» که در خـانه خود بودم و پاسی از شب گذشـته بود کسـی در خـانه را کوفت. شـتابان به پشت در آمدم، دیدم کافور فرسـتاده امام هادی علیه السلام است که مرا به نزد آن حضرت فرا می خواند. لباس پوشیدم و بر ایشان وارد شدم. دیدم با فرزندش ابومحمد و خواهرش حکیمه خاتون از پس پرده گفت وگو می کند. وقتی نشستم، فرمود:ای بشرا! تو از فرزندان انصاری و ولایت ائمه علیهم السـلام پشت در پشت، در میان شما بوده است و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید. من می خواهم تو را مشـرّف به فضـیلتی سازم که بدان بر سایر شـیعیان در موالات ما سـبقت بجویی. تو را از سرّی مطلع می کنم و برای خریـد کنیزی گسـیل می دارم. آن گاه نامه ای به خط و زبان رومی نوشت و آن را به هم پیچید و با خاتم خود مهر کرد. دسـتمال زرد رنگی را که در آن ۲۲۰ دینـار بود بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و به بغـداد برو و ظهر فلان روز، در معبر نهر فرات حاضـر شو و چون زورق های اسـیران آمدنـد، جمعی از وکیلان فرمانـدهان بنی عباس و خریـداران و جوانان عراقی دور آنها را بگیرند.

وقتی چنین شـد، شخصـی به نام عمربن یزید برده فروش را زیر نظر بگیر و چون کنیزی را که صـفتش چنین و چنان است و دو تکه پارچه حریر در بر دارد، برای فروش عرضه بـدارد و آن کنیز از گشودن رو و لمس کردن خریداران و اطاعت آنان سـرباز زنـد، تو به او مهلت بـده و تأملی کن. برده فروش آن کنیز را بزنـد و او به زبان رومی ناله و زاری کنـد و گویـد: وای از هتک ستر من! یکی از خریـداران گویـد: من او را سـیصد دینار خواهم خریـد که عفاف او باعث فزونی رغبت من شده است و او به زبان عربی گوید: اگر در لباس سـلیمان و کرسـی سلطنت او جلوه کنی، در تو رغبتی ندارم، اموالت را بیهوده خرج مکن! برده فروش گویـد: چاره چیست؟ گریزی از فروش تو نیست! آن کنیز گویـد: چرا شـتاب می کنی بایـد خریـداری باشـد که دلم به امـانت و دیـانت او اطمینان یابـد. در این هنگام برخیز و به نزد عمر بن یزیـد برو و بگو: من نامه ای سربسـته از یکی از اشـراف دارم که به زبان و خط رومی نوشته و کرامت و وفا و بزرگواری و سخاوت خود را در آن نوشته است.

نامه را به آن کنیز بـده تا در خُلق و خوی صاحب خود تأمل کند. اگر بدو مایل شد و بدان رضایت داد، من وکیل آن شـخص هستم تا این کنیز را برای وی خریداری کنم.

بشـربن سـلیمان گوید: همه دستورات مولای خود امام هادی را درباره خرید آن کنیز به جای آوردم و چون در نامه نگریست، به سـختی گریست و به عمربن یزیـد گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش! و سوگنـد اکید بر زبان جاری کرد که اگر او را به صاحب نامه نفروشد، خود را خواهد کشت. درباره بهای آن گفت وگو کردم تا آنکه بر همان مقداری که مولایم در دستمال زرد رنگ همراهم کرده بود، توافق کردیم. دینارها را از من گرفت و من هم کنیز را خنـدان و شادان تحویل گرفتم و به حجره ای که در بغداد داشتم، آمدیم. چون به حجره در آمد، نامه مولایم را از جیب خود در آورده، آن را می بوسید و به گونه ها و چشـمان و بـدن خود می نهـاد و من از روی تعجّب به او گفتم: آیـا نـامه کسـی را می بوسـی که او را نمی شناسـی؟ گفت:ای درمانده و ای کسـی که به مقام اولاد انبیا معرفت کمی داری! به سخن من گوش فرا دار و دل به من بسپار که من ملیکه دختر یشوعا، فرزند قیصـر روم هسـتم. مادرم از فرزندان حواریون (شمعون وصی مسیح) است. برای تو داستان شگفتی نقل می کنم: جدّم قیصر روم می خواست مرا در سنّ سیزده سالگی، به عقد برادر زاده اش در آورد و در کاخش محفلی از افراد زیر تشکیل داد: سـیصد تن از فرزنـدان حواریون و کشـیشان، هفتصد تن از رجال و بزرگان و چهار هزار تن از امیران لشـکری و کشوری. تخت زیبایی که با انواع جواهر آراسـته شده بود، در پیشاپیش صـحن کاخش و بر بالای چهل سکّو قرار داد و چون برادر زاده اش بر بالای آن رفت و صـلیب ها افراشـته گردیـد و کشـیش ها به دعا ایسـتادند و انجیل ها را گشودنـد؛ ناگهان صـلیب ها به زمین سـرنگون گردید. سـتون ها فرو ریخت و به سـمت میهمانان پرتاب شد. و آن که بر بالای تخت رفته بود، بیهوش بر زمین افتاد. رنگ از روی کشـیشان پریـد و پشـتشان لرزیـد و بزرگ آنها به جدّم گفت: ما را از ملاقات این نحس ها - که دلالت بر زوال دین مسـیحی دارد - معاف کن! جدّم از این حادثه فال بد زد و به کشـیش ها گفت: این ستون ها را بر پا سازید و صلیب ها را بر افرازیـد و برادر این بخت برگشـته بـدبخت را بیاورید تا این دختر را به ازدواج او در آورم و نحوست او را به سـعادت آن دیگری دفع سازم. چون دوباره مجلس جشن برپا شـد، همان پیشامد اوّل برای دوّمی نیز تکرار گردید. مردم پراکنده شدند و جدّم قیصر اندوهناک گردید و به داخل کاخ خود درآمد و پرده ها افکنده شد.

در آن شب خواب دیدم که مسیح، شمعون و جمعی از حواریون، در کاخ جدّم گرد آمدند و در همان موضعی که او تخت را قرار داده بود، منبری نصب کردند. پس حضرت محمد به همراه جوانان و شماری از فرزندانش وارد شدند.

مسیح به استقبال او آمد و با او معانقه کرد. آن گاه حضرت محمد به او گفت:ای روح اللّه! من آمده ام تا از وصی تو شمعون، دخترش ملیکا را برای این پسرم خواستگاری کنم و با دست خود اشاره به ابومحمد صاحب این نامه کرد. مسیح به شمعون نگریست و گفت: شرافت نزد تو آمده است؛ با رسول خدا خویشاوندی کن. گفت: چنین کردم، آن گاه محمد بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و مرا به پسرش تزویج کرد. مسیح و فرزندان محمد و حواریون همه گواه بودند و چون از خواب بیدار شدم، ترسیدم اگر این رؤیا را برای پدر و جدّم بازگو کنم، مرا بکشند. آن را در دلم نهان ساخته و برای دیگران بازگو نکردم.

سینه ام از عشق ابومحمد لبریز شد تا به غایتی که دست از خوردن و نوشیدن کشیدم و ضعیف و لاغر و سخت بیمار شدم. در شهرهای روم، طبیبی نماند که جدّم او را بر بالین من نیاورد و درمان مرا از وی نخواست و چون نا امید شد، به من گفت:ای نور چشمم! آیا آرزویی در این دنیا داری تا آن را بر آورده سازم؟ گفتم:ای پدربزرگ! همه درها به رویم بسته شده است، اگر شکنجه و زنجیر را از اسیران مسلمانی که در زندان هستند، بر داری و آنان را آزاد کنی، امیدوارم که مسیح و مادرش شفا و عافیت به من ارزانی کنند. چون پدربزرگم چنین کرد، اظهار صحّت و عافیت نمودم و اندکی غذا خوردم. پدربزرگم بسیار خرسند شد و به عزّت و احترام اسیران پرداخت. پس از چهار شب دیگر حضرت فاطمه سرور زنان را در خواب دیدم که به همراهی مریم و هزار خدمتکار بهشتی، از من دیدار کردند. مریم به من گفت: این سرور زنان مادر شوهرت ابومحمد است. من به او در آویختم و گریستم و گلایه کردم که ابومحمد به دیدارم نمی آید، آن بانو فرمود: تا تو مشرک و به دین نصارا باشی، فرزندم ابومحمد به دیدار تو نمی آید! این خواهرم مریم است که از دین تو به خداوند تبرّی می جوید.

اگر تمایل به رضای خدای تعالی و خشنودی مسیح و مریم داری و می خواهی ابومحمد تو را دیدار کند، پس بگو: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلا اللّه وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ».

چون این کلمات را گفتم، مرا در آغوش کشید و فرمود: اکنون در انتظار دیدار ابومحمد باش که او را نزد تو روانه می سازم. پس از خواب بیدار شدم و گفتم: خوشا از دیدار ابومحمد!

چون فردا شب فرا رسید، ابومحمد در خواب به دیدارم آمد. گویا به او گفتم:ای حبیب من! بعد از آنکه همه دل مرا به عشق خود مبتلا کردی، در حق من جفا نمودی! او فرمود: تأخیر من برای شرک تو بود. حال که اسلام آوردی، هر شب به دیدار تو می آیم تا آنکه خداوند وصال عیانی را میسر گرداند. از آن زمان تا کنون هرگز دیدار او از من قطع نشده است.

بِشر گوید از او پرسیدم: چگونه در میان اسیران در آمدی؟ او پاسخ داد: یک شب ابومحمد به من گفت: پدربزرگت در فلان روز، لشکری به جنگ مسلمانان می فرستد و خود هم به دنبال آنان می رود. بر تو است که در لباس خدمت‌گزاران درآیی و به طور ناشناس از فلان راه بروی و من نیز چنان کردم. طلایه داران سپاه اسلام بر سر ما آمدند و کارم بدان جا رسید که مشاهده کردی. هیچ کس جز تو نمی داند که من دختر پادشاه رومم. آن مردی که من در سهم غنیمت او افتادم، نامم را پرسید و من آن را پنهان داشتم و گفتم: نامم نرجس است و او گفت: این نام کنیزان است.

گفتم: شگفتا! تو رومی هستی؛ امّا به زبان عربی سخن می گویی! گفت: پدربزرگم در آموختن ادبیات به من حریص بود و زن مترجمی را بر من گماشت. او هر صبح و شبانگاه به نزد من می آمد و به من عربی می آموخت تا آنکه زبانم بر آن عادت کرد.

بِشر گوید: چون او را به «سُرّ من رای» رسانیدم و بر مولایمان امام هادی علیه السلام وارد شدم، بدو فرمود: چگونه خداوند عزّت اسلام و ذلّت نصرانیت و شرافت اهل بیت محمد را به تو نمایاند؟ گفت:ای فرزند رسول خدا! چیزی را که شما بهتر می دانید، چگونه بیان کنم؟ فرمود: من می خواهم تو را اکرام کنم، کدام را بیشتر دوست می داری: ده هزار درهم یا بشارتی که در آن شرافت ابدی است؟ گفت: بشارت را، فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب عالم را مالک شود و زمین را آکنده از عدل و داد کند؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. نرجس پرسید: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که رسول خدا در فلان شب از فلان ماه سال رومی، تو را برای او خواستگاری کرد. پرسید: از مسیح و جانشین او؟ فرمود: پس مسیح و وصی او، تو را به چه کسی تزویج کردند؟ گفت: به پسر شما ابومحمد! فرمود: آیا او را می شناسی؟ گفت: از آن شب که به دست مادرش سیدهالنساء اسلام آورده ام، شبی نیست که او را نبینم.

امام هادی علیه السلام فرمود:ای کافور! خواهرم حکیمه را فرا خوان و چون حکیمه آمد... نرجس را

زمانی طولانی در آغوش کشید و به دیدار او مسرور شد. بعد از آن مولای ما فرمود:ای دختر رسول خدا! او را به منزل خود ببر و تکالیف دینی را به وی بیاموز که او زوجه ابومحمد و مادر قائم است.(۱)

این روایت، نخست از طریق شیخ صدوق، در کتاب کمال الدین و تمام النعمه نقل شده است. آن گاه محمدبن جریر طبری آن را با سندی متفاوت، در کتاب دلائل الامامه آورده و (۲) شیخ طوسی در کتاب الغیبه به نقل آن پرداخته است.(۳) ایشان، روایت را درست مانند آنچه در کمال الدین و تمام النعمه بود، آورده؛ امّا سند وی با سند کتاب کمال الدین متفاوت است.

فتّال نیشابوری در روضه الواعظین، ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب،(۴) عبدالکریم نیلی در منتخب الأنوار المضیئه(۵) و از متأخرین صاحب إثبات الهداه فی النصوص و المعجزات از جمله کسانی هستند که این حکایت را نقل کرده‌اند.

علامه مجلسی در بحارالانوار قضیه را، یک جا از کتاب الغیبه و در جای دیگر، از کمال الدین و تمام النعمه نقل کرده است.(۶)

ممکن است پرسیده شود: این قضیه پس از سال ۲۴۲ه اتّفاق افتاده است؛ در حالی که از سال ۲۴۲ ه به بعد، جنگ مهمّی میان مسلمانان و رومیان، رخ نداده است تا نرجس خاتون اسیر مسلمانان شوند.(۷)

در پاسخ گفتنی است: در این دوران و پس از آن، درگیری و جنگ هایی میان آنان رخ داده است که در بسیاری از کتاب‌ های تاریخی، می توان نمونه هایی از این درگیری ها را یافت.(۸)

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۱، ح ۱.

۲- محمدبن جریر طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۲ .

۳- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۸، ح۱۷۸.

۴- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبی طالب، ج ۴، ص ۴۴۰.

۵- عبدالکریم نیلی، منتخب الأنوار المضیئه، ص ۱۰۵.

۶- محمّد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۶.

۷- جاسم حسین، تاریخ سیاسی امام دوازدهم، ص ۱۱۵.

۸- ر.ک: محمدبن جریر طبری، تاریخ الأُمم والملوک، ج ۹، ص ۲۰۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۹۳؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۳۲۳، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۷.

شواهـد دیگری نیز وجود دارد که میـان مسـلمانان و روم، جنگ و درگیری واقع شـده است. حال اگر منظور از جنگ بزرگ، این باشد که خود قیصر روم هم با برخی از اهل و خاندانش در آن شرکت کرده باشد، این امر ضرورتی ندارد؛ چون، آنچه در این روایت آمده، این است که نرجس، به امر امام به صورت ناشـناس و مخفیانه، با سـپاهیان همراه شد و در پوشـش کنیزان در آمد.

روایات دسته دوم

در بعضـی از احادیث بدون اشاره به سـرگذشت آن بانوی بزرگوار تنها به تربیت ایشان در بیت شریف حکیمه دختر امام جواد علیه السلام اشاره شده است.

محمـد بن عبـد الله طهوی، در بخشـی از یک حکایت مفصل از زبان حکیمه نقل کرده است: «... آری، کنیزی داشـتم که بـدو نرجس می گفتنـد. برادرزاده ام به دیـدارم آمـد و به او نیـک نظر کرد. بـدو گفتم:ای آقای من! دوسـتش داری، او را به نزدت بفرسـتم؟ فرمود: نه عمه جان! اما از او در شگفتم! گفتم: شگفتی شما از چیست؟ فرمود: به زودی فرزندی از وی پدید آید که نزد خـدای تعالی، گرامی است و خداونـد به واسـطه او زمین را از عـدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد. گفتم:ای آقای من! آیا او را به نزد شـما بفرسـتم؟ فرمود: از پدرم در این باره کسب اجازه کن. گوید: جامه پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السـلام درآمدم. سـلام کردم و نشستم. او خود آغاز سخن کرد و گفت:ای حکیمه! نرجس را نزد فرزندم ابی محمد بفرست. گوید: گفتم:ای آقای من ! بدین منظور خدمت شـما رسیدم که در این باره اجازه بگیرم. فرمود:ای مبارکه! خـدای تعـالی دوست دارد که تـو را در پـاداش این کـار شـریک کنـد و بهره ای از خیر برای تو قرار دهـد. حکیمه گویـد: بی درنـگ به منزل برگشـتم و نرجس را آراسـتم و در اختیار ابومحمـد قرار دادم و پیونـد آنها را در منزل خود برقرار کردم. چند روزی نزد من بود؛ سپس به نزد پدرش رفت و او را نیز همراهش روانه کردم... .(۱)

عموم روایات این دسـته با احادیث دسـته نخست منافاتی نـدارد؛ زیرا می توان روایات مربوط به نرجس خاتون را پس از ورود او به خانه آن بانوی بزرگ دانست.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۴۲، ح۲.

روایت دسته سوم

مسعودی در اثبات الوصیه پس از نقل روایت قبلی، افزوده است: نرجس خاتون علاوه بر اینکه در بیت شریف عمه امام عسکری علیه السلام تربیت یافته بود؛ در همان بیت شریف نیز به دنیا آمده بود:

«روی لنا الثقات من مشایخنا أَنَّ بَعْضَ أَخَوَاتِ أَبِی الْحَسَنِ علی بن محمد كَانَتْ لَهَا جَارِيَةٌ ولدت فی بیتها و رَبَّتْهَا تُسَمَّى نَرْجِسَ فَلَمَّا كَبِرَتْ و عبلت دَخَلَ أَبُومُحَمَّدٍ فَنَظَرَ إِلَيْهَا فاعجبته فَقَالَتْ عمته أَرَاكَ تَنْظُرُ إِلَيْهَا فَقَالَ إِنِّی مَا نَظَرْتُ إِلَيْهَا إلا مُتَعَجِّباً أَمَا إِنَّ الْمَوْلُودَ الْكَرِيمَ عَلَى اللَّهِ يكُونُ مِنْهَا ثُمَّ أَمَرَهَا أَنْ تَسْتَأْذِنَ أَبَا الْحَسَنِ فِی دَفْعِهَا إِلَيهِ فَفَعَلَتْ ...»؛(۱) «موثقین از بزرگان ما نقل کرده اند: یکی از خواهران امام هادی علیه السلام کنیزی داشت که در خانه او به دنیا آمده بود. آن بانو به تربیت او همت گماشت و او نرجس نامیده می شد. پس چون بزرگ شد و زمان شوهر دادنش فرا رسید؛ امام عسکری علیه السلام بدان خانه وارد شد و نگاهی از روی شگفتی به آن کنیز انداخت. پس عمه ایشان (حکیمه) گفت: می بینم به او توجه کردی؟! آن حضرت فرمود: نظر خاصی به او ندارم. اما از این در شگفتم آن مولود بزرگوار(موعود) از او به دنیا می آید. آن گاه به حکیمه امر فرمود با اجازه امام هادی علیه السلام، نرجس خاتون را به او بدهد و حکیمه نیز چنین کرد».

شیخ طوسی رحمه الله این روایت را ذکر کرده است؛ البته با این تفاوت که جمله «ولدت فی بیتها» را نقل نکرده است.(۲)

در سه دسته روایت یاد شده، چند مطلب مورد اتفاق است:

الف. ایشان کنیز بوده است.

ب. او در خانه حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام بوده است.

ج. حکیمه در موضوع ازدواج امام عسکری علیه السلام، از این کنیز صحبت کرده است.

۱- مسعودی، اثبات الوصیه، ص۲۷۲.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص۲۴۴.

روایات دسته چهارم

در این دسته بر خلاف روایات پیشین سخن از کنیزی سیاه پوست به میان آمده است و عده ای نیز با تمسک به این روایات، خواسته اند دیدگاه مشهور را خدشه دار سازند. طرفداران این دیدگاه به روایت زیر از کناسی(۱) استناد کرده اند:

او می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الامْرِ فِيهِ سُنَّةٌ مِنْ يوسُفَ ابْنُ أَمَةٍ سَوْدَاءَ يصْلِحُ اللَّهُ أَمْرَهُ فِي لَيلَةٍ وَاحِدَةٍ»؛(۲) «همانا در صاحب این امر سنّتی از یوسف علیه السلام است و آن اینکه او فرزند کنیزی سیاه است. خداوند امرش را در یک شب اصلاح می فرماید».

علامه مجلسی با بیان اینکه این روایت، با بسیاری از روایات در باره مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت دارد؛(۳) راه حل را در این دانسته که مقصود از روایت، می‌تواند مادر با واسطه و یا مربی آن حضرت باشد.(۴)

سرنوشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در منابع معتبر هیچ گونه اشاره ای به سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت آن حضرت نشده است. البته سخنی که در این باره نقل شده این است که: «ابوعلی خزیزرانی، کنیزی داشت که او را به امام حسن عسکری علیه السلام اهدا کرد و چون جعفر کذّاب خانه امام را غارت نمود؛ وی از دست جعفر گریخت و با ابوعلی ازدواج کرد. ابوعلی می گوید: او گفته است در ولادت سید حاضر بود و مادر او صقیل نام داشت. امام حسن عسکری علیه السلام صقیل را از آنچه بر سر خاندانش می آید، آگاه کرد و او از امام درخواست کرد که از خدای تعالی بخواهد تا مرگ

۱- قابل توجه این که این روایت در غیبت نعمانی از یزید کناسی و در کمال الدین و تمام النعمه از ضریس کناسی نقل شده است.

۲- ر. ک: نعمانی، الغیبه، ص۱۶۳؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۹، باب ۳۲، ح۱۲.

۳- گفتنی است: روایات فراوانی از طرف مدعیان مهدویّت و طرفداران آنها در طول تاریخ این بحث مهم، جعل و به امامان معصوم علیهم السلام نسبت داده شده است.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج۵۱، ص۲۱۹، باب۱۳.

وی را پیش از آن برساند. او در حیات امام حسن عسکری علیه السلام در گذشت و بر سر قبر وی لوحی است که بر آن نوشته اند: این قبر مادر محمد است».(۱)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۳۱، ح ۷.

خود آزمایی

۱. داستان مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را طبق نقل شیخ صدوق رحمه الله و شیخ طوسی رحمه الله بیان کنید.

۲. کتاب‌هایی که داستان مشهور مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ذکر کرده اند، نام ببرید (چهار مورد).

۳. وجه جمع روایات نخست و روایات دسته دوم را بیان کنید.

۴. در کدام کتاب ذکر شده که مادر حضرت مهدی علیه السلام، در خانه حکیمه خاتون به دنیا آمده است؟ علامه مجلسی چه پاسخی داده است؟

۵. درباره سرنوشت مادر حضرت مهدی علیه السلام توضیح دهید.

۶. افزون بر آنچه در درس آمده، داستان مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تحلیل نمایید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. سید محمد صدر، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، (نیک معارف، تهران، ۱۳۷۱ ه .ش).

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، (مکتبه الصدوق، تهران ۱۳۹۷ ه).

۳. محمدبن حسن طوسی، کتاب الغیبه، (موسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ه).

۴. محمدبن علی بن حسین بن بابویه صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، (دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ه).

۵. علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، (رسالت، قم، ۱۳۷۹ ه .ش).

ص: ۱۷۹

درس یازدهم: ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مخفی بودن ولادت

فلسفه مخفی بودن ولادت

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

الف. نوید امام عسکری علیه السلام ، به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ب. خبر دادن امام حسن عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ج. خبر دادن حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت

د. خبر دادن نسیم و ماریه به عنوان خادمین بیت امامت

از ولادت آن حضرت

ه . گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

از دیدن آن حضرت پس از ولادت و در کودکی

و . گزارش برخی از دانشمندان اهل سنّت از ولادت آن حضرت

۳. زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پاسخ به برخی شبهات در باره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پیش درآمد

یکی از حوادث مهمّ در تاریخ بشر، ولادت آخرین ذخیره الهی و موعود امت‌ها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است به گونه ای که اصل ولادت آن حضرت، جزو مسلمات تاریخ به شمار می‌آید و نه تنها ائمه معصومین علیهم السلام و دانشمندان و تاریخ نویسان شیعه به این مهمّ اشاره کرده‌اند؛ بلکه مورخان و محدثانی چند از اهل سنّت نیز به این حادثه بزرگ تصریح نموده، آن را یک واقعیت دانسته اند. این ولادت نقطه عطفی در تاریخ زندگی بشر بر روی کره زمین است. و می‌رود تا پس از گذشت قرن‌ها با ظهور آن منجی موعود، امید انسان های مظلوم و حقیقت خواه، تحقق یابد.

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولادت استثنایی داشته و این برای بسیاری سؤال انگیز بوده است. از این رو، ترسیم و تصویر مقدمات ولادت و برخورد مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، در برابر این پدیده، ضروری می‌نماید.

جریان امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فراز و فرودهای فراوانی پیدا کرد. امامان معصوم علیهم السلام، با حفظ استراتژی کلی و خطوط اساسی امامت، در رابطه با حفظ مکتب و ارزش های آن، روش های گوناگونی را در برابر ستمگران، در پیش گرفتند. این فراز و نشیب‌ها، تا زمان امامت علی بن موسی‌الرضا علیهما السلام، استمرار داشت و ائمه علیهم السلام تا آن زمان، هر یک به تناسب زمان و مکان و ارزیابی شرایط سیاسی و اجتماعی، موضعی خاص انتخاب می کردند. پس از امام رضا علیه السلام، جریان امامت شکل دیگری یافت. امام جواد، هادی و

عسکری علیهم السلام، در برابر دستگاه حاکم و خلفای عباسی موضعی یگانه برگزیدند.(۱)

پس از اینکه دو قرن و انـدی از هجرت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم سپری شـد و امامت به آنان رسـید، انـدک انـدک در میانِ حکومتگرانِ مسـلمین در مرکز خلافت، نگرانی هایی عمیق جان گرفت. این نگرانی‌ها مربوط به اخبار و احادیث بسـیاری بود که در آنها آمده بود: از امام عسـکری علیه السـلام فرزندی تولد خواهد یافت که برهم زننده اساس حکومت ها است. این پیشـگویی، هم در کتاب های پیشـینیان آمـده بود و به وسـیله آگاهان در میان مسـلمین نقل می‌شـد و هم در اخبار اسـلامی، به تواتر از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نقل شـده بود. بر مبنای این بشارت‌ها، قرار بود از امام یازدهم فرزنـدی پدید آید که ویران کننده تخت ها و فرو افکننده تاج ها و پایمال کننده قدرت‌های ستمگرباشد... .

از این رو بر فشارهـا و سـخت‌گیری‌هـا نسـبت به امام حسن عسـکری علیه السـلام افزوده شـد تا شایـد با نابودی ایشان، از تولد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تداوم امامت جلو گیری شود. اما بر خلاف برنامه‌ریزی‌ها و پیشگیری‌های دقیق و پی در پی دشمنان، مقدمات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد و توطئه‌های ستمگران، راه به جایی نبرد.

بدین علت دورانی که آن حضـرت در شکم مادر بزرگوار خود بود و سپس تولدش، همه و همه، از مردم پنهان بود و جز چند تن از نزدیکان، شاگردان و اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام، کسی او را پس از ولادت نمی دید. آنان نیز مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را گاه گاه می‌دیدند؛ نه پیوسته و به صورت عادی(۲).

دربـاره چگونگی ولاـدت ایشـان مشـهورترین نظر، سـخنان ارزشـمند بـانوی بزرگوار ، حضـرت حکیمه علیها السـلام عمه امام عسکری علیه السلام است. شیخ صدوق رحمه الله، این حادثه بزرگ را از زبان او چنین آورده است:

امام حسن عسـکری علیه السلام مرا به نزد خود فرا خواند و فرمود:ای عمه! امشب افطار نزد ما باش که شب نیمه شعبان است و خـدای تعـالی امشب حجّت خود را که حجّت او در روی زمین است ظاهر سازد. گفتم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس. گفتم: فدایت شوم! اثری از حمل در

۱- جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۱۸.

۲- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۲۱۲۲. (با تصرف)

او نیست، فرمود: همین است که به تو می گویم.

گوید: آمدم و چون سلام کردم و نشستم؛ نرجس آمد و کفش مرا بر داشت و گفت:ای بانوی من و بانوی خاندانم! حالتان چطور است؟

گفتم: تو بانوی من و بانوی خاندان من هستی، از کلام من ناخرسند شد و گفت:ای عمه جان! این چه فرمایشی است؟ بدو گفتم:ای دختر جان! خدای تعالی امشب به تو فرزندی عطا فرماید که در دنیا و آخرت آقا است. نرجس خجالت کشید و حیا نمود.

چون از نماز عشا فارغ شدم، افطار کردم و در بستر خود خوابیدم. در دل شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در حالی که نرجس خوابیده بود. برای تعقیبات نشستم و پس از آن نیز دراز کشیدم و هراسان بیدار شدم. او همچنان خواب بود، پس برخاست و نماز گزارد و خوابید.

حکیمه گوید: بیرون آمدم و در جست و جوی فجر به آسمان نگریستم و دیدم فجر اوّل دمیده است و او در خواب است. شک بر دلم عارض گردید، ناگاه ابومحمد از محل خود فریاد زد:ای عمه! شتاب مکن که اینجا کار نزدیک شده است. گوید: نشستم و به قرائت سوره های «الم سجده» و «یس» پرداختم. در این میان او هراسان بیدار شد و من به نزد او پریدم و بدو گفتم: نام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت:ای عمه! آری. گفتم: خودت را جمع کن و دلت را استوار دار که همان است که با تو گفتم. حکیمه گوید: من و نرجس را ضعفی فرا گرفت و به ندای سرورم به خود آمدم و جامه را از روی او برداشتم و ناگهان سرور خود (فرزند نرجس) را دیدم که در حال سجده بوده و مواضع سجودش بر زمین است. او را در آغوش گرفتم، دیدم پاک و نظیف است. ابومحمد فرمود: ای عمه! فرزندم را به نزد من آور! او را نزد وی بردم و او دو کف دستش را گشود و فرزند را در میان آن قرار داد و دو پای او را به سینه خود نهاد. پس زبانش را در دهان او گذاشت و دستش را بر چشمان و گوش و مفاصل وی کشید. سپس فرمود:ای فرزندم! سخن گوی. گفت: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه وَحْدَهُ لاشَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ». سپس بر امیرمؤمنان و سایر امامان علیهم السلام درود فرستاد تا آنکه بر پدرش رسید و زبان درکشید».(۱)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۱؛ همچنین ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۳۸؛ کشف الغمه، ج ۲، ص۴۴۹.

پنهانی بودن ولادت

یکی از ویژگی‌های مهم ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخفی بودن آن است. این امر در سخنان معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته و باتعابیر متفاوت و فراوانی به آن اشاره شده است.

امام سجّاد علیه السلام فرمود: «فِی الْقَائِمِ مِنَّا سُنَنٌ مِنْ سُنَنِ الانْبِیاءِ علیهم السلام ... وَ سُنَّهٌ مِنْ إِبْرَاهِیمَ ... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِیمَ فَخَفَاءُ الْوِلادَهِ وَ اِعْتِزَالُ النَّاسِ ...»؛(۱) «در قائم ما سنت هایی از انبیا وجود دارد: ... و سنتی از ابراهیم ... و اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم...».

امام باقر علیه السلام فرمود: «انْظُرُوا مَنْ تَخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلادَتُهُ فَهُوَ صَاحِبُکُمْ »؛(۲) «بنگرید آن کس که ولادتش بر مردم پنهان است، همو صاحب شما است».

امام باقر علیه السلام فرمود: «انْظُرْ مَنْ لا یدْرِی النَّاسُ أَنَّهُ وُلِدَ أَمْ لا فَذَاکَ صَاحِبُکُمْ »؛(۳) «بنگرید آن کس که مردم نمی دانند او متولد شده یا نه؛ پس همو صاحب شما است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «فِی الْقَائِمِ سُنَّهٌ مِنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام فَقُلْتُ وَ مَا سُنَّهُ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ قَالَ خَفَاءُ مَوْلِدِهِ...»؛(۴) «در قائم سنتی از موسی بن عمران است، گفتم: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: مخفی بودن ولادت او ...».

امام صادق علیه السلام فرمود: «صَاحِبُ هَذَا الامْرِ تَعْمَی وِلادَتُهُ عَلَی هَذَا الْخَلْقِ لئلّا یکُونَ لاَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیعَهٌ إِذَا خَرَجَ»؛(۵) «ولادت صاحب الامر بر این خلق پوشیده است تا چون ظهور کند، بیعت کسی بر گردنش نباشد».

امام رضا علیه السلام فرمود: «...حَتَّی یبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الامْرِ غُلاماً مِنَّا خَفِی الْمَوْلِدِ...»؛(۶) «تا اینکه

۱- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۶۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۵، ح۲.

۳- نعمانی، الغیبه، ص۱۶۸.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۴۰، ح۱۸.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۷۹، ح۱.

۶- کلینی ، کافی، ج۱، ص ۳۴۱.

خداوند بر انگیزد جوانی از ما که دارای ولادتی پنهانی است...».

امام جواد علیه السـلام در این باره فرمود: «...و لکن القائم الذی یطهر الله عز و جل به الارض من أهل الکفر و الجحود و یملاها عـدلا و قسـطا هو الذی تخفی علی الناس ولادته ...»؛(۱) «امـا قـائمی که خـدای تعـالی به توسط او زمین را از اهل کفر و انکار پاک سازد و آن را پر از عدل و دا د کند، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده...».

فلسفه مخفی بودن ولادت

از روایات اسـتفاده می شود، مهم ترین فلسـفه غیبت «مصون مانـدن ایشان از خطر نابودی» است. به این بیان که خداونـد متعال می دانست اگر امامان پیشین ظاهر شوند، از کشته شدن در امان خواهند بود؛ برخلاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که اگر ظاهر شود، کشته خواهـد شـد. اگر یکی از پـدران مهـدی کشـته می شد، حکمت و تدبیر الهی اقتضا می کرد، دیگری به جای او نصب گردد؛ ولی اگر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف کشـته شود، مصـلحت و تدبیر امور انسان‌ها اقتضا نمی کرد که ، امام دیگری به جای او نصب گردد.

ابو بَصِیر از امام صادق علیه السـلام نقل کرده است: « صَاحِبُ هَـذَا الامْرِ تَغِیبُ وِلادَتُهُ عَنْ هَذَا الْخَلْقِ لِئَلا یکُونَ لاحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیعَهٌ إِذَا خَرَجَ وَ یصْـلِحُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرَهُ فِی لَیلَهٍ»؛(۲) «ولادت صاحب الامر بر این مردم نهان است تا چون خروج کنـد، بیعت هیچ کس بر گردنش نباشد و خدای تعالی امر وی را در یک شب به سامان رساند».

مخفی بودن ولادت، درباره برخی از بزرگان نقل شده که می توان از آن جمله به ولادت مخفیانه ابراهیم خلیل علیه السـلام از ترس کشـته شـدن به دست پادشاه زمانش و نیز به ولادت پنهانی موسـی بن عمران علیه السـلام از ترس کشـته شدن به دسـت فرعون اشاره کرد.

به همین جهت شـیخ طوسـی رحمه الله ، ولادت پنهانی حضرت مهدی علیه السلام را امری عادی و معمولی دانسته، می نویسد: «این نخستین وآخرین حادثه نبوده و در طول تاریخ بشری، نمونه‌های فراوان داشته است».(۳)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷، ح۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۰، باب ۴۴، ح۵.

۳- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص۷۷، ح۱۰۵.

این حقیقت را صاحب منتخب الاثر این گونه بیان کرده است: «راز مخفی نگه داشتن ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این بود: خلفای بنی عباس، از طریق روایاتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام نقل شده بود، می دانستند دوازدهمین امام، همان مهدی است که زمین را پر از عدل وداد می کند و دژهای گمراهی و فساد را در هم می کوبد. دولت جباران را سرنگون می سازد و طاغوت را به قتل می رساند و خود، امیر مشرق و مغرب جهان می شود. چون این امر را می دانستند، در صدد بر آمدند تا این نور را خاموش کنند و او را به قتل رسانند. از این رو، جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند؛ حتی قابله هایی را مأمور کردند تا داخل منزل امام عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند. لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خدا به اراده خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت. مورخان گفته اند: معتمد عباسی به قابله ها امر کرده بود تا وقت و بی وقت، سرزده، وارد خانه سادات شوند به ویژه خانه امام حسن عسکری علیه السلام و در درون خانه بگردند و تفتیش کنند و از حال همسر او باخبر گردند و گزارش دهند. اما آنان از هیچ چیز آگاه نگشتند. خداوند در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همان کار را کرد که در باره موسی علیه السلام کرد؛ چنان که دشمنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، همان روش فرعونی و سیاست فرعونی را دنبال کردند.

فرعون دانست که زوال سلطنت او به دست مردی از بنی اسرائیل خواهد بود. این بود که بازرسانی گماشت تا زنان حامله بنی اسراییل را زیر نظر گیرند و کودکانی را که متولد می شوند، تحت مراقبت شدید قرار دهند و اگر کودک پسر بود، او را بکشند. بدین گونه کودکان بسیاری را کشتند تا موسی پدید نیاید. چنان که در قرآن کریم ذکر شده است(۱) و با این همه خدای متعال، پیامبر خود موسی علیه السلام را حفظ کرد و ولادت او را مخفی داشت. سپس به مادر موسی امر فرمود: تا او را در صندوقی گذارد و به نیل سپارد.(۲) در احادیث بسیاری آمده است: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت... هایی به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام دارد».(۳)

۱- اعراف (۷)، آیه۱۴.

۲- قصص(۲۸)، آیه۷.

۳- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص۳۵۳.

۲. اثبات ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، هر چند به دلایلی مخفیانه صورت گرفت و باعث شد تا عده‌ای آن را انکار کنند؛ اما شیعه برای اثبات ولادت آن حضرت، ادله فراوانی اقامه کرده است.

الف. نوید امام عسکری علیه السلام به ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایتی آمده است: امام حسن عسکری علیه السلام گاهی، نوید مولودش را به یاران خاص می‌داد: «... سیرزقنی الله ولداً بمنه و لطفه»؛(۱) «به زودی خداوند به مَنّ و کرمش، به من فرزندی ارزانی خواهد داشت».

و نیز: در نویدی به همسر بزرگوار خود حضرت نرجس علیها السلام چنین فرمود: «سَتَحْمِلِینَ وَلَداً وَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِی»؛(۲) «در آینده ای نزدیک دارای فرزندی خواهی شد. نامش محمد است. او قائم از بعد من است».

ب. خبر دادن امام عسکری علیه السلام از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات فراوانی، برای یاران ویژه، به ولادت فرزند خود تصریح کرده است.

احمد بن اسحاق می گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیا حَتَّی أَرَانِی الْخَلَفَ مِنْ بَعْدِی أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَلْقاً وَ خُلْقاً یحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فِی غَیبَتِهِ ثُمَّ یظْهِرُهُ فَیمْلا الارْضَ عَدْلاً وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً »؛(۳) «سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خدا است. خدای تعالی او را در غیبتش حفظ فرماید؛

۱- مجلسی رحمه الله، بحار الانوار، ج ۵۰، ص۳۱۳.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۰۸، ح ۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۰۸، ح ۴.

سپس او را آشکار کند. او زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که مملو از جور و ستم شده باشد».

ابوهاشم جعفری می گوید: به امام عسکری علیه السلام عرض کردم: بزرگواری تان مانع از آن می‌شود تا از شما پرسش کنم؛ اجازه بفرمایید از شما چیزی بپرسم. آن حضرت فرمود: هر آنچه می خواهی بپرس. عرض کردم:ای آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: آری. پس گفتم اگر برای شما حادثه‌ای پیش آید، کجا به‌دنبال او باشیم؟ فرمود: «بِالْمَدِینَهِ» (در مدینه).

ابراهیم بن ادریس می گوید: امام عسکری علیه السلام گوسفندی به من داد و فرمود: «عُقَّهُ عَنِ ابْنِی فُلانٍ وَ کُلْ وَ أَطْعِمْ أَهْلَکَ»؛ «این را برای فرزندم فلان عقیقه کن و خود و نزدیکانت از آن بخورید». سپس دو گوسفند داد و فرمود: «عُقَّ هَذَینِ الْکَبْشَینِ عَنْ مَوْلاکَ وَ کُلْ هَنَّأَکَ اللَّهُ وَ أَطْعِمْ إِخْوَانَکَ»؛(۱) «این دو گوسفند را از مولای خود عقیقه کن ؛ و بخور که خداوند بر تو گوارا نماید و به برادران دینی خود نیز از آن بده».

ج. خبر حکیمه (عمه امام عسکری علیه السلام) از ولادت آن حضرت

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام حسن عسکری علیه السلام، از زنان والا مقام نزد امامان علیهم السلام بوده است. وی به دستور مستقیم امام عسکری علیه السلام، در شب ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور داشت و بخش فراوانی از روایات ولادت آن حضرت، از سوی این بانوی بزرگوار نقل شده است.

ایشان تنها کسی بود که در جریان تمام رخدادهای شب ولادت آن حجّت الهی قرار داشت و روایت تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق وی نقل شده است.

د. خبر نسیم و ماریه (خادمان بیت امامت)

ایشان دو تن از خدمتگزاران بیت شریف امامت بوده اند و از روایات استفاده می شود که آنان

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲؛ ر.ک: کتاب الغیبه، ص ۲۴۵.

در شب ولادت در خانه امام عسکری علیه السلام حضور داشته اند. شیخ طوسی و شیخ صدوق با ذکر سند می نویسند:

نسیم و ماریه گویند: «أَنَّهُ لَمَّا سَقَطَ صَاحِبُ الزَّمَانِ علیه السلام مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَاثِیاً عَلَی رُکْبَتَیهِ رَافِعاً سَبَّابَتَیهِ إِلَی السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ زَعَمَتِ الظَّلَمَهُ أَنَّ حُجَّهَ اللَّهِ دَاحِضَهٌ وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِی الْکَلَامِ لَزَالَ الشَّکُّ»؛(۱) «چون صاحب الزّمان از رحم مادر به دنیا آمد، دو زانو بر زمین نهاد و دو انگشت سبابه را به جانب آسمان بلند کرد. آن گاه عطسه کرد وفرمود: «اَلْحَمْدُلِلهِ رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَی اللَّهُ عَلی مُحَمِّدٍ وَ آلِهِ». ستمکاران پنداشته اند کهحجّت خدا از میان رفته است، اگربرای‌ما اذن در کلام‌بود، شک‌زایل می گردید».

همچنین نسیم خادم می گوید: پس از ده شب از ولادت صاحب الزمان علیه السلام بر ایشان وارد شدم؛ پس عطسه کردم. آن حضرت فرمود: «یرْحَمُکِ اللَّهُ»؛ از این فرمایش شادمان شدم. آن گاه ایشان فرمود: «أَلَا أُبَشِّرُکِ فِی الْعُطَاسِ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلاثَهَ أَیامٍ»؛(۲) «آیا تو را در باره عطسه کردن نوید ندهم؟ آن تا سه روز امان از مردن است».

۵ . گزارش عده فراوانی از بزرگان شیعه

موارد فراوانی از سخنان شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام در دست است که در آن، خبر از دیدن آن حضرت پس از ولادت به چشم می‌خورد.

«اَبُوالاَدْیان» یکی از خدمتکاران بیت شریف امام حسن عسکری علیه السلام بود که علاوه بر حضور در بیت آن بزرگوار، متصدی امور نامه های آن حضرت و بردن آنها به شهرهای مختلف بود. او یکی از کسانی است که روایت شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن حضرت

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۲، ح ۵؛ همچنین ر.ک: الخرائج والجرائح، ج ۱۰، ص ۴۵۷، ح ۲.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۴۳۰، ح۵.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر آن حضرت را ذکر کرده است.(۱)

و . گزارش برخی از دانشمندان اهل سنّت از ولادت آن حضرت

اغلب اهل سنّت آن گونه که شیعه باور دارنـد اعتقادی به تولـد مهـدی موعود ندارند؛ اما دانشـمندانی چند از ایشان علاوه بر تصـریح و یا اشاره به ولادت آن حضرت در سال ۲۵۵ه او را همان موعود مورد اشاره در کلام پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند.

افرادی که در نوشته‌های خود به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره کرده‌اند، دو دسته هستند:(۲)

یک. کسانی که ولادت حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را گزارش کرده؛ ولی نسـبت به موعود بودن او ساکت مانده‌اند.(۳)

۱۱. ابن اثیر (م ۶۳۰ ه) ، در کتاب الکامل فی التاریـخ درباره حوادث سال ۲۶۰ چنین می نویسد: «در این سال، ابومحمد علوی عسکری وفات کرد. او یکی از دوازده امام مذهب امامیه و پدر محمّد است که معتقدند او منتظر می باشد».(۴)

۲-۱. ابن خلکان (م۶۸۱ه) در کتاب وفیات الاعیان می گوید: «ابوالقاسم محمد بن حسن عسـکری، فرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد که پیشـینیان او ذکر شد. بر اساس اعتقاد امامیه، دوازدهمین از دوازده امام و معروف به «الحجه» است... ولادتش در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ه بود».(۵)

۱۳. ذهبی (م۷۴۸ ه) در کتاب العبر گوید: « در آن سال(یعنی ۲۵۶ ه) محمّد فرزند

۱- کمـال الـدین و تمـام النعمـه، ج۲، ص۴۷۵؛ بـاب ۴۳، ح ۲۵. همچنیـن ر.ک: منتخـب الأنـوار المضـیئه، ص ۱۵۷؛ الخرائج والجرائح، ج ۳، ص۱۱۰۱.

۲- در اینجا تنها به موارد انـدکی اشاره شده است. برای تفصـیل بیشتر ر. ک: لطف اللّه صافی گلپایگانی، منتخب الاثر؛ سـید ثامر هاشم العمیـدی، مهـدی منتظر در اندیشه اسـلامی، ص۱۸۵ تـا ص ۲۰۰؛ همـو، در انتظـار ققنوس، ترجمه و تحقیق، مهـدی علیزاده، ص۱۸۸ تا ۱۹۸.

۳- برخی از اهل سـنّت که ولادت حضـرت مهدی علیه السـلام را گزارش کرده اند، تنها آن را از دیدگاه شیعه بیان کرده اند، در حالی که عده ای گمان کرده اند کسانی که ولادت آن حضـرت را نقل کرده اند بر این باور هسـتند که آن حضرت به دنیا آمده است.

۴- سـید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسـلامی، ص۱۸۶، به نقل از: الکامل فی التاریـخ، ج۷، ص۲۷۴ در پایان حوادث سال ۲۶۰ ه . ق.

۵- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص۱۸۶، به نقل از: وفیات الاعیان، ج۴،ص۱۷۶، ح۵۶۲.

حسن، فرزند علی الهادی، فرزند محمد الجواد، فرزند علی الرضا، فرزند موسی الکاظم، فرزند جعفر الصادق علوی حسینی، ابوالقاسم به دنیا آمد که رافضی ها او را «الخلف الحجه» و «مهدی منتظر» و «صاحب الزمان» لقب داده اند و او آخرین از دوازده امام است».(۱)

دو. کسانی که علاوه بر گزارش ولادت آن حضرت، تصریح به موعود بودن آن حضرت نموده‌اند (البته این دسته در نهایت اقلیت هستند):

۲۱. کمال الدین محمد بن طلحه شافعی (م۶۵۲ه) در کتاب مطالب السئول گوید: «ابوالقاسم محمد بن حسن خالص، پسر علی متوکل، پسر قانع، پسر علی الرضا، پسر موسی الکاظم، پسر جعفر الصادق، پسر محمد الباقر، پسر علی زین العابدین، پسر حسین الزکی، پسر علی المرتضی امیرالمؤمنین، پسر ابوطالب، مهدی، حجّت، خلف، صالح، المنتظر علیهم السلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد».(۲)

۲۲. نور الدین علی بن محمد بن صباغ مالکی(م۸۵۵ ه) فصل دوازدهم از کتاب الفصول المهمّه را با این عنوان آورده است: «در شرح حال ابوالقاسم حجت، خلف صالح، پسر ابومحمد حسن خالص، او امام دوازدهم است»

در این فصل به گفته گنجی شافعی چنین احتجاج می کند: «از جمله چیزهایی که دلالت می‌کند مهدی از هنگام غیبتش تاکنون زنده و باقی است، کتاب و سنّت است. در بقای او هیچ مانعی نیست؛ همانند باقی ماندن عیسی بن مریم و خضر و الیاس از اولیای خدا و دجال کور و ابلیس ملعون از دشمنان خدا».

سپس دلایل خود را از کتاب و سنّت بیان می کند و تاریخ ولادت، دلایل امامت، گوشه‌هایی از اخبار زندگانی، غیبت، مدت دولت کریمه، کنیه، خاندان و مطالب دیگری از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به تفصیل ذکر می کند.(۳)

زمان ولادت

مطابق روایت های بسیاری از شیعه و برخی از اهل سنّت، میلاد خجسته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در

۱- سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ص۱۸۶، به نقل از: وفیات الاعیان، ج۴،ص۱۷۶، ح۵۶۲.
۲- مطالب السؤول، ج۲، ص۷۹، باب ۱۲.
۳- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص۲۸۷.

شب نیمه شعبان ۲۵۵ ه واقع و باعث مزید فضیلت این شب مبارک شده است. البته عده اندکی، زمان های دیگری را نیز نقل کرده اند.(۱)

عصام از کلینی از علی بن محمد نقل کرده است: «وُلِدَ الصَّاحِبُ علیه السلام فِی النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَهَ خَمْسٍ وَ خَمْسِینَ وَ مِائَتَینِ»؛(۲) «صاحب علیه السلام نیمه شعبان ۲۵۵ ه به دنیا آمد».

درباره چگونگی زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران پدر بزرگوارشان، احتمالات مختلفی ذکر شده است؛ از جمله:

الف. او تا آخرِ عمرِ امام عسکری علیه السلام ، در سامرا زندگی کرده است.

ب. مدتی پس از ولادت، برای حفاظت و رشد، به مدینه برده شد.

الف. دلایل احتمال نخست:

۱. روایاتی که بیانگرتهنیت شیعیان، بر امام عسکری علیه السلام است: ابو الفضل حسین بن حسن علوی گوید: «دخلت علی ابی محمد بسر من رأی فهنأته بسیدنا صاحب الزمان علیه السلام لما ولد»؛(۳) «در سامرا، به منزل امام حسن علیه السلام رفتم و ولادت سرورمان، صاحب الزمان علیه السلام را به وی تبریک گفتم».

۲. روایاتی که از زبان حکیمه خاتون، بر دیدن آن حضرت در خانه امام حسن عسکری علیه السلام دلالت دارد.

۳. روایاتی که بیانگر دیده شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی گروهی از اصحاب در منزل امام عسکری علیه السلام است.

ب. دلایل احتمال دوم:

بر اساس این احتمال، آن حضرت مدتی پس از ولادت، به جهت مسائل امنیتی به ناگزیر سامرا را ترک کرد و بهمدینه منوره برده شد. برای تأیید این دیدگاه بهروایات و گزارش‌های چندی اشاره شده است: ابوهاشم جعفری گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم:

۱- ر. ک: کافی، ج۱، ص۳۲۹؛ کتاب الغیبه، ص۲۳۱.
۲- کافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۴؛ کتاب الغیبه، ص ۱۴۷.
۳- کتاب الغیبه، ص۲۲۹؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۷.

بزرگواری شما مانع از آن است که من از شما پرسش کنم؛ اجازه می دهید چیزی بپرسم! حضرت فرمود: بپرس؛ گفتم: آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ فرمود: بله. گفتم: اگر اتفاق ناگواری برای شما رخ داد، در کجا او را جست وجو کنم؟ فرمود: «در مدینه».(۱)

از این روایت استفاده می‌شود آن حضرت پس از ولادت، مدت نامعلومی در زادگاه خود سپری کرده است؛ آن گاه قبل از شهادت پدر خود به مدینه رفته است.

البته وجود روایت های مختلف، مبنی بر دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام در زمان‌های مختلف در دوران حیات امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن ایشان بر پیکر مطهر پدر، این احتمال را ضعیف می‌نماید. علاوه بر اینکه، در این روایت اشاره شده است: پس از رخ دادن حادثه‌ای برای امام عسکری علیه السلام (شهادت آن حضرت)، از مهدی علیه السلام در مدینه جست و جو شود. مؤید این سخن، روایاتی است که‌جایگاه حضرت را درمدت غیبت، در مدینه منوره ذکر کرده‌اند.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «لابُدَّ لِصاحِبِ هَذا الَامرِ مِنْ غَیبَهٍ وَلابُدَّ لَهُ فِی غَیبَتِهِ مِنْ عُزْلَهٍ ونِعْمَ المَنْزِلُ طَیبَهُ وَما بِثَلاثینَ مِنْ وَحْشَهٍ»؛(۲) «صاحب این امر ناگزیر از غیبتی است و در این مدت ناچار از گوشه گیری و کناره جویی از دیگران است و طیبه (مدینه) خوش منزلی است و با وجود سی تن (یا به همراهی سی نفر) در آنجا وحشت و ترسی نیست».

بنابراین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، در نهان می‌زیست و مردم به طور عموم از او خبر نداشتند. در این مدت جز تنی چند، کسی او را ندیده بود تا اینکه روزِ در گذشتِ امام یازدهم (روز هشتم ماه ربیع‌الاول سال ۲۶۰ ه) فرا رسید. در این روز، چهار امر باعث شد تا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود را به گروهی از مردم بنمایاند و کسانی که برای مراسم تشییع و خاک سپاری امام یازدهم حاضر شده بودند، او را ببینند:

یکم. باید امام بر جنازه امام نماز گزارد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای رعایت این سنّت الهی و سرِّ ربانی، می‌بایست ظاهر شود و بر پیکر پدر نماز گزارد.

دوم. مانع این شود که کسی از سوی خلیفه بیاید و بر پیکر امام نماز بخواند و سپس جریان

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۳۲، ح ۱۹۹، کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۳۴۰؛ الغیبه، ص ۱۸۸، ح ۴۱؛ کتاب الغیبه، ص ۱۶۲، ح ۱۲۱.

امامت ختم شده اعلام گردد. در نهایت خلیفه ستمگر عباسی، وارثِ امامت ِشیعی معرفی شود!!

سوم. از روی دادن انحراف داخلی در جریـان امـامت جلـو گیری شـود؛ زیرا جعفر بـن علی الهـادی، معروف بـه جعفر کـذّاب (برادر امام عسکری علیه السلام)، در صدد ادعای امامت بود و می‌خواست بر پیکر آن حضرت نماز گزارد.

چهـارم. ادامه جریـان امـامت و ولاـیتِ آن حضـرت تثبیت شود و بر معتقـدان معلوم گردد که پس از امام حسنِ عسـکری علیه السلام ، امام دوازدهم، حامل این وراثت معنوی و ولایت دینی و دنیایی است. او تولد یافته و موجود است.

بر این اسـاس مردمی که برای انجـام مراسم آمـده بودنـد، ناگـاه کـودکی خردسـال را دیدنـد که در نهـایت شـکوه و حشـمت همچون خورشـیدی فروزان، از انـدرون منزل خـارج شـد و عمویش جعفر را که آمـاده نمـاز گزاردن بر پیکر پیشوای یازدهم شده بود به یک سو زد و بر پیکر پدر نماز گزارد.(۱)

پاسخ به برخی پرسش ها و شبهات

از آنجایی که مخفی بودن ولادت حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ، پرسـش های فراوانی را در ذهن‌ها به وجود آورده، بسیار مناسب است به پاره‌ای از آنها (با توجه به دیدگاه دانشمندان بزرگ شیعه) پاسخ داده شود.

شیخ مفید رحمه الله درکتاب ارزشمند الفصول العشره با بیانی کوتاه و جامع، به‌برخی ازاین پرسش‌ها پاسخ داده است.

شبهه اول: پنهان بودن تولـد مهـدی پسـر حسن بن علی علیهم السـلام از افراد خانواده و سایر مردم و ادامه پنهان زیستی اش، بر خلاف عرف و عادت است.

پاسـخ: این شـبهه بسـیار سـست و بی اسـاس است؛ زیرا چنین کـاری، خارج از متعارف و یا مخالف عادت نیست؛ بلکه عقل و برهان چنین عملی را در پاره ای از اوقات ضروری می داند و

۱- ر.ک: خورشید مغرب، ص۲۴ و ۲۵.

تاریخ نظایر آن را در فرزندان «پادشاهان» و «دولت مردان» به خاطر پاره ای از مصالح حیاتی تأیید می کند. ... همان گونه که این امر درباره عده ای از پادشاهان «ایران»، «روم» و «هند» نقل شده است.

تمام تاریخ نویسان اسلامی و غیر اسلامی، نقل کرده اند که ولادت «ابراهیم خلیل» از ترس کشته شدن به دست پادشاه زمانش، به گونه ای بود که احدی از خویشان او بر آن آگاهی نیافت. ولادت «موسی بن عمران» نیز از ترس کشته شدن به دست «فرعون»، پنهانی انجام گرفت و قرآن به صراحت بیان می کند که «مادر موسی»، او را در میان صندوقی نهاده، به میان دریا انداخت. او از طریق وحی اطمینان یافته بود فرزندش سالم خواهد ماند و این کار را به جهت حفظ مصالح موسی انجام داد.

با توجّه به این مطالب آیا می‌توان امکان پنهان ماندن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از خویشاوندان و دوستان، انکار کرد و این کار را خلاف عقل وعادت دانست؟! حال اینکه عوامل پنهان کردن ولادت او، به مراتب بیشتر از عوامل پنهان شدن ولادت افراد یاد شده بوده است.

اما اینکه هیچ کس از وجود پسری برای «حسن بن علی» خبر نداده، مطلبی بسیار نادرست و مخالف با واقع است؛ بلکه اطمینان به وجود فرزندی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای «حسن بن علی» بیشتر از اطمینانی است که درباره وجود سایر فرزندان افراد از راه های متعارف حاصل می گردد.

شبهه دوم: «جعفر بن علی» تولد فرزندی برای برادرش را به شدت انکار کرد و به همین جهت پس از مرگ وی، اموالش را تصاحب نمود ... و ریختن خون کسانی را که ادعای پسری برای برادرش می کردند، جایز شمرد!

پاسخ: این انتقاد نیز از چند جهت مردود است:

استدلال به عمل یک شخص، در صورتی صحیح و پذیرفتنی است که آن شخص از خطا و اشتباه به دور باشد و هرگز گناهی از او سر نزند. همگان در این امر اتفاق دارند که «جعفر بن علی» این مقام را نداشت و وجود او به عنوان فرزند امام علیه السلام ، این مقام(عصمت از گناه) را برای او ممکن نمی‌کرد. در گذشته نیز افراد فراوانی، فرزند پیامبران و صالحان بوده اند؛ اما گناهان بزرگی مرتکب شده‌اند!!

انکار «جعفر» نسبت به فرزند برادرش، بسیار طبیعی و بر طبق انتظار است؛ زیرا حسن بن علی علیهما السلام دارای اموال فراوانی بود که اگر به دست «جعفر» می‌رسید، می‌توانست به وسیله آن به تمام خواسته‌های نفسانی و آرزوهای مادی خود برسد.

از طرفی امام عسکری علیه السلام، در انظار شیعیان دارای آن چنان مقام ارجمند و والایی بود که شیعیان او را در همه امور، بر خود مقدم داشته و در برابر او مطیع و فرمانبردار بودند. خشنودی او را رضای خداوند و خشم او را غضب خداوند می‌دانستند.

آن حضرت در زمان خود مرجع و مسؤول امور مادی و معنوی شیعیان بود و آنان خمس و زکات اموال خود را به عنوان یک وظیفه دینی، به او یا به وکیلش تقدیم می کردند تا به افراد مستحق برساند. جعفر می‌دانست شیعیان این عمل را پس از «حسن بن علی» با جانشین او انجام خواهند داد.

حال آیا با وجود این همه انگیزه‌های مختلف برای انکار «مهدی»، باز هم می‌توان به انکار جعفر استدلال کرد و انکارش را شاهدی بر درستی مدعای خود دانست؟!

تاریخ نویسان گوشه‌ای از رفتارهای اخلاقی و عواملی را نقل کرده اند که موجب انکار جعفر نسبت به مهدی(ع) فرزند برادرش گردید و او را وادار کرد خلیفه وقت را نسبت به جانشین حسن و شیعیانش تحریک کندو...

شبهه سوم: «حسن بن علی» در هنگام مرگ مادر خود «حدیث، ام الحسن» را وصیّ و سرپرست جمیع اوقاف و اموال خود قرار داد و اختیار تصرف در آنها را به او واگذار کرد. این خود دلیل بر آن است که آن حضرت فرزندی نداشته است.

پاسخ: این شبهه نیز سست و بی اساس است و نمی توان به آن در انکار فرزند حسن بن علی علیهما السلام اعتماد کرد. وصیت امام حسن علیه السلام به مادرش، مؤید این مطلب است که وی می‌خواسته، ولادت و وجود فرزندش را پنهان نگه دارد و از ریختن خونش به دست حاکمان جور جلوگیری کند. اگر در وصیت، نامی از فرزند خود می‌برد و یا شخصاً به او وصیت می... کرد، نقض غرض می‌شد و هدف نهایی (حفظ کردن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای زمان لازم و مناسب) به دست نمی‌آمد. به خصوص آنکه امام عسکری علیه السلام مجبور گردید، اسامی در باریان نزدیک خلیفه (مانند «واثق» و «محمد بن مأمون» و «فتح بن عبد ربه» و ...) را در وصیت نامه درج کند، تا این وصیت از نظر دولت عباسی، معتبر باشد و موجب حساسیت آنها نسبت به فرزندش

و سبب کوشش آنان برای پیدا کردنش نگردد. ضمناً شیعیان را از تهمت اعتقاد به وجود فرزندی برای خود و نیز از اعتقاد به امامتش برهاند.(۱) البته چنین حرکتی، قبلاً نیز به دلایلی از ائمه علیهم السلام صورت گرفته بود.(۲)

۱- شیخ مفید، فصول العشره فی الغیبه (۱۰ انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ترجمه محمد باقر خالصی، صص ۱۸ ۴۸. (با تصرف و تلخیص)

۲- ر. ک: داستان وصیت امام صادق علیه السلام.

خود آزمایی

۱. در باره چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.

۲. مهم ترین ویژگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟ در باره آن شرح دهید.

۳. از چه راه هایی می توان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را اثبات کرد؟ دو راه را توضیح دهید.

۴. در باره زمان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.

۵. مهمّ ترین علت برای مخفی بودن ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کدام است؟

۶. در باره دیدگاه اهل سنت نسبت به ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ه .ش).

۲. سید ثامر هاشم العمیدی، مهدی منتظر در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، (انتشارات مسجد جمکران،قم، ۱۳۸۰ ه . ش).

۳. شیخ مفید، فصول العشره فی الغیبه (۱۰ انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ترجمه محمد باقر خالصی، (انتشارات راه امام، تهران، بی تا).

۴. لطف‌الله صافی گلپایگانی، امامت و مهدویّت، (انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۳۷۷ ه .ش).

۵. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ه .ش).

درس دوازدهم: نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

انواع روایات در باره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص(محمد)

۱. روایات عدم جواز نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه حال

۲. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

۳. روایت جواز در جایی که بیم خطری نیست

۴ . روایات جواز نام بردن

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه

نام حضرت در دعاها

نام حضرت در گفتار اهل سنّت

ص: ۲۰۱

پیش درآمد

در آموزه های اعتقادی شیعه، «مهدویّت»، از پر رمز و رازترین معارف اعتقادی است. از ولادت پنهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرفته، تا پنهان زیستی او؛ از چگونگی زندگی آن حضرت گرفته تاعمر طولانی اش؛ از چگونگی غیبت ایشان گرفته تا ظهور، قیام و حکومت جهانی بر کره زمین و... اینها، اسراری است که بر عموم مردم، پوشیده مانده و برخی جزو اسرار الهی تلقی شده است.

یکی از این موارد، نام بردن آن حضرت به نام مخصوص (م ح م د) است. این بحث همواره مورد توجه دانشمندان و بزرگان شیعه بوده و در روایات فراوانی از معصومین علیهم السلام مورد اشاره قرار گرفته است.

وجود روایات متعارض در این موضوع، باعث شده نظرات مختلفی ارائه گردد. گروهی با استناد به روایاتی که ناظر به تحریم می باشند، بردن نام خاص آن حضرت را، ممنوع و حرام دانسته اند. عده ای جواز را مقید به زمان غیر از تقیه و ترس دانسته و برخی نیز با استناد به روایاتی که در آنها نام آن حضرت به صراحت ذکر شده، قائل به جواز شده اند.

بنابر این می‌توان مستند روایی دیدگاه‌های فوق را چنین بیان کرد:

۱. روایاتی که حرمت را مربوط به هر زمان و هر مکان دانسته است؛

۲. روایاتی که حرمت را تا زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته است؛

۳. روایاتی که نام بردن را تنها در شرایط تقیه و ترس بر آن حضرت، جایز نمی داند؛

۴. روایاتی که بدون هیچ قیدی، نام بردن را جایز می داند و ائمه علیهم السلام و یارانشان نیز در آنها تصریح به نام آن حضرت کرده‌اند.

انواع روایات درباره نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام خاص (م‌ح‌م د)

یک. روایات عدم جواز به صورت مطلق

روایات دسته اول را می توان به گروه‌هایی چند تقسیم کرد:

۱.۱. نام بردن حضرت با نام مخصوص برابر با کفر است:

محمدبن یعقوب کلینی در کافی با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «صاحِبُ هَذاالْاَمْرِلایسَمّیهِ بِاسْمِهِ اِلّاکافِرٌ»؛(۱) «صاحب‌این امر کسی‌است که جزکافر، نام او را به‌اسم خودش نبرد».

این حدیث را شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه(۲) و مسعودی در اثبات الوصیه(۳) نقل کرده اند و اگر در منابع بعدی نیز ذکر شده، عمدتاً از این منابع است.

این روایت صریح در حرمت است؛ اگر چه عده ای آن را حمل بر مبالغه کرده اند. برخی از شارحان کافی، درباره این حدیث گفته اند: شاید مراد از کافر در این روایت، کسی باشد که اوامر الهی را ترک و نواهی او را انجام می دهد؛ نه کسی که منکر پروردگار و یا مشرک به او است. شاید این مختص به زمان تقیه باشد؛ چرا که روایاتِ فراوانی، به نام آن حضرت تصریح کرده است.(۴)

برخی دیگر از شارحان، همچنان بر استفاده حرمت، از این گونه روایات پافشاری کرده‌اند.(۵)

۲.۱. نام بردن ایشان جایز نیست؛ همان گونه که ولادت ایشان، مخفی است:

صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام النعمه از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است: «...ذَلِکَ اِبْنُ

۱- شیخ کلینی، کافی، ج۱، ص۳۳۳، ح۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۸، ح۱.

۳- اثبات الوصیه، ص۲۸۰.

۴- ر.ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج۶، ص۲۲۴.

۵- ر.ک: محمد باقر مجلسی، مرآه العقول، ج ۴، صص ۱۸ ۱۶.

سَیـدَهِ الإِماءِ الـذی تخفی عَلَی النَّاسِ وِلادَتُهُ، وَلا یحِلُّ لَهُمْ تَسْمِیتُهُ...»؛(۱) «او فرزنـد سـرور کنیزان است؛ کسـی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست...».

در این دسته از روایات به دو چیز اشاره شده است: یکی مخفی بودن ولادت و دیگری حرمت نام بردن حضرت با نام خاص. اگرچه ولادت آن حضرت بر عموم مردم پوشیده بود؛ ولی عده ای از این امر آگاه بودند. بنابراین می توان احتمال داد، این عدم جواز، برای همه مردم نیست. از طرفی مرجع ضمیر در «وَلایحِلُّ لَهُمْ» به «الناس» برمی گردد؛ یعنی، بر کسانی که ولادت آن حضرت بر آنها پوشیده است؛ از این رو نام بردن، برای ایشان نیز جایز نیست. با وجود این احتمالات، نمی‌توان گفت که این روایت صریح در حرمت مطلق است.

۱۳. نام بردن آن حضرت جایز نیست؛ همان گونه که جسم ایشان دیدنی نیست:

داود بن قاسم جعفری گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که فرمود: «الخَلَفُ مِنْ بَعْدی اِبْنِی الحَسَنُ فَکَیفَ لَکُمْ بِالخَلَفِ مِنْ بَعْدِ الخَلَفِ؟ فَقُلْتُ: وَلِمَ جَعَلَنی اللَّهُ فِداکَ؟ فَقالَ: لِاَنَّکُمْ لا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلا یحلُّ لَکُمْ ذِکْرَهُ بِاسْمِهِ قُلتُ فَکَیفَ نَذْکُرُهُ؟ قالَ: قُولُوا: الحُجَهُ مِنْ آلِ مُحَمدٍ صلی الله علیه و آله و سلم»؛(۲) «جانشین پس از من فرزندم حسن است و شما با جانشین پس از جانشین من چگونه خواهید بود؟ گفتم: فدای شما شوم! برای چه؟ فرمود: زیرا شما شخص او را نمی بینید و بردن نام او به اسمش بر شما روا نباشد، گفتم: پس چگونه او را یاد کنم؟ فرمود: بگویید: حجّت از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم».

امام صادق علیه السلام در جواب کسی که پرسید «مهدی از فرزندان کیست»؛ فرمود: «اَلْخامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعَ یغیبُ عَنکُمْ شَخْصُهُ، وَلا یحِلُّ لَکُمْ تَسْمِیتُهُ»؛(۳) «پنجمین امام از فرزندان امام هفتم که شخص او از دیدگان شما نهان شود و نام بردنش روا نباشد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۶۸، ح۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۸۱، ح۵؛ کتاب الغیبه، ص۲۰۲، ح۱۶۹؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص۲۷۸؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص۲۶۲؛ شیخ کلینی، کافی، ج۱، ص۳۲۸، ح۱۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۱۱، ح۱۲.

در این دسته از روایات نیز به جهت وجود ضمایر مخاطب در «یغیبُ عَنْکُمْ» و «لا یحِلّ لَکُمْ»، ممکن است گفته شود، حرمت تنها متوجه مخاطبان آن حضرت بود و این به دلیل فشارهایی است که از طرف ظالمان بر شیعیان به جهت نام بردن حضرت وارد می کردند.(۱)

همچنین «یغیب عنکم» به ملاقات‌های قطعی تخصیص خورده و این غیبت همگانی نیست؛ بر این اساس عدم جواز نام بردن نیز تخصیص خورده است. به علاوه روایاتی نیز وجود دارد که می گوید حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در دوران غیبت می بینند.

بنابراین از این دسته روایات، به خاطر وجود احتمالات، نمی توان قطع به حرمت را برای همگان استفاده کرد.

۱۴. نام برنده آن حضرت بین مردم ملعون است:

با این مضمون توقیعی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است که می‌فرماید: «مَنْ سَمانی فی مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَیهِ لَعْنَهُ اللَّهِ»؛(۲) «لعنت خدا بر کسی که مرا در میان جمعی از مردم نام برد».

در این روایت نیز احتمالاتی وجود دارد: مقصود روایت، دوران غیبت صغرا است؛ یعنی، زمانی که آن حضرت در میان جمعی حضور می یافتند و اگر کسی نام او را افشا می کرد، موجب فاش شدن اسرار می شد و خطری متوجه آن حضرت می گردید؛ وگرنه صرف نام بردن بدون اشاره به وجود ظاهری ایشان مایه ضرر و زیانی نخواهد شد. احتمال دیگر اینکه مقصود از «فی مجمع من الناس» مخالفان و اهل سنّت باشد.

دو. روایات عدم جواز تا هنگام ظهور

محمد بن زیاد ازدی از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره امام غایب علیه السلام نقل کرده است: «...تَخْفَی عَلَی النَّاسِ وِلادَتُهُ وَ لا تَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِیتُهُ حَتَّی یظْهِرَهُ اللَّهُ فَیمْلا الارْضَ عَدْلا وَ

۱- ر. ک: مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج ۶، ص۲۲۴.

۲- مولی صالح مازندرانی، شرح اصول کافی، ج۲، ص۴۸۳، ح۳.

قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً»؛(۱) «...کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست، تا آن گاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

عبدالعظیم حسنی گوید: ... امام هادی علیه السلام فرمود: «... وَ مِنْ بَعْدِی ابْنِی الْحَسَنُ فَكَيفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ قُلْتُ وَ كَيفَ ذَلِكَ قَالَ لأنَّهُ لايرَى شَخْصُهُ وَ لا يحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يخْرُجَ فَيمْلا الارْضَ قِسْطاً وَ عَدْلا...»؛(۲) « ... و پس از من پسرم حسن است و مردم با جانشین او چگونه باشند؟ گفتم: فدای شما شوم برای چه ؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی بینند و بردن نام او روا نباشد؛ تا آنکه قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید...».

سه. روایات جواز بدون بیم خطر

در این دسته از روایات، به علت نام نبردن حضرت اشاره شده است. در این صورت اگر آن علت وجود نداشته باشد، نهی نیز ساقط است.

امام باقر علیه السلام در جواب ابوخالد کابلی که از نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود فرمود: «...سَأَلَتنی وَاللَّهِ یا اَبا خالِدِ عَنْ سُؤالٍ مُجْهِدٍ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنی عَنْ اَمْرٍ ما كُنْتُ مُحَدِّثاً بِهِ اَحَداً وَ لَوْ كُنتُ مُحَدِّثاً بِهِ اَحَداً لَحَدَّثْتُک، وَلَقَدْ سَأَلْتَنی عَنْ اَمْرٍ لَوْ اَنَّ بَنی فاطِمَهَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلی اَنْ يقْطَعُوهُ بَضْعَهً بَضْعَهً»؛(۳) «به خدا سوگند ای اباخالد! پرسش سختی پرسیدی که مرا به تکلیف و زحمت می اندازد؛ همانا از امری سؤال کردی که [هرگز آن را به هیچ کس نگفته ام و] اگر آن را به کسی گفته بودم، مسلماً، به تو می گفتم. همانا تو از من چیزی را سؤال کردی که اگر بنی فاطمه او را بشناسند، حرص ورزند که او را قطعه قطعه کنند».

از روایت یاد شده استفاده می شود که اگر ضرر و خطری بر آن حضرت به وجود نیاید،

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص۳۶۸، ح۶ .

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، ص۳۷۹، ح۱.

۳- نعمانی، الغیبه، ص۲۸۸، ح۲ و نیز ر.ک: محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص۳۳۳، ح۲۸۸.

دانستن و نقل نام آن حضرت، بدون اشکال است.

از خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی آمده است: «...فَاِنَّهُمْ اِنْ وَقَفُوا عَلَی الِاسْمِ اَذاعُوهُ وَاِنْ وَقَفُوا عَلَی المَکانِ دَلُّوا عَلَیهِ»؛(۱) «پس به درستی که آنان اگر اسم را بدانند، آن را رایج ساخته و اگر بر مکان آگاهی یابند، آن را نشان خواهند داد». شیخ حر عاملی رحمه الله ذیل این روایت نوشته است: این دلالت می‌کند بر اینکه نهی اختصاص به ترس و ترتب مفسده دارد.(۲)

بنابراین، این دسته از روایات، دایر مدار ترس و تقیّه است و با منتفی شدن آن، حرمت نام بردن نیز منتفی خواهد شد.

چهار. روایات جواز نام بردن

بی گمان در روایات فراوانی وقتی سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، به میان آمده، به نام آن حضرت تصریح شده است. در اینجا به بعضی از این روایات، اشاره می شود:

۴۱. روایاتی که قبل از ولادت ایشان، به نام مبارک آن حضرت اشاره کرده است:

۴۱۱. شیخ صدوق رحمه الله در کمال الدین و تمام النعمه از حضرت علی علیه السلام، نقل کرده است: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، نام امامان بعد از حضرت علی علیه السلام را یکی پس از دیگری برای آن حضرت برشمرد، تا اینکه فرمود: «...مَهْدِی اُمَّتی مُحَمَّدٌ الَّذی یمْلا الارْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً...»؛(۳) «مهدی امتم [در میان ایشان] محمد است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد...»

۴۱۲. حضرت علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که ضمن بردن نام ائمه دوازده گانه علیهم السلام، فرمود: «...فَاِذا حَضَرَتْهُ (الحسن) الوَفاةَ فَلْیسلِمْها اِلی اِبْنِهِ مُحَمد...»؛(۴) «پس هنگام رحلت حسن آن را تسلیم به فرزندش محمد می کند...».

۱- کتاب الغیبه، ص۳۶۴، ح۳۳۱.
۲- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص ۲۴۰.
۳- شیخ صدوق رحمه الله؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۸۴، ح۳۷.
۴- محمد بن حسن طوسی رحمه الله؛ کتاب الغیبه ص ۱۵۰، ح۱۱۱.

۴۱۳. در الفضائل نیز شبیه این روایت آمده و تصریح به نام «محمد» شده است.(۱)

همچنین در الاحتجاج طبرسی، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: از جبرئیل شنیدم: «...ثُمَ اِبْنُهُ القائِمُ بِالحَقِ مَهْدِی اُمتی مُحمد بن الحَسَنِ صاحِبِ الزَّمان...»؛(۲) «...سپس فرزندش قائم به حق، مهدی امتم، محمد بن حسن صاحب الزمان...».

۴۱۴. در کلام امیرمؤمنان علی علیه السلام به این نام، اشاره شده است؛ چنان که شیخ صدوق رحمه الله در کمال‌الدین و تمام النعمه آورده است: حضرت علی علیه السلام بر فراز منبر درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «...لَهُ اِسْمانِ: اِسْمٌ یخْفی وَاِسْمٌ یعْلَنُ، فَاَمّا الَّذی یخْفی فَأَحْمَدُ، وَاَمَّا الَّذی یعْلَنْ فَمُحَمَّدٌ...»؛(۳) «برای او دونام است: یکی نهان ودیگری آشکار؛ اما نهان احمد و نام آشکار محمد است».

۴۱۵. از موارد دیگری که قائلان به جواز نام بردن حضرت، بدان اشاره کرده اند، حدیث لوح حضرت زهرا علیها السلام است. در قسمتی از این لوح که هدیه ای از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت زهرا علیها السلام بود آمده است: «...وَاُکْمِلُ ذلِکَ بِابْنِهِ مُحمد رَحْمَةً لِلْعالَمینَ عَلَیهِ کَمال مُوسی وَبَهاءُ عیسی وَصَبْرُ اَیوبُ...».(۴) «... و اوصیا را به وجود فرزندش محمد- رحمت برجهانیان- تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی علیه السلام و بهاء عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام را دارا است...».

۴۱۶. شیخ صدوق رحمه الله، قسمت مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را این گونه آورده است: «...اَبُوالقاسِمِ مُحَمدُ بْنُ الحَسَنِ هُوَ حُجَّةُ اللّهِ تَعالی عَلی خَلْقِهِ...»؛(۵) «... ابو القاسم همو حجت خداوند متعال بر بندگان است...».

خود جابر نیز در مواردی تصریح کرده که از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن لوح، به عنوان محمد

۱- ابن شاذان، الفضایل، ص۱۵۸.

۲- شیخ طبرسی، الاحتجاج، ج۱، ص۶۸، ح۳۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۳، ح۱۷؛ ر.ک: اعلام الوری، ص۴۶۵؛ وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۲۴۴.

۴- شیخ کلینی، کافی، ج۱، ص۵۲۷، ح۳.

۵- کمال‌الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۲۷.

یاد شده است.

۴۱۷. امام باقر علیه السلام نیز درذیل آیه شریفه: (اِنَّ عِدَّهَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اِثْنا عَشَرَ...)(۱)یک یک نام ائمه را برد تا اینکه فرمود: «...وَاِلی اِبْنِهِ الحَسَن وَاِلی اِبْنِهِ مُحَمَّد الهادی المَهْدی، اِثْنا عَشَرَ اِماماً...»؛(۲) «و به فرزندش حسن و به فرزندش محمد هدایت کننده هدایت شده، دوازده امام هستند».

۴۱۸. از امام صادق علیه السلام نیز در مواردی هنگام معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نام «محمد» تصریح شده است؛ چنان که می فرماید: «الخَلَفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدی هُوَ المَهْدِی، اِسْمُهُ مُحمد وكُنْيَتُهُ اَبُوالقاسِمِ يخْرُجُ فی آخِرِالزَّمانِ یقالُ لِاُمِّهِ صَیقیل»؛(۳) «خلف صالح از فرزندانم مهدی است. نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم، در آخرالزمان خروج می کند و مادرش صقیل نامیده می شود».

شیخ صدوق رحمه الله شبیه این روایت را در کمال الدین و تمام النعمه آورده است.(۴)

۴۱۹. امام صادق علیه السلام وقتی خواست در جواب زید شحام نام امامان معصوم علیهم السلام را برشمرد، فرمود:

«نَحْنُ اِثْنا عَشَرَ - هكذا - حَوْلَ عَرْشِ ربِّنا جَلَّ وَعَزَّ فِی مُبتدَءِ خَلقنا اَوَّلِنا محمد وَاَوْسَطُنا مُحمد وآخِرنا مُحمدٌ»؛(۵) «ما دوازده تن بدین گونه (اشاره با دست به صورت دایره) از آغاز آفرینش گرداگرد عرش پروردگارمان قرار داشته ایم، نام اوّلین فرد ما محمد و نفر میانه محمد و آخرین فرد ما نیز محمد است».

۴۱۱۰. از امام عسکری علیه السلام در موارد فراوانی نقل شده که به نام آن حضرت تصریح کرده است. زمانی که مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ایشان حامله شد، امام عسکری علیه السلام به او فرمود:

۱- سوره توبه(۹)، آیه ۳۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص۱۴۹، ح۱۱۰.

۳- کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۵.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۳۴، ح۴.

۵- نعمانی، الغیبه، ص۸۵، ح۱۶.

«سَتَحْمِلينَ ذَکَراً وَاِسْمُهُ محمد وَهُوَ القائِمُ مِنْ بَعْدی»؛(۱) «تو حامل پسری هستی که نامش محمد است و او قائم پس از من است ».

همچنین آن حضرت در ضمن حدیثی فرمود: «...اِبْنی مُحمد، هُوَ الاِمامُ والحُجَّهُ بَعدی مَنْ ماتَ وَلَمْ یعْرِفْهُ ماتَ مِیتهً جاهِلِیهً...»؛(۲) « فرزندم محمد، او است امام و حجّت پس از من، هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است».

۴۲. گروه دوم شامل سخنانی است که پس از ولادت ایشان، از آن حضرت با نام محمد یاد کرده اند:

۴۲۱. ابراهیم کوفی، نقل کرده است که امام عسکری علیه السلام گوسفندی سربرید و برای من فرستاد و فرمود: «هَذا مِنْ عَقیقَهِ اِبنی مُحمد»؛(۳) «این بخشی از عقیقه فرزندم محمد است».

۴۲۲. محمدبن یعقوب کلینی رحمه الله از احمد بن محمد بن عبداللّه، ضمن روایتی نقل کرده است: «...وَ وُلِدَ لَهُ (ابی محمد) وَلَدٌ سَمَّاهُ مُحمد...»؛(۴) «برای او (امام عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید».

۴۲۳. شیخ طوسی رحمه الله، در کتاب الغیبه در بخشی از یک حکایت نقل کرده که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان «محمد بن الحسن» از خود نام برده است.(۵)

۴۲۴. از ابی غانم خادم نقل شده است: «وُلِدَلابی مُحَمد مَوْلُودٌ فَسَماهُ مُحَمَّداً و...»؛(۶) «برای ابو محمد (امام عسکری علیه السلام) فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نام نهاد و...».

۴۲ ۵. شیخ صدوق رحمه الله، به نقل از عبدالله سوری، در ضمن داستانی از ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام در دوران غیبت صغرا، نوشته است: «...پس دیدم جوانانی را که در برکه، آب بازی

۱- کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۵.
۲- کشف الغمه، ج۲، ص۴۰۹، ح۹.
۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۳۲، ح ۱۰.
۴- کافی، ج۱، ص۳۲۹، ص۵۱۴.
۵- ر.ک: کتاب الغیبه، ص۲۶۹، ح۲۳۴.
۶- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۲۴۳، ح۲۱۴۶۷.

می کردند. جوانی بر سجاده ای نشسته بود و آستین لباس خود را مقابل دهان قرار داده بود. پس گفتم: این جوان کیست؟ گفتند: محمد بن الحسن است و شبیه پدرش بود...».(۱)

۵۲۶. در کمال الدین و تمام النعمه ضمن بیان سرگذشت مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آمده است: «...وَعَلی قَبْرِها مَکْتُوبٌ عَلَیهِ هَذا قَبْرُ اُمِّ مُحَمَّدٍ»؛(۲) «و بر آرامگاه او نوشته شده بود، این قبر مادر محمد است».

با توجه به اینکه از ایشان به عنوان «ام محمد» یاد نشده تا گفته شود لقب ایشان بوده است؛ بنابراین دلیل برای جواز نام بردن نام خاص آن حضرت است.

نام حضرت در کلام دانشمندان شیعه

علاوه بر روایاتی که ذکر شد، عده ای از دانشمندان شیعه، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان، محمد، محمد المهدی، محمد بن الحسن و محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام، یاد کرده اند. این خود نشانگر آن است که این بزرگان، ذکر نام آن حضرت را جایز می دانسته اند که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. شیخ مفید رحمه الله در معرفی آن امام همام علیه السلام می‌نویسد: «...مُحَمد بنُ الحَسَن العَسْکَری علیه السلام وَاَنَّهُ المَهْدی الْمُنْتَظَر خُرُوجُهُ فی آخِرالزَّمانِ وَاَنَّهُ غائِبُ بَعدَ فَتْرَهِ مِنْ وِلادَتِهِ...»؛(۳) «...محمد فرزند حسن عسکری و او است مهدی؛ همو که خروجش در آخرالزمان انتظار کشیده می شود و مدتی بعد از ولادتش غایب شد».

۲. سید مرتضی قدس سرّه در بیان اعتقادات شیعه درباره ائمه علیهم السلام می‌نویسد: «وَیذْهَبُ الاِمامِیهُ بِاَجْمَعِهِمْ اِلی اَنها بِالنَّصِ الجَلی عَلی الائمهِ الاِثنی عَشَر اَوّلهُمْ عَلی بنِ ابیطالب وَآخرهم

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۴۱، باب ۴۳، ح۱۳؛ الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۹۵۹.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۳۱، ح۷.

۳- شیخ مفید، الرسائل فی الغیبه، ج۱، ص۴.

محمد بن الحسن المهدی المنتظر...»؛(۱) «اعتقاد امامیه بنا بر نص آشکار این است که امامان دوازده نفرند؛ نخستین ایشان علی بن ابی طالب و آخرین آنان محمد فرزند حسن، مهدی منتظر است».

۳. شیخ طوسی رحمه الله درباره ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زبان اسماعیل علی نوبختی نوشته است: «...مُولِدُ مُحمد بن الحَسَنِ بنِ عَلی مُحمد بن علی بن موسی...».(۲)

۴. شیخ صدوق رحمه الله آورده است: «...اَبُوالقاسِم مُحمدُ بنُ الحَسَنِ هُوَ حُجَهُ اللّهِ القائمِ...».(۳)

۵. علامه حلی قدس سرّه در تحریر الاحکام (ج۲، ص۱۰۹) و شرح منهاج الکرامه، (ص۲۵۲) و الرساله السعدیه (ص۱۹)، از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام یاد کرده است.

۶. علی بن یوسف حلی پس از نام بردن از امامان داوزده گانه، نام امام زمان علیه السلام را چنین می‌نویسد: «...حتی انتهی الی ابی القاسم محمد بن الحسن الحجه القائم...».(۴)

۷. محقق کرکی رحمه الله می‌نویسد: «ثُمَ الخَلَفُ الحُجَّهُ القائِمُ المُنْتَظَرُ مُحمدُ بن الحَسَنِ المَهدی المُستَتَر خَوفاً مِنَ الَاعْداءِ...»؛(۵) «سپس خلف، حجّت، قائم، منتظر، محمد فرزند حسن، مهدی که به جهت ترس از دشمنان پنهان است...»

۸. اربلی رحمه الله نوشته است: «...وَاَمَّا اِسْمُهُ فمُحَمَّدٌ وَکُنْیَتُهُ اَبُوالقاسِمِ وَلَقَبُهُ الحُجَّهُ وَالخَلَفُ الصالِحُ وَقیلَ المُنْتَظَر...»؛(۶) «اما اسم او محمد و کنیه اش ابوالقاسم و لقبش حجّت و خلف صالح و گفته شده منتظر است».

۹. علامه مجلسی قدس سرّه اگر چه قائل به حرمت نام بردن ایشان است؛ ولی در موارد فراوانی با نام مخصوص از ایشان یاد کرده است: «... المَهْدی الذی بَشَّرَ بِخُرُجِهِ النَبی المعظم-صلی

۱- سید مرتضی، الانتصار، ص۲۵.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۱.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۰.

۴- العدد القویه، ص ۷۰.

۵- محقق کرکی، رسائل الکرکی، ج ۱، ص۶۳.

۶- کشف الغمه، ج ۲، ص۴۳۷.

الله علیه وآله- فِی روایات مُتَواتِره مِن الخاصَهِ وَالعامَهِ وَهُوَ الإمامُ مُحمد بن الحَسَنِ العَسکری المهدی المنتظر...».(۱)

۱۰. شهید اول قدس سرّه می گوید: «الثانی عَشَر: الِامامُ المَهْدی الحُجَّه صاحِبِ الزَّمانِ اَبُوالقاسِمِ مُحمد بن الحَسَنِ العَسْکَری علیه السلام...».(۲)

۱۱. حسین عبدالصمد عاملی پدر شیخ بهایی رحمه الله با عنوان محمد بن الحسن العسکری المهدی قائم از آن حضرت یاد کرده است.(۳)

۱۲. قاضی نعمان مغربی نوشته است: «...وَمِنْ المُتَوقَّعْ اَنَّ هَذِهِ الرِّوایَهَ وَرَدَتْ فِی المَهدی مُحمد بن الحسن العسکری...»(۴).

۱۳. طریحی رحمه الله می‌نویسد: «یکَنی بِهِ (القائم) عَن صاحِبِ الاَمْرِ مُحمد بن الحَسَن العسکری...».(۵) و(۶)

نام حضرت در دعاها

در دعاهای فراوانی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عنوان محمد یاد شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. مشهور در دعای فرج «اللهم کن لولیک الحجه بن الحسن» است؛ ولی در منابع اصلی،

۱- بحارالانوار، ج۱۹، ص۲۸۴، ج۲۸، ص۴۶.

۲- شهید اوّل، الدروس، ج۲، ص۱۶.

۳- ر. ک: وصول الاخیار الی اصول الاخبار.

۴- نعمان بن محمد تمیمی مغربی، شرح الاخبار، ج۲، ص۶۳.

۵- طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص ۵۷۱.

۶- از دیگر کسانی که در نوشتار و یا نقل قول های خود به کلمه محمد، به عنوان نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده اند، می توان از شیخ علی یزدی حایری در الزام الناصب، (ج۱، صفحه ۱۲۱)، سید هاشم بحرانی در غایه المرام، (ج۷، صفحه ۱۳۴) و محمد جواد مغنیه در الشیعه فی المیزان، (ص ۲۶۶)، سید علی میلانی در دراسات فی منهاج السنه، (ص۴۱)، شیخ عباس قمی در منازل الاخره، (ص ۲۸۸) و در الکنی و الالقاب، (ج ۳، صفحه ۱۹)، مولی صالح مازندرانی در شرح اصول کافی، (ج ۶، ص۲۶)، شیخ جعفر سبحانی در اضواء علی عقاید الشیعه الامامیه، (ص۲۱۸)، به عنوان نمونه یاد کرد.

(ماننـد مصـباح کفعمی) دعـا بـه گـونه ای دیگر نیز آمـده اسـت: «اَللّهُـمَ کُنْ لِوَلِیـکَ مُحمـد بـن الحَسَـن المَهـدی فی هَـذِهِ السَّاعَهِ...».(۱) سید بن‌طاووس نیز در اقبال‌الاعمال همین‌گونه نقل کرده است.(۲)

۲. در البلـد الامین تحت عنوان دعـای «کنز العرش» آمـده است: «وَأَسْأَلـکَ بِحَقِ مُحمـد بن الحَسَنِ القـائِمِ بِاَمْرِکَ والحجه علی عبادک...».

۳. علامه مجلسی رحمه الله در دعـای پس از زیـارت آل یس آورده است: «... اللهم صَـلِّ عَلی مُحمـد بنِ الحَسَنِ حجّتکَ فِی اَرْضِکَ وَ...».

علامه مجلسی این روایت را از احتجاج طبرسی نقل کرده است؛ هر چنـد در احتجاج کلمه محمد بن الحسن نیست؛ و لی این احتمال وجود دارد که در نسخه علامه مجلسی، چنین بوده و بعداً این کلمات از احتجاج حذف شده است.

نام حضرت در گفتار اهل سنّت

بسیاری از اهل سنّت، وقتی در کتاب های خود اعتقاد به مهدویّت و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده انـد؛ به نام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف تصـریح کرده، آن را به شـیعه نسـبت داده انـد. در این بخش تنها به بعضی از این اقوال اشاره می شود:

۱. ابن کثیر در البدایه والنهایه می‌نویسد: «...یعتَقِدُ فِیهم الرَّافِضَهُ الذینَ اَوَّلُهم عَلی بن اَبی طالب وَآخِرهُمْ المُنتظر بِسـردابِ سامرا وَهُوَ مُحمد بن الحَسَن العَسْکری...».(۳)

وی در جای دیگر(۴) نیز پس از ردّ اعتقادات شـیعه، از حضـرت مهـدی علیه السـلام با نام محمد بن الحسن المهدی یاد کرده است.

۱- مصباح کفعمی، ص۵۸۶؛ ر.ک: اقبال الاعمال، ص۵۸؛ بحارالانوار، ج۹۴، ص۳۹۲.

۲- سید بن طاووس، اقبال الاعمال، ص۵۸.

۳- البدایه و النهایه، ج۱، ص ۱۷۷.

۴- البدایه و النهایه، ج ۱۴، ص ۹۵.

۲. ابـن خلـدون در تاریـخ خـود، وقـتی از اعتقـاد شـیعه دربـاره حضـرت مهـدی علیـه السـلام سـخن گفتـه چنیـن می نویسـد: «...وَخُصوصاً الِاثْنا عَشَریه مِنهُمْ یزْعُمونَ اَنّ الثانی عَشَر مِنْ اَئِمَّتِهِمْ وَهُوَ مُحمد بنُ الحَسَنِ العَسکری وَیلَقَّبُونَهُ المَهْدی...».(۱)

۳. زرکلی در الاعلام می گوید: «مُحَمـدُ بـنُ الحَسَـنِ العَسْـکری بـنِ عَلی الهـادی اَبُوالقـاسِمِ آخِرُ الاَئِمهِ الاِثنی عَشـر عِنْدَ الاِمامِیه...».(۲)

۴. ذهبی در سیر اعلام النبلاء، به دنبال کلمه «المنتظر» نوشته است: «...الشَریف اَبُوالقاسِم مُحمد بنُ الحَسَنِ العَسکری بْنُ عَلی الهادی...».(۳)

۵. در پاورقی سنن ابی داود، آمده است: «وَالشیعهُ الِامامِیهُ الاِثنا عَشَریهُ تَقُولُ اِنَّ اِمامهمّ الثانی عَشَرَ مُحمد بنُ الحَسَنِ العَسْکَری الذی غابَ وَسَیظْهَرُ مِنْ غَیبَتِهِ...».(۴)

۶. در تحفه احوذی آورده است: «...وَفِیهِ رَدٌّ عَلَی الشّیعهِ حَیثُ یقُولُونَ المَهْدِی المُوعُود هُوَ القائِم المُنْتَظَرُ هُوَ مُحمدُ بنُ الحَسَنِ العَسْکری...».(۵)

۷. قنـدوزی در ینـابیع الموده نوشـته است: «فَاِذا مَضـی الحَسَنُ فَـابْنُهُ الحُجَّهُ مُحمـدٌ المَهْدی...»؛ «پس آن گـاه که [امام]حسـن درگذشت، پس فرزند او حجّت محمد مهدی...»(۶).

اقوال اهل سنّت بر دو چیز دلالت دارد:

الف. این نام کم و بیش نزد شیعیان و علما شهرت داشته و استعمال می شده است.

ب. همه قائل به حرمت، آن نام نبوده اند؛ وگرنه به عنوان نکته ای قابل تأمل از طرف اهل

۱- ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج۱، ص۱۹۹.

۲- الاعلام، ج ۶، ص ۸۰، پاروقی.

۳- سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص۱۱۹.

۴- سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۰.

۵- تحفه احوذی، ج ۶، ص ۴۰۳.

۶- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۸۲ و ص ۳۱۶.

سنّت مطرح می شد.

نکته پایانی

برخی از بزرگـان معاصـر، پس از نقل چهار گروه روایات یاد شـده، نوشـته انـد: «شـکی نیست که قول به منع نام بردن از روی تعبّد، خالی از تحقیق است؛ اگر چه برخی از بزرگان بدان تصـریح کرده اند... ظاهر این است که منع، دایر مدار وجود ملاک تقیه است. بنـابراین نـام بردن از آن حضـرت به این نـام در زمـان ما هیـچ گونه منعی نـدارد. به علاوه دسـته چهارم روایات که دلالت بر جواز می کرد از دسته های دیگر به مراتب، هم از نظر عدد بیشتر و هم از نظر دلالت اقوا است.

آن گاه ایشان نتیجه می گیرند:« حرمت تنها در هنگام تقیه بوده و تنها راه جمع بین روایات همین قول است، وگرنه باید هر دو دسـته روایت را قبول نکنیم و به اصـطلاح از اعتبار ساقط بدانیم و یا قائل به تخییر شویم ـ اگر بگوییم روایات ظنی هسـتندـ و حاصل این هم این می شود که قائل به جواز شویم».

در پایـان ایشـان قوی ترین قرینه بر نظر خود (جواز نـام بردن) را همان دسـته چهارم از روایات دانسـته، احتیاط را نیز لازم نمی دانند: «فتلخص عن جمیع ما ذکر جواز التسـمیه باسمه الشریف و هو (محمد)».(۱) باتوجه به آنچه ذکر شد به نظر می رسد، در زمان غیبت کبرا اگر نام بردن آن حضرت موجب ضرر و زیان نگردد، جایز است.

۱- ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، قواعد الفقهیه، ج۱، ص۵۰۴.

خود آزمایی

۱. برخی روایاتی که از آنها حرمت نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده می شود، بیان کنید.

۲. چهار روایتی که در آنها به صراحت نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده، بیان کنید.

۳. به سه نقل از بزرگان شیعه اشاره کنید که در آن به صراحت نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر شده است.

۴. دو دعا را که در آن نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برده شده، بنویسید.

۵. نظر آیت‌الله مکارم شیرازی را در باره حکم نام بردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توضیح دهید.

۶. برخی از کسانی را که اصرار دارند در زمان ما نیز بردن نام حضرت حرام است نام ببرید و دلیل‌های ایشان را بررسی کنید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. میر داماد، شِرعه التسمیه حول حرمه تسمیه صاحب الامر،(مهدیه میر داماد، اصفهان).

۲. ناصر مکارم شیرازی ، القواعد الفقهیه، (مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، قم، ۱۴۱۱ ه).

۳. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ه).

ص: ۲۱۷

درس سیزدهم: القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

برخی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

۱. بقیت الله

۲. حجت

۳. خاتم الاوصیاء

۴. شرید

۵. صاحب الامر

۶. صاحب الدار

۷. صاحب الزمان

۸. صاحب السیف

۹. صاحب الغیبه

۱۰. غریم

۱۱. غلام

۱۲. فرید

۱۳. قائم

۱۴. مضطر

۱۵. منتظر

۱۶. منتقم

۱۷. منصور

۱۸. مهدی

ص: ۲۱۹

پیش درآمد

یکی از اموری که می تواند معرفت وشناخت ما را نسبت به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف افزایش دهد، آشنایی با القاب آن حضرت و معانی آنها است. با توجه به عنایت معصومین علیهم السلام به استفاده از القاب خاصّ برای آن حضرت، روشن می شود که برخی از اوصاف و ویژگی‌های آن حضرت چگونه است.

در این درس تلاش بر این است در حد اختصار، به بعضی از القاب مشهور آن حضرت اشاره گردد.(۱)

۱. بَقیهُ اللّه

واژه «بقیه»؛ یعنی، باز مانده و پاینده و آنچه از چیزی باقی گذاشته شود. عبارت «بَقیه اللّه» هم در قرآن مجید و هم در روایات آمده است. در قرآن فقط یک بار در داستان حضرت شعیب علیه السلام ذکر شده است؛ یعنی، آنجا که وی قوم خود را از کم فروشی نهی کرده، می‌گوید: (بَقیتُ اللّهِ خَیرٌ لَکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُؤمِنینَ)؛(۲) «آنچه را که خداوند]در ازای چشم پوشی از منافع نامشروع دنیوی[برای شما باقی می گذارد، برای شما بهتر است».

در این آیه هر چند مخاطب قوم شعیب هستند و منظور از «بَقیه اللّه»، سود و سرمایه حلال و یا پاداش الهی است؛ ولی هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه

۱- گفتنی است با استفاده از روایات و ادعیه مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، القاب فراوانی برای آن حضرت شمرده شده است. علل فراوانی این القاب در کتاب های مربوط مورد اشاره قرار گرفته است. البته برخی نیز در بیان القاب آن حضرت زیاده روی کرده، به هر مناسبتی کلمه‌ای را به عنوان لقب آن حضرت برشمرده اند!

۲- هود(۱۱)، آیه ۸۶.

خیر و سعادت او گردد «بَقیه اللّه» محسوب می شود. از این رو تمام پیامبران و پیشوایان بزرگ «بَقیه اللّه»اند. تمام رهبران راستین که پس از مبارزه با یک دشمن سرسخت برای یک قوم و ملت باقی می مانند، از این نظر «بَقیه اللّه» هستند... .

از آنجایی که مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی، پس از قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است؛ یکی از روشن ترین مصادیق «بَقیهُ‌اللّه» است. او از دیگران به این لقب شایسته تر است؛ به خصوص که تنها باقی مانده بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام است.

در روایات، دعاها و زیارات، ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان «بقیهاللّه» توصیف شده اند. برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. به دستور هشام بن عبدالملک، امام باقر علیه السلام را به شام بردند. موقع مراجعت به مدینه، هشام فرمان داد بازارها را بر روی آن حضرت و همراهانش ببندند و آنان را از خوراک و آشامیدنی محروم سازند! وقتی به شهر مدینه رسیدند، مردم درِ شهر را بر رویشان بستند و اصحاب آن حضرت از جهت کمبود آب و غذا به زحمت افتادند و به آن بزرگوار شکایت بردند. امام باقر علیه السلام به بالای کوهی مشرِف به شهر رفت و با صدای بلند فرمود: «ای اهل شهری که مردمانش ستمگرند! به خداوند سوگند من بقیهاللّه هستم. خداوند فرمود: بقیهاللّه برایتان بهتر است، اگر ایمان دارید»(۱).

۲. در «زیارت جامعه کبیره»، آمده است: «اَلسَّلامُ عَلَی الاَئِمَهِ... وَ بَقیهِ اللَّهِ...»؛ «سلام بر امامان که... بقیهاللّه هستند...».(۲)

۳. در دعای ندبه می خوانیم: «أینَ بَقِیهُ اللَّهِ الَتی لاتَخْلُو مِنَ العِتْرَهِ الهادِیهِ...»؛ «کجا است آن بقیهاللّه که از عترت هدایتگر بیرون نیست».(۳)

۴. در حدیثی آمده است: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا بر امام قائم می‌توان با عنوان

۱- شیخ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۵.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

۳- سید بن طاووس، الاقبال، ص ۲۹۷.

«امیرمؤمنان» سلام کرد؟ فرمود: «لا ذاکَ اِسْمٌ سَمَّی اللّهُ بِهِ اَمیرَالمؤمِنینَ لَمْ یسَمَّ بِهِ اَحَدٌ قَبْلَهُ وَلا یتَسَمَّی بِهِ بَعْدَهُ اِلّا کافِرٌ»؛ «خیر؛ خداوند این نام را به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص داده است. پیش از او کسی این نام بر خود ننهاده و پس از او نیز مگر کافر این نام را به خود نبندد».

راوی گوید: پرسیدم: فدایت گردم! پس چگونه بر او سلام کنند؟ فرمود: می گویند «السَّلامُ عَلَیکَ یا بَقیةَ اللّهِ». سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «بَقیتُ اللهِ خَیرٌ لَکُم اِنْ کنتُم مُؤمنین».(۱)

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «نخستین سخن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور این آیه است که می گوید: بقیه اللّه برایتان بهتر است اگر ایمان دارید. آن گاه می فرماید: «منم بقیهاللّه و حجّت و خلیفه او در میان شما». در آن زمان هر کس بر آن حضرت سلام کند، می گوید: «السَّلامُ عَلَیکَ یا بَقیهَاللّهِ فِی اَرْضِهِ».(۲)

۶. روایت شده است. وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری، به محضر امام عسکری علیه السلام شرفیاب شد؛ درباره جانشین آن حضرت سؤال کرد. آن حضرت کودکی خردسال، همچون قرص ماه را به او نشان داد. احمدبن اسحاق پرسید: آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟ آن کودک زبان گشود و با زبان عربی فصیح فرمود: «اَنَا بَقِیهُ اللّهِ فِی اَرْضِهِ وَالمُنْتَقِمُ مِنْ اَعْدائِهِ فَلا تَطْلُبْ اَثَراً بَعْدَ عَینٍ یا اَحْمَدَبنَ اِسْحاقَ»؛(۳) «من بقیهالله بر روی زمین و منتقم از دشمنان او هستم.ای احمدبن اسحاق! بعد از دیدن]این کرامت[نشانهای طلب نکن».

۲. حجّت

«حجّت» از نظر لغت، به معنای برهان و دلیل است که با آن حریف را قانع یا دفع کنند و

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۱۹۳، ۲۴۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

جمع آن حجج و حجاج است.(۱)

این کلمه در قرآن مجید در موارد مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: «لِئَلاَّ یکُونَ لِلنّاسِ عَلَی اللّهِ حُجَهٌ بَعدَ الرُّسُلِ وَکانَ اللَّهُ عَزیزاً حَکِیماً»؛(۲) «تا اینکه برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا بهانه و حجّتی نباشد و خدا توانا و حکیم است».

و نیز« قُلْ فَلِلّهِ الحُجَّهُ البَالِغَهُ فَلَو شَاءَ لَهَداکُمْ اَجْمَعین»؛(۳) «بگو برهان رسا (حجّت) ویژه خداوند است و اگر او می خواست، قطعاً همه شما را هدایت می کرد».

امام کاظم علیه السلام فرموده است: «اِنّ لِلَّهِ عَلَی النّاسِ حجّتینِ حُجَهً ظَاهِرَهً وَحُجَهً بَاطِنَهً فَاَمَّا الظَاهِرَهُ فَالرُّسُلُ وَالاَنبیاءُ وَالاَئِمَّهُ وَاَمَّا البَاطِنَهُ فَالعُقُولُ»؛(۴) «خداوند را بر مردم دو حجّت است: یکی ظاهر که آن عبارت است از پیامبران و رهبران دینی و دیگری باطن که آن عقول مردم است».

پیامبران و اوصیای آنان علیهم السلام از این جهت «حجّت» نامیده شده اند که خداوند به وجود ایشان، بر بندگان خود احتجاج کند. آنان همچنین دلیل بر وجود خدا هستند و گفتار و کردارشان دلیل بر نیاز مردم به قانون آسمانی است.

بر اساس روایات فراوانی، هرگز زمین خالی از حجّت نیست؛ چنان که از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: آیا زمین از حجّت خالی می ماند؟ حضرت فرمود: «لَوْ بَقِیتْ بِغَیرِ اِمَامٍ لَسَاخَتْ»؛(۵) «اگر زمین به اندازه چشم برهم زدنی از حجّت خالی باشد، اهلش را فرو می برد».

از دیدگاه شیعه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین حجّت الهی است؛ از این رو به حجه بن الحسن العسکری علیهما السلام شهرت دارد.(۶)

داود بن قاسم گوید: از امام دهم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «الخَلَفُ مِنْ بَعْدِی الحَسَنُ

۱- ر.ک: لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۶۵.

۳- انعام (۶)، آیه ۱۴۹.

۴- کافی، ج ۱، ص ۱۵.

۵- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۹۸.

۶- بحارالانوار، ج ۲۵، ح ۶ و ج ۹۷، ص ۳۴۳.

فَکَیفَ لَکُمْ بِـالْخَلَفِ مِنْ بَعْـدِ الخَلَفِ فَقُلتُ لِمَ جَعَلَنِی اللّهُ فِـداکَ فَقَـالَ: اِنَّکُم لاـ تَرَوْنَ شَـخْصَهُ وَلایحِلُّ لَکُم ذِکْرُهُ بِاسـمِهِ فَقُلتُ کَیفَ نَـذکُرُهُ فَقَال: قُولُوا الحُجَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ»؛(۱) «جانشـین من، پسـرم حسن است. شما نسبت به جانشینِ پس از جانشین من چه حالی خواهیـد داشت ؟ عرض کردم: خداونـد مرا قربانت کنـد؛ چرا؟ فرمود: برای آنکه شـخص او را نمی توانیـد ببینید و ذکر او به نام مخصوصـش روا نیست. عرض کردم: پس چطور او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید حجّت از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم»)).

در بیشتر روایات این لقب به صورت «الحُجَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» به کار رفته است.(۲)

۳. خاتم الاوصیاء

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف خاتم الاوصـیا (پایان بخش جانشـینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضـرت در کودکی آن گاه که در آن سـنین لب به سخن گشود جاری شد. البته این لقب درباره حضرت علی علیه السلام به عنوان پایان بخش اوصیای آخرین پیامبر به کار رفته است.(۳)

طریف ابونصـر گویـد: «بر صاحب الزّمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف وارد شـدم؛ آن حضـرت فرمود: برای من صـندل احمر (نـوعی چوب خوش بو) بیـاور. پس برای ایشـان آوردم؛ آن حضـرت رو به من کرد و فرمود: آیـا مرا می شناسـی؟ گفتم: بله. سپس فرمود: من کیسـتم؟ عرض کردم: شـما آقـای من و فرزنـد آقـای من هستیـد. پس آن حضـرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداونـد مرا فـدای شـما گرداند! بفرمایید مقصودتان چه بود؟ حضـرت فرمود: «اَنَا خَاتَمُ الاَوْصِـیاءِ وَبِی یدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ البَلاءَ عَنْ اَهلی وَشِیعَتی»؛(۴) «من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد».

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۰۲، ح ۱۶۹؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱۳.

۲- ر.ک: همان؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳- ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۴، ص ۹۳ و ج ۹۷، ص ۳۳۱.

۴- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان «خاتم الائمه» نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَعَاشِرَ النّاسِ اِنّی نَبی وَعَلی وَصیی اَلا ـ اِنَّ خَاتَمَ الاَئِمّهِ مِنّا القائِمُ الْمَهْدی...»؛(۱) «ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم و مهدی از ما است».

۴. شرید

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «شَرید»، به معنای آواره است. از آنجایی که ایشان در دوران غیبت، منزلی معیّن و خاصّ ندارد، به این لقب خوانده شده است.

اصبغ بن نباته گوید: از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر، شرید (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است».(۲)

۵. صاحب الامر

یکی از لقب های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الامر» است. امام صادق علیه السلام درباره اتفاقات هنگام ظهور می فرماید: «... یومَئذٍ مَنْ کانَ بِالمَدینهِ مِنْ وُلدِ عَلی اِلَی مَکَّهَ فَیلحَقُونَ بِصاحِبِ الاَمرِ وَیقْبِلُ صاحبُ الاَمرِ نَحوَ العِراقِ...»؛(۳) «... در این زمان هر کس از فرزندان علی علیه السلام که در مدینه است، به مکه می گریزد و به صاحب امر می پیوندد و او به سوی عراق روی می آورد...».

اگرچه همه امامان علیهم السلام صاحب امر امامت بوده اند؛ ولی به جهت عظمت امر امامت و قیام آن حضرت، این لقب درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متداول تر است. ریان بن صلت گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: «اَنَا صاحِبُ هذَا الامْرِ وَلکِنّی لَسْتُ

۱- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۹۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳.

۳- الغیبه، ص ۲۷۰، باب ۱۴، ح ۴۳.

بِالَّذی اَمْلاها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوراً، وَکَیفَ اَکُونُ ذلِکَ عَلی ما تَری مِنْ ضَعْفِ بَدَنی، وَاِنَّ القائِمَ هُوَ الَّذی اِذا خَرَجَ کانَ فی سِنِّ الشُّیوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبابِ...»؛(۱) «من صاحب الامر هستم؛ امّانه آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همان گونه که پر از جور شده باشد و چگونه او باشم، در حالی که ضعف بدن مرا می بینی و قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیام می کند...».

البته آنچه بیشتر در روایات آمده «صاحبُ هذا الامر» است؛ ولی رفته رفته این ترکیب به «صاحب الامر» تبدیل شده و به عنوان یکی از القاب آن حضرت درآمده است.

۶. صاحب الدار

در برخی از روایات از «صاحب الدار» به عنوان لقب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. مقصود از «دار» (خانه)، خانه پدری و جدّ آن حضرت است که در آنجا غایب شده است. از آنجایی که ذکر نام آن حضرت، در آن دوران جایز نبود، از انواع کنایه ها استفاده شد که از جمله آنها «صاحب الدار» است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: از محمدبن عثمان عمری قدس سرّه خواستم تا نامه ای که در آن پرسش های سختی را مطرح کرده بودم، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برساند. پس توقیعی به خط مولایمان «صاحب الدار» صادر شد...».(۲)

ممکن است این لقب، مانند برخی دیگر از القاب آن حضرت، در موارد تقیه و ترس از دشمنان به کار می رفته است.

۷. صاحب الزّمان

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «صاحب الزَّمان» است. این لقب اگرچه در متن روایات به ندرت ذکر شده است؛ ولی در زبان راویان و اصحاب و شیعیان، فراوان مورد استفاده قرار

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۵، ح ۸.

۲- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ ص ۳۶۲؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

گرفته است.(۱)

امـام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «... وَ آخِرُهُمُ القائِمُ بِالحَقِّ بَقیهُ اللهِ فی الاَرْضِ وَصاحِبُ الزَّمانِ»؛(۲) «و آخرین آنها قائم به حق، بقیهاللّه در زمین و صاحب الزّمان است».

فضـل بن شاذان در کتاب فضایل از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم نقل کرده است: «مَنْ اَحَبَّ اَنْ یلقِی اللّهَ وَ قَدْ کَمُلَ ایمانُهُ وَ حَسُنَ اِسـلامُهُ فَلْیوالِ الحُجَّهَ صاحِبَ الزَّمانِ القائمَ المُنْتَظَرَ المَهْدِی...»؛(۳) «هر آن کس کـه دوست دارد خداونـد را در حال کمال ایمان و حسن اسلام ملاقات کند، پس باید حجّت، صاحب الزّمان، قائم، منتظر و مهدی را دوست داشته باشد».

اگرچه هر یک از ائمه علیهم السـلام، صاحب زمان خویش انـد؛ ولی به اعتبار طول عمر فراوان حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و اینکه مـدت زمـانی بیشتر از بقیه ائمه علیهم السـلام زنـدگی کرده است، ایشان بیشتر به این لقب شـهرت یافته است.

۸. صاحب السَّیف

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در پاره ای از روایات معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده «صاحب السـیف» (صاحب شمشـیر) است. درباره سـلاح حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، صراحتی وجود نـدارد؛ ولی ممکن است، این گونه روایات را حمل بر ظاهر کرد؛ یعنی، آن حضـرت با همان سـلاح های متداول عصر بعثت پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم ظهور خواهد فرمود. در این صورت «صاحب السیف» در معنای حقیقی خود به کار می رود؛ اگر چه در مقابـل می توان آن را کنـایه از «صـاحب القـدره والعظمه» دانست و «سـیف» را در اینجـا به معنای ابزار غلبه و قدرت معنا کرد.

در کتاب کافی نقل شده است: وقتی از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسیده شد، آن

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۴۴، ح ۲۱۱ و ص ۲۷۱، ح ۲۳۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳.

۳- شاذان بن جبرئیل، الفضایل، ص ۱۶۶.

حضرت فرمود: «كُلُّنا قائِمٌ بِأَمرِاللّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ واحِدٍ حَتَّى يجِى ءَ صاحِبُ السَّيفِ فَاِذا جَاءَ صاحِبُ السَّيفِ جاءَ بِأَمرٍ غَيرِالَّذى كانَ»؛(۱) «همه ما قائم به امر خداییم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید. چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده، می آورد (پدرانش مأمور به تقیّه و صبر بودند و او مأمور به جهاد و برانداختن ظلم است)».

گفتنی است این لقب، همانند بسیاری از القاب دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، اختصاص به آن حضرت ندارد و بقیه ائمه علیهم السلام نیز به این عنوان، ملقّب بوده اند. در این باره حَکم بن ابی نعیم گوید: در مدینه خدمت امام باقر علیه السلام رسیدم و عرض کردم: من بین رکن و مقام نذر کرده و به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کنم، از مدینه بیرون نروم تا زمانی که بدانم شما قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستید یا نه؟ حضرت هیچ پاسخی به من نفرمود. من سی روز در مدینه بودم، سپس در بین راهی به من برخورد کرد و فرمود:ای حکم! تو هنوز اینجایی؟ گفتم آری، من نذر خود را به شما عرض کردم و شما مرا امر و نهی نکرده و پاسخی نفرمودید.

فرمود: فردا صبح زود به منزل من بیا. فردا خدمتش رفتم، فرمود: مطلبت را بپرس. عرض کردم: من بین رکن و مقام، نذر کرده و روزه و صدقه ای برای خدا به عهده گرفته ام که اگر شما را ملاقات کردم، از مدینه بیرون نروم؛ جز آنکه بدانم آیا شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ اگر شما هستید، ملازم خدمتتان باشم و اگر نیستید، در روی زمین بگردم و در طلب معاش برآیم. فرمود:ای حکم! همه ما قائم به امر خدا هستیم.

عرض کردم: شما مهدی هستی؟ فرمود: همه ما به سوی خدا هدایت می کنیم. عرض کردم: شما صاحب شمشیری؟ فرمود: همه ما صاحب شمشیر و وارث شمشیریم (شمشیر پیغمبر به ما به ارث رسیده و همراه ما است). عرض کردم: شما هستید آن که دشمنان خدا را می کشد و دوستان خدا به وسیله او عزیز می شود و دین خدا آشکار می گردد؟ فرمود:ای حکم! چگونه من او باشم، در صورتی که به ۴۵ سالگی رسیده ام؛ حال آنکه صاحب این امر از من به دوران شیرخوارگی نزدیک تر و هنگام سواری چالاک تر است».(۲)

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

۲- کافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۱.

۹. صاحبُ الغَیبَه

در برخی روایات از این لقب، برای معرفی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اثبات غیبت برای ایشان استفاده شده است. امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَهُوَ صاحِبُ الغَیبَهِ قَبلَ خُرُوجِهِ»؛(۱) «و او است صاحب غیبت قبل از ظهورش...».

همچنین از امام حسین علیه السلام نقل شده است: «قائِمُ هَذِهِ الُامَهِ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدی وَهُوَ صاحِبُ الغَیبَهِ...»؛(۲) «قائم این امت، نهمین از فرزندان من است و او صاحب الغیبه است...»

البته احتمال دارد مقصود از این ترکیب، لقب نباشد؛ بلکه ترجمه آن مقصود باشد؛ یعنی، کسی که دارای غیبت است. احتمال دیگر اینکه این لقب نیز مانند بعضی از القاب، جهت تقیّه به کار می رفته است.

۱۰. غریم

این واژه در کتاب های لغت، هم به معنای طلبکار آمده است و هم به معنای بدهکار.(۳) در روایات فراوانی از آن، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است. بیشتر به نظر می رسد مقصود، معنای نخست آن باشد. این لقب نیز، از روی تقیّه بوده که هرگاه شیعیان می‌خواستند مالی را نزد آن حضرت یا وکیلان ایشان بفرستند، یا وصیت کنند و یا از جانب آن حضرت مطالبه کنند، این لقب را به کار می بردند.

شیخ مفید رحمه الله به این نکته تصریح کرده، می نویسد: «کلمه غریم، رمزی بود بین شیعه که وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از روی تقیه یاد می کردند، از آن استفاده می نمودند».(۴)

بنابراین استفاده از این لقب بیشتر در ارتباطات مالی شیعیان با حضرت مهدی علیه السلام آن هم در طول غیبت صغرا بوده است.(۵)

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۵؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۳۶.

۴- الارشاد، ص ۳۵۴.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۴۵، ح۵.

محمد بن صالح گوید: «وقتی پدرم از دنیا رفت و امر به من رسید، حواله هایی نزد پدرم بود که نشان می داد، مربوط به اموال غریم است».(۱) اسحاق بن یعقوب گوید: «از شیخ عَمری قدس سرّه شنیدم که می گفت: با مردی شهری مصاحبت داشتم و به همراه او مالی برای غریم بود و آن را برای او فرستاد».(۲) محمد بن هارون گوید: «از اموال غریم، پانصد دینار بر ذمه من بود».(۳)

۱۱. غلام

«غلام» در لغت به معنای پسربچه است.(۴) در برخی روایات از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با عنوان «غلام» یاد شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لابُدَّ لِلْغُلام مِنْ غَیبَهٍ» فَقیلَ لَهُ: وَلِمَ یا رَسُولُ اللّه؟ قالَ: «یخافُ القَتْلَ»؛(۵) «به ناگزیر برای غلام غیبتی است». گفته شد:ای رسول خدا! برای چه؟ فرمود: « از ترس مرگ».

این لقب نیز، گاهی در معنای لغوی خود به کار می رفته و مقصود همان پسر بچه و جوان بوده است و گاهی به جهت شرایط حاکم بر زمان آن عصر، از روی تقیه گفته می شده و به عنوان لقب به کار می رفته است.

۱۲. فرید

«فرید» در لغت به معنای «تک» است. در روایات به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کار رفته است. اصبغ بن نباته می گوید: «از امیرمؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر شرید (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است».(۶)

۱- کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۴۵، ح۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، باب۴۵، ح ۱۷.

۴- طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۲۷.

۵- علل الشرایع، ج ۱ ص ۲۴۳، ح ۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵ و ص ۴۴۲، ح ۲۹.

۶- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳.

۱۳. قائم

اشاره

با مراجعه به روایات مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می توان گفت: هیچ لقبی به اندازه «قائم»، برای آن حضرت استعمال نشده است. گویا از آنجایی که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخشان ترین فصل زندگی ایشان است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح قرار گرفته است.

بنابر این مهمّ ترین علت اتصاف به این لقب، آن است که وی در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد.(۱) البته می توان تمامی ائمه علیهم السلام را قائم دانست؛ اما ویژگی های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان ممتاز ساخته است.

درباره وجه نامیده شدن حضرت به «قائم»، می توان به روایات زیر اشاره کرد: ابوحمزه ثمالی می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم:ای فرزند رسول خدا! آیا همه شما قائم و به پا دارنده حق نیستید؟ فرمود: بلی؛ عرض کردم: چرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را قائم نامیده اند؟ فرمود: هنگامی که جدّ من حضرت سیدالشهدا حسین بن علی علیهما السلام شهید شد، ملائکه به درگاه خداوند ضجه و ناله نموده، نزد او شکایت کردند... پس خدای عزوجل امامان از فرزندان حسین علیه السلام را به آنان نشان داد و ملائکه از دیدن آنان خوشحال شدند. در آن هنگام دیدند که یکی از ایشان در حال قیام است و نماز می خواند. پس خداوند عزّ و جلّ فرمود: به وسیله این قائم(ایستاده) از آنان (قاتلان حسین) انتقام خواهم گرفت».(۲)

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد: چرا او را قائم می نامند؟ فرمود: «لأَنَّهُ یقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِکْرِهِ وَارْتِدادِ اَکْثَرِ القائِلینَ بِاِمامَتِهِ»؛(۳) «چون پس از آن قیام می کند که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش برگشته اند».

لقب «قائم» اگرچه درباره ای ازموارد به تنهایی به کار رفته است؛ ولی در بعضی از موارد، به

۱- الارشاد، ص ۷۰۴، ح ۲.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۳۹.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

کلماتی دیگر اضافه شده که هر کدام گویای معنایی خاصّ است؛ مانند:

۱–۱۳. «القائِمُ مِنْ وُلْدی» (قیام کننده از فرزندانم)

برخی از معصومان علیهم السلام اصرار داشته اند که آن قیام کننده را از فرزندان خود معرفی کنند تا کسانی که از غیر آنان خود را قائم معرفی می کنند، رسوا شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ اَنْکَرَ الْقائِمَ مِنْ وُلْدی فِی زَمانِ غَیبَتِهِ فَماتَ فَقَد ماتَ میتَةً جاهِلیةً»؛(۱) «کسی که قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلی مرده است».

امام صادق علیه السلام فرمود: «اَلقائِمُ مِنْ وُلدی یعْمُرُ عُمْرَ خَلیلِ الرَّحْمنِ...»؛(۲) « قائم از فرزندان من عمر می کند، عمر او به اندازه عمر خلیل الرحمان است...».

۲–۱۳. «قائِمهم» (قائم آنان)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم زمانی که ائمه علیهم السلام را معرفی می کند و سخن از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان می آورد بیشتر از آن حضرت با عنوان قیام کننده آنان (اهل بیت) یاد می فرماید؛ چنان که خطاب به حسین بن علی علیهما السلام فرمود: «تو آقا و فرزند آقا هستی. تو امام و فرزند امام هستی. تو حجّت، فرزند حجّت و پدر حجّت های نه گانه هستی که نهمین آنان قائم ایشان است».(۳)

گویا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها قیام کننده (موفق) از فرزندان امام حسین علیه السلام را، آخرین ایشان معرفی کرده و او را از فرزندان آن حضرت دانسته است.

۳–۱۳. «قائِمُ لِلْحَقِ مِنّا» (قیام کننده برای حق از ما)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایتی فرمود: «قیامت بر پا نمی شود؛ مگر اینکه قیام کننده ای

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۹، ح ۱۲.
۲- دلائل الامامه، ص ۲۵۸؛ الغیبه، ص ۱۸۹، ح ۴۴.
۳- عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۷.

برای حق از ما (اهل بیت) به پا خیزد ».(۱)

از این حدیث به دست می آید که تنها قیام برای اقامه حق، مطلوب است. همچنین قیامی که به تمامی صالحان وعده داده شده، تنها به وسیله فردی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحقّق خواهد یافت.

۴-۱۳. «قائِمُنا اَهْلَ البَیتِ» (قائم ما اهل بیت)

امام باقر علیه السلام فرمود: «بهترین لباس هر زمان، لباس اهل آن زمان است؛ اما آن گاه که قائم ما اهل بیت قیام می کند، لباس علی علیه السلام را بر تن کرده و بر روش او حکومت خواهد نمود».(۲)

۵-۱۳. «قائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ» (قیام کننده از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم)

امام رضا علیه السلام فرمود: «تَمامُ الاَمْرِ بِقائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ»؛(۳) «تمام امر به دست قائم آل محمد است».

۱۴. مُضْطَر

«مضطر» در لغت به معنای کسی است که بیماری، فقر و یا سختی های روزگار، او را ناگزیر به تضرّع در درگاه خداوند کرده است.(۴) در برخی روایات از این لقب، به عنوان یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده و در قرآن مجید نیز مورد اشاره قرار گرفته است: «اَمَّنْ یجِیبُ المُضْطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیکْشِفُ السُوءَ»؛(۵) «ای کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را بر طرف می سازد».

در برخی از روایات، این آیه تفسیر به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «این آیه درمورد مهدی از آل محمد علیهم السلام نازل شده است؛ به خدا سوگند!

۱- عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۲- کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳- شیخ صدوق، التوحید، ص ۲۳۲، ح ۱.

۴- مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۳.

۵- نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

مضطر او است؛ هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز به جا می آورد و دست به درگاه خداوند متعال بر می دارد؛ خداوند دعای او را اجابت می کند، ناراحتی ها را بر طرف می سازد و او را خلیفه روی زمین قرار می دهد». (۱)

بدون شک منظور از این تفسیر، منحصر ساختن مفهوم آیه، به وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست؛ بلکه آیه معنای گسترده ای دارد که یکی از مصداق های روشن آن، وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پس زمانی که همه جا را فساد می گیرد، درها بسته می شود، کارد به استخوان می رسد، بشریّت در بن بست سختی قرار می گیرد و حالت اضطرار در کل عالم نمایان می شود؛ در این هنگام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مقدس ترین نقطه روی زمین، دست به دعا بر می دارد و تقاضای کشف سوء می کند. خداوند نیز این دعا را سرآغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار می دهد و به مصداق «یجْعلکم خلفاء الارض» او و یارانش را جانشینان روی زمین می کند». (۲)

۱۵. منتَظَر

یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، «منتظَر» است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود نیز همانند دیگر انسان ها، منتظر است تا روزی فرا رسد و اراده خداوند متعال، به برپایی حاکمیت جهانی عدل و قسط تعلق گیرد. اما تنها کسی است که انتظار ظهورش کشیده می شود؛ از این رو «منتظَر» نیز نامیده شده است.

از امام جواد علیه السلام پرسیده شد:ای فرزند رسول خدا! مهدی، به چه دلیل منتَظَر نامیده شده است؟ فرمود: «لَاَنَّ لَهُ غَیبَهً یکْثُرُ اَیامُها وَیطُولُ اَمَدُها فَینتَظِرُ خُرُوجَهُ المُخلِصُونَ وَینکِرُهُ المُرْتابُونَ...»؛ (۳) «به این علت که برای او غیبتی است که روزهایش زیاد می شود و مدتش بسیار طول می کشد. پس مخلصان، انتظار ظهورش را می کشند و اهل تردید او را نکار خواهند کرد...».

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴؛ ر.ک: الغیبه، ص ۱۸۱، ح ۳۰.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۲۱ و ۵۲۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

زراره بن اعین نیز می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «اِنَّ لِلْقائِمِ غَیبَهً قَبْلَ اَنْ یقُومَ»؛ قُلتُ لَهُ: وَ لِمَ؟ قالَ: «یخافُ»؛ ــ و اَوْماَ بِیدِهِ اِلی بَطْنِهِ ــ ثُمّ قالَ: یا زُرارَهُ وَهُوَ الْمُنتَظَرُ الَّذی یشُکُّ النَّاسُ فِی وِلادَتِهِ...»؛(۱) «به درستی که برای قائم پیش از آنکه قیام کند، غیبتی است. عرض کردم: قربانت شوم! برای چه؟ فرمود: می ترسد و به شکم خود اشاره کرد سپس فرمود: او است منتظری که مردم در تولدش شک کنند...».

۱۶. مُنتقم

«منتقم»، به معنای انتقام گیرنده و یکی از القاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. آن حضرت می فرماید: «اَنَا بَقِیهُ اللَّهِ فِی اَرْضِهِ وَالمُنتَقِمُ مِنْ اَعْدائِهِ»؛(۲) «من باقی مانده خدا در روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «چون حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی ضجه سردادند و گفتند: پروردگارا! با حسین چنین شد؛ درحالی که او صفیّ تو و فرزند پیامبرت است!؟ پس خداوند نور قائم علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: به وسیله این]شخص [انتقام او را خواهم گرفت».(۳)

البته در پاره ای از روایات نیز گفته شده است: «آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی امامان علیهم السلام و مظلومان است».(۴)

۱۷. منصور

در احادیث فراوانی رسیده است که حضرت مهدی علیه السلام ، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْب» وَ «مُؤَیدٌ بِالنَّصْرِ» است؛ یعنی، به هنگام ظهور، رعب او در دل های قدرت مندان می افتد و نیروهای

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۳- کافی، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۶؛ شیخ طوسی، امالی، ج ۲، ص ۳۳.

۴- ر.ک: الغیبه، ص ۱۴۰، ح ۱؛ کافی، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

غیبی و نامرئی، به کمک او و یاران او می شتابند. البته آنچه درباره یاری آن حضرت به وسیله نیروهای غیبی گفته شده، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و بایسته است که مردم، آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری رسانند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت».(۱)

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اَلْقائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ»؛(۲) «قائم ما به]افتادن[ترس در دل دشمنان، یاری شده است».

۱۸. مهدی

یکی از مشهور ترین القاب قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مهدی است. «مهدی»، اسم مفعول و به معنای هدایت شده است. کلمه «مهدویّت» نیز بر گرفته از همین ریشه است. این واژه در بین اهل سنّت، از شهرت بیشتری برخوردار است؛ به گونه ای که آن حضرت بیشتر با این واژه نزد آنها شناخته می شود.

البته گاهی نیز در معنای فاعلی به معنای «هدایت کننده» به کار رفته است. محمدبن عجلان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «... و قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را از آن جهت مهدی گفته اند که مردم را به آیینی که از دست داده اند، هدایت می کند...».(۳)

اما آنچه بیشتر در روایات آمده، همان معنای نخست است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «به درستی که مهدی نامیده شد؛ به جهت اینکه به امر مخفی هدایت می شود. او تورات و سایر کتاب های الهی را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد».(۴)

امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ پرسشی فرمود: «لاَنَّهُ یهْدی اِلی کُلِّ اَمْرٍ خَفی»؛(۵) «به جهت

۱- الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹، ص ۲۴۳، ح ۴۳؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۹.
۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.
۳- الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲.
۴- علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۱، ح ۳؛ الغیبه، ص ۲۳۷، ح ۲۶.
۵- کتاب الغیبه، ص ۴۷۱؛ الغیبه، ص ۲۳۷.

اینکه به تمامی امور پنهان هدایت می شود».

گفتنی است لقب «مهـدی»، بیشتر درباره آن حضـرت بعد از ظهور و قیام و لقب «قائم»، قبل از ظهور و قیام استـفاده شده است. امام صادق علیه السـلام درباره برخی از وقایع پس از ظهور می‌فرمایـد: «... ثُمَّ یأمُرُ مُنادِیاً فَینادِی: هَذا المَهْدِی...»؛(۱) «به منادی دستور داده خواهد شد؛ پس ندا در می دهد که این است مهدی».

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز فرمود: «پس از ظهور کسـی نزد او آمده، می گوید:ای مهدی! به من عطا کن! و آن حضرت می فرماید: بگیر».(۲)

لقب مهدی، اگرچه اختصاص به آخرین امام ندارد و بقیه امامان علیهم السـلام نیز مهدی هستند؛ ولی تنها از پیشوای دوازدهم، به عنوان «مهدی» یاد شده است.

این لقب از همان آغاز شـکل گیری بحث «مهدویّت»، بر زبان معصومین علیهم السلام رایج بوده و در روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، این لقب بیان شده است. بنابراین در کتاب های اهل سنّت نیز فراوان این لقب آمده است.(۳)

امام حسـین علیه السلام فرمود: «دوازده مهدی از ما است: نخستین ایشان امیرمؤمنان علی علیه السلام بود و آخرین ایشان نهمین فرزند از نسل من است...».(۴)

محمدبن عمران گفت: من از امام ششم علیه السلام شنیدم که می فرمود: «ما دوازده مهدی هستیم».(۵)

۱- الغیبه، ص ۳۱۳، ح ۵.

۲- الغیبه، ص ۹۲.

۳- ر.ک: الصـنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۷۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۰۸۵، ۴۰۸۶، ۴۰۸۷، ۴۰۸۸؛ سنن ابوداود، ج ۴، ص ۱۰۷، ح ۲۴۸۵.

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶.

۵- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴.

خود آزمایی

۱. در باره لقب «بقیه الله» توضیح دهید.

۲. «حجّت» به چه معنا است؟ در باره آن توضیح دهید.

۳. «غریم» از نظر لغت به چه معنا است و چرا به حضرت مهدی علیه السلام «غریم» گفته‌اند؟

۴. درباره لقب «قائم» توضیح دهید.

۵. «مهدی» از نظر لغت به چه معنا است و چرا به امام دوازدهم مهدی گفته اند؟

۶. علاوه بر القاب یادشده، پنج لقب مهم دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. میرزاحسین طبرسی، منجم الثاقب، چ دوم، (انتشارات مسجدجمکران، قم،۱۳۷۷ه.ش).

۲. علی سلیمانی بروجردی، شهاب الثاقب در اسماء و القاب امام الغائب، (هم میهن، قم، ۱۳۸۱ ه .ش).

۳. طاهره مسلمی زاده، فراتر از اشتیاق (جستجوی القاب و اوصاف مبارک حضرت اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادعیه و زیارات)، خانه کتاب ایران، مشهد، ۱۳۷۸ ه . ش.

۴. سید حسین حسینی، نام محبوب (بررسی در نام ها و القاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف)، (آفاق، تهران، ۱۳۷۵ ه .ش).

۵. محمد کاظم بهنیا، نام نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، (رایحه، تهران، ۱۳۷۶ه .ش).

درس چهاردهم: شمایل و ویژگیهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

شمایل و ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفدر دوران غیبت.

شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

برخی ویژگی های خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱ . مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت

۳. روشن شدن چراغی در«بیت الحمد» از ولادت تا هنگام ظهور

۴. خاتم الاوصیا بودن

۵. پنهان زیستی

۶. میراث انبیا نزد ایشان

۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان

۸. طول عمر فراوان آن حضرت

۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت

۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام برای یاری آن حضرت

۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی

۱۲. آکنده شدن زمین از عدل و داد به دست ایشان

پیش درآمد

پیشوایان معصوم ما علیهم السلام ، همگی نور واحد و دارای اشتراکات فراوانی اند؛ اما در بعضی روایات، برای هر یک از ایشان ویژگی هایی خاص بیان شده است. این ویژگی ها در کنار خصلت های مشترک، به عنوان نکات قابل توجه در هر یک از امامان علیهم السلام مطرح است. حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین پیشوای شیعیان، اگر چه بسان دیگر ائمه علیهم السلام دارای صفات و ویژگی‌هایی است؛ اما دارای خصوصیاتی است که تنها در باره ایشان گفته شده است.

در این درس ابتدا برخی از ویژگی‌های جسمانی آن حضرت و سپس به پاره‌ای از ویژگی‌های اختصاصی ایشان پرداخته می‌شود.

محدثان معتبر از شیعه و اهل سنّت بنا بر احادیث بسیاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام، شمایل و اوصاف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب های خویش بیان کرده اند. مجموعه این روایات را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. روایاتی که شمایل آن حضرت را پس از ولادت و دوران کودکی توصیف کرده است.

۲. حکایاتی که ملاقات کنندگان با آن حضرت در طول دوران غیبت، ذکر کرده اند.

۳. احادیثی که به نقل از معصومین:، شمایل و ویژگی های جسمانی آن حضرت را هنگام ظهور و حکومت ایشان بیان کرده است.

۱. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ولادت و دوران کودکی

ضوء بن علی از مردی از اهل فارس، حکایتی نقل و در ضمن آن، برخی از اوصاف حضرت را در نوزادی بیان کرده است: «...پسر بچه ای سفید و زیبا روی بود ...مویی از بالای سینه تا ناف، به

رنگ سبز نه سیاه روییده بود ...».(۱)

یعقوب منقوش گوید: «خدمت امام حسن عسکری۷ وارد شدم. داخل حیاط بر سکویی نشسته بود. سمت راستش اتاقی قرار داشت و بر آن پرده ای آویخته بود. عرض کردم:ای سید من! صاحب امر امامت، بعد از شما کیست؟

فرمود: این پرده را بالا بزن! آن را بالا زدم. پسر بچّه ای به قامت پنج وجب که به نظر می آمد هشت الی ده سال داشت بیرون آمد؛ با پیشانی درخشان، روی سفید، دو چشم براق، دو کتف ستبر و دو زانوی برگشته. در گونه راستش خالی و در سرش گیسوانی بود. بر زانوی پدر خود ابی محمد علیه السلام نشست؛ پس به من فرمود: این است صاحب الامر شما».(۲)

۲. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت

این دسته حکایات را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. حکایاتی که شمایل آن حضرت را در دوران غیبت صغرا توصیف کرده است.(۳) در این گروه، گاهی ویژگی های جسمانی آن حضرت، مانند پدر بزرگوارشان دانسته شده(۴) و در برخی موارد نیز به صورت جزئی تر، مورد اشاره قرار گرفته است.

از اوصاف آن حضرت در این دوران می توان به موارد ذیل اشاره کرد: صورتی گندم گون،(۵) گردنی بسیار زیبا،(۶) دارای قامتی نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه، پیشانی بلند، چهار شانه، بینی کشیده، بر روی گونه راستش خالی زیبا و ... .(۷)

ب. حکایاتی که سخن از شمایل آن حضرت در دوران غیبت کبرا به میان آورده است.(۸)

۱- کافی، ج۱، ص۳۲۹، ح۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۳۵،باب ۴۳، ح۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۷۸، ح ۱؛ رک: کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲.

۳- اگر چه این دسته حکایات کم و بیش در دست است؛ اما در کمتر حکایتی به روشنی از ویژگی های آن حضرت صحبت شده است.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۴۴۱، ح۱۲.

۵- کتاب الغیبه، ص۲۵۷.

۶- کتاب الغیبه، ص۳۵۵.

۷- کتاب الغیبه، ص۲۶۶.

۸- البته قبول این اوصاف منوط به این است که ما اساساً ادعای ملاقات با آن حضرت را در دوران غیبت کبرا بپذیریم. به علاوه در اغلب آن حکایات به روشنی به اوصاف حضرت اشاره ای نشده است.

۳. شمایل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

در بعضی از روایات شمایل حضرت، به هنگام ظهور، قیام و عصر حکومت ذکر شده است. یکی از مهم ترین ویژگی های آن حضرت در این دوران، قوّت فوق العاده جسمانی ایشان است.

امام رضا علیه السلام فرمود: «... وَاِنَّ القائِمَ هُوَ الَّذی اِذا خَرَجَ کانَ فی سِنِّ الشُّیوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبّانِ قَوِیاً فی بَدَنِهِ حَتّی لَوْ مَدَّ یدَهُ اِلی اَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلی وَجْهِ الاَرْضِ لَقَلَعَها وَلَوْ صاحَ بَینَ الجِبالِ لَتَدَکْدَکَتْ صُخُورُها...»؛(۱) «... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. نیرومند باشد تا جایی که اگر دست به بزرگ ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه ها نعره کشد، سنگ های آنها را از هم بپاشد».

امیرمؤمنان علی علیه السلام درباره برخی از ویژگی های ظاهری جسمانی ایشان در عصر ظهور فرمود: «یخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدی فی آخِرِ الزَّمانِ اَبْیضُ اللَّونِ مُشْرَبٌ بالحُمْرَهِ مَبْدَحُ البَطنِ عَریضُ الفَخِذَینِ عَظیمُ مَشاشِ المَنْکَبینِ بِظَهرِه شامَّتانِ: شامَةٌ عَلی لَوْنِ جِلْدِهِ و شامَةٌ عَلی شِبْهِ شامَهِ النَبی صلی الله علیه و آله و سلم...»؛(۲) «مردی از فرزندانم در آخِرُالزّمان ظهور می کند. رنگش سفید آمیخته به سرخی و شکمش بر آمده است. دو رانش ستبر و هر دو شانه اش قوی است. در پشتش دو خال است (مانند مهر)؛ یکی به رنگ پوستش و دیگری چون مهر نبوّت پیغمبر».

آن حضرت همچنین فرمود: «...وَهُوَ رَجُلٌ اَجْلَی الجَبینِ، اَقْنَی الاَنْفِ، ضَخْمُ البَطْنِ، اَزْیلُ الفَخِذَینِ بِفَخِذِهِ الیمْنی شامَةٌ، اَفْلَجُ الثَّنایا، وَیملا الاَرضَ عَدلاً کَما مُلِئَتْ ظُلماً وَجُوراً»؛(۳) «... او مردی بلند پیشانی و دارای بینی باریکی است که میانش اندک برآمدگی دارد. برآمده شکم و دارای ران های درشت و پهن است. خالی بر ران راست او قرار دارد. میان دو دندان پیشین او، گشاده است...».

امام باقرعلیه السلام نیز در وصف آن حضرت فرمود: «... او شخصی سرخ و سفید و دارای چشمانی گرد و فرو رفته است. ابروانی پر پشت و برجسته و شانه ای پهن دارد ...».(۴)

۱- رک: کافی، ج ۱، ص ۵۱۴، ح ۲؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸، ح ۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۳، ح۱۷.

۳- نعمانی، الغیبه، ص۲۱۴، ح۲.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۵، ح ۳.

امام علی علیه السلام فرمود: «مهدی دارای چشمانی سیاه و درشت است. موهایی مجعّد و خالی بر گونه دارد...».(۱)

ایشان در کمال جوانی ظهور خواهد کرد؛ چنان که امام باقرعلیه السلام فرمود: «مهدی در حالی قیام خواهد کرد که یک تار موی سفید، در سر و محاسن او دیده نمی شود».(۲)

همین معنا در کلام نورانی امام مجتبی علیه السلام آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سالی کمتر از چهل، ظهور خواهد کرد.(۳)

برخی ویژگی‌های خاصّ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. مخفی بودن آثار حمل در مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از ویژگی‌های خاص آن حضرت این است که زمانی که مادر آن حضرت به ایشان باردار بوده، اثری از حمل در آن بانوی بزرگوار مشاهده نمی شد. این موضوع هر چند در برخی از پیامبران علیهم السلام سابقه داشته؛ ولی در باره امامان معصوم علیهم السلام این چنین، گزارش نشده است.

وقتی امام حسن عسکری علیه السلام نوید ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عمه بزرگوار خود (حکیمه خاتون) می‌دهد، آن بانو با کمال شگفتی می پرسد: چگونه امشب آن نور پاک از نرجس به دنیا می آید؛ در حالی که اثری از بارداری در او مشاهده نمی‌شود؟(۴)

۲. مخفی بودن ولادت آن حضرت

از مهم ترین ویژگی های ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، مخفی بودن آن است. سَعِيدِ بْنِ جُبَير می گوید: از امام سجاد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «فِي الْقَائِمِ مِنَّا سُنَنٌ مِنْ سُنَنِ الانْبِياءِ علیهم السلام ... وَ سُنَّةٌ مِنْ إِبْرَاهِيمَ ... وَ أَمَّا مِنْ إِبْرَاهِيمَ فَخَفَاءُ الْوِلادَهِ وَ اعْتِزَالُ النَّاسِ ...»؛(۵) «در قائم ما سنّت هایی از پیامبران وجود دارد ... اما از ابراهیم پنهانی ولادت و کناره گیری از مردم...».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۴، ح ۱۴.

۲- نعمان بن محمدبن منصور، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۸۰.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۲۶،ح۲؛ کشف الغمه، ج۲، ص۴۹۸؛ دلائل الامامه، ص۲۶۸.

۵- شیخ صدوق رحمه الله، کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، باب ۳۱، ح۳.

۳. روشن شدن چراغی در بیت الحمد، از ولادت تا هنگام ظهور

«بیت» در لغت به معنای خانه و «حمد» به معنای ستایش و ثنا است. این واژه در بعضی از روایات ، به کار رفته و از آن به عنوان جایگاهی مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است.

مفضل گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «اِنَّ لِصَاحِبِ هَذا الاَمْرِ بَیتاً یقَالُ لَهُ بَیتُ الحَمْدِ فِیهِ سِرَاجٌ یزهَرُ مُنذُ وُلِدَ اِلَی یوْمَ یقُومُ بِالسَّیفِ لا یطْفَأ»؛(۱) «همانا برای صاحب این امر خانه ای است که بدان «بیت الحمد» می گویند. در آن چراغی هست که از هنگام ولادت روشنی می بخشد؛ تا روزی که با شمشیر قیام می کند، خاموش نخواهد شد».

اگر چه به روشنی جایگاه این خانه و چگونگی روشنایی آن، بیان نشده است؛ ولی احتمال می رود مقصود، معنای کنایی باشد که با ولادت آخرین حجّت الهی، چراغ هدایت بشر با فروغی هر چه بیشتر، به پرتو افشانی پرداخته و زمین را از نور وجود خود آکنده ساخته است. این روایت با همین مضمون از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.(۲)

۴. خاتم الاوصیا بودن ایشان

«خاتم الاوصیاء»، به‌معنای پایان بخش جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. یکی از ویژگی‌های اختصاصی آن حضرت، آن است که پایان بخش سلسله امامت است. این لقب ابتدا بر زبان خود آن حضرت در کودکی، جاری شد.

طریف ابونصر گوید: «بر صاحب الزّمان وارد شدم؛ آن حضرت فرمود: برای من صندل احمر (نوعی چوب خوش بو) بیاور. پس برای ایشان آوردم؛ آن حضرت به من رو کرد و فرمود: آیا مرا می شناسی؟ گفتم: بله سپس فرمود: من کیستم؟ عرض کردم: شما آقای من و فرزند آقای من هستید. پس آن حضرت فرمود: مقصودم این نبود! گفتم: خداوند مرا فدای شما گرداند. بفرمایید مقصودتان چه بود؟

حضرت فرمود: «اَنَا خَاتَمُ الاَوْصیاءِ وَبِی یدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ البَلاءَ عَنْ اَهلی وَشِیعَتی»؛(۳) «من خاتم الاوصیاء هستم که خداوند به وسیله من، بلا را از اهل و شیعیانم دور می سازد».

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۹، ح ۳۱.

۲- محمد بن حسن طوسی رحمه الله، کتاب الغیبه، ص ۴۶۷، ح ۴۸۳.

۳- کتاب الغیبه، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۱۲.

علاوه بر خاتم الاوصیاء از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الائمه نیز یاد شده است؛ چنان که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «مَعَاشِرَ النّاسِ اِنّی نَبی وَعَلی وَصیی اَلا اِنَّ خَاتَمَ الاَئِمّهِ مِنّا القائِمُ الْمَهْدی...»؛(۱) «ای مردمان! من پیامبرم و علی جانشین من است. آگاه باشید که خاتم الائمه، قائم مهدی از ما است».

این ویژگی نیز اختصاص به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

۵. پنهان زیستی ایشان

با مراجعه به مجموعه های روایی روشن می شود که شمار بسیاری از احادیثی که درباره وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و از ظهور او نوید داده است؛ از غیبت غمبار او نیز خبر می دهد. غیبت آن حضرت با ویژگی های خاص خود به این صورت نه تنها برای هیچ یک از امامان علیهم السلام رخ نداده، که برای هیچ یک از پیامبران نیز اتفاق نیفتاده است. البته از برخی روایات استفاده می شود که یک نحوه غیبتی، برای برخی از انبیا بوده است.

۶. میراث انبیا نزد ایشان

یکی از ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که هنگام ظهور، بسیاری از میراث های پیامبران را به همراه خواهد داشت. درباره اینکه این امور به چه منظور نزد او جمع شده، سخن صریحی وجود ندارد؛ ولی با توجّه به نقش آن حضرت که همان نقش انبیا و اولیا است و او آرزوی همه آنان را تحقق خواهد بخشید می توان نتیجه گرفت که تمامی ابزار آنان، در اختیار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار خواهد گرفت. دیگر اینکه آن حضرت وظیفه دارد تا همه پیروان ادیان را به دین مقبول الهی (اسلام) دعوت کند و این مواریث، نشانه هایی از حقانیت آن حضرت است. از این رو همان گونه که در روایات از زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام ، به عنوان هدایت مسیحیان و ارجاع ایشان به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام یاد شده؛ می توان سایر میراث ها را به عنوان وسیله ای برای اتمام حجّت بر آنان دانست.

۱- فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۹۷.

برخی از آنچه در روایات مورد اشاره قرار گرفته، عبارت است از:

۶۱. پیراهن رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

یعقوب بن شعیب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که به وی فرمود: «آیا پیراهن قائم را که هنگام قیام می پوشد نشانت ندهم؟ عرض کردم: چرا؛ پس آن حضرت جعبه ای را خواست و آن را گشود و از آن پیراهن کرباسی را بیرون آورد. آن را باز کرد که ناگهان دیدم در آستین چپ آن، آثار خون مشاهده می شود. سپس فرمود: این پیراهن پیامبر گرامی خداوند است؛ در روزی که دندان های پیشین آن حضرت ضربه دید. آن خون را بوسیدم و بر صورت خویش نهادم. سپس امام صادق علیه السلام آن را در هم پیچید و برداشت».(۱)

۶ ۲. عمامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ،

۶ ۳. زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ،(۲)

۶ ۴. سلاح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ،(۳)

۶ ۵. پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ،(۴)

۶ ۶. سنگ حضرت موسی علیه السلام ،(۵)

۶ ۷. عصای حضرت موسی علیه السلام ،(۶)

امام صادق علیه السلام فرمود: «عصای موسی چوب آسی از یک نهال بهشتی بود. هنگامی که وی به سوی مدین می رفت، جبرئیل آن را برایش آورد و آن عصا همراه با تابوت آدم، در دریاچه طبریه (در شمال فلسطین) است و هرگز آن دو نمی پوسند و تغییر نمی یابند تا اینکه حضرت قائم هنگام قیام، آن دو را بیرون می آورد».

۶ ۸. انگشتری سلیمان علیه السلام ،(۷)

۶ ۹. تشتی که حضرت موسی علیه السلام در آن قربانی می کرد.(۸)

۱- الغیبه، ص ۳۵۰، ح ۴۲.
۲- کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.
۳- الغیبه، ص ۳۴۹، ح ۴۰؛ کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵.
۴- الغیبه، ۳۴۳، ح ۲۸ و ۴۳۵، ح ۱.

۵- کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳.

۶- کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ الغیبه، ص ۲۳۸، ح ۲۸، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۷- الغیبه، ص ۳۴۳، ح ۲۷؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱.

۸- کافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ح ۱.

امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «اَلمَهْدِی مِنْ وُلْدِی، تَکُونُ لَهُ غَیبَهٌ وَ حَیرَهٌ تَضِلُّ فِیها الاُمَمُ، یأتِی بِذَخِیرَهِ الاَنبیاءِ فَیمْلأُها عَدْلاً وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً»؛(۱) «فرزندم مهدی یک غیبت و حیرتی دارد که امت ها در آن گمراه شوند. او با ذخیره پیغمبران می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند؛ آن گونه که پر از جور و ظلم شده باشد».

همان گونه که اشاره شد، شاید یکی از حکمت های این میراث داری، این است که پیروان تمامی ادیان، با دیدن میراث پیامبر خود، به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایمان آورند و نیز اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام ایشان، در برگیرنده تمامی اهداف پیامبران بزرگ است. از این رو در آن هنگامه عظیم، آن حضرت با در اختیار گرفتن میراث پیامبران بزرگ، هدف خود را که در واقع هدف جمیع آنان بوده است تحقق می بخشد.

۷. نبودن بیعت احدی بر گردن ایشان

مضمون برخی از روایات این است که آن حضرت با غیبت خود، مجبور به بیعت با طاغوت های زمان نمی شود. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «اِنَّ القائِمَ مِنّا اِذا قامَ لَمْ تَکُنْ لاَحدٍ فِی عُنُقِهِ بَیعَه فَلِذلکَ تُخفی وِلادَتُهُ وَیغیبُ شَخْصُهُ»؛(۲) «همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علّت است که ولادتش، مخفی نگه داشته می شود و شخص او غایب است».

همین معنا در کلامی از پیشوای دوم آن هنگام که به جهت مصالح اسلام و مسلمین تن به مصالحه با معاویه داد و مردم زبان به ملامت آن حضرت گشودند انعکاس یافت: «آیا ندانستید که هیچ یک از ما امامان نیست؛ مگر اینکه بیعت با ستمگری بر گردن او قرار می گیرد؛ به جز قائم که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می گزارد. پس به درستی که خداوند تبارک و تعالی ولادتش را مخفی و شخصش را پنهان می سازد تا هنگام قیام، بیعت هیچ کس برگردنش نباشد».(۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود درتوقیعی می فرماید: «در خصوص علّت غیبت سؤال کرده بودید،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۸۷، ح ۵.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۰۳؛ امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۲۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵؛ الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

خداونـد در قرآن کریم می فرماید: «ای اهل ایمان از چیزهایی سؤال نکنید که اگر برای شـما روشن شود، ناراحت می شوید». بدانید که هرکدام از پدران من، بیعت یکی از طاغوت های زمان خویش را برگردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می کنم، بیعت هیچ یک از گردن کشان و طاغوت های زمان را بر گردن ندارم».(۱)

۸. طول عمر آن حضرت

حضـرت مهـدی علیه السـلام، با قدرت الهی زنده است و در میان مردم، به حیات خود ادامه می دهد. به یقین همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سـرد و وسـیله سـلامت قرار می دهد و گِل را برای عیسـی علیه السلام تبدیل به پرنده می کند و عیسی و خضـر را پس از قرن ها زنـده نگه می دارد؛ می تواند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را نیز با قدرت الهی خود زنده نگه دارد.

این حقیقت در روایات فراوانی منعکس شده است:

امـام حسن مجتبی علیه السـلام فرمود: «ذَاکَ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِی الْحُسَـیْنِ ابْنِ سَـیِّدَهِ الامَـاءِ یطِیـلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِی غَیبَتِهِ ثُمَّ یظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِی صُورَهِ شَابٍّ ابْنِ دُونِ الارْبَعِینَ سَـنَهً ذَلِکَ لِیعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَی ءٍ قَدِیرٌ»؛(۲) «او نهمین از فرزندان برادرم حسین و فرزنـد سـرور کنیزان است. خداونـد عمر او را در دوران غیبتش طولانی می گردانـد. سـپس با قـدرت خود، او را در سـیمای جوانی که کمتر از چهل سال دارد، ظاهر می سازد تا بدانند که خداوند بر هر کاری توانا است».

امام سـجّاد علیه السـلام فرمود: «فِی الْقَائِمِ سُنَّهٌ مِنْ نُوحٍ وَ هُوَ طُولُ الْعُمُرِ»؛(۳) «در قـائم سـنّتی از نوح است که آن طول عمر می باشد».

۹. کشته شدن شیطان به دست آن حضرت

از وهب بن جمیع نقل شده است: «از حضـرت صادق علیه السـلام درباره این گفته ابلیس که «پروردگارا! پس مرا تا روزی که خلایق برانگیخته می شوند، مهلت ده؛ خداوند فرمود: البته تو از

۱- کتاب الغیبه، ص ۲۹۰؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص۵۲۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ۳۱۵، باب ۲۹، ح۲.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۲، باب ۳۱،ح۴.

مهلت داده شده گانی تا وقت معیّن و معلوم» پرسیدم: این کدام روز خواهد بود؟ فرمود: «یا وَهْبُ أَ تَحْسَبُ أَنَّهُ یوْمُ یبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ لا وَ لَکِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْظَرَهُ إِلَی یوْمِ یبْعَثُ اللَّهُ قَائِمَنَا فَیأْخُذُ بِنَاصِیتِهِ فَیضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِکَ الْیوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ »؛(۱) «آیا گمان می کنی آن روز، رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه خداوند او را تا روزی که قائم ما قیام می کند، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما] از پیشانی او را گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام وقت معلوم است».

بعید نیست مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی انسان ها در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و او خلع سلاح و نابود می گردد و این پایان مهلت او است.(۲)

۱۰. نزول حضرت عیسی علیه السلام و اقتدا به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا عیسی بن مریم، به هنگام قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، از دیدگاه همه مسلمانان با وجود اختلاف در مذهب یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. شاید حکمت فرود آمدن آن حضرت در هنگام ظهور، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گران مایه است. به ویژه آنکه حضرت عیسی، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می کند.

نزول عیسی علیه السلام، از مهم ترین حوادث تاریخ، و بزرگ ترین نشانه ها و دلایل بر حقانیت امام مهدی علیه السلام خواهد بود. آیا شگفت انگیز نیست که انسانی، مدتی در روی زمین زندگی کند؛ آن گاه خداوند به او رفعت بخشیده و بالا ببرد و در آن حال هزاران سال زندگی کند؛ سپس با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام ، فرود آید و ضمن تصدیق و اقرار به امامت آن حضرت، با او نماز بگزارد و با حرکت نجات بخش و آسمانی او همراه شود؟

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟

۱- دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۲- ر. ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ الثاقب فی المناقب، ص ۳۱۰؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۶؛ اثبات الوصیه، ص ۱۵.

فرمود: «یـا اَبـا بَصـیرٍ هُوَ الخـامِسُ مِنْ وُلْـدِ ابنی مُوسـی، ذلِـکَ ابنُ سَـیِدَهِ الاِمـاءِ، یغیبُ غَیبَهً یرْتابُ فیها الْمُبْطِلُونَ، ثُمَّ یظْهِرُهُ اللّهُ عَزَّوَجَـلَّ فَیفْتَـحُ اللهُ عَلی یـدِهِ مَشـارِقَ الاَـرضِ وَمَغارِبَهـا، وَینزِلُ رُوحُ اللهِ عیسَـی بـنُ مَرْیـمَ فیصَـلّی خَلْفَـهُ وَتُشْـرِقُ الاَـرضُ بنـورِ رَبِّها...»؛[(۱)] «ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسرم موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی کند که باطل جویان در آن تردید کنند. پس خدای تعالی او را آشکار کند و به دست او شرق و غرب عالم را بگشاید و روح اللّه عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز گزارد و زمین به نور پروردگارش روشن گردد...».

۱۱. ایجاد حکومت واحد جهانی

ویژگی هـا، اختیـارات و عملکردهای امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در عصـر ظهور، جز با تشـکیل حکومت واحد جهانی محقّق نخواهـد شد. بر اساس روایات، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف ظلم و جور را از روی زمین بر می اندازد و عدالت و دین حق را در سـطح جهان برای همیشه مسـتقر می سازد. او دارای قدرت و امکانات مطلق و جهانی خواهد بود که نتیجه آن، چیرگی بر عالم و تشکیل حکومت مقتدر جهانی است و ... .

امام باقر علیه السـلام می فرماید: «القَائِمُ مِنّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُوَیدٌ بِالنَّصْـرِ تُطْوی لَهُ الاَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ یبْلُغُ سُـلْطانُهُ المَشْـرِقَ وَالمَغْرِبَ وَیظْهِرُاللهُ عَزَّوَجَـلَّ بِهِ دِینَهُ عَلَی الـدِّینِ کُلِّهِ وَلَوکَرِهَ المُشْـرِکُونَ فَلا یبْقَی فِی الاَرْضِ خَرابٌ اِلّاَ قَدْ عُمِرَ وَینْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عیسَی بْنُ مَریمَ فَیصَلّی خَلْفَهُ»؛[(۲)] «قائم ما با افکنـدن بیم و هراس در دل سـتمگران، یاری می شود و با پشتیبانی الهی تأییـد می گردد. زمین برایش خـاضع و تسـلیم می شـود و گنـج هـا برای او نمایـان می گردد. حکومت او شـرق و غرب عـالم را فرا می گیرد. خداوند به وسـیله او دینش را بر تمامی ادیان چیرگی و غلبه می بخشد؛ هر چند مشـرکان کراهت داشـته باشند. در عصر ظهـور در زمیـن خرابی و ویرانی نمی مانـد؛ مگر آنکـه آبـاد می شـود. عیسـی بـن مریم فرود می آیـد و پشت سـر او نمـاز می گزارد».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

۱۲. آکنده کردن زمین از عدل و داد

از مهم ترین اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، بر پایی عدل و قسط در جامعه بشری و بسط و توسعه آن بر کل کره زمین و بین تمام انسان ها است.

بدون تردید، کمتر مسأله ای هست که در اسلام به اهمیت «عدالت» باشد. «عدل» همانند مسأله «توحید»، در تمام اصول و فروع اسلام، ریشه دوانده است؛ یعنی، همان طور که هیچ یک از مسائل عقیدتی، عملی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از حقیقت توحید و یگانگی جدا نیست؛ همین طور هیچ یک از آنها خالی از روح «عدل» نمی باشد. بنابراین «عدل» به عنوان یکی از اصول مذهب شیعه و یکی از زیربناهای فکری مسلمانان شناخته می شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره عظمت عدل فرمود: «بِالْعَدلِ قامَتِ السَّماواتُ وَالاَرضُ»؛(۱) «آسمان ها و زمین بر اساس عدل استوارند». این تعبیر رساترین تعبیر درباره عدالت است؛ یعنی، نه تنها زندگی محدود بشر در کره خاکی، بدون عدالت بر پا نمی شود؛ بلکه سرتاسر جهان هستی و آسمان ها و زمین، همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرار گرفتن هر چیزی در مورد مناسب خود، برقرار است و اگر لحظه ای و به مقدار سرسوزنی، از این اصل منحرف شود، رو به نیستی خواهد گذاشت. از این رو خداوند متعال در آیات فراوانی، انسان ها را به اقامه عدل توصیه و امر فرموده است.(۲)

«عدالت»، عبارت است از اینکه انسان، حق هر کس را بپردازد و نقطه مقابلش، آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد. «قسط» مفهومش آن است که حق کسی را به دیگری ندهد و به تعبیر دیگر «تبعیض» روا ندارد و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری دهد.

مفهوم وسیع این دو کلمه به خصوص زمانی که جدا از یکدیگر استعمال می شوند تقریباً مساوی است و به معنای رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و قرار دادن هر چیز به جای خویش است.(۳) در روایات فراوانی مهم ترین هدف قیام حضرت مهدی«اقامه عدل و قسط» بیان شده است که تنها به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱۲۱. امام علی علیه السلام فرمود: «...اَلْحادی عَشَرَ مِنْ وُلدی هُوَالمَهدِیِ الَّذی یمْلا الاَرْضَ عَدْلاً

۱- ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۰۲.

۲- مائده (۵)، آیه ۸.

۳- تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۳.

وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ جُوْرَاً وَظُلْماً»؛(۱) «... یازدهمین از فرزندانم مهدی است که زمین را از عدل و قسط آکنده می سازد؛ آن گونه که پر از جور وظلم شده باشد».

۱۲۲. امام باقر علیه السلام فرمود: «اِنَّ القائِمَ یمْلِکُ ثَلاثَمِائَةٍ وَتِسْعَ سِنِّینَ کَما لَبِثَ اَهْلُ الکَهْفِ فی کَهْفِهِمْ یمْلا الاَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطَاً کَما مُلِئَتْ ظُلمَاً وَجَوْراً»؛(۲) «همانا قائم ۳۰۹ سال به اندازه درنگ اصحاب کهف در غارشان حکومت خواهد کرد.]پس[زمین را پر از عدل و قسط می کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱۲۳. امام هادی علیه السلام فرمود: «اِنَّ الاِمامَ بَعْدِی الحَسَنُ ابنی وَ بَعْدَ الحَسَنِ اِبْنَهُ القائِمُ الذی یمْلأُ الاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ جُوراً وَ ظُلْماً»؛(۳) « همانا امام پس ازمن، فرزندم حسن و پس از او فرزندش قائم است؛ کسی که زمین را از عدل و داد آکنده می سازد همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد».

۱۲۴. عبدالعظیم حسنی می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشید؛ کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود: «ای ابوالقاسم! هیچ یک از ما نیست، جز آنکه قائم به امر خداوند و هادی به دین الهی است؛ اما قائمی که خدای تعالی، به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می‌سازد و آن را پر از عدل و داد می‌کند، کسی است که ولادتش برمردم پوشیده و وجودش ازایشان نهان و بردن نامش حرام است. او هم نام و هم کنیه پیامبر است و...».(۴)

بنابراین می توان گفت اگر چه بسط و گسترش عدالت بر پهنه زمین، از اهداف مهم و اساسی تمامی اهل بیت علیهم السلام بوده است؛ اما به جهت ویژگی های حاکم بر شرایط زمان و مکانی اهل بیت علیهم السلام، چنین هدف مقدسی تحقق نیافت. ولی در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به جهت فراهم آمدن تمامی شرایط لازم این مهم تحقق خواهد یافت.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۷.

۲- کتاب الغیبه، ص ۴۷۴.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۳، باب ۳۷، ح ۱۰.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، باب ۳۶، ح ۲؛ همچنین ر.ک: طبرانی، المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۱۴۸؛ کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۷۰، ح ۳۸۶۸۹، ح۳۸۷۰۷؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۱۲.

خود آزمایی

۱. در باره اوصاف و شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ولادت و کودکی توضیح دهید.

۲. شمایل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت صغرا چگونه بوده است؟

۳. پنج ویژگی جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور را توضیح دهید.

۴. یکی از ویژگی‌های خاص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که بسیاری از میراث‌های پیامبران علیهم السلام نزد ایشان است؛ آنها را نام برده و بنویسید به چه منظور نزد ایشان است؟

۵. درباره نبودن بیعت کسی بر گردن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، توضیح دهید.

۶. پس از تحقیق دو ویژگی اختصاصی دیگر در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید.

===

منابع برای پژوهش:

۱. علی سعادت پرور، ظهور نور، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، چ اوّل، (احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ه .ش).

۲. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، (نشر آفاق، تهران ۱۳۷۹ه .ش).

۳. میرزاحسین طبرسی، نجم الثاقب، چ دوم، (انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۷ه.ش).

۴. محمدرضا حکیمی، خورشید مغرب، چ شانزدهم، (دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ ه .ش).

ص: ۲۵۵

درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویّت (۱)

اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.

۲. عصر زندگی، محمد حکیمی.

۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناصر مکارم شیرازی.

۴. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

۵. در فجر ساحل، محمد حکیمی.

۶. راه مهدی علیه السلام ، سید رضا صدر.

۷. مجموعه‌فرمایشات‌حضرت‌بقیت‌الله، محمدخادمی‌شیرازی.

۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب، محدث نوری.

۹. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت‌تاظهور، سیدمحمدکاظم قزوینی.

۱۰. رهبری بر فراز قرون، سید محمد باقر صدر.

کتاب شناسی مهدویّت

۱. خورشید مغرب

کتاب خورشید مغرب، نوشته محمد رضا حکیمی(۱) از دانشمندان اسلامی در عصر حاضر است. این کتاب جایگاه ویژه ای در میان کتاب های مربوط به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. عنوان فرعی کتاب «غیبت، انتظار و تکلیف» است. مؤلف کوشیده تا مسأله مهدویّت را از زوایای علمی، عقلی، تاریخی، روایی، قرآنی و ملل و نحل مورد بحث و بررسی قرار دهد.

خورشید مغرب، نخستین بار در ۵۱ صفحه در سال ۱۳۴۹ از سوی انتشارات غدیر در تهران به چاپ رسید. در سال ۱۳۶۰ مباحث و نکات دیگری بر آن افزوده شده و در همان قطع به همّت دفتر نشر فرهنگ اسلامی چاپ شد. مؤلف در سال ۱۳۶۲ آن را درقطع وزیری، با ۳۹۰ صفحه به شکل کنونی درآورد و از آن زمان تاکنون بارها چاپ و منتشر شده است. خورشید مغرب، چهارده فصل (به عدد معصومین علیهم السلام) و یک یادآوری مهمّ دارد:

۱. میلاد، ۲. شمایل و سیرت، ۳. غیبت، ۴. در کتاب های پشینیان، ۵ و ۶. در کتاب های مسلمین، ۷. در «قرآن کریم»، ۸. در«سوره قدر»، ۹. در علوم عقلی، ۱۰. درعلوم تجربی، ۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی، ۱۲. عینیت مقاومت نه عینیت تسلیم، ۱۳. انتظار، ۱۴. در طلب خورشید.

وی در بخشی از کتاب چنین نوشته است: «یکی از ابعاد عظیم تکلیف حساس و بزرگ، در

۱- استاد محمد رضا حکیمی سال ۱۳۱۴ در مشهد مقدس در خانواده ای اهل دین و معرفت زاده شد. حدود دوازده سالگی به مدرسه نواب یکی از مهمترین مدرسه حوزه علمیه مشهد در آن روزگار وارد شد و سال ها از محضر دانشمندان برجسته بهره های علمی و معنوی وافری برد. استاد حکیمی بعد ها بیشتر به پژوهش و نگارش پرداخت و ده ها جلد اثر ارزشمند با نثری زیبا و محتوایی عمیق، پدید آورد.

روزگـاران غیبت و انتظـار، حفـظ دین، نگهبانی مرزهای عقیـدتی، و حراست از باروهای باورهای مقـدس است. جامعه منتظر، نباید در باره این امر عظیم سستی روا بدارد.

لازم است فروغ ایمان و نور یقین و پرتو عقیـده به حق و تشـعشع اعتقادات راستین، همواره در دل و جان مردم محفوظ باشد و پیوسته ژرف‌تر و ژرف تر شود و بـارورتر و بـاروروتر گردد. لازم است جان و دل نوباوگان، نوجوانان و جوانان، هردم در برابر تـابش اعتقـادات حقه قرار گیرد و از این تـابش و تجلی آکنـده گردد. ایمـان، جزء وجود آنـان و مایه تقوم هویتِ اصـلی آنان باشـد؛ تا کم کم، حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه وجود آنان را گرم کند و چون روح، جوهر حیات آنان باشد».(۱)

گفتنی است نام کتاب از روایاتی گرفته شده که طلوع خورشید از مغرب را از حوادث مهمّی دانسته است که در آستانه قیامت رخ خواهد داد.(۲) شیخ مفید رحمه الله درباره چگونگی این اتفاق نوشته است: «خورشید هنگام ظهر در آسمان راکد می شود و ساعتی چند تا به هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار گردد»(۳).

این کتـاب علاوه بر نثر زیبا، از اسـتحکام خوبی برخوردار است که می توانـد برای عموم علاقه منـدان به مباحث مهـدویّت به ویژه اهل فرهنگ مفید باشد.

۲. عصر زندگی

این کتاب اثر ارزشـمندی است از محمـد حکیمی که نگاهی بـدیع و کاربردی به موضوعات و مسائل مهدویّت دارد. نویسـنده در این راستا کوشیده مباحث را به صورت تحلیلی، با کمک گرفتن از آیات و روایات، تبیین و تفسیر کند.

مؤلف بـا بهره گیری از حـدود سـیصد آیه و روایت، مخاطب را به تأمل بیشتر در آیات وروایات فرا می‌خوانـد. عصـر زنـدگی می‌کوشـد بـا تحلیـل هـای نسـبتاً منـاسب، به بعضـی از بیمـاری هـا و آفت هـای اخلاقی و مشـکلات و لغزش های جریان های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش از ظهور پرداخته و علت

۱- محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص۲۷۶.
۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.
۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

پیدایش و راه بر طرف شدن آنها را توضیح دهد. نویسنده به دنبال گشودن دریچه امید برای بشریتِ گرفتار یأس و سرخوردگی ها است که با ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت وبرای این کار، مطالب ارزشمند و وزینی ارائه می‌دهد.

کتاب مورد نظر ۲۵ بخش دارد که بعضی از آنها بدین قرار است:

۱. عدالت اجتماعی، ۲. در سایه شمشیر، ۳. تدارك جنگ و تربیت جنگاوران ۴. سازش ناپذیری، ۵. تصحیح انحراف های فکری، ۶. وحدت عقیدتی و مرامی، ۷. رفاه اقتصادی، ۸. مساوات، ۹. حاکمیت فرا گیر جهانی، ۱۰. حکومت مستضعفان، ۱۱. آیین و روش جدید، ۱۲. رشد عقلی وتکامل علم، ۱۳. امنیت اجتماعی، ۱۴. رشد تربیت انسانی، ۱۵. اصول بیعت و ... .

در بخشی از این کتاب این گونه می خوانیم: «از اقدامات مهم امام، تصحیح انحراف‌هایی که به مرور ایام در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین روی داده و حذف برداشت های غیر اسلامی و نادرست است که به نام اسلام به اذهان القا شده و در مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است. کوشش امام و رسالت او، تطبیق درست و دقیق تعالیم قرآن، بر مسائل حیات بشری و مشخص کردن حد و مرزهای واقعی احکام اسلام است؛ به گونه ای که توجیه و تأویل بردار نباشد و مانع هر گونه انحراف و کژی و بد آموزی شود. دگروار تفسیرکردن تعالیم اسلامی، منحصر به احکام فرعی و فقهی و مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست؛ بلکه اصول دین نیز مشمول این جریان است».

این کتاب با نثری زیبا و روان، می تواند مورد استفاده عموم علاقه مندان به مباحث مهدویّت باشد.

۳. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته آیت اللّه ناصر مکارم شیرازی، پژوهشی درباره ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های حکومت جهانی آن حضرت است.

مؤلف در این کتاب، با بهره گیری از روایات و منابع تاریخی شیعه و سنّی و برخی از پژوهش های غربیان، مطالب ارزشمندی ارائه کرده است. ایشان نخست در خصوص آینده جهان و سیر تکاملی جامعه، به بیان نظریات بعضی از ادیان و کتاب های

آسـمانی (نظیر زرتشتی، هندو، یهود و مسـیحیت) و نیز دانشمندان غربی درباره مصلح بزرگ پرداخته است. سپس درباره انواع حکومت ها، فلسـفه انتظار و غیبت، مصـلح بزرگ جهانی در منابع اسـلامی، نشانه های ظهور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و روش حکومت آن حضرت بحث کرده، به این پرسش‌ها پاسخ داده است:

آیا سرنوشت آینده بشریت، صلح، عدالت، امنیت و آزادی انسان ها از چنگال هر گونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار است؟ یا آن گونه که بعضی پیش بینی می کنند، هرج و مرج ها روز افزون، فاصله ها بیشتر، ناهماهنگی ها و نابسامانی ها فراوان تر و سرانجام یک جنگ اتمی یا فوق اتمی عالم گیر، پایه های تمـدن انسانی را ویران خواهـد ساخت و اگر انسان هایی بر روی کره زمین باقی بمانند، افرادی عقب مانده، معلول، بینوا و درمانده خواهند بود؟

اگر عقیده نخست صـحیح است، دلیل آن چیست؟ اگر بنا هست جهان به سوی عدل و صـلح و برادری گام بردارد، آیا اجرای این اصول بـدون انقلاب ممکن است؟ به تعبیر دیگر آیا اصـلاحات تـدریجی توانایی دگرگون ساختن چهره عمومی جهان، با این همه ناهنجاری ها را دارنـد؟ اگر لازم است انقلابی صورت گیرد، آیا تنها از طریق قوانین مادی امکان پذیر است؟ یا بدون استمداد از اصول معنوی و ارزش های اصیل انسانی، ممکن نیست؟

اگر قبول کنیم چنین انقلابی به هر حال رخ خواهد داد، رهبر این انقلاب چه صـفاتی باید داشـته باشد؟ آیا این انقلاب الزاماً به حکومت واحد جهانی می انجامد؟ آیا آمادگی های خاصّ‌ی برای چنان حکومتی لازم است؟ این آمادگی ها در دنیای کنونی وجود دارد یا نه؟ و اگر ندارد، آیا در حال حاضر جهان به سوی این آمادگی ها گام بر می دارد، یا بر عکس آن؟

آیا این امور با عقیده عمومی مذاهب جهان، نسبت به ظهور یک مصلح بزرگ آسمانی ارتباطی دارد؟ اعتقاد عمومی مسلمانان به ظهور مهـدی علیه السـلام چگونه است و پیونـد آن بـا مسائـل سـرنوشت سـاز چیست؟ آیـا اعتقـاد به چنان ظهوری، ما را به اصلاح عمومی جهان از طریق یک انقلاب همه جانبه نزدیک تر می سازد؟ یا آن چنان که برخی می اندیشند، دور می کند؟

آیا این فکر و عقیده عمومی مذهب، یک واقعیت عینی و مولود دلایل منطقی است و یا یک تخیل برای اشباع کاذب تمایلات سرکوفته انسان ها، در مسیر گمشده عمومی (یعنی صلح و عدالت) است؟

نویسنده در بخشی از کتاب درباره «فلسفه انتظار» بر این باور است که: «اگر اعتقاد و

انتظار به حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال عبارت است از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنها از یک سو و خود سازی و خود یاری و جلب آمادگی های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر».

این اثر ارزشمند، دارای محتوای غنی و خوبی است که می تواند برای علاقه مندان به مباحث مهدویّت مفید باشد.

۴. دادگستر جهان

کتاب دادگستر جهان نوشته آیت اللّه ابراهیم امینی(۱)، در ۳۴۴ صفحه رقعی منتشر شده است. نویسنده کتاب، علت تألیف آن را رخنه شبهات در اعتقادات جوانان و دانش آموختگان می داند که از سوی نویسندگان، پاسخی مناسب و شایسته نگرفته اند. از این رو ایشان تصمیم می گیرد چنین کتابی تألیف کند و در سال ۱۳۴۶ توفیق می یابد آن را منتشر سازد. این کتاب نزدیک به بیست بار تجدید چاپ شده و به برخی از زبان ها نیز ترجمه شده است.

دادگستر جهان عمدتاً به صورت پرسش و پاسخ، بین برخی از فرهیختگان تنظیم شده و با استفاده از روایات معصومین علیهم السلام، مطالب ارزنده ای برای استفاده عموم به ویژه جوانان ارائه کرده است.

نویسنده در دوازده فصل، با استناد به یافته های عقلی و نقلی محدّثان، مفسّران و مورخان

۱- آیت الله ابراهیم امینی در سال ۱۳۰۴ در شهر نجف آباد متولد شد. پس از پایان دوره ابتدایی، در سال ۱۳۲۱ برای تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه اصفهان رفت. ادبیات زبان عربی و کتاب های سطح فقه و اصول و منطق را در آنجا خواند و در سال ۱۳۲۶ برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم رفت و برای دروس خارج فقه و اصول در محضر اساتید بزرگ زمان حاضر شد. وی در حوزه علمیه قم و اصفهان به تدریس کتاب های ادبیات، فقه و اصول و فلسفه پرداخت. وی از سال ۱۳۴۴ در باره موضوعاتی چون تعلیم و تربیت، حقوق خانواده ، اخلاق و سیره پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام و ... کتابهایی چند طبع رسانیده است. (ر.ك: مشعل جاوید، ص ۵۹۱).

امامیه و عامّه و نیز دستاوردهای علوم تجربی، به تشکیک های گوناگون درباره مهدویّت پاسخ داده است. طرح مباحث به شیوه مناظره بوده که بر جذابیت کتاب افزوده است. مؤلف آغاز عقیده به مهدویّت را از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می داند و شخصیت و تبار امام را بررسی می کند. او همچنین ادعای مهدی بودن محمد بن حنفیه، اعتقاد زیدیه به مهدویّت محمدبن عبداللّه‌بن حسن و باور واقفیه به عروج امام صادق علیه السلام را رد می کند و این نکته را که منشأ مهدویّت از تعالیم یهود و زرتشتی است و عبداللّه بن سبا در ایجاد آن نقش داشته، مردود می‌داند.

عالم غیب و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امامت کودک پنج ساله، فلسفه طولانی شدن غیبت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کتاب های اهل سنّت، نشانه ها و شرایط ظهور، یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، چگونگی ظهور و احادیث، منابع، تألیفات و اقوال بزرگان اهل سنّت در باره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، طول عمر، محل زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهان در عصر آن حضرت، از مباحث مهمّ دادگستر جهان است.

تجدید مکرر چاپ کتاب، نشانگر استقبال خوب از این اثر ارزنده است. این کتاب برای علاقه‌مندان به مباحث مهدویّت بسیار مفید است.

۵. در فجر ساحل

کتاب در فجر ساحل به وسیله محمد حکیمی، به رشته تحریر در آمده و تا کنون ده ها مرتبه تجدید چاپ شده است. نویسنده با بهره گیری از قلمی شیوا و ادبی، به پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته، دنیای آینده را از نظر مذهب شیعه تصویر کرده است. وی علاوه بر بهره مندی از آیات نورانی قرآن و روایات شیعی، از دیگر کتاب های آسمانی نیز به طور فراوان بهره برده است. مطالب کتاب در پنج بخش ارائه شده است:

۱. مدینه فاضله اسلامی، ۲. نویدها، دوران حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه روایات و بشارت‌های مذهبی و پیشگویی اجمالی از چگونگی آینده زندگی در نظر شیعه، ۳. حماسه انتظار، ۴. یأس و امید، شکست و پیروزی، ۵. به سوی ساحل.

در آخرین فصل کتاب می‌خوانیم: کاروان بشریت به سان کشتی گرداب گرفته و در کام موج فرو افتاده است. سرگذشت انسان تا کنون به سرگذشت غریقی همانند است که لحظات

مرارت بـاری را می گذرانـد و بـا همه هستی خویش، تلاش می کنـد تا خود را به ساحل برسانـد... عاقبت روزی می رسـد که ناخـدای بزرگی، کشتی را به مقصـود می رسانـد و در تاریـخ نـوع بشـر، به نـام «قهرمـان بزرگ بنی نوع بشـر» مشـهور خواهد گردید...».(۱)

۶. راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته آیت الله سید رضا صدر بوده و به اهتمام سید باقر خسرو شاهی در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

سیـد رضا صـدر برادر بزرگ امام موسـی صـدر و فرزند مرحوم آیت الله سـید صدر الدین صدر است که در سال **۱۳۳۹** ه در مشهد مقدس به دنیا آمد. خاندان او از جمله پدر، عمو و پدر بزرگش از علمای برجسته و مراجع نامدار بودند.

آیت الله سـید رضا صدر در دوران تحصـیل در مشـهد و قم، همدرس شـهید مطهری قدس سرّه و آیت الله مدنی و در دوران تحصـیلات عـالی از شـاگردان برجسـته آیت الله بروجردی رحمه الله ، آیت الله حجّت رحمه الله و امام خمینی قـدس سرّه بوده است. او به سـرعت مدارج ترقی را طی کرد و به درجه اجتهاد رسـید. و بسیاری از فضلای حوزه های قم و تهران از جمله سید مصطفی خمینی رحمه الله در محضر او کسب علم و دانش نموده اند.

چهاری که مساوی است با یک،

وی در بخشـی از کتـاب (چهـاری که مسـاوی است بـا یک) با اثبات اینکه راه مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف همان راه محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم و راه علی علیه السـلام و راه قران است، بیان کرده که راه محمد راه خدا است؛ راه علی علیه السـلام راه خـدا است، راه قرآن راه خدا است و راه مهدی علیه السـلام نیز راه خدا است. چهار راهی است که نظیر ندارد و بی مانند است. این چهار راه، مساوی با یک است.

۱- محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص۱۵۶.

۱. نظریه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۲. عدل عالم گیر، ۳. حکومت الهی در جهان، ۴. شرایط عدل گستر، ۵. دادور و دادگر و دادگستر، ۶. مهدی نوعی و شخصی، ۷. ویژگی‌ها و خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ۸. انتظار فرج، ۹. تعلق اراده ازلی به اقامه عدل جهانی، ۱۰. بشارت‌ها و اشارات، ۱۱. پدران و نیاکان، ۱۲. سفرای کبار، ۱۳. کراماتی چند از آن حضرت در زمان غیبت صغرا ۱۴. شرفیابی افرادی چند در غیبت صغرا.

وی در باره خصایص مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته است: مهدی امید بشر، برگزیده خدا، انجام دهنده هدف انبیا، دادگر کل، بنیان گذار عدل مؤید جهانی، انسانی بزرگ، پاکیزه ترین فرد بشر هنگام قیام و دادگستری زنده و پاینده است که سراپای وجودش، از فضیلت، عدالت و بزرگواری آکنده است.

این کتاب برای استفاده دانشجویان و دانش پژوهان در حوزه معارف مهدوی، بسیار مفید و ارزنده است.

۷. مجموعه فرمایشات حضرت بقیه اللّه عجل الله تعالی فرجه الشریف

کتاب مجموعه فرمایشات حضرت بقیه اللّه عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله محمد خادمی شیرازی گرد آوری شده و همراه با ترجمه ارائه گردیده است. این کتاب مجموعه ای از سخنان و توقیعات صادر شده از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همراه با دعاهای آن حضرت است.

نگارنده در فصل های کتاب، به نقل سخنان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیش از ولادت تا آغاز غیبت صغرا توقیعات صادره از ناحیه مقدسه در غیبت صغرا و کبرا و گفتارهای ایشان در روزهای آغازین ظهور می پردازد. ارزش این اثر در جمع آوری سخنان امام و ترجمه و شرح آنها در یک مجموعه مستقل است.

مؤلف محترم دو ویژگی مهم این اثر را در مقدمه کتاب این گونه بیان کرده است:

۱. تاکنون مجموعه سخنان در باره حضرت مهدی علیه السلام در یک کتاب جمع آوری نشده است و علمای ما در کتاب های معتبر مشروحاً ولی به صورت پراکنده آن را بیان فرموده‌اند.

۲. مجموعه کلمات آخرین حجت خداوند و زنده کننده جهان هستی، با ترجمه فارسی و

بعضاً با شرح مختصر و نیز ابعاد پر فروغ زندگی حضرت خاتم الاوصیا عجل الله تعالی فرجه الشریف (به ویژه در مورد برنامه... های دولت کریمه آن حضرت)، در اختیار برادران و خواهرانی که مایه علمی زیادی ندارند قرار نگرفته است».(۱)

۸. نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب

کتاب نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب علیه السلام نوشته میرزا حسین نوری طبرسی قدس سرّه (محدث نوری) است.

محدث نوری، در یکی از قرای نور، در سال ۱۲۵۴ ه دیده به جهان گشود. در تهران از محضر شیخ عبدالرحیم بروجردی، دانش فرا گرفت و در سال ۱۲۷۸ ه به عراق هجرت کرد و از خرمن پرفیض شیخ عبدالحسین تهرانی و شیخ اعظم انصاری بهره جست. به هنگام مهاجرت میرزا حسن شیرازی به سامرا، با وی بدان جا رفت. چند سال در سامرا بود و آن گاه به نجف اشرف، بازگشت و در آنجا اقامت گزید و در همان جا به سال ۱۳۲۰ ه دیده از جهان فرو بست. وی آثار بسیار دارد.

طبرسی(ره) در باره انگیزه خود از تألیف این اثر می نویسد: «در سال ۱۳۰۳ ه در خدمت میرزای بزرگ بودم. ایشان فرمود: خوب است، کتابی مستقل درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به زبان فارسی نگاشته شود و شما شایستگی انجام این مهم را دارید.

عرض کردم: مقدمات امر فراهم نیست؛ ولی از آنجا که در سال گذشته، رساله ای درباره کسانی که در غیبت کبرا، به زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده اند (تحت عنوان جنهالمأوی نگاشته ام)، اگر مصلحت باشد همان رساله را، با افزودن مطالبی بر آن ترجمه کنم. پیشنهاد پذیرفته شد؛ لکن میرزا فرمود: شمّه ای از حالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هر چند به اختصار بر آن افزوده شود. بر اساس دستور او ، به انجام این اثر اقدام شد و با استمداد از

۱- محمد خادمی شیرازی، مجموعه فرمایشات حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف ، ص۱۱.

عسکریین علیهما السلام، بحمداللّه در اندک زمانی این خدمت به انجام رسید.

نجم الثاقب مشتمل بر دوازده باب، به شرح زیر تنظیم شده است:

۱. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (شامل نحوه ولادت آن حضرت شمه ای از احوال شخصی حکیمه خاتون)؛

۲ . اسامی، القاب و کنیه های آن حضرت؛

۳ . شمایل و توجهات الهی به آن حضرت؛

۴. اختلاف مسلمانان نسبت به امر غیبت، پس از اتفاق بر درستی صدور اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است (کتاب هایی که عالمان اهل سنّت، در باب حضرت مهدی موعود علیه السلام ، تألیف کرده اند، مطالب مورد اختلاف، نسب، اسم پدر تشخیص و تعیین آن حضرت و دیدگاه های علمای فرقه های اسلامی در مورد هر یک از مباحث فوق و نقد و بررسی هر یک و ارائه دیدگاه مورد قبول خود)؛

۵ . حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف ، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام؛

۶. نقل کراماتی جهت اثبات اینکه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند امام عسکری علیه السلام است؛

۷ و ۸ . کسانی که در عصر غیبت کبرا، به محضر حضرت شرفیاب شده اند، یا بر معجزات حضرت آگاهی یافته اند (و جمع بین روایاتی که می فرماید:«مدعی دیدار با حضرت را باید درغگو خواند» و داستان هایی که بیانگر دیدار بزرگان و اولیا با حضرت هستند و...)؛

۹. برای هر حاجت، به امامی خاصّ باید توسل جست و اثبات این نکته که یکی از مناصب خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پناه دل سوختگان است؛

۱۰. در بیان گوشه ای از تکالیف و آداب مسلمانان، نسبت به آن حضرت علیه السلام ؛

۱۱. روزهای ویژه آن حضرت و تکلیف پیروان ایشان در آن روزها؛

۱۲. در ذکر اعمال وآدابی است که بتوان به برکت آنها به سعادت دیدار آن حضرت نایل شد.

در پایان گفتنی است که در مطالعه این کتاب، باید کمال دقّت و توجّه را نشان داد و در پذیرفتن همه مطالب آن (به ویژه حکایت های ملاقات کنندگان)، وسواس داشت.

۹. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور

این کتاب ترجمه کتاب الامام المهدی من المهد الی الظهور اثر ارزشمند سید محمد کاظم قزوینی قدس سرّه(۱) است.

مؤلف در این کتاب ، موضوعاتی را در مورد شخصیت والای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مورد بحث قرار داده که عبارت است از:

۱. امام مهدی علیه السلام کیست؟ ۲. نام و نسب آن حضرت، ۳. قرآن و نوید از آن حضرت، ۴. نویدها در سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، ۵. نوید از آن حضرت در روایات امامان نور علیهم السلام ، ۶. آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان را به نور وجودش روشن ساخته است؟ ۷. چگونه از دیدگان نهان گشت؟ ۸. غیبت کوتاه آن حضرت، ۹. سفیران چهارگانه یا چهار نایب خاص، ۱۰. چه کسانی در دوران غیبت کوتاه او، به دیدارش مفتخر شده اند؟ ۱۱. غیبت طولانی او، ۱۲. چه کسانی در غیبت طولانی او به دیدارش نایل شده اند؟ ۱۳. چگونه تا کنون زیسته است؟ ۱۴. چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ ۱۵. ویژگی‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نشانه‌های او، ۱۶. نشانه‌های ظهور آن حضرت، ۱۷. مدعیان دروغین، ۱۸. چگونه و از کجا ظهور می کند؟ ۱۹. پس از ظهور چگونه حکومت خواهد کرد؟ ۲۰. چگونه دولت ها وقدرت ها در برابر او سر فرود خواهند آورد؟ ۲۱. زندگی جامعه در عصر طلایی او، ۲۲. مدت حکومت عادلانه او، ۲۳. چگونه روزگارش به پایان می‌رسد و...

کلیه مطالب کتاب مستند به احادیث و روایات است. کتاب شامل، چندین فهرست است که کار را برای خوانندگان آسان نموده است.

۱- نویسنده در روز ۱۲ شوال سال ۱۳۴۸ه .ق.در شهر مقدس کربلا دیده به جهان گشود. تحصیلات سطح و خارج را در نزد اساتید معروف از جمله آیت الله سید هادی میلانی، آیت الله سید محمد حسین قزوینی، آیت الله شیخ جعفر رشتی و شیخ محمد خطیب و... فرا گرفت. او خطیبی توانا و زبر دست بود؛ آثار فراوانی از ایشان نشر یافته است، مهم ترین آنها «موسوعه امام صادق علیه السلام است که تا کنون هفده جلد آن نشر یافته است. بالاخره ایشان پس از عمری تلاش، جهاد و فداکاری در ابعاد گوناگون علمی، دینی و اجتماعی، در سیزدهم جمادی الثانی (۱۴۱۵ه) جهان را بدرود گفت. (ر.ک: مشعل جاوید، ص ۵۸۹).

۱۰. رهبری بر فراز قرون

(پژوهشی درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)

کتاب رهبری بر فراز قرون به دست آیت الله شهید سید محمد باقر صدر(۱) تألیف و به قلم مصطفی شفیعی به فارسی برگردان شده است. این کتاب ترجمه کتاب بحث حول المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. اگرچه حجم آن به ظاهر اندک است؛ ولی مطالب ارزنده ای را در خود جای داده است. مقدمه وتحقیق دکتر عبد الجبار شراره بر غنای این اثر افزوده است.

در این کتاب به روش عقلی، علمی و دینی، به برخی از پرسش های مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به روش عقلی پاسخ داده شده است. محقق، در مقدمه ای طولانی، روش های پژوهش درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دو گونه دانسته است:

۱. روش کسانی که در وجود آن حضرت پیوسته، در صدد شک اندازی و القای شبهه بوده اند!

۲. روش موافقان که از دو روش عقلی و نقلی پیروی می کنند.

وی ضمن بیان فشردهِ دلایلِ استفاده کنندگان از روش های یاد شده، روش شهید صدر را در این اثر، دنبال کردن موضوع، به روش عقلی دانسته است.

مؤلف در هشت گفتار، به پرسش هایی در باره، وجود، طول عمر، شایستگی ها، ظهور و حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پاسخ گفته است.

وی در خصوص طول عمر امام علیه السلام بر این نظر است که این امر امکان علمی، عملی، منطقی و فلسفی دارد. افزون بر آن با توجه به رسالت بزرگ مهدی موعود علیه السلام و پدیده ای آن چنان بزرگ و غیر مأنوس، ایجاد چنین پدیده ای در روند هستی نسبت به خداوند امری طبیعی

۱- ایشان در۲۵ ذی القعده ۱۳۵۲ ه . ق در کاظمین و در خانواده ای روحانی و جلیل القدر دیده به جهان گشود. پدرش آیت الله سید حیدر صدر از علمای بزرگ و مادرش دختر آیت الله شیخ عبدالحسین آل یاسین بود. ایشان علاوه بر آثار ارزشمندی که از خود به یادگار گذاشت، زندگی خود را با مبارزه در برابر رژیم بعث عراق و شهادتی سرخ به نیک ترین صورت ممکن به پایان رساند.

است؛ چنان که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر رسالت بزرگ آن حضرت، کاری عادی بود.

به نظر نویسنده، طولانی شدن عمر امام، نوعی اعجاز است. اصرار به رهبری شخصی خاصّ چون امام و چگونگی کمال یافتن شایستگی های رهبر منتظر و وجود خارجی امام؛ علت تأخیر در ظهور، چگونگی تغییر سرنوشت بشریت به دست یک فرد و روش هایی که در روز موعود برای تغییر جهان صورت می گیرد، پرسش های دیگری است که در این اثر به آنها پاسخ داده شده است.

===

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم, ترجمه: محمد مهدی فولادوند.

۲. نهج البلاغه.

۳. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، یک جلد، چ دوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۷ ه .ش.

۴. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، هیجده جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ ه .

۵. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللآلی، سید الشهدا، قم: ۱۴۰۵ ه .

۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام، دو جلد، مکتبه بنی هاشمی، تبریز: ۱۳۸۱، ه.

۷. اسفراینی، طاهر بن محمد، تاج التراجم فی تفسیر القران للاعاجم، میراث مکتوب، تهران: ۱۳۷۵ ه .

۸. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ه .ش.

۹. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم، شفق، قم: ۱۳۷۹ ه .ش.

۱۰. ایازی، سید محمد علی، شناخت نامه تفاسیر، کتاب مبین، رشت: ۱۳۷۸ه .ش.

۱۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القران، پنج جلد، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷ ه .

۱۲. ، المحجه فیما نزل فی القائم الحجه عجل الله تعالی فرجه الشریف ، موسسه الوفاء، قم: ۱۳۷۸، ه .ش.

۱۳. ، سیمای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، چ سوم، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۶ ه .ش.

۱۴. البخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری، شش جلد، دار ابن کثیر، بیروت: ۱۴۰۷ ه .

۱۵. البدری، سید سامی، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه ناصر ربیعی، انتشارات انوار الهدی، قم: ۱۳۸۰ه .ش.

۱۶. البرقی، احمدبن محمدبن خالد، المحاسن، چ دوم، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۷۰ه.

۱۷. برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، مؤسسه فرهنگی طه، قم: ۱۳۷۸ ه. ش.

۱۸. بغدادی، ابومنصور عبدالقاهر، الفَرق بین الفِرَق، ترجمه محمد جواد مشکور، انتشارات اشراقی.

۱۹. البغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی التفسیر والتأویل، پنج جلد، دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۰۵ ه .

۲۰. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیک معارف، چ ۳، ۱۳۸۳ه .ش.

۲۱. البیضاوی، ناصرالدین ابو سعید، انوارالتنزیل و اسرار التأویل، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ ه .

۲۲. بهشتی، محمد، ادیان و مهدویّت، انتشارات مرآتی، بی تا.

۲۳. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، قم:۱۳۷۲ه .ش.

۲۴. الترمذی، محمدبن عیسی، سنن الترمذی، پنج جلد، داراحیاء التراث العربی، بیروت.

۲۵.التمیمی المغربی، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار علیهم السلام، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: بی تا.

۲۶. توفیقی، هزاره گرایی درفلسفه تاریخ مسیحیت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ه .ش.

۲۷. تهرانی، آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۶ جلد، چ دوم، دارالاضواء، بیروت: ۱۴۰۳ ه.

۲۸. جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، چ دوم، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۷ ه .ش.

۲۹. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ دوم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم: ۱۳۷۸ ه .ش.

۳۰. جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دبیرخانه اجلاس دو سالانه ابعاد وجودی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ه .ش.

۳۱. جمعی از نویسندگان، نور مهدی علیه السلام، نشر آفاق، تهران: ۱۴۰۱ ه .

۳۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه ولایت فقاهت وعدالت، مرکزنشراسراء، قم: ۱۳۷۹ه .ش.

۳۳. ، تفسیر موضوعی قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، قم.

۳۴. الحرانی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، به تصحیح علی اکبر غفاری،

انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۴ ه .

۳۵. حسن زاده آملی، حسن، نهج الولایه، انتشارات قیام، قم: ۱۳۷۹ ه .ش .

۳۶. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش.

۳۷. ، عصر زندگی، چ ۲۱، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش.

۳۸. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۹ ه .ش.

۳۸. حلی، علی بن یوسف، العدد القویه، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: ۱۴۱۸ ه .

۳۹. حموی، یاقوت بن عبداللّه، معجم البلدان، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۴۰. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه فرمایشات بقیهاللّه عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات رسالت، قم: ۱۳۷۷ه .ش.

۴۱. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، انتشارات بیدار، قم: ۱۴۰۱ ه .

۴۲. خسروشاهی، سید هادی، مصلح جهانی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه اهل سنّت، چاپ دوم، انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۴ ه . ش.

۴۳. دوانی، علی، دانشمندان عامّه و مهدی موعود علیه السلام، چاپ سوم، دار الکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۱ه .ش.

۴۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۷۳ه .ش.

۴۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، الارشاد القلوب، دو جلد، انتشارات شریف رضی ۱۴۱۲ه .ش.

۴۷. الرازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، اسلامیه، تهران: ۱۳۴۶ه .

۴۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القران، چ دوم، دفتر نشر الکتاب.

۴۹. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، موسسه امام مهدی علیه السلام ، قم: ۱۴۰۹ه .ش.

۵۰. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۰ ه.

۵۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران، ۱۳۸۰ ه .ش.

۵۲. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، الحاوی للفتاوی، دار الفکر، بیروت: ۱۴۱۴ ه .

۵۳. شوشتری، محمد تقی و دیگران، جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟، ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار، بوستان کتاب، قم: ۱۳۸۰ه .ش.

۵۴. شهرستانی، محمد بن عبد الکریم، الملل و النحل، دو جلد، دار و مکتبه الهلال، بیروت: ۱۹۹۸م.

۵۵. شهید اول، الدروس، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۲ ه .

۵۶. الشیبانی، احمدبن حنبل، مسند احمد، شش جلد، موسسه قرطبه، مصر.

۵۷. صادقی تهرانی، محمد، بشارات عهدین، انتشارات امید فردا، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۲ ه .ش.

۵۸. صافی گلپایگانی، لطف‌اللّه، منتخب‌الاثر، موسسه‌سیده‌المعصومه علیها السلام، قم: ۱۴۱۹ ه .

۵۹. ، فروغ ولایت در دعای ندبه، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، قم: ۱۳۵۷ ه .ش.

۶۰. ، امامت و مهدویّت، انتشارات حضرت‌معصومه علیها السلام، قم:۱۳۷۷ه .ش.

۶۱. ، پیرامون‌معرفت امام، انتشارات حضرت‌معصومه علیها السلام،قم:۱۳۷۵ ه .ش.

۶۲. صدر حاج سید جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، تهران: ۱۳۸۱ ه .ش.

۶۳. صدر، سید رضا، راه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۸ ه .ش.

۶۴. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الصغری، ترجمه سید حسن افتخارزاده، نیک معارف، تهران: ۱۳۷۱ ه .ش.

۶۵. ، تاریخ الغیبه الکبری، مکتبه امیرالمؤمنین، اصفهان: ۱۴۰۲ ه .

۶۶. ، تاریخ ما بعد الظهور، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان: بی تا.

۶۷. صدر، سید محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ ه .ش.

۶۸. صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، دو جلد، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۹۵ ه .ق.

۶۹. ، عیون اخبار الرضا علیه السلام، دو جلد، انتشارات جهان، تهران: ۱۳۷۸ه .ق.

۷۰. ، معانی الاخبار، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۳۶۱ ه .ش.

۷۱. ، من لایحضره الفقیه، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۱۳ ه .

۷۲. ، ثواب الاعمال، انتشارات شریف رضی، قم: ۱۳۶۴ ه .ش.

۷۳. ، الأمالی، انتشارات کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ ه .ش.

۷۴. ، الخصال، دو جلد در یک مجلد، چ دوم، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ه .ق.

۷۵. صفری فروشانی، نعمت اللّه، غالیان، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۸ه .ش.

۷۶. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ه . ش.

۷۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القران، بیست جلد، چ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۶۱ه .ش.

۷۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۲۵ جلد، چ دوم، مکتبه ابن تیمیه، قاهره.

۷۹. ، المعجم الاوسط، نه جلد، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ه .

۸۰. طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس: ۱۴۰۳ه .

۸۱. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۸۲. طبرسی، میرزاحسین، نجم الثاقب، چ دوم، انتشارات‌مسجدجمکران، قم:۱۳۷۷ه .ش.

۸۳. طبری، محمدبن جریر بن رستم، دلائل الامامه، دارالذخائر للمطبوعات، قم.

۸۴. طبری، محمدبن جریر، تاریخ الامم والملوک، هشت جلد، موسسه الاعلمی، بیروت.

۸۵. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، چ دوم، کتابخانه حیدریه، نجف: ۱۳۸۳ ه .ق.

۸۶. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.

۸۷. طبسی، محمد جواد، با خورشید سامرا، ترجمه عباس جلالی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم: ۱۳۷۹ ه . ش.

۸۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۳ ه .

۸۹. طوسی، محمدبن الحسن، کتاب الغیبه، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ه .

۹۰. ، رجال، انتشارات حیدریه، نجف: ۱۳۸۱ ه .

۹۱. ، التبیان فی تفسیر القران، ده جلد، دار احیاء التراث العربی.

۹۲. ، مصباح المتهجد و سلاح‌المتعبد، موسسه فقه‌شیعه، بیروت:۱۴۱۰ ه .

۹۳ ، رساله العقاید الجعفریه، موسسه النشر الاسلامی، قم.

۹۴. ، تهذیب الاحکام، ده جلد، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۷۵ه .ش.

۹۵. ، الامالی، انتشارات دارالثقافه، قم: ۱۴۱۴ ه .

۹۶. جمعی از نویسندگان، مشعل جاوید، انتشارات دلیل ما، قم: ۱۳۸۰ ه .ش.

۹۷. جوینی خراسانی، علی بن محمد، فرائد السمطین، مؤسسه محمودی، قم: ۱۴۰۰ه . ۹۸ عاملی، جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۷۷ ه .ش.

۹۸. العاملی، محمدبن حسن، الایقاظ من الهجعه فی اثبات الرجعه، ترجمه احمد جنتی، انتشارات نوید، تهران: ۱۳۶۲ ه .ش.

۹۹. ، وسائل الشیعه، ۲۹ جلد، موسسه آل البیت، قم: ۱۴۰۹ ه.

۱۰۰. العُکبری، محمدبن محمدبن النعمان(شیخ مفید)، الاختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه .

۱۰۱. ، اربع رسالات فی الغیبه، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه .

۱۰۲. ، الارشاد، دو جلد در یک مجلد، کنگره شیخ مفید، قم: ۱۴۱۳ ه .

۱۰۳. ، الرسائل فی الغیبه، دار المفید، بیروت: ۱۴۱۴ ه .

۱۰۴. علم الهدی، سیدمرتضی، جوابات المسائل التبانیات (رسائل الشریف)، دارالقران الکریم، قم.

۱۰۵. ، الانتصار، مؤسسه النشر الاسلامی، قم: ۱۴۱۵ ه .

۱۰۶. علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، دار الغدیر الجدید المنصوره، مصر: ۱۴۲۵ ه .

۱۰۷. العمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق، مهدی علیزاده، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله ، قم: ۱۳۷۵ه .ش.

۱۰۸. ، مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب، انتشارات مسجد جمکران، قم: ۱۳۸۰ه . ش.

۱۰۹.عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی، منشورات اعلمی، بیروت: ۱۴۱۷ ه .ش.

۱۱۰. غفار زاده، علی، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاصّ امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتشارات نبوغ، قم: ۱۳۷۵ ه .ش.

۱۱۱. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی علیه السلام عند اهل السنه، چاپ دوم، مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، قم: ۱۴۱۸ ه .

۱۱۲ . قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، بیست جلد، دارالشعب، قاهره: ۱۳۷۲ ه .

۱۱۳. قرطبی انصاری، القاب الرسول و عترته علیهم السلام.

۱۱۴. قزوینی، سید محمدکاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ه .ش.

۱۱۵. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بیروت.

۱۱۶. قشیری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، محمد فؤاد عبدالباقی، پنج جلد، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۱۷. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، انتشارات مرتضویه، نجف: ۱۳۵۶ه .

۱۱۸. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ه . ش.

۱۱۹. ، تتمه المنتهی، انتشارات پیام آزادی، تهران: ۱۳۷۹ ه .ش.

۱۲۰. ، سفینه البحار، چ اول، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ه .

۱۲۱. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، چ دوم، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ ه .ش.

۱۲۲. کشی، محمدبن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ه .ش.

۱۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی، المصباح، انتشارات رضی، قم: ۱۴۰۵ ه .

۱۲۴. گنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، دار المحجه البیضاء، بیروت، ۱۴۲۱ ه .

۱۲۵. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۶۵ه .ش.

۱۲۶. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران: ۱۳۷۸ ه .ش.

۱۲۷. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، موسسه معارف اسلامی، قم: ۱۴۱۱ ه.

۱۲۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، موسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ه .

۱۲۹. مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، بی تا.

۱۳۰. مازندرانی، محمدبن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، ۴ جلد، موسسه انتشارات علامه، قم: ۱۳۷۹ ه .ش.

۱۳۱. المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنزالعمال، شانزده جلد، موسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ ه.

۱۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۱۱۰ جلد، موسسه الوفاء، بیروت: ۱۴۰۴ ه .

۱۳۳. ، حق الیقین، انتشارات کانون پژوهش، ۱۳۸۰ ه .ش.

۱۳۴. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، پانزده جلد، دارالحدیث قم، ۱۳۷۷ه .ش.

۱۳۵. مرکز فرهنگ و معارف قران، دایرهالمعارف قران کریم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم: ۱۳۸۲ه .ش.

۱۳۶. المروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، دارالفکر، بیروت: ۱۴۲۴ ه .

۱۳۷. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، موسسه انصاریان، قم: ۱۴۱۷ ه .

۱۳۸. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، چ سوم، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد: ۱۳۷۵ ه .ش.

۱۳۹. ، تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، چ ششم، انتشارات اشراقی،

۱۴۰. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، انتشارات صدرا، قم: ۱۳۷۹ ه .ش.

۱۴۱. المظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۰ ه . ش.

۱۴۲. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم: ۱۳۷۷ ه .ش.

۱۴۳. ، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی التمهید، قم: ۱۳۷۹ ه .ش.

۱۴۴. المقدسی الشافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، انتشارات ناصح، قم: ۱۴۱۶ ه.

۱۴۵. مکارم شیرازی ، ناصر، تفسیرنمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ه .ش.

۱۴۶. ، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مدرسه امام علی علیه السلام ، قم:۱۳۸۰ ه .ش.

۱۴۷. ، القواعد الفقهیه، مدرسه الامام امیر المؤمنین علیه السلام، قم: ۱۴۱۱ ه .

۱۴۸. موسوی اصفهانی، سیّد محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ه .ش.

۱۴۹. نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، دوجلد، انتشارات جامعه مدرسین، قم: ۱۴۰۷ه .

۱۵۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران: ۱۳۹۷ ه .

۱۵۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، هیجده جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ه .

۱۵۲. نیشابوری، محمدبن حسن فتال، روضه الواعظین، انتشارات رضی، قم.

۱۵۳. هاشمی شهیدی، سیّد اسداللّه، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ه .ش.

۱۵۴. هلالی کوفی، سلیم بن‌قیس، کتاب سلیم بن قیس، انتشارات الهادی، قم:۱۴۱۵ ه .

===

بسم الله الرحمن الرحیم

(و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)

(قصص/۵)

(اللهم اعنا علی تادیه حقوقه الیه)

«خدایا! ما را در ادای حقوقی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر ما دارد یاری فرما»

ضرورت تأسیس: اندیشه «مهدویت» به دلیل دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد بسیار، یکی از توان‌مندترین عوامل رشد جامعه دینی ما است. طرح درست و گسترش این فرهنگ نورانی در جامعه، باعث رشد، بالندگی هر چه بیشتر جامعه و حفظ آن از فرو غلتیدن در فسادها و تباهی‌ها است.

مهدویت، از مظلوم‌ترین مسائل بوده است، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، پیش از انقلاب اسیر کج فکری برخی گروه ها بود و پس از آن نیز ترس از اتهام انتساب به گروه های انحرافی، برای بازداشتن و انزوای افراد کافی بود، ولی در چند سال اخیر، با کوشش برخی مراکز و با به میدان آمدن تنی چند از افراد شناخته شده و همراه و هماهنگ با انقلاب اسلامی، این سد غربت شکسته شد و این مسأله از انزوا خارج گردید.البته آن گونه که شایسته است، به آن پرداخته نشد و در نتیجه بیش از دو دهه رکود بر این مباحث سایه انداخت. این رکود، تنها با تلاش مضاعف همه نهادها، مسؤولان، پژوهشگران و اندیشمندان جبران می شود.

کوتاهی و کم کاری در این امر مقدس و خطیر، از یک سو زمینه ساز بروز خرافات و سطحی نگری واز سوی دیگر موجب در دست گرفتن این مقوله سترگ به وسیله افرادی ناشایست کم دانش و یا بی دانش شده است.از این رو بایسته است، حوزه علمیه به عنوان متولی این امر گام های جدی تری در این راه بردارد و با تقویت مرکز تخصصی و مشارکت و نظارت بر مراکزی که در این جهت فعالیت می کنند، به آموزش و پژوهش در این عرصه و سپس ارائه و تبلیغ آن در داخل و خارج کشور همت گمارند، چه اینکه اگر حقیقت تبیین و تقویت نشود ، باطل تعزیه گردان می شود!!

شمع فروزنده چو پنهان شود   شب پره بازیگر میدان شود

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال ۱۳۷۹ به پیشنهاد حجه الاسلام و المسلمین محسن قرائتی و با همکاری برخی از شخصیت های علمی و فرهنگی و موافقت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای -دام ظله العالی- تأسیس گردید این بنیاد در سال ۱۳۸۰ با هدف گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در سطح جامعه (به ویژه نسل جوان و فرهیخته) و تربیت مبلغ، پژوهشگر و مدرّس مباحث مهدویت و به منظور پشتوانه علمی و فرهنگی - با کسب مجوز از شورای عالی حوزه علمیه قم- مرکز تخصصی «امامت و مهدویت» را در قم راه اندازی کرد.

محور فعالیت ها:

محور اول: آموزش

۱. آموزش تخصصی ویژه طلاب حوزه علمیه ؛ دانش پژوهان پس از قبولی در آزمون کتبی و مصاحبه علمی، طی مدت سه سال و گذراندن ۶۰ واحد درسی تخصصی، ۱۵ واحد عمومی، ۱۸ واحد پیش نیاز، ۸ واحد مطالعاتی، ۸ واحد گرایش و ۴ واحد پایان نامه در مقطع سطح ۳ حوزه(کارشناسی ارشد) فارغ التحصیل می شوند. تا کنون بیش از ۱۴۰ نفر پذیرش و ۷۰ نفر، فارغ التحصیل شده اند . برخی از عناوین آموزشی عبارتند از:

«تاریخ تحلیلی اسلام، امامت عامه و خاصه، مبانی اعتقادی مهدویت، مهدویت در قرآن ، تاریخ عصر غیبت، مستشرقین و مهدویت، فرجام شناسی، فرقه ها و جریان های انحرافی، مهدویت و مسائل جدید کلامی، منجی در ادیان، منبع شناسی، حدیث شناسی، جهانی شدن و جهانی سازی، آسیب شناسی، شبهه شناسی و...».

۲. آموزش کوتاه مدت: به منظور گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت در میان عموم جامعه و پاسخ گویی به نیازهای فکری و اعتقادی آنها و مقابله با شبهات و افکار انحرافی بخش آموزش کوتاه مدت راه اندازی ومباحث مهم مهدویت در سطوح مختلف آموزش داده شد. تا کنون بیش از ۹۰ مرکز حوزوی، دانشگاهی، نظامی و ... این دوره را گذرانده اند. مرکز آماده ارائه این دوره ها برای عموم علاقه مندان است

۳. آموزش مکـاتبه ای: علاقمنـدان فراگیری مبـاحث مهـدویت، می تواننـد بـا این بخش تماس گرفته و تقاضای خود را اعلام کنند. پس از ثبت نام، جزوات و کتاب های آموزشی به همراه نوار کاست یاCD ، به نشانی ایشان ارسال می گردد و بعـد از گذراندن مباحث، امتحان به عمل می آید.

۴. مرکز آمـوزش مجـازی مهـدویت؛ بـا تـوجه به گسـترش فن آوری اطلاعـات و لزوم فراگیری مبـاحث مهـدویت، مدرسـه مجازی مهدویت در سه بخش تأسیس گردید:

بخش اول: آموزش در سطوح مختلف عمومی شامل مباحث آموزشی کوتاه مدت؛

بخش دوم: آموزش نیمه تخصصی؛ شامل برخی از عناوین تخصصی مهدویت و پاسخ به شبهات؛

بخش سوم: آموزش تخصصی؛ شامل مباحث سطح ۳ (کارشناسی ارشد)

همچنین دوره هـای ویژه ای برای اقشار مختلفماننـد: دانشـجویان، اساتیـدو.... برگزار می گردد. تا کنون بیش از سه هزار نفر در بخش کوتاه مدت ثبت نام کرده و آموزش دیده اند.

علاقه مندان جهت ثبت نام در دوره کوتاه مدت می توانند به نشانی ذیل مراجعه کنند.

www. mahdaviat. net

www. i mammahdi - s.com

و مشـتاقان مراکز علمی و فرهنگی بـا تمـاس با این مرکز، می تواننـد به صورت گروهی این دوره را بگذراننـد. بخش پژوهش مجازی و بهینه سازی و ساماندهی امور پژوهشی، در آینده راه اندازی خواهد شد.

محور دوم: پژوهش

با توجه به اهـداف بنیاد فرهنگی حضـرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مرکز تخصصـی مهدویت - به منظور ایجاد زمینه مناسب جهت پژوهش در موضوعات گوناگون مهدویت و ساماندهی آن، معاونت پژوهش شکل گرفت.

بعضی از فعالیت های پژوهشی به شرح ذیل است:

۱. پژوهش‌های کلان نگر درعرصه مهدویت؛

۲. شناسایی و طرح عرصه های جدید پژوهش؛

۳. ارائه مشاوره در زمینه پایان نامه های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا و دیگر تحقیقات حوزوی و دانشگاهی؛

۴. پشتیبانی علمی کانون های فرهنگی؛ دانشگاهی و حوزوی؛

۵. رشد توان مندی علمی دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت؛

۶. گروههای تخصصی پژوهش درعرصه های مختلف (نظیر نقد آثار غرب درباره آخرالزمان و ...)؛

۷. بررسی و نقد رسانه ها، صدا و سیما و مطبوعات؛ به همراه ارائه پیشنهادها و موضوعات کارشناسی، جهت ارتقای کمی و کیفی برنامه ها و آسیب شناسی‌ها

۸. انجام پژوهش‌های میدانی؛ جهت آسیب شناسی و گسترش و تعمیق فرهنگ مهدویت.

پایگاه اطلاع رسانی مهدویت(سایت):

در جهت گسترش فرهنگ مهدویت، با بهره گیری از فن آوری های جدید، «پایگاه اطلاع رسانی مهدویت» با موضوعات متنوع، در سال ۱۳۸۱ راه اندازی گردید. از مهم ترین بخش‌های این پایگاه

۱- ارائه اطلاعات مربوط به کتاب‌ها، مقالات و پایان نامه هایی است که در این زمینه نگارش یافته است.

۲-مقالات فصلنامه تخصصی انتظار، در این سایت قابل دسترسی است. در بخش دیگر سایت.

۳- متن کامل کتاب‌های منتشرشده بنیاد در اختیار علاقه‌مندان قرار می گیرد.

۴- میزگرد از دیگر بخش‌های این پایگاه است که کاربران علاقمند به موضوعات مهدوی را قادر می سازد تا در این بخش با هم به گفت وگو بپردازند.

۵-بخش مسابقه پایگاه نیز فعال بوده و هر ماه به برندگان جوایزی اهدا می گردد.

۶- بخش «مهدیه» که حاوی سخنان استادان کارشناس درعرصه مهدویت بوده و مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است.

بانک اطلاعات : شامل ده ها نرم افزار در منابع و متون مهدویت و.. ..

کتابخانه تخصصی مهدویت: کتابخانه ای غنی شامل صدها عنوان کتاب و نشریات مختلف فارسی و عربی و پایان نامه ها.

کتابخانه الکترونیکی جامع مهـدویت: ارائه متن کلیه کتاب‌ها و منابع مهدویت با نمایه گذاری موضوعی، از طریق پایگاه اطلاع رسانی مهدویت به همراه ارائه نرم افزار (در دست اقدام).

دانشنامه الکترونیکی: تبیین اعلام، معارف و اماکن و اصطلاحات روز و موضوعات مربوط به مهدویت (به صورت الکترونیکی و ارائه CD)

تدوین و تألیف:، بنیاد تا کنون ۳۰ عنوان کتاب و پایان نامه با موضوعات مهدویت برای سطوح مختلف سنی تدوین، تالیف و چاپ نموده است ؛ از آن جمله: زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نگاهی دوباره به انتظار، از حسین علیه السلام تا مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سنت نبوی، حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیث ثقلین، فرهنگنامه مهدویت، نگین آفرینش، نینوا و انتظار، انتظار پویا، آینده جهان، دکترین مهدویت، درسنامه مهدویت، ضرورت طرح مباحث مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریفدر قرآن، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات شیعه و سنی، اندیشه مهدویت و آسیب ها، مهدی ستیزان، شمیم و... می باشد. جهت خرید و سفارش با بخش انتشارات تماس حاصل نمایید.

کتاب شناسی جامع، جهت معرفی منشورات مهدویت:

این پروژه به بررسی بیش از ۳۳۰۰ عنوان کتاب، پایان نامه و مقاله با موضوع مهدویت پرداخته است. محصول این کار در اسفند ماه ۱۳۸۳ با عنوان «مرجع مهدویت» به همراه لوح فشرده عرضه گشته است . همچنین در پایگاه اطلاع رسانی انعکاس یافته و به روز می گردد. بررسی نسخه های خطی و آثار جدید، قسمت بعدی این پروژه است.

فصلنامه انتظار:

یکی از دستاوردهای مهم و با برکت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، فصلنامه علمی ـ تخصصی «انتظار» است این نشریه حاصل تلاش جمعی از فرهیختگان و اساتید حوزه و دانشگاه است و از سوی مرکز تخصصی مهدویت قم تدوین و منتشر می شود.

فصلنامه مزبور عهده دار مباحث و موضوعات مهدویت به طور علمی و دقیق بوده و تا کنون ۱۶ شماره آن منتشر شده است . دو ویژه نامه دکترین مهدویت و عدالت مهدوی نیز از جمله شمارگان فصلنامه می باشد.

بروشور:

بنیاد برای ارائه معارف مهدویت به صورت فراگیر و مختصر تا کنون مبادرت به تدوین و تنظیم چند بروشور کرده است:

۱. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و رشد تربیت انسان،

۲. انتظار و عاشورا،

۳. درعصر غیبت تکلیف چیست؟

۴. سیمای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سیرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۵. چلچراغ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

۶. در انتظار خورشید،

۷. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در یک نگاه،

۸. مهدی یاوران و...،

یاوران افتخاری

جهت انجام فعالیت‌های مهدوی و گسترش فرهنگ مهدویت، بخشی به نام «یاوران افتخاری فرهنگ مهدویت» تشکیل شده است. علاقه‌مندان در زمینه هایی که دارای توانمندی هستند مانند: رایانه،امور هنری و... با یاری و راهنمایی اساتید مرکز تخصصی مهدویت، می توانند، به فعالیت بپردازند.

پاسخ به سئولات

از جمله فعالیت‌های مرکز، پاسخ به پرسش‌ها و شبهات در موضوع مهدویت و مباحث مربوط به آن است و تا کنون به صدها پرسش در این زمینه به صورت مکتوب و تلفنی پاسخ داده شده است. این بخش آمادگی دارد به کلیه پرسش ها و شبهات دریافتی، به صورت تلفنی، مکاتبه ای و ازطریق اینترنت پاسخ دهد.

در همین راستا مرکز اقدام به انتشار برگه های پست جواب قبول نموده است. که علاقه‌مندان می توانند پرسش ها و شبهات

خود را مطرح کرده و بدون

پرداخت هزینه ایی به صندوق پستی انداخته و پاسخ های خود را دریافت نمایند.

محور سوم:

تبلیغ و ارتباطات:

جهت گسترش و نشر فرهنگ صحیح مهدویت و تعمیق آن در سطوح مختلف جامعه، «معاونت تبلیغ و ارتباطات» بنیاد فعال بوده و در موارد ذیل فعالیت می کند:

۱. اعزام مبلغ و کارشناس: کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت - در حین تحصیل و یا بعد از فراغت از آن- با توجه به نوع مخاطب، به گروه‌های تخصصی تقسیم شده و به مراکز علمی و فرهنگی اعزام می شوند. تا کنون در بیشتر دانشگاه های کشور، مدارس، حوزه های علمیه، همایش های استانی و بین المللی، صدا و سیما، اردوگاه ها، مراکز نظامی و انتظامی و... در مناسبت های مختلف، اعزام شده و با برپایی جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، کلاس‌های کارورزی و کارگاهی، به نشر معارف مهدویت پرداخته اند. رایزنی با مراکز علمی، مساجد، صدا و سیما و .... جهت اعزام کارشناس و مشاوره ادامه دارد.

۲. کانون‌های دانشجویی: به منظور ایجاد فضای معطر «انتظار» در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی، با مشارکت نهاد مقام معظم رهبری، سازمان بسیج دانشجویی، جهاد دانشگاهی و دیگر نهادهای دانشجویی به همت دانشجویان عزیز، «کانون مهدویت» تأسیس شده ودر زمینه های زیر فعال بوده است:

برگزاری جلسات سخنرانی، پرسش و پاسخ، نقد فیلم های مرتبط با موضوع مهدویت، آموزش کوتاه مدت حضوری، اینترنتی و کلاس‌های کارگاهی و پژوهشی معرفی کتاب‌ها و منابع معتبر و برنامه مدون به همراه سرفصل های مطالعاتی و برپایی اردوی زیارتی به مسجد مقدس جمکران و...

۳. مسابقات: بنیاد و مرکز تخصصی قم جهت ایجاد انگیزه در افراد، برای مطالعه و کسب شناخت و ارتقای سطح معرفت عمومی درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تا کنون اقدام به برگزاری بیش از ده مسابقه سراسری متنوع، برای اقشار مختلف - همراه با جوایز ارزنده - نموده است.

۴. امور هنری: با توجه به اینکه دنیای امروز، دنیای تصویر و رسانه است بنیاد با ارائه موضوعات مناسب و متنوع به هنرمندان، آنان را به فعالیت

درعرصه مهدویت تشویق کرده است وهمچنین جلسات متعددی با ارباب هنر و اندیشه داشته و هنرمندان را برای نگارش فیلمنامه و نمایشنامه به سوی موضوعات مهدوی رهنمون ساخته است.

۵. ارتباط با رسانه ها: به منظور ترویج مباحث مهدویت و پاسخ گویی به شبهات مطرح شده، بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت، با تشویق و ترغیب اساتید و دانش پژوهان خود، برای ارائه مقالات در مطبوعات و معرفی کارشناسان به صدا و سیما (در برنامه های متعدد و شبکه های مختلف) و نیز راهنمایی و تشویق سازندگان برنامه های صدا و سیما ....، گامی دیگر در بسط فرهنگ انتظار برداشته شده است.

۶. تولید ابزار صوتی و تصویری : تولید و پخش کاست وCD برای اقشار مختلف جامعه، از دیگر اقدامات می باشد که گلچین مولودی خوانی مداحان مطرح و مناجات حضرت ولی عصر(عج) به بازار عرضه گردید.

۷. غنا بخشی جشن های نیمه شعبان و نهم ربیع الاول: بنیاد با چاپ پوستر، بروشور و مشارکت در این جشن ها اقدامات مختلفی صورت داده است.

۸. اردوگاه یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: مسجد مقدس جمکران تجلی گاه یاد و نام حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و مورد توجه عاشقان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده و هست، بنیاد جهت ایجاد فرصت و فضای مناسب و ارتقای سطح معرفتی و عاطفی زائران و اسکان آنها، اقدام به احداث اردوگاهی در کنار مسجد مقدس جمکران برای نسل نو- بویژه دانش آموزان و دانشجویان- نموده است.

این بنای عظیم در زمینی به مساحت ده هزار متر مربع در حال احداث است. آرزومندیم با عنایات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و کمک مؤمنان در آینده نه چندان دور شاهد بهره برداری از آن باشیم.

ص: ۲۸۷

آدرس بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف:

تهران خیابان شریعتی- خیابان ملک- نبش خیابان شهید یوسفیان- پلاک ۱

ص.پ ۱۵۶۵۵-۳۵۵

تلفن ۸۸۴۰۸۴۱۹

فاکس ۸۸۴۰۸۰۲۴

آدرس مرکز تخصصی مهدویت:

قم- خیابان شهداء(صفائیه)- کوچه ۲۲(آمار)بن بست شهید علیان- مرکز تخصصی مهدویت

ص. پ ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵

تلفن ۷۸۳۳۷۷۰ -۷۷۴۰۲۹۷-۷۷۳۷۸۰۱

فاکس ۷۷۴۹۵۶۵ -۷۷۳۷۱۶۰

آدرس سایت: www. imammahdi- s.com

پست الکترونیکی: info@ imammahdi- s.com

جهت خرید و سفارش کتب مهدویت و اشتراک فصل نامه انتظار، با واحد انتشارات تماس بگیرید و مبلغ کتاب را به حساب جاری ۳۴۸۹ و یا سیبا ۰۱۰۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳ بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف واریز کرده و اصل فیش را به همراه آدرس پستی خود، و نام کتاب یا مجله به آدرس مرکز تخصصی مهدویت قم ارسال نمایید.

ص: ۲۸۸

لیست محصولات انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ردیف

نام کتاب قیمت (ریال) ۱

نگین آفرینش

۲ ۱۵۰۰۰

مرجع مهدویت با CD

۱۲۰۰۰۰

۳

آینده جهان (کتاب سال حوزه)

۲۸۰۰۰

۴

فرهنگ نامه مهدویت

۲۵۰۰۰

۵

دکترین مهدویت

۹۰۰۰

۶

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

۱۴۰۰۰

۷

انتظار پویا

۵۰۰۰

۸

جوانان یاوران مهدی

۴۰۰۰

۹

نینوا و انتظار

۷۰۰۰

۱۰

ضرورت طرح مباحث مهدویت

۲۰۰۰

۱۱

امام زمان در کلام آیت الله بهجت

۶۰۰۰

۱۲

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

۶۰۰۰

۱۳

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث شیعه و سنی

۶۰۰۰

۱۴

زمزمه های انتظار

۶۰۰۰

ردیف

نام کتاب قیمت (ریال) ۱۵

مهدی ستیزان

۲۵۰۰

۱۶

مهدویت و آسیب ها

۳۵۰۰

۱۷

فصلنامه علمی- تخصصی انتظار (۱۷-۱)

۸۰۰۰

۱۸

پژوهشی عقلی پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۵۰۰

۱۹

طلوع خورشید

۲۵۰۰

۲۰

امام مهدی در حدیث ثقلین

۶۰۰۰

۲۱

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۲۰۰۰

۲۲

شمیم

۳۰۰۰

۲۳

دولت مهدی سیرت مهدی

۴۰۰۰

۲۴

CD نقد فیلم نوستر آداموس

۱۵۰۰۰

۲۵

نگاهی دوباره به انتظار

۵۵۰۰

۲۶

درسنامه مهدویت

۲۵۰۰۰

۲۷

کارت بازی انتظار

۶۰۰۰

نحوه تقاضا: وجه کتاب درخواستی را به حساب سیبا (۰۱۰۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نام و تعداد کتاب های درخواستی به نشانی ذیل از طریق پست یا فکس ارسال نمائید.

نشانی: قم- خیابان شهداء (صفائیه)- کوچه آمار (۲۲)- بن بست شهید علیان- پلاک ۲۴-

تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰- کد پستی: ۱۱۹/۳۷۱۳۵

یادآوری: ۱) هزینه ارسال بعهده این مرکز می باشد. ۲) خریداران عمده از تخفیف ویژه برخوردار می باشند.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹